

جغرافیا ۱۲۴

روشد
آموزش

ISSN: 1606-9137

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان، دانشجو معلمان
دانشگاه‌های وابسته و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره سی و چهارم شماره ۱ پاییز ۱۳۹۸ ۸۰ صفحه ۴۹۵۰۰ ریال پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵
www.roshdmag.ir




وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

سیلاب‌های سال ۹۸ ایران
ارزشیابی مستمر پویایی درس جغرافیا
سفری به سواحل مکران



An aerial photograph showing a village completely inundated with muddy brown floodwater. The houses, mostly with flat or low-pitched roofs, are partially submerged. A road runs diagonally through the upper left portion of the image. The water level is high, reaching the roofs of many buildings. The overall scene depicts a severe flooding event.

سیلاب های اوایل سال ۱۳۹۸ ایران (آق قلا)

جغرافیا



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیر مسئول:

مسعود فیاضی

سر دبیر:

دکتر سیاوش شایان

هیئت تحریریه:

دکتر بهلول علیجانی، دکتر حمدالله سجاسی،

دکتر سیدمهدی موسی کاظمی، مرضیه سعیدی،

کوروش امیری‌نیا، حوری قاهری

مدیر داخلی: دکتر مهدی چوبینه

ویراستار: مرضی حاجی‌علی‌فرد

طراح گرافیک:

سیدحامد الحسینی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶

تلفن دفتر مجله:

۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ (داخلی ۳۷۴)

نمابر مجله: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶

صندوق پستی مجله: ۱۵۸۷۵/۴۵۸۵

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

پیام نگار: geography@roshdmag.ir

پيامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵

چاپ و توزیع: شرکت افست

شمارگان: ۲۳۰۰

سخن سردبیر / زندگی در مخاطره / دکتر سیاوش شایان ۲

فناوری‌های نو و جغرافیا / ارزشیابی مستمر پیویای درس جغرافیا

با کمک نرم‌افزار / مصطفی سهرابلو ۴

مخاطرات طبیعی / سیلاب‌های سال ۹۸ ایران / دکتر پیمان کریمی سلطانی ۸

آشنایی با پیش‌کسوتان / دکتر حسن احمدی / مرضیه سعیدی ۱۸

جغرافیای انسانی / جغرافیای تات‌ها / دکتر محمد طاهر خانی ۲۲

جغرافیای سیاسی / بی‌ثباتی‌های سیاسی و صنعت

گردشگری در غرب آسیا / مهین طالبی اسکندری و حسین مردانی ۳۰

با مخاطبان / نقدی بر مجله رشد آموزش جغرافیا / فریبا معمار راست، سپیده پورصمد و زینب جوانشیر ۳۹

گفت‌وگو / کتاب‌های جدیدالتألیف جغرافیا در نگاه سه تن از دبیران تبریز / نصرالله دادار ۴۰

جغرافیای گردشگری / باغ گیاه‌شناسی ملی ایران / زیبا جمزاد، فاطمه درگاهیان و سیدرضا صفوی ۴۸

جغرافیای تاریخی / باد سموم / دکتر اشرف السادات باقری ۵۶

گزارش / آموزش جغرافیا در دانشگاه فرهنگیان استان البرز / دکتر ولی‌اله نظری ۶۰

فعالیت‌های میدانی / سفری به سواحل مکران / شهلا نیرومند ۶۴

اخبار جغرافیایی / حوری قاهری ۷۰

معرفی منابع / دکتر سیدمهدی موسی کاظمی ۷۴

گیتاشناسی / عمان / سعید بختیاری ۷۸

عکس روی جلد: معین مطلق

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

* مقاله‌هایی را که برای درج در مجله رشد آموزش

جغرافیا می‌فرستید، باید با موضوع مجله مرتبط باشد و

قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. مقالاتی که علاوه بر

متن نوشتاری حاوی فیلم و تصویر باشند در اولویت چاپ

قرار خواهند گرفت.

* مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی

نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.

* مقاله یک خط در میان بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا ماشین شود.

* فایل word و pdf مقالات ضمیمه شده و صفحات مقاله حتما شماره گذاری شوند.

* اصل نقشه، جداول و تصاویر ضمیمه شود.

* نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی

دقت لازم مبذول شود.

* مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است.

* آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد نیست. بنابراین مسئولیت پاسخ‌گویی به

پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.

* مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.

بناهای تاریخی سوریه



این کشور را مستعد توفان‌های دریایی، امواج قوی، جزر و مدهای گسترده و در جنوب شرقی مستعد سونامی کرده‌اند.

ملاحظه می‌کنید در این پهنه جغرافیایی همین برخوردهای آب و هوایی و زمین‌شناختی و هیدروگرافیک (هیدرودینامیکی) کفایت می‌کند که کشوری با مخاطرات محیطی یا طبیعی متعدد داشته باشیم و این امر به ما یادآوری می‌کند که باید «زندگی در مخاطره» را بیاموزیم و به نسل‌های آینده نیز آموزش دهیم.

معمولا در مدیریت مخاطرات محیطی به چهار بخش توجه می‌شود: آمادگی برای وقوع مخاطره، پاسخ به مخاطره، بازیابی یا احیای پس از وقوع مخاطره و در نهایت، کاهش آسیب‌ها. به عبارتی، اگر بخواهیم در این سرزمین پر مخاطره زندگی کنیم باید همواره به چرخه این چهار بخش توجه کنیم.

آمادگی برای مخاطره را می‌توان به دو قسمت «آموزش برای زیستن در خطر» و «پژوهش درباره مخاطره» تقسیم‌بندی کرد. در بخش آموزش، جغرافی‌دانان با آموزش علل وقوع پدیده‌های طبیعت در

زندگی در مخاطره

جغرافی‌دانان و مخاطرات محیطی

دکتر سیاوش شایان

کتاب‌های

درسی از ابتدایی

تا متوسطه و آموزش

تخصصی در دانشگاه‌ها

تلاش‌های ارزشمند و قابل توجهی

داشته‌اند.

ده‌ها صفحه از کتاب‌های جغرافیا در

مقاطع مختلف تحصیلی عمومی (ابتدایی تا

متوسطه) و مجله رشد و آموزش جغرافیا (برای دبیران

آینده کشور) به بررسی پدیده‌های طبیعی (محیطی)

و علل وقوع آن‌ها و پهنه‌های در معرض آن‌ها) در کتاب‌های

استان‌شناسی) اختصاص یافته است. تقریباً می‌توان ادعا کرد که هیچ

دانش‌آموزی نیست که تا دیپلم متوسطه درس خوانده باشد و درباره

ماهیت این مخاطرات و چگونگی روبرویی با آن‌ها آموزش ندیده باشد.

این آموزش‌ها اگر هم کامل نیست، باید با آموزش‌های تکمیلی در

رسانه‌های جمعی (صدا و سیما)، شبکه‌های اجتماعی، کارگاه‌های

مشارکتی، مطبوعات و حتی سازمان‌های مرتبط به کمال برسد.

بعد دیگر آمادگی برای مخاطرات محیطی انجام پژوهش‌های

کاربردی و یافتن راه‌حل‌ها و مکان‌گزینی فعالیت‌های کاربری زمین

و انتخاب مکان‌های نسبتاً مناسب برای استقرار شهرها و روستاها و

تعیین میزان مخاطراتی است که این‌گونه فعالیت‌ها مکان‌های استقرار

و سکونت انسان را در گستره کشور تهدید می‌کنند.

بررسی چند مجله/ فصل‌نامه علمی - ترویجی - آموزشی و پژوهشی

موقعیت جغرافیایی کشور ما که

در چهارراه آب و هوایی، زمین‌شناختی و

هیدروگرافیکی جنوب‌غرب آسیا قرار دارد آن را با

مخاطرات محیطی متنوع و متفاوت روبه‌رو کرده است.

از سویی توده‌های هوا از سیبری، قفقاز، اقیانوس اطلس و

بیابان (صحرا) آفریقا و دریای سرخ و سودان به کشور ما وارد

می‌شوند و آن را محل فعالیت‌های خود قرار می‌دهند که ممکن

است به شکل مخاطرات آب و هوایی و هیدرولوژیک (مثل سیلاب)

داغباد و توفان‌های رگباری و توفان‌های گرد و غبار (ریزگردها) خود

را نشان دهند و از سوی دیگر قرار گرفتن در میان صفحات تکتونیکی

عربستان، اقیانوس هند، ایران مرکزی و سیبری (روسیه) که حرارت

آن‌ها ممکن است باعث وقوع زمین‌لرزه‌های متعدد شود. ویژگی‌های

هیدروگرافیک - هیدرولوژیک دریاها و اقیانوس‌های پیرامون ایران نیز

جغرافیایی نشان می‌دهد که در زمینه‌های مذکور جغرافی دانان کم‌کاری نکرده‌اند. ده‌ها پایان‌نامه و رساله‌های دانشگاهی و مقاله‌های حاصل از آن‌ها که در این مجلات به چاپ رسیده‌اند همه نشانه‌های پرکاری جغرافی دانان در جهت انجام وظایف این حوزه در قبال ساکنان این سرزمین است. جست‌وجوی مختصری در موتورهای جست‌وجوی عمومی و تخصصی درباره سیلاب، زمین‌لرزه، حرکات دامنه‌ای (لغزش، ریزش و همانند آن‌ها) و همچنین الگوی توفان‌ها و ریزش‌های رگباری و پهنه‌بندی این پدیده‌ها در مقیاس‌های ملی، منطقه‌ای و محلی، نشان می‌دهد که صدها مقاله در سطوح مختلف از سوی جغرافی دانان نوشته شده و راهکارهای کاهش آثار مخرب این پدیده‌ها در مکان‌های گوناگون کشور ارائه شده است. می‌توان گفت در این زمینه نیز جغرافی دانان نمونه قابل قبولی دریافت می‌کنند. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به وجود نسخه‌های فراوان برای در امان ماندن از مخاطراتی چون سیلاب (که نمونه آن را در سطح گسترده در اوایل سال جاری در بیش از بیست استان کشور مشاهده کردیم) و همچنین تجویزهایی برای حرکت‌های دامنه‌ای و کاهش آثار زمین‌لرزه‌ها و غیره، چرا باز هم در زمان بروز این پدیده‌ها و مخاطرات ناشی از آن‌ها همه ما یافته‌های علمی را فراموش می‌کنیم و انگار نه انگار که در این سرزمین پژوهش‌های متعدد در باب این پدیده‌ها انجام و توصیه‌ها، راهکارها و پیشنهادها گوناگون ارائه شده است!!

در پاسخ به مخاطره، یعنی دومین مرحله مدیریت مخاطرات محیطی، بیش از هر چیز، بارانی از سؤالات متعدد بر جغرافی دانان می‌بارد! همه درباره علل بروز پدیده، تأثیر آن بر زندگی مردم منطقه مورد نظر و راهکارهای کاهش آثار مخرب

آن می‌پرسند و جغرافی دانان بر حسب میزان درک و دانش خود به این سؤالات پاسخ می‌دهند. اما مشکل آنجاست که در این مرحله گاهی جغرافی دانان به رسانه‌های گروهی و اجتماعی به شکل مطلوب و گسترده دسترسی ندارند تا پاسخ‌های خود را به اطلاع سایر سؤال‌کنندگانی که در فاصله‌های دور زندگی می‌کنند، برسانند. با این حال، بررسی‌های میدانی و شواهد در زمینه سیلاب اخیر و وقایع قبلی زمین‌لرزه و همانند آن‌ها نشان می‌دهد که جغرافی دانان تا آنجا که توانسته‌اند به سؤالات دانش‌آموزان، خانواده‌ها و جوامع محلی پاسخ داده و آن‌ها را روشن کرده‌اند. در هنگام بروز این وقایع معمولاً کنجکاو افراد جامعه نسبت به پدیده مخاطره و سایر پدیده‌های طبیعت برانگیخته می‌شود و این امر فرصت خوبی است که با ارائه پاسخ‌های مستدل و علمی به کنجکاوهای مردم پاسخ داد و روحیه تفکر علمی آنان را ارتقا بخشید. مسلماً با بهره‌گیری از رسانه‌های گروهی همچون صدا و سیما، مطبوعات و میزگردها و جلسات پرسش و پاسخ، می‌توان این روحیه را در میان جمع بیشتری گسترش داد و از بروز شایعات بی‌اساس و غیرعلمی و رواج آن در میان جامعه جلوگیری کرد.

سومین مرحله، مرحله بازیابی یا احیای جامعه در معرض مخاطره است، یعنی کسانی که به مخاطراتی نظیر سیلاب گرفتار آمده‌اند یا بر اثر رانش زمین، املاک و خانه‌ها و زمین‌های کشاورزی خود را از دست داده‌اند یا جاده‌ها و ارتباطات آن‌ها با دیگر جوامع به طور موقت بر اثر مخاطره قطع شده است. در این مرحله معمولاً سازمان‌ها و گروه‌ها و داوطلبان امداد و نجات و دیگر سازمان‌های

امدادی به کمک حادثه‌دیدگان می‌شتابند.

معمولاً این امر هنگامی

کارآمد خواهد بود که به شکل

سازمان‌یافته و با شناسایی زمینه‌های

جغرافیایی، اجتماعی، روحی و روانی جامعه

حادثه‌دیدنده همراه باشد. همچنین این کار باید

با مشارکت مردم محلی و با دیدگاهی همسو با

حادثه‌دیدگان صورت گیرد. هرچه مشارکت مردمی در

این زمینه در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی بیشتر

باشد، عبور از مرحله بازیابی و احیای جامعه و افزایش تاب‌آوری

آنان تا بازگشت به شرایط زندگی قبل از مخاطره آسان‌تر و سریع‌تر

انجام می‌گیرد. جغرافی دانان در این مرحله در قالب گروه‌های داوطلب

و سازمان‌های امداد و نجات و گروه‌های مردمی در جریان سیلاب‌های

اخیر، زلزله‌های سال‌های گذشته و سایر وقایع وارد عمل شده و تا

آنجا که توانسته‌اند به التیام دردهای مردم و تسکین ناراحتی‌های

جوامع حادثه‌دیدنده پرداخته‌اند. اگرچه آماری از حضور جغرافی دانان

در جریان این وقایع در دسترس نیست، اما با توجه به روحیه

از خودگذشتگی، نوع‌دوستی و محبتی که از جغرافی دانان سراغ داریم،

مسلماً در این مرحله نیز از یاری سانحه‌دیدگان با روش‌های گوناگون،

اهدای کمک‌های مالی، اهدای وسایل زندگی، حضور در محل حادثه

و هرگونه کمک که از آنان ساخته است، دریغ نکرده‌اند. این امر البته

مخصوصاً به جغرافی دانان نیست و همه متخصصان رشته‌های مختلف

و حتی مردم عامی را در برمی‌گیرد.

بالاخره مرحله چهارم، یعنی کاهش آسیب‌ها و آمادگی برای

دوره مخاطرات فرا می‌رسد که در قالب ارائه راهکارها، مشاوره‌ها و

شرکت در جلسات بازسازی و ارائه تخصص‌های ویژه جغرافی دانان

انجام می‌گیرد و جغرافی دانان با توجه به آموخته‌های خود از

تکرار وقایع و دامنه وقوع آن‌ها می‌توانند مشاوره‌های ارزشمندی

در باب انتخاب مکان‌های مناسب استقرار فعالیت‌ها و مکان‌های

توسعه آینده روستاها و شهرها، چگونگی بازسازی راه‌های ارتباطی

و نگهداری آن‌ها، مشخص کردن کاربری‌های زمین با توجه به

ویژگی‌های زمین و پدیده‌های جغرافیایی منطقه مورد نظر

ارائه دهند و گروه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای مسئول را در این

زمینه‌ها و دیگر مواردی که مرتبط با آموخته‌های جغرافیایی آنان

است، یاری کنند. ما اطلاعات و آماری از مشارکت جغرافی دانان

در مرحله چهارم سیلاب‌های اخیر کشورمان، توفان‌های گرد و

غبار سال‌های اخیر، خشکسالی‌های طولانی، فرونشست زمین،

زمین‌لرزه‌ها، حرکات‌های دامنه‌ای و توفان‌های رگباری نداریم، اما

می‌دانیم هر جا به جغرافی دانان مراجعه شده است آنان با رویی

گشاده و آغوشی باز از پیشنهادها همکاری استقبال کرده‌اند.

البته فراموش نکنیم که این امر به اراده تصمیم‌گیران و مسئولان

بسیاری از نکات ریز و درشت وابسته است و باید تقاضایی باشد تا

عرضه صورت گیرد.

اگر می‌خواهید دنباله این حکایت جغرافی دانان و مخاطرات

محیطی را بدانید، دوباره مرحله اول را در این نوشته با دقت مطالعه

کنید.



اشاره
ارزشیابی،
اطمینان یافتن از
قرار گرفتن دانش‌آموزان
در سطحی قابل قبول از
مراحل یادگیری است و ایجاد
بازخورد از وضعیت یادگیری و فعالیت
دانش‌آموزان به حساب می‌آید. در روش‌های
ارزشیابی سنتی بر میزان محفوظات و معلومات و
توانایی پاسخ‌گویی به پرسش‌های کلیشه‌ای و کتاب و
جزوه تأکید می‌شد که شیوه انجام آن بیشتر پرسش‌های
شفاهی و کتبی بود. در روش‌های امروزی آموزش، کلاس درس،
کتاب درسی و کلام معلم، تنها مراجع یادگیری و معلومات و
همچنین محفوظات دانشی موضوع یادگیری نیستند. بنابراین،
ارزشیابی نیز دچار تحول اساسی مبتنی بر راهکارهای جدید
شده است که دو بخش اصلی دارد: مستمر (تکوینی) و پایانی.
در این مقاله به ارزشیابی مستمر (تکوینی) که بازه زمانی
آن را یک سال تحصیلی (ترم اول و دوم) و بازه مکانی آن را
مدرسه و دیگر موقعیت‌های یادگیری تشکیل می‌دهند، توجه
شده است و برای اجرای ارزشیابی مستمر مناسب و هدفمند
در درس جغرافیای دوره متوسطه دوم، به طراحی و معرفی
نرم‌افزار «ارزشیابی مستمر پویای درس جغرافیا» و ویژگی‌های
آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: جغرافیا، ارزشیابی مستمر، ارزشیابی پویا،
نرم‌افزار پیشرفت درس

ارزشیابی مستمر پویای درس جغرافیا با کمک نرم‌افزار

مصطفی سهرابلو

دبیر آموزش و پرورش شهرستان بیجار

ارزشیابی مستمر درس جغرافیا

ملاك های ارزشیابی مستمر درس جغرافیا

ردیف	موضوع	توضیح	تعداد نمرات	نوع سؤال	نوع نمره	نوع سؤال	نوع نمره	نوع سؤال	نوع نمره	نوع سؤال	نوع نمره	نوع سؤال	نوع نمره	نوع سؤال	نوع نمره	نوع سؤال	نوع نمره
۱	مفاهیم پایه	تعاریف و مفاهیم	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰
۲	انواع سواحل	سواحل طبیعی و مصنوعی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰
۳	انواع رودها	رودهای طبیعی و مصنوعی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰
۴	انواع آب و هواها	انواع آب و هواها و ویژگی‌ها	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰
۵	انواع کوهها	انواع کوهها و ویژگی‌ها	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰
۶	انواع زمین‌لرزهها	انواع زمین‌لرزهها و علل آنها	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰
۷	انواع طوفانها	انواع طوفانها و علل آنها	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰
۸	انواع برفها	انواع برفها و علل آنها	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰
۹	انواع یخبندانها	انواع یخبندانها و علل آنها	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰
۱۰	انواع برفها	انواع برفها و علل آنها	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰
۱۱	انواع یخبندانها	انواع یخبندانها و علل آنها	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰
۱۲	انواع برفها	انواع برفها و علل آنها	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰
۱۳	انواع یخبندانها	انواع یخبندانها و علل آنها	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰
۱۴	انواع برفها	انواع برفها و علل آنها	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰
۱۵	انواع یخبندانها	انواع یخبندانها و علل آنها	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰	تستی	۱۰

تصویر ۱

۴. نقاط ضعف و قوت تک تک دانش آموزان و همچنین نقاط ضعف و قوت مجموع کلاس در چه مواردی است؟

و چون آموزش نوین کاملاً دوسویه و تعاملی است، در فرایند ارزشیابی مستمر، خود دانش آموز هم اطلاعاتی به دست می‌آورد که طی آن:

۱. از میزان توانایی‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های خود باخبر می‌شود.
 ۲. با باز خورد مناسبی که معلم در این فرایند به او می‌دهد، می‌تواند نقاط قوت خود را رشد و نقاط ضعف خود را برطرف کند.
- فرایند ارزشیابی مستمر که ملازم همیشگی آموزش معلم است، با تعیین ملاک‌هایی روشن و محدود با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت یادگیری کلاس و دانش آموزان مشخص می‌شود و به اطلاع دانش آموزان می‌رسد. در این مقاله به معرفی نرم افزار «ارزشیابی مستمر پویای درس جغرافیای متوسطه دوم» که توسط نگارنده طراحی شده است، پرداخته می‌شود و کاربردهای آن در ارتباط با فرایند ارزشیابی مستمر درس جغرافیا معرفی خواهد شد.

ویژگی‌های نرم افزار ارزشیابی مستمر پویای درس جغرافیا

۱. این نرم افزار در قالب فایل اکسل^۱ طراحی شده است که به راحتی روی رایانه‌ها و حتی تلفن‌های همراه هوشمند قابل اجراست و حجم بسیار کمی دارد (تصویر ۱)

۲. مشخصات دانش آموزان در سلول یا خانه‌های مربوطه توسط معلم وارد برنامه می‌شود. معلم همیشه می‌تواند اطلاعات تک تک دانش آموزان را بدون محدودیت برای بررسی و برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر به همراه داشته باشد.

۳. این نرم افزار برخلاف دفتر نمره‌های کاغذی، محدودیت در تعداد صفحات ندارد و بخش‌های مختلف آن نیز پویا و بصری است و به آسانی برای دفعات مختلف (هفته، ماه، ترم و ...) و حتی درس جغرافیای پایه‌های دیگر نیز می‌توان از آن استفاده کرد.

۴. با توجه به یکی از این قابلیت‌های برنامه، می‌توان برای ارزشیابی دقیق‌تر و جذاب‌تر با توجه به شرایط کلاس‌ها، عناوین بخش‌ها و

ارزشیابی مستمر (تکوینی)

ارزشیابی مستمر شامل آن دسته از فعالیت‌های معلم می‌شود که در کلاس درس برای آگاهی از وضعیت یادگیری و رشد دانش آموزان در طول یک سال تحصیلی و ارائه باز خورد به دانش آموزان جهت رفع نقاط ضعف و بهبود نقاط قوت انجام می‌پذیرد. در سند برنامه درسی ملی، ارزشیابی «۱. به صورت مستمر تصویری روشن و همه جانبه از موقعیت کنونی دانش آموز، فاصله او با موقعیت بعدی و چگونگی اصلاح آن متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای وی ارائه می‌کند... ۲. ضمن حفظ کرامت انسانی، کاستی‌های یادگیری را فرصتی برای بهبود موقعیت دانش آموز می‌داند؛ ۳. کاستی‌های یادگیری را فرصتی برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی می‌داند» (برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲: ۴۷).

ارزشیابی مستمر یعنی ارزشیابی رشددهنده و سازنده. همچنین در خصوص اصول حاکم بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی برنامه درسی ملی به مواردی تأکید شده است، از جمله در بند ۱-۱۰: «با استفاده از انواع روش‌ها و ابزارها بتواند توانایی دانش آموزان را در بهره‌گیری از شایستگی‌های پایه در موقعیت‌های مختلف، به صورت معنادار منعکس کند» و در بند ۲-۱۰ «با ارائه شواهد متنوع و کافی، امکان قضاوت در خصوص سطح دستیابی دانش آموزان به اهداف و چگونگی اقدام مؤثر را منعکس کند». بنابراین معلم با این شیوه، اطلاعاتی را با این اهداف جمع‌آوری می‌کند. در نتیجه، گام بعدی در فرایند آموزش مشخص می‌شود:

۱. این شیوه برای دانش آموزان چقدر جذاب و گیرا بوده است؟
۲. در طرح درس جلسه بعد، امروز، فردا یا هفته دیگر، چه چیزهایی باید تغییر کند؟
۳. تفاوت‌های فردی دانش آموزان در چیست؟

نام کلاس / نام نصاب		ترم ۱	سال دوم متوسطه - کلاس دهم												
ارزشیابی مستمر درس جغرافیا												ملاک های ارزشیابی مستمر درس جغرافیا			
تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم
۱۵/۷۷	۱۷/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰
تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم
۱۵/۷۷	۱۷/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰

تصویر ۲

نام کلاس / نام نصاب	ترم ۱	سال دوم متوسطه - کلاس دهم													
ارزشیابی مستمر درس جغرافیا												ملاک های ارزشیابی مستمر درس جغرافیا			
تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم
۱۵/۷۷	۱۷/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰
تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم
۱۵/۷۷	۱۷/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰

تصویر ۳

ارزشیابی مستمر شامل آن دسته از فعالیت های معلم می شود که در کلاس درس برای آگاهی از وضعیت یادگیری و رشد دانش آموزان در طول یک سال تحصیلی و ارائه بازخورد به دانش آموزان جهت رفع نقاط ضعف و بهبود نقاط قوت انجام می پذیرد

فعالیت هایی را (آزمون عملکردی، آزمون کتبی، تهیه نشریه و نقشه های مختلف، ساخت دست سازه جغرافیا، ابتکار و خلاقیت و ...) که در کلاس جغرافیا انجام می شود با توجه به امکانات کلاس و مدرسه و طبق نظر و تشخیص معلم جغرافیا تغییر داد (تصویر ۲).

۵. با توجه به ثبت نمرات همه فعالیت های دانش آموزان در بخش های مختلف توسط معلم؛ برنامه، نمره میانگینی با توجه به همه موارد ارزشیابی مستمر درس جغرافیا برای تک تک دانش آموزان از بیست نمره اعلام می کند (تصویر ۳).

۶. طراحی برنامه به شکلی است که نمرات کمتر از ۱۰ را به رنگ قرمز نشان می دهد تا برای ارائه بازخورد عملکرد به راحتی به اطلاع معلم و مدیر و خود دانش آموزان برسد (تصویر ۳).

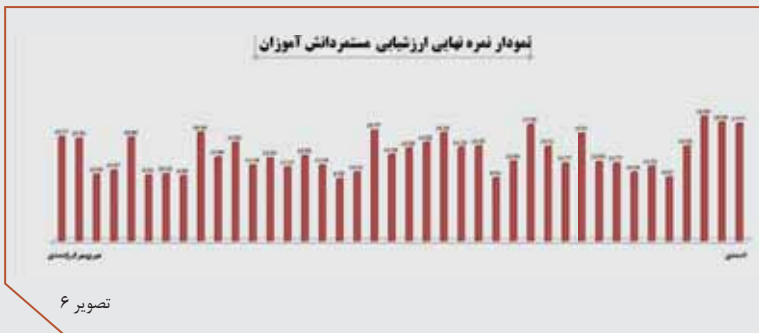
۷. قالب بندی صفحه نمرات به گونه ای است که با توجه به نمرات کسب شده بین بازه صفر تا بیست، با رنگ سبز کامل می شود و هر

ملاک های ارزشیابی مستمر درس جغرافیا											
تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم
۱۵/۷۷	۱۷/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰
تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم
۱۵/۷۷	۱۷/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰

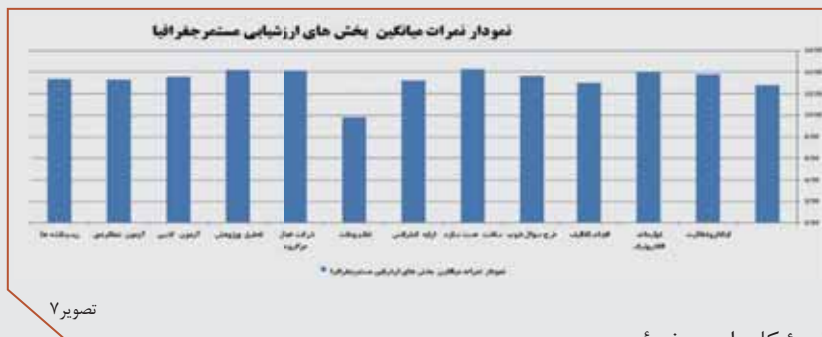
تصویر ۴

تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم
۱۵/۷۷	۱۷/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰
تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم	تیم
۱۵/۷۷	۱۷/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰

تصویر ۵



تصویر ۶



تصویر ۷

ردیف	نام دانش آموز	تاریخ	جغرافیا	مجموع	میانگین
۱	...	۸۰	۸۵	۱۶۵	۸۲.۵
۲	...	۷۵	۸۰	۱۵۵	۷۷.۵
۳	...	۸۵	۹۰	۱۷۵	۸۷.۵
۴	...	۷۰	۷۵	۱۴۵	۷۲.۵
۵	...	۸۰	۸۵	۱۶۵	۸۲.۵
۶	...	۷۵	۸۰	۱۵۵	۷۷.۵
۷	...	۸۵	۹۰	۱۷۵	۸۷.۵
۸	...	۷۰	۷۵	۱۴۵	۷۲.۵
۹	...	۸۰	۸۵	۱۶۵	۸۲.۵
۱۰	...	۷۵	۸۰	۱۵۵	۷۷.۵
مجموع		۷۸۰	۸۲۰	۱۶۰۰	۸۰

تصویر ۸

بیننده‌ای به خصوص معلم و دانش‌آموزان با مشاهده کلی این صفحه نمرات، خیلی آسان به نقاط ضعف تک‌تک دانش‌آموزان در بخش‌های مختلف درس جغرافیا و نقاط قوت هر دانش‌آموز پی می‌برند (تصویر ۴).

۸. ویژگی مهم و جالب دیگر این برنامه آن است که برای هر بخش از فعالیت‌های کلاس در پایین صفحه، نمره میانگینی محاسبه می‌کند و بدین صورت می‌توان نقاط قوت و ضعف را این بار برای همه فعالیت‌های مستمر کلاسی درس جغرافیا مقایسه و بررسی کرد. برای مثال: معلم پی می‌برد که کل دانش‌آموزان در بخش فعالیت‌های گروهی ضعیف‌اند و بنابراین نیاز به دقت نظر و برنامه‌ریزی بیشتر معلم دارند (تصویر ۵).

۹. ویژگی دیگر برنامه ارزشیابی مستمر درس جغرافیا، نمایش وضعیت نمرات دانش‌آموزان به صورت نمودار پویاست که با وارد شدن نمره جدید هر دانش‌آموز در هر یک از بخش‌ها به صورت لحظه‌ای تغییر را نشان می‌دهد. البته هدف از این نمودار، مقایسه دانش‌آموزان با یکدیگر نیست، بلکه میزان رشد دانش‌آموز نسبت به قبل است (تصویر ۶).

۱۰. نمودار دیگری نیز برای نمایش میانگین نمرات تک‌تک بخش‌ها و ملاک‌های ارزشیابی مستمر درس جغرافیا ارائه می‌شود که وضعیت نمرات بخش‌های مختلف ارزشیابی مستمر، مانند بحث گروهی، انجام آزمایش و ... را نمایش می‌دهد (تصویر ۷).

۱۱. دبیر جغرافیا می‌تواند برای هر یک از بخش‌ها و دانش‌آموزان یادداشت‌هایی را در صورت لزوم بنویسد و استفاده کند (تصویر ۸).

در پایان بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای نوین و جذاب در آموزش به بهبود فرایند آموزشی و فعال شدن دانش‌آموزان کمک خواهد کرد. نرم‌افزار ارزشیابی مستمر پویای درس جغرافیا با ویژگی‌های کاربردی و جذابی که دارد می‌تواند با ارائه اطلاعات کمی و کیفی مناسب از وضعیت فعالیت‌های دانش‌آموزان در درس جغرافیا و تدریس معلم، کمک زیادی به برنامه‌ریزی درسی مناسب معلم و بهبود فرایند ارزشیابی مستمر و به دنبال آن بهبود فرایند آموزش کند. ●

پی‌نوشت

۱. Excel

منبع

۱. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. اسفند ۱۳۹۲.

سیلاب‌های سال ۱۳۹۸ ایران، خسارت‌ها، علل و راهکارهای پیشگیری

چکیده

خارج شدن آب

از بستر فرعی و اصلی رودها
و ورود آن به بسترهای اتفاقی سبب

شکل‌گیری سیلاب‌ها و طبیعتاً بروز خسارت‌های

جانی و مالی به انسان‌ها می‌شود. با ورود توده‌های باران‌زا

به ایران از روز ۲۶ اسفند ماه ۱۳۹۷ و آغاز بارش‌ها در استان‌های

گلستان و مازندران، شاهد آغاز یک بلاي طبیعی کم‌نظیر به نام سیل

و سیلاب در کشور بودیم. تجمع و ماندگاری آب در بخش‌هایی از

استان گلستان و مازندران از یک‌سو و آغاز بارش‌ها از غرب و شمال

غرب در دو موج مجزا در اوایل فروردین ۱۳۹۸ از سوی دیگر، نشان

از آغاز یک بحران طبیعی در کشور می‌داد. بارش‌های کم‌سابقه و حتی

بی‌سابقه در دهه‌ها و سده‌های اخیر، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب

در کشور، ضعف در مدیریت بحران و ... سبب بروز خسارت‌های جانی

و مالی در استان‌های مختلف شد. از این‌رو در این مقاله تلاش شده

است تا گزارش کاملی از وقایع پیش آمده، خسارت‌ها، دلایل، راه‌های

پیشگیری، مدیریت بلایای طبیعی و ... ارائه شود. به سبب تقارن

تدوین مقاله با زیر آب بودن بخش‌هایی از استان خوزستان و عدم

اعلام رسمی بحران ناشی از سیلاب‌ها از سوی وزارت کشور و همچنین

انتشار نیافتن آمارهای رسمی از سوی مسئولان، از آمارهای منتشر

شده وزارت نیرو، سازمان هواشناسی کشور، سازمان مدیریت بحران

کشور، سایت‌های خبری معتبر، صداوسیما و وزارت کشور و برخی

از کارگروه‌های مدیریت بحران در استان‌ها، استفاده شده است.

میزان خسارت ناشی از سیلاب‌ها بین ۳۵ تا ۵۰ هزار

میلیارد تومان برآورد شده است و اغلب استان‌ها

به‌ویژه استان‌های گلستان، مازندران، لرستان

و خوزستان در برخی از مناطق، بسیاری از

زیرساخت‌های خود را از دست داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سیلاب‌های اوایل

سال ۱۳۹۸، خسارت‌ها،

علل، راهکارها، ایران،

رودخانه‌ها، لایروبی

دکتر پیمان کریمی سلطانی

دکتری ژئومورفولوژی

دبیر جغرافیا-کردستان





دفتر طرح و برنامه معاونت آبخیزداری وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۲) با مطالعاتی که روی سیلاب‌ها و خسارات ناشی از سیل در ایران بین چهار دهه از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۷۰ داشته، اعلام کرده است که در طی چهل سال، ۱۴۳۹ سیل مخرب و ویرانگر در کشور رخ داده است و تعداد رخداد این سیلاب‌ها هر چه از سال ۱۳۳۰ به سال ۱۳۷۰ نزدیک‌تر می‌شویم بیشتر شده است. این افزایش، رابطه‌ای با بارندگی ندارد، معلول عدم مدیریت صحیح توزیع جمعیت است، زیرا با افزایش جمعیت، از طرفی زمین‌های زیر پوشش مسکن و جاده‌ها افزایش یافته و به دنبال آن دخالت‌های انسان در برهم زدن مسیل‌ها و بافت طبیعی زمین، بر حجم رواناب افزوده است و از سوی دیگر، فشاری که به وسیله عامل افزایش جمعیت بر پوشش گیاهی مناطق آمده و آن‌ها را به فقر و نابودی کشانده، سبب شده است تا آب حاصل از بارش به سرعت به خط‌القعر برسد و سیلاب ایجاد شود (امیدوار، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

رستمی‌نیا (۱۳۸۵) با پهنه‌بندی شهر خرم‌آباد از نظر آسیب‌پذیری در برابر سیلاب‌ها بیان می‌دارد که ناحیه جنوبی شهر در برابر سیلاب بسیار آسیب‌پذیر است و آسیب‌پذیری شمال و شمال شرقی شهر کمتر است. وی علل افزایش ضریب احتمال سیل در خرم‌آباد را قرارگیری و توسعه شهر در ناودیس، کاهش نفوذپذیری زمین‌های شهری به دلیل پوشش آسفالت و سنگ‌فرش، ناکافی بودن عمق و عرض کانال‌های جمع‌آوری‌کننده و انتقال دهنده رواناب‌های سطحی (به‌ویژه کانال سیاه کمر)، قطر کم پل‌های احداث‌شده روی کانال‌ها و رودخانه‌ها و عدم لایروبی آن‌ها می‌داند.

شاهکویی (۱۳۸۵) در شرح وقوع سیل در شرق استان گلستان در مردادماه ۱۳۸۰ چنین می‌گوید: شدت بارندگی، عدم پوشش گیاهی مناسب، شیب بسیار زیاد، شکل حوضه آبریز و ... از جمله عوامل مؤثر در تشدید وقوع سیل فوق بوده‌اند. در اثر این سیلاب مهیب ۲۱۷ نفر جان باختند و ۷۸ نفر نیز مفقود اعلام شدند. مسدود شدن دو دهنه پل که ارتباط روستای لوه را با جاده اصلی برقرار می‌کرد، از مهم‌ترین علل تلفات زیاد در این روستاست.

سیل از شایع‌ترین بلایای طبیعی در ایران است، زیرا:

۱. ایران کشوری کوهستانی و ناهموار است و جریان‌های ایجادشده از کوهستان‌ها به محض ورود به دشت‌ها و جلگه‌های کشور در سطح زمین پخش می‌شوند و به مزارع، باغ‌ها، خطوط ارتباطی، روستاها و شهرها آسیب می‌رسانند.

۲. پوشش گیاهی در ایران ضعیف است و در بسیاری از موارد به سبب کمبود بارش، چرای بیش از حد دام‌ها و قطع جنگل‌ها آسیب‌دیده است.

۳. اگرچه مقدار متوسط سالانه بارندگی در کشورمان پایین است، ولی تغییرات مکانی و زمانی آن شدید است. به لحاظ زمانی در هر فصل از سال خطر ایجاد سیل در ایران وجود دارد (عباس‌نژاد و همکار، ۱۳۸۸). در اواخر سال ۱۳۹۷ و اوایل سال ۱۳۹۸ ورود دو جبهه بارشی به کشور، منجر به شکل‌گیری سیلاب‌هایی در استان‌های شمالی و غربی کشور شد. این جبهه‌ها و امواج بارشی عبارت بودند از:

۱. موج اول بارش‌ها: در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۶ با ورود یک جبهه بارشی به کشور و ادامه آن تا ۶ فروردین‌ماه ۱۳۹۸ و در طی مدت ۱۰ روز، ۵۰ میلی‌متر متوسط بارش‌های کشور افزایش یافت.

مقدمه

حوضه رودخانه‌ای،

که به حوضه هیدروگرافیک

نیز معروف است، یک فضای

جغرافیایی است که نزولات

آسمانی را جمع‌آوری و بدین ترتیب

تغذیه آب محدوده خود را تأمین می‌کند.

عمل هیدرولوژی یک حوضه با گسترش و

شکل توپوگرافی، خاک‌ها، پوشش گیاهی، ساختار

زمین‌شناسی و ... آن در ارتباط است و به شکل‌گیری

شبکه هیدروگرافی، که آن را آبیاری می‌کند و البته به آب

و هوایی که آن را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد، بستگی دارد

(رجایی، ۱۳۸۷: ۱۳).

خارج شدن آب از بستر اصلی رودها و ورود آن به بستر اتفاقی،

سبب شکل‌گیری سیلاب‌ها می‌شود. هنگامی که مقدار بارش از میزان

نفوذ به درون زمین و خاک‌ها بیشتر شود، آب‌های روان و سطحی

شکل می‌گیرند و با به هم پیوستن شاخه‌های فرعی آبراهه‌ها در محل

بسترهای اصلی رودها، آب از حوضه‌ها خارج می‌شود. هنگامی که

آبراهه‌های اصلی توان انتقال آب به خارج از حوضه‌ها را نداشته باشند،

با توجه به شرایط بارش، وضعیت توپوگرافی، ژئومورفولوژی و غیره

در حوضه‌های آبخیز، سیلاب‌ها شکل می‌گیرند. رواناب‌های ناشی از

بارش‌ها، ابتدا بسترهای فرعی رودهای کم‌آب یا مسیل‌ها را اشغال

می‌کنند.

با افزایش حجم رواناب‌ها به ترتیب بسترهای اصلی و اتفاقی رودها نیز

توسط رواناب‌ها اشغال می‌شود و سیلاب‌ها شکل می‌گیرند.

به‌طور کلی، عوامل زیر در وقوع سیلاب‌ها نقش دارند:

۱. ویژگی‌های طبیعی حوضه‌ها، از قبیل: مقدار و نوع پوشش گیاهی،

ضخامت و میزان نفوذپذیری خاک‌ها، شیب و توپوگرافی زمین، شکل

و ابعاد حوضه‌های آبخیز و ...

۲. ویژگی‌های بارش‌ها، از قبیل نوع بارش، شدت بارش و مدت بارش.

۳. دخل و تصرف انسانی در حوضه‌های آبخیز، از قبیل

ساخت‌وسازها و تأسیسات شهری و روستایی، ساخت پل‌ها،

تغییر کاربری اراضی، دخل و تصرف در شکل طبیعی

آبراهه‌ها، از بین بردن پوشش گیاهی و قطع درختان

و ...

۴. سرریز شدن سدها یا شکسته شدن

آن‌ها.



تصویر ۱. تصویری از سیلاب‌های مخرب شهر خرم‌آباد (فروردین ۱۳۹۸)

حجم آب ورودی به رود گرگان و قره‌سو ۴۲۰ مترمکعب در ثانیه بود، در حالی که ظرفیت رود گرگان به سبب عدم لایروبی چندین ساله و دخل و تصرف‌های انسانی، ۱۳۰ مترمکعب در ثانیه بود. در طی دو روز بیش از ۳۰۰ میلی‌متر بارش در استان گلستان بارید و این میزان معادل نصف بارش سالانه این استان است. متأسفانه سیلاب گلستان منجر به فوت ۱۳ نفر از هم‌وطنان و مصدوم شدن ده‌ها نفر شد. به‌طور کلی در سیلاب‌های گلستان شهرهای گنبدکاووس، آق‌قلا، بندر ترکمن و گمیشان که در مسیر رودهای قره‌سو و رود گرگان قرار داشتند، دچار خسارت شدند.

به گفته مدیرکل مدیریت بحران استانداری مازندران تقریباً تمام شهرهای این استان درگیر آب‌گرفتگی شدند، اما در سیمرغ و کیاکلا شدت آب‌گرفتگی بیشتر از سایر مناطق استان مازندران بود. روستای حسن‌آباد میاندورود نیز کاملاً زیر آب رفت. ساکنان سه روستای دیگر نیز تخلیه شدند. مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر مازندران تعداد سیل‌زدگان در مازندران را هزار و ۵۹۱ نفر اعلام کرد. در این استان جاده‌هایی که روستاها را به شهرها ارتباط می‌دهند، قطع شد. تخمین خسارت‌ها در این دو استان و به‌ویژه استان گلستان را میلیاردها تومان برآورد کرده‌اند. آمارهای هواشناسی نشان می‌دهد که چنین حجمی از بارش‌ها در این مدت‌زمان در هفتادسال اخیر بی‌سابقه بوده است (شکل ۱).

در هفته اول فروردین ۱۳۹۸، سازمان‌های هواشناسی خبر از ورود سامانه بارشی متراکم در جنوب و غرب ایران دادند. این سامانه بارشی در ۵ فروردین ماه موجب ایجاد سیلاب و خسارت‌های جانی و مالی در ۲۵ استان ایران شد. این سیلاب‌ها در روز نخست، حداقل ۱۹ کشته در استان‌های مختلف کشور برجای گذاشت. سازمان هواشناسی ایران پیش‌بینی کرده بود که در ۴۸ ساعت نخست این بارش‌ها بر شدت بارندگی در مناطق جنوب و جنوب غرب ایران افزوده خواهد شد و در برخی مناطق میزان بارش به حدود ۴۰۰ میلی‌متر خواهد رسید. سیل در شیراز باعث آب‌گرفتگی معابر و واژگونی خودروها در بخش‌های مختلف شهر شد. حدود ۲۰۰ خودرو در ابتدای جاده شیراز-تهران کنار دروازه قرآن شیراز به علت بارندگی شدید در عرض ده دقیقه بر اثر سیل واژگون شدند. در این حادثه ۲۲ کشته و بیش از ۱۹۰ مصدوم گزارش شد.

۲. موج دوم بارش‌ها: در تاریخ ۱۱ و ۱۲ اسفندماه روی داد و تنها در مدت دو روز، متوسط بارش کشوری ۷۲ درصد افزایش یافت. این آمارها به این معناست که یک‌سوم بارش طبیعی یک‌سال کشور تنها در دو هفته اتفاق افتاده است. متوسط بارش‌های کشور از ابتدای سال آبی ۹۷-۹۸ یعنی از اول مهرماه ۹۷ تا ۲۹ فروردین ۹۸، ۳۱۰ میلی‌متر بوده که در ۵۱ سال اخیر بی‌سابقه است و نسبت به سال آبی گذشته، ۴۹ درصد افزایش نشان می‌دهد. میانگین افزایش بارش‌ها در سال آبی جدید نسبت به میانگین سال گذشته در حوضه آبریز دریای خزر ۵۱ درصد، در حوضه آبریز دریای عمان و خلیج فارس ۵۶ درصد و در حوضه آبریز دریاچه ارومیه ۶۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. در ۱۱ سال گذشته به سبب خشک‌سالی در کشور هیچ‌گاه میانگین بارش به حد نرمال نرسیده است، اما سال آبی جدید بسیار بیشتر از میانگین و نرمال باریده است (رابعی، ۱۳۹۸/۱/۳۱).

به سبب سیلاب‌های ایجادشده در بخش‌های شمالی و غربی کشور، میلیاردها تومان خسارت به زیرساخت‌های ارتباطی، زیرساخت‌های شهری و روستایی، زمین‌های کشاورزی و ... وارد شد. برآوردها نشان می‌دهند خسارت‌های ناشی از این سیلاب‌ها، بسیار زیاد بوده است. آباد کردن این حجم از خسارت‌ها به چندین سال زمان نیاز دارد. از این‌رو در این مقاله تلاش شده است تا ابتدا به شکل مختصر اطلاعات تکمیلی ناشی از سیلاب‌ها و در ادامه، خسارت‌ها، علل و راه‌های مقابله و مدیریت چنین بلایای طبیعی بیان شود.

الف. اطلاعات تکمیلی سیلاب‌ها و خسارت‌های جانی و مالی

از ۲۶ اسفندماه ۱۳۹۷ با افزایش بارش‌ها در شمال و شمال شرق کشور، ابتدا استان‌های گلستان و مازندران درگیر طغیان رودها و سیلابی شدن آن‌ها شدند. طغیان رودخانه رود گرگان باعث زیر آب رفتن شهرهای نیمه شرقی استان، مانند آق‌قلا و گمیشان شد. ارتفاع شهر آق‌قلا ۱۳- متر نسبت به سطح تراز آب دریای خزر است؛ عدم توان رود گرگان در انتقال رواناب‌ها باعث ماندگاری آب بین ۱۰ تا ۲۰ روز در برخی از محلات این شهر شد.

●
**هنگامی که
مقدار بارش
از میزان نفوذ به
درون زمین و خاکها
بیشتر شود. آبهای روان
و سطحی شکل می گیرند و با به
هم پیوستن شاخه های فرعی آبراهه ها
در محل بسترهای اصلی رودها، آب از
حوضه ها خارج می شود. هنگامی که آبراهه های
اصلی توان انتقال آب به خارج از حوضه ها
را نداشته باشند، با توجه به شرایط بارش،
وضعیت توپوگرافی، ژئومورفولوژی و غیره در
حوضه های آبخیز، سیلاب ها شکل می گیرند**

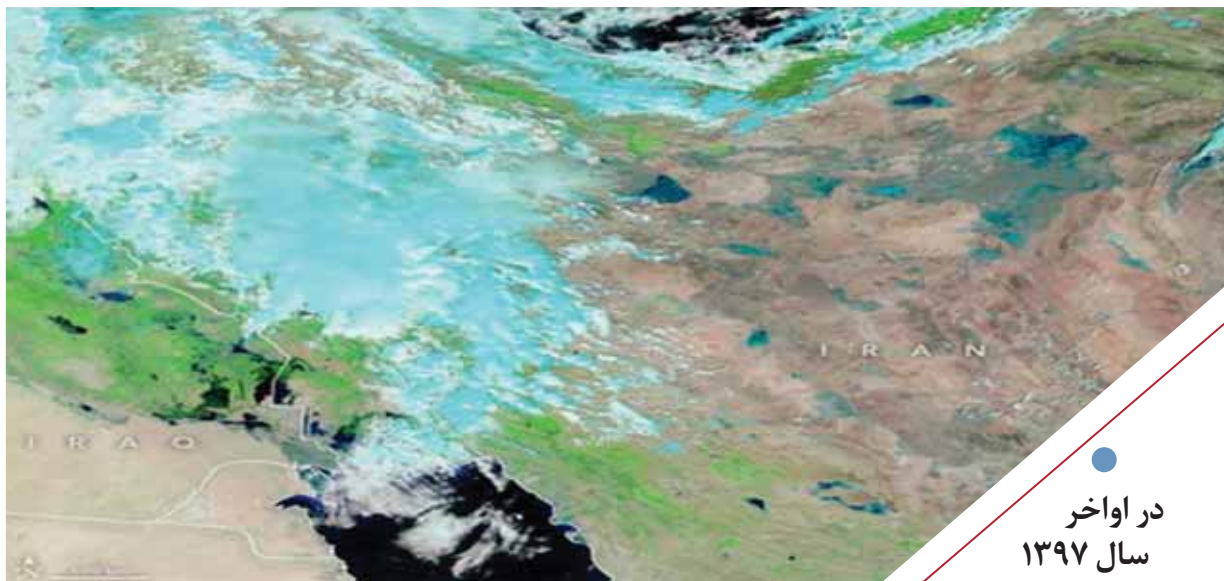
تهران ۲۱۹ میلی متر است که در سال آبی جدید به ۳۵۲ میلی متر رسیده است و بیش از ۶۲ درصد نسبت به میانگین طبیعی افزایش نشان می دهد. در حال حاضر ۱۷۲ سد بزرگ در کشور وجود دارد که ۷۸ درصد آن ها به شکل کامل آب گیری شده اند (رابعی، ۱۳۹۸/۱/۳۱). مسئله و مشکل و پیامدی که فعلا در بحبوحه خسارت های جانی و مالی ناشی از سیلاب ها بحث و صحبتی از آن به عنوان عمل نمی آید، فرسایش، شست و شو و از بین رفتن خاک هاست، مسئله مهمی که بعد از مرگ هم وطنان عزیزمان، شاید بدترین پیامد ناشی از سیلاب ها باشد. هر چند اندازه گیری دقیق حجم خاک های فرسایش یافته امکان پذیر نیست، اما با نگاهی به ارتفاع و حجم رسوبات بر جای مانده در شهرهای سیل زده غربی کشور، به ویژه پلدختر و معمولان، می توان عمق فاجعه زیست محیطی آن را درک کرد. از بین رفتن خاک های ارزشمند اراضی نه تنها حاصل خیزی اراضی را کاهش می دهد، بلکه میلیون ها و حتی به جرئت می توان گفت، میلیون ها تن رسوب را به پشت سدها انتقال می دهد و ده ها سال از عمر مفید سدها می کاهد. خسارت های مالی ناشی از سیلاب ها را تا حدودی می توان جبران کرد، اما جبران این حجم خاک از اراضی کشاورزی و مرتعی، لاقلا در کوتاه مدت امکان پذیر نیست و قطعا در ماه ها و سال های آینده با بحث و مطالعات بیشتر، ابعاد این فاجعه زیست محیطی آشکارتر می شود.

موج دوم بارش ها در ۱۱ فروردین ۱۳۹۸ آغاز شد و شهرهای غربی و جنوبی کشور را در بر گرفت. پس از این بارش ها، هشدار سیل و آماده باش در ۲۳ استان ایران اعلام شد.

موج اول سیلاب ها در لرستان موجب مرگ پنج نفر شد. در پنجم فروردین، شهر پلدختر با ۱۰۸ میلی متر بارندگی بیشترین میزان بارش در استان لرستان را داشت. با شروع موج دوم بارش ها در ۱۲ فروردین، از استان لرستان خسارات سنگینی همچون رانش زمین و به زیر آب رفتن بخش هایی از خرم آباد، معمولان و پلدختر و ... گزارش شد. چند روز پس از موج دوم، سیل، شهرک ها و روستاهای اطراف پلدختر را نیز در بر گرفت و تعداد کشته شدگان سیل در این استان به ۱۵ نفر رسید (در موج اول پنج کشته به علاوه ۱۰ کشته در موج دوم). استان لرستان بیشترین آمار مصدومان را با حدود ۲۵۶ مصدوم در بین استان های کشور داشت.

استان ایلام در هفته دوم فروردین بیشتر دچار خسارت شد و در دوازدهم فروردین برای ساعتی راه های ارتباطی تلفنی به این استان قطع شد. بارش باران شدید باعث جاری شدن سیلاب و آب گرفتگی در برخی از محله های شهر بندرعباس هم شد. براساس گزارش ها در پی این بارش ها در مناطق حاشیه ای این شهر، آب به داخل خانه ها نیز نفوذ کرد. بارش باران از عصر روز ۱۰ فروردین تا شب ۱۲ فروردین باعث طغیان خشکه رود اراک شد که باعث گرفتار شدن چندین روستای حاشیه تالاب میقان شد. همچنین جاری شدن سیلاب در اراک باعث تخلیه چندین روستا و خسارت های شدید مالی به ساکنان شهرستانی اراک و کميجان شده بود (برگرفته از ویکی پدیا و سایت های خبری معتبر، ۱۳۹۸/۱/۲۷).

ارتفاع کل ریزش های جوی سال آبی ۹۸-۹۷ بالغ بر ۲۹۴ میلی متر است که این مقدار بارندگی نسبت به میانگین دوره های مشابه درازمدت (۱۹۷ میلی متر) ۴۹ درصد افزایش و نسبت به دوره مشابه سال آبی گذشته (۱۰۷ میلی متر) ۱۷۵ درصد افزایش را نشان می دهد (آمارها تا تاریخ ۲۷ فروردین ماه ۹۸ است). حجم بارش سال آبی ۹۸-۹۷ معادل ۴۸۴ میلیارد مترمکعب است و جمعیت تحت تاثیر سیلاب از ۲۷ اسفندماه ۱۳۹۷ تا ۲۶ فروردین ۹۸ در ۲۵ استان کشور، ۱۶/۳ میلیون نفر است و جمعیتی بالغ بر دو میلیون نفر از این سیلاب ها آسیب دیده اند (فتاحی، ۱۳۹۸). به گفته سخنگوی سازمان مدیریت بحران کشور در سیلاب های اخیر از ۲۷ اسفندماه ۱۳۹۷ تا ۲۷ فروردین ۱۳۹۸، ۳۵ شهر درگیر سیلاب و شرایط جوی و ۴۳۰۴ روستا متأثر از شرایط جوی و سیلاب ها بوده اند و ۱۴۵۰۰ کیلومتر راه مواصلاتی نیز آسیب دیده اند (اخبار ۲۰:۳۰، ۹۸/۱/۲۷). در اثر سیلاب ها بیش از ۱۰۰۰۰ پل کوچک و بزرگ دچار خسارت شده یا کاملا تخریب شده اند. به گفته رئیس سازمان دامپزشکی کشور در سیلاب های اوایل سال ۱۳۹۸، ۲۴ هزار رأس دام سبک و سنگین تلف شدند. ۹ قطعه طیور و هزاران تن ماهی تلف شدند (اخبار ۲۰:۳۰، ۹۸/۱/۲۹). به سبب این بارش ها تقریبا تمام استان ها به میانگین بارش نرمال کشور رسیده اند. در زیرحوضه های قره سو، رود گرگان و اترک ۴۰ درصد بارش های سالانه تنها در ۶ روز باریده است. بیشترین میانگین بارش از ابتدای سال آبی تاکنون (۱۳۹۸/۱/۳۱) مربوط به استان ایلام با ۸۸۳ میلی متر و کمترین بارش مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۸۷ میلی متر بارش است. میانگین بارش سالانه استان



تصویر ۲. گزارش ناسا از بارش‌های اوایل سال ۱۳۹۸ در غرب آسیا (منبع: خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۸/۱/۲۱)

در اواخر سال ۱۳۹۷ و اوایل سال

۱۳۹۸ ورود دو جبهه
بارشی به کشور،
منجر به شکل‌گیری
سیلاب‌هایی در
استان‌های شمالی و
غربی کشور شد

فراهم بودن شرایط بارش‌های مداوم و طولانی‌مدت در غرب و جنوب‌غرب کشور و فراهم بودن تشکیل کم‌فشارهای جنوب دریای مدیترانه (فتاحی، ۱۳۹۸).

تصاویر ماهواره‌ای که ناسا از وضعیت آب‌وهوایی ایران در سوم آوریل ۲۰۱۸ (۱۴ فروردین ۹۷) و ۲۸ مارس ۲۰۱۹ (۸ فروردین ۹۸) منتشر کرده است، از اختلاف قابل توجه میزان بارندگی‌های سال گذشته و امسال در کشورمان حکایت دارد (شکل ۲). سازمان فضایی آمریکا (ناسا) با انتشار تصاویر ماهواره‌ای، میزان بارندگی‌های سنگین اواخر و اوایل سال ۱۳۹۸ در ایران را با زمان مشابه در سال گذشته مقایسه و بیان کرده که اگرچه بروز سیل‌های فصلی با پایان زمستان و آغاز بهار در منطقه خاورمیانه دور از تصور نیست اما بارش‌های امسال در بخش‌هایی از عراق، ایران، سوریه و افغانستان شدید بوده‌اند. با استفاده از ترکیب طیف نورهای مرئی و فروسرخ به‌کاررفته در تصویر ماهواره‌ای که ماه مارس ۲۰۱۹ (فروردین ۹۸) (شکل) از شرایط جوی ایران گرفته شده است، به‌راحتی می‌توان خروج رودها از مسیر خود و سرایت آب به دشت‌های سیلابی و کویرها را مشاهده کرد (ایرنا، ۹۸/۱/۲۱).

در جدول شماره ۱ آخرین وضعیت بارش حوضه‌های آبریز کشور در ۲۰۶ روز ابتدایی سال آبی جاری آمده است. همان‌گونه که در جدول دیده می‌شود، میانگین بارش‌های کشور از اول سال آبی جاری تا ۲۷ فروردین‌ماه ۹۸ به ۳۰۸/۲ میلی‌متر رسیده است. این ارقام رشدی معادل ۱۶۴ درصد را نسبت به سال آبی قبل به ثبت رسانده است. قدر مسلم این است که علت اصلی سیلاب‌ها بارش‌های کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر از نظر زمانی و مکانی بوده است، هر چند عوامل دیگر طبیعی و انسانی، پیامدها و آثار ناشی از آن را تشدید کرده‌اند.

۲. دخل و تصرف در حریم رودخانه‌ها و عدم لایروبی آن‌ها
اینکه انسان خود عامل بدبختی‌ها و خوشبختی‌هایش است، عقیده

ب. علل شکل‌گیری سیلاب‌ها

۱. ورود سامانه‌های جوی کم‌نظیر
هم‌زمانی چند عامل هواشناسی در افزایش رواناب ناشی از بارش سامانه‌های فوق در ماه مارس ۲۰۱۹ قابل توجه است:
 - افزایش فراوانی عبور امواج از روی ایران؛
 - وجود نم نسبی مناسب در ترازهای زیرین؛
 - وجود فرارفت دمای مناسب برای افزایش دما و ذوب برف در مناطق کوهستانی و مرتفع؛
 - تغییر جهت جنوب سوی جریان‌های جت جنب قطبی و ادغام آن‌ها با جت جنب‌حاره‌ای؛
 - ایجاد حرکت بالاسوی جدید؛
 - افزایش حرکت چرخندی و تقویت با ایجاد حرکت بالاسوی جدید؛
 - فراهم بودن شرایط بارش‌های همرفتی سنگین در نیمه شمالی ایران؛

جدول ۱. آخرین وضعیت بارش‌های ایران از مهرماه ۹۷ تا ۲۷ فروردین ۹۸ (سایت تحلیلی خبری ایرنا)

حوضه‌های اصلی (درجه یک)	بارش تجمعی از ابتدای سال آبی تاکنون (از اول مهر تا ۲۷ فروردین) میلی‌متر		درصد اختلاف بارندگی سال آبی جاری				
	سال آبی ۹۷-۹۸	سال آبی ۹۶-۹۷	میانگین ۱۱ ساله	میانگین ۵۰ ساله	سال آبی گذشته	میانگین ۱۱ ساله	میانگین ۵۰ ساله
دریای خزر	۴۴۲۲	۳۷۲۵	۲۹۴۶	۲۹۳۴	۶۲	۵۰	۵۱
خلیج فارس و دریای عمان	۵۱۵۳	۱۵۷۴	۲۶۳۵	۳۲۸۳	۲۲۷	۹۶	۵۷
دریاچه ارومیه	۴۱۵۱	۲۸۰۴	۲۴۴۴	۲۵۲۷	۴۸	۷۰	۶۴
فلات مرکزی	۱۹۵۶	۶۴۸	۱۱۹۱	۱۳۷۹	۲۰۲	۶۴	۴۲
مرزی شرق	۹۹۱	۲۸۳	۷۲۳	۸۷۲	۲۵۰	۳۷	۱۴
قره‌قوم	۲۵۲۵	۹۶۳	۱۴۴۲	۱۷۳۵	۱۶۲	۷۸	۴۶
کل کشور	۳۰۸۲	۱۱۶۸	۱۷۷۴	۲۰۵۸	۱۶۴	۷۴	۵۰

از بین برد. تعبیهٔ زهکش‌هایی که توان انتقال این حجم از رواناب را نداشتند، تبدیل مسیل‌ها به جاده، اماکن مسکونی و تأسیسات شهری و همچنین ریزش‌های شدید و کوتاه‌مدت، اصلی‌ترین علل این سیلاب مهیب بودند.

تقریباً از اواسط دههٔ هفتاد هجری شمسی خشک‌سالی‌ها در ایران آغاز شد. با شروع خشک‌سالی‌ها روند دخل و تصرف در حریم رودخانه‌ها و مسیل‌ها شدت بیشتری گرفت. مردم و به‌ویژه مسئولان بدون توجه به پیامدهای منفی این فضا به اینگونه چند سالی است دیگر رواناب‌ها در بستر رودها و مسیل‌ها عبور نمی‌کنند، اقدام به تغییر کاربری و در مواردی احداث بناهای مسکونی حتی در بستر رودها کردند (شکل ۳).

محدود کردن فضای بستر رودها به بهانهٔ اجرای طرح‌های سامان‌دهی رودخانه‌ها در اغلب موارد ناموفق و حتی خطرآفرین شده است. در این طرح‌ها، تغییراتی را در حاشیه و بستر رودها به‌وجود می‌آورند که گاهی سرعت حرکت و خروج رواناب‌ها را از حوضه‌های آبخیز کند می‌کند یا مطالعات صورت گرفته از ویژگی‌های دبی و شدت و مدت بارش‌ها در حوضه‌های آبریز و مسیل‌ها به شکل دقیق صورت نمی‌گیرد. با اجرای طرح‌های سامان‌دهی، سودجویان تا کنارهٔ دیواره‌های احداث‌شده در حاشیه رودها را

تصویر ۳. ساخت و ساز در حریم مسیل‌ها و رودخانه‌ها



جدیدی نیست و در متون دینی نیز اشاره شده است. خداوند در قرآن کریم، سورهٔ اسراء، آیه ۶، می‌فرماید: «ان احسنتم احسنتم لانفسکم و ان اساتم فلها»، «اگر نیکی کنید نیکی به خود کرده‌اید و اگر بدی کنید از آن خودتان است و چون زمان وعده دیگر فرا رسد.» بی‌گمان نحوهٔ برخورد شهروندان با محیط در نسبت بین بارندگی، مقدار آب طغیان و سیلاب شهری تغییراتی ایجاد می‌کند (مقیم، ۱۳۸۸: ۲۹۷).

دخالت در طبیعت و سیستم‌های طبیعی، نظم موجود در آن‌ها را دچار اختلال می‌کند. نظم و انسجامی که ممکن است در طی هزاران و حتی میلیون‌ها سال به‌دست آورده باشد، گاهی با اشتباهات و اعمال ناآگاهانه و نسنجیدهٔ انسانی به هم می‌خورد و خسارت‌بار می‌شود. جدای از تأثیر ریزش‌های کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر در وقوع سیلاب‌های اخیر، نمی‌توان تغییراتی را که در بستر رودها، مسیل‌ها و آبراهه‌ها در دهه‌های اخیر در شهرها و روستاها صورت گرفته است، نادیده گرفت. تغییر کاربری محل عبور آب‌ها در مسیل‌ها و تبدیل کردن آن‌ها به عرصه‌های شهری و تأسیسات انسانی و عدم جایگزین‌های علمی و سنجیده برای این دست‌یازی‌ها، سیلاب‌های مهیبی مانند سیلاب دروازه قرآن را در شیراز به وجود می‌آورد که کمتر از چند دقیقه، چندصد ماشین و ۲۲ نفر از هم‌وطنان ما را که تعداد زیادی از آن‌ها کودک و زنان بودند،

به ساخت‌وساز اختصاص می‌دهند. همین عامل سبب محدود شدن فضای عبور رواناب‌ها و ورود آن به اماکن مسکونی و زیرساخت‌ها می‌شود.

متأسفانه عدم نظارت بر مسیل‌ها و بسترهای رودهای حاشیه شهرها و روستاها سبب شده است که این بسترها محلی برای تخلیه نخاله‌های ساختمانی و بعضاً زباله‌های شهری و روستایی شود. با بروز سیلاب‌ها، نخاله‌ها و زباله‌ها سرعت خروج آب از آبراهه‌ها را کاهش می‌دهند و باعث ورود آب به ساخت‌های انسانی می‌شوند. نخاله‌ها و زباله‌های معلق در رواناب‌ها در برخورد با موانع و پل‌ها به تدریج در اطراف پایه‌ها و دهانه‌های پل‌ها جمع و سبب تجمع آب و عدم خروج سریع آن و تخریب پل‌ها می‌شوند.

توسعه سریع فیزیکی شهرها در حوضه‌های آبخیز و گسترش بی‌رویه شهرها در حریم رودخانه‌ها، مسیل‌ها و خشکه‌رودها در سال‌های اخیر شدت بیشتری یافته است و پیامدها و خسارت‌های ناشی از طغیان رودهای شهری نیز چند برابر شده است. اصولاً رودخانه‌ها و حتی خشکه‌رودها به‌صورت دوره‌ای طغیانی می‌شوند و اراضی اطراف و بسترهای استثنایی خویش را زیر آب می‌برند. در این بین، شکل‌گیری و گسترش شهرنشینی و به تبع آن، تغییرات وسیع کاربری اراضی اطراف رودخانه‌ها دوره برگشت طغیان‌ها و همچنین مقدار زمان تمرکز آب‌ها در درون حوضه‌های آبریز را تا چند برابر کاهش می‌دهند (کریمی سلطانی، ۱۳۹۲: ۱۹۳).

پدیده جدیدی

که در برخی

از شهرها

توسط

واقعیت تلخ

اینکه بسیاری

از حوضه‌های آبخیز

ایران حال و روز خوبی

ندارند و فعالیت‌های علمی

آبخیزداری با هدف اصلی

بهره‌مندی بیش از پیش از منابع

آب و خاک و حفاظت آن‌ها

به‌فراموشی سپرده شده است

۳. عدم آمادگی حوضه‌های آبریز

فعالیت‌های انسانی در داخل حوضه آبخیز معمولاً به سه طریق باعث برهم خوردن سازگاری یادشده و افزایش خطر بروز سیل می‌شود: روش اول، توسعه شهری در حوضه‌های آبریز است که موجب تخریب پوشش گیاهی و نفوذناپذیری زمین‌های نفوذپذیر قبلی می‌شود و این عمل اوج سیلاب‌ها را افزایش می‌دهد؛ روش دوم، توسعه حاشیه رودها و ساخت پل‌هاست که به کاهش ظرفیت مجراها می‌انجامد؛ و روش سوم، توسعه مداوم و تجاوز به حریم نواحی سیل‌گیر مانند دشت‌های سیلابی است که سطح سیلاب را در این نواحی با توجه به دستکاری‌هایی که در این نواحی صورت می‌گیرد، افزایش می‌دهد (روستایی و جباری، ۱۳۹۱: ۲۷).

محورهای اساسی در مدیریت حوضه‌های آبخیز:

۱. لزوم تفکر سیستمی در مدیریت حوضه‌های آبخیز؛

۲. لزوم مشارکت ساکنان حوضه‌های آبخیز در مدیریت حوضه‌های رودخانه‌ای؛

۳. شناخت دقیق ویژگی‌های طبیعی و انسانی حوضه‌های رودخانه‌ای؛

۴. استفاده از متخصصان رشته‌های مختلف در مدیریت حوضه‌های رودخانه‌ای؛

۵. نگاه بلندمدت به بازدهی فعالیت‌های صورت‌گرفته در حوضه‌های رودخانه‌ای (کریمی سلطانی، ۱۳۹۵: ۱۲۶-۱۲۲).

واقعیت تلخ اینکه بسیاری از حوضه‌های آبخیز ایران حال و روز خوبی ندارند و فعالیت‌های علمی آبخیزداری با هدف اصلی بهره‌مندی بیش از پیش از منابع آب و خاک و حفاظت آن‌ها به‌فراموشی سپرده شده است. ادارات منابع طبیعی در استان‌ها و شهرستان‌ها علی‌رغم وجود جوانان مستعد، تحصیل کرده و علاقه‌مند در این زمینه، صرفاً به تعداد نیروی انسانی پشت میز نشین تبدیل شده‌اند که کاری جز امضای نامه‌ها و درخواست‌های ارباب‌رجوع ندارند. طرح‌های تحقیقاتی آبخیزداری نیز چند سالی است که به سبب عدم وجود بودجه یا تعطیل شده‌اند یا منتظر اختصاص بودجه‌اند.

با نگاهی به بندهای محورهای اساسی در مدیریت حوضه‌های آبخیز ایران، متوجه می‌شویم که در سال‌های اخیر مطالعات و اقدامات صورت‌گرفته در سروسامان دادن و مدیریت حوضه‌های آبخیز و آماده کردن آن‌ها در برابر بلایای طبیعی بسیار ناچیز و محدود به نقاط کوچکی بوده است که درصد زیادی از آن‌ها نیز ناموفق بوده‌اند.

۴. خشک‌سالی‌های سال‌های اخیر

شروع گرمایش زمین در نیم‌قرن اخیر و افزایش چنددرجه‌ای میانگین دمای کره زمین و بسیاری علل دیگر، سبب کاهش بارندگی در بسیاری از نقاط دنیا، به‌ویژه غرب آسیا شد و کشورهای عراق، ایران، سوریه و ... دچار کاهش بارش و خشک‌سالی شدند. طبیعی است که کاهش بارش‌ها سبب خشک شدن اغلب رودخانه‌ها، تالاب‌ها و حتی دریاچه‌های ایران شد و بسیاری از آبراهه‌ها تبدیل به مسیل شدند و این تصور نادرست که دوران ترسالی بر خواهد گشت، به تدریج دخیل و تصرف‌ها را در حریم رودخانه‌ها افزایش داد و عرصه را بر عبور رواناب‌های حوضه‌ها و زیرحوضه‌ها تنگ کرد. سودجویان و دلالان با خریداری اراضی اطراف مسیل‌ها و رودخانه‌ها و تغییر کاربری آن‌ها و ضعف برخورد نهادهای مسئول با این مسئله، بر حجم دخیل و تصرف‌ها

سودجویان و بعضاً مسئولان شهری رواج یافته، اجرای لندفیل‌ها یا زمین‌انباشت‌ها در حاشیه و بستر رودهاست، به این ترتیب که زباله‌ها و نخاله‌های شهری را در بستر و حاشیه رودها تخلیه و با متراکم کردن آن‌ها زمین‌های جدید شهری را خلق می‌کنند. زمین‌انباشت‌ها علاوه بر تنگ کردن فضای بستر رودها در هنگام سیلاب‌ها دچار زیربری می‌شوند و با تحویل زباله‌ها و نخاله‌های متراکم‌شده به رواناب‌ها، سرعت خروج آب را کاهش و سبب تجمع و ورود آب به اراضی پیرامون خواهند شد.



بهترین راهکار موجود برای کاهش خطرات ناشی از سیلاب‌ها در حوضه‌های آبخیز کشور، احیای آن‌هاست

اراضی کشاورزی پیدا نکردند. پر واضح است زمانی که رواناب‌ها فضای کافی برای عبور در بستر رودها نداشته باشند، از بسترهای اصلی خارج شده و وارد تأسیسات و زیرساخت‌های انسانی می‌شوند. درصد زیادی از رودخانه‌های استان‌های لرستان و گلستان با این معضل روبه‌رو بودند و خسارات زیادی را به بار آوردند. رودخانه‌های خرم‌آباد، پلدختر، معمولان، آق‌قلا و گمیشان سال‌هاست که لایروبی نشده‌اند. در جدول ۲ سیستم کنش و واکنش کانال جریانی خوانسار در سیلاب‌های سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۶۶ تبیین شده است (معمتمد و مقیمی، ۱۳۷۸: ۱۲۸).

ج. راهکارها

۱. احیای حوضه‌های آبخیز

طبیعتاً بهترین راهکار موجود برای کاهش خطرات ناشی از سیلاب‌ها در حوضه‌های آبخیز کشور، احیای آن‌هاست. به این منظور انجام اقدامات زیر کلیدی و ضروری است.

۱. اولین اقدام ممکن بعد از فروکش کردن سیلاب‌ها، لایروبی و تعمیق بستر رودها و برداشتن و کاهش موانعی است که سرعت تخلیه رواناب‌ها را کند می‌کند. بدون تردید اگر مدیریت حوضه‌های کشور علمی و با تدبیر و آینده‌نگری صورت گیرد، حتی با بارش‌های بیشتر از بارش‌های اخیر، مقدار خسارت‌ها این مقدار نخواهد شد.
۲. دومین راهکار در احیای حوضه‌های آبخیز، اجرای طرح‌های

جدول ۲. تبیین کنش و واکنش کانال جریانی خوانسار در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۶ (با اندکی تغییر)

واکنش	کنش
تجمع رسوب در کف بستر	۱. عدم لایروبی کانال
کاهش مقاومت ایستایی دیواره کناره بستر کانال	۲. عدم مراقبت دیواره کناره کانال
کاهش مقاومت دیوار حایل پل	۳. عدم مراقبت از حایل پل‌ها
کاهش سرعت تخلیه	۴. عدم تناسب عرض و ارتفاع پل‌ها با وضعیت اقلیمی و هیدرولوژیک
کاهش سرعت تخلیه و افزایش احتمال ریزش	۵. تبدیل فضای روگذر بستر به زیرگذر غیراستاندارد
تسریع ریزش و احتمال انسداد مضاعف کانال پس از ریزش	۶. صدور جواز برای برخی مشاغل در فضای سطحی کانال زیرگذر
طغیان آب، افزایش انرژی تخریبی	۷. انسداد کانال
انحراف جریان آب	۸. طغیان کانال
تجمع آب کانال در فضاهای غیرقابل دسترسی و افزایش تخریب و تخلیه لحظه‌ای	۹. انحراف جریان آب کانال
طغیان مضاعف آب کانال و افزایش مضاعف انرژی تخریبی	۱۰. تخلیه لحظه‌ای
تشدید خسارت‌های جانی و مالی، تجدید حیات مضاعف کانال جریانی	۱۱. طغیان و افزایش مضاعف انرژی
تضعیف قدرت اقتصاد شهری یا روستایی	۱۲. تشدید خسارت مالی
افزایش فقر، بیکاری و مهاجرت	۱۳. تضعیف قدرت اقتصادی
تغییر الگوی کانال، سهولت تخلیه، هشدار به افراد ساکن در پیرامون کانال جریانی، هشدار به سیاست‌گذاران	۱۴. تجدید حیات مجدد کانال جریانی

افزودند و عملاً راه را بری تنگ کردن فضای سیستم‌های رودخانه‌ای باز گذاشتند (شکل ۴).

از سوی دیگر، با شدت یافتن خشک‌سالی‌ها، مراتع و جنگل‌ها، به‌ویژه مراتع و جنگل‌های غرب و شمال غرب کشور، بیشترین آسیب را دیده‌اند و بارش‌های شدید و گاه و بی‌گاه، حجم زیادی از خاک‌ها را فرسایش داده و در بستر رودها و مسیل‌ها به‌جای گذاشته‌اند. این حجم بالای رسوبات و عدم لایروبی در سال‌های اخیر نیز مزید بر علت شده است و عملاً رواناب‌ها راهی جز ورود به بسترهای اتفاقی، شهرها و روستاها و

در برخی از شهرها و روستاهای نقاط سیل زده، شاهد نصب ده‌ها و بلکه صدها پل بدون مجوز روی رودخانه‌های کوچک و آبراهه‌ها بودیم. وجود این پل‌ها می‌تواند سرعت تخلیه آب را کند کند و گیر افتادن تنه درختان، زباله‌ها و نخاله‌ها در آن‌ها می‌تواند سبب تجمع آب و ورود به نقاط شهری و روستایی شود.

گاهی در روستاهای شمال کشور شاهد ساخت پل‌هایی حتی برای منازل شخصی و ویلاها روی رودخانه‌ها و آبراهه‌ها هستیم که باید توسط شهرداری‌ها و بخش‌داری‌ها جمع‌آوری شوند

شکل ۵. نمونه‌ای از طرح‌های احیای حوضه‌های آبخیز



دکتر بیژن زارع (۱۳۹۸) در نشست بررسی ابعاد سیلاب‌های اخیر کشور که در تاریخ ۱۳۹۸/۱/۲۷ در دانشگاه خوارزمی تهران برگزار شد، به شرح وظایف تیم مدیریت بحران و علل ضعف مدیریت بحران سیلاب‌های اخیر چنین می‌گوید: تیم مدیریت بحران (تیم‌ران) باید در چهار مرحله فعالیت خود را به صورت یک تیم هماهنگ و هم‌نظر و هم‌پیمان با یک فرمان‌دهی واحد که مسئول فرمان‌دهی و کنترل عملیات را دارد، سازمان دهد:

● مرحله اول: تشخیص و اعلام سانحه.
● مرحله دوم: برنامه‌ریزی راهبردی که بسیار مهم و حیاتی است و در

کشورهای جهان سوم مانند کشور ما معمولاً فراموش می‌شود. در این برنامه راهبردی چشم‌انداز تیم‌ران و مأموریت و برنامه کار آن کاملاً مشخص می‌شود.

● مرحله سوم: بعد از رخداد بحران است و آن، پاسخ علمی براساس کار هماهنگ در تیم‌ران است.

● مرحله چهارم: یادگیری و به‌روزرسانی داده‌های دریافتی برای سامان‌دهی روزانه-نزدیک به برخط- تیم‌ران است.

وی علل عدم رفع نواقص مدیریت بحران پس از گذشت نزدیک به یک ماه را دلایل زیر می‌داند.

● همچنان در رده‌های تصمیم‌گیری بهتر است از نیروهای متخصص و جوان‌تر استفاده شود.

● عمده محور فعالیت سازمان مدیریت بحران کشور باید از جنس مدیریت کاهش ریسک و پیشگیری باشد.

● مرحله مهمی در فعالیت این سازمان وجود دارد و آن، مرحله بحران و تشکیل تیم مدیریت بحران است.

ترویج آگاهی و احترام به طبیعت

یکی از مسائلی که در بالا و در بحث محورهای اساسی در مدیریت حوضه‌های آبخیز ایران عنوان شد، بحث مشارکت ساکنان حوضه‌ها در برنامه‌های عمرانی و طرح‌های مدیریت آب و خاک است. تا ساکنان حوضه‌ها خود به این نتیجه نرسند که اگر در چنین طرح‌هایی مشارکت نکنند، ضریب موفقیت آن‌ها بسیار پایین است، انجام طرح‌های مدیریت بحران امکان‌پذیر نیست. واقعیت این است که اغلب ساکنان حوضه‌ها انتظار موفقیت و منفعت کوتاه‌مدت را از اجرای طرح‌های آبخیزداری دارند و واضح است که اغلب طرح‌های آبخیزداری در کوتاه‌مدت نتایج ملموسی به بار نمی‌آورند.

طرح‌هایی از قبیل ایجاد و تقویت پوشش گیاهی در حوضه‌های آبخیز، کاشت نهال و مبارزه با بیابان‌زایی، طرح‌های حفاظت خاک و... باید در قلمرو سکونت ساکنان حوضه‌ها صورت گیرند (تصویر ۵). تا ساکنان با ابعاد و مزایای این طرح‌ها و تأثیرات مثبت اقتصادی،

آبخیزداری است. هدف اصلی از طرح‌های آبخیزداری حفاظت از منابع آب و خاک است. در صورت موفق بودن طرح‌های آبخیزداری و موفقیت در مدیریت منابع آب و خاک، پوشش گیاهی نیز ایجاد می‌شود و زمینه کاهش زمان تمرکز رواناب‌ها و افزایش فرصت نفوذ به درون زمین و تقویت سفره‌های زیرزمینی نیز ممکن خواهد شد.

۳. تجربه بسیار مهم و ارزشمند که از سیلاب‌های اخیر به دست آمد، داشتن نگاه سیستمی در احیا و مدیریت حوضه‌های آبخیز است. دیدگاه نقطه‌ای، جزیره‌ای، نامنسجم و همچنین کوتاه‌مدت به هیچ وجه قادر به کاهش مشکلات حوضه‌های آبخیز کشور نیست.

۴. در احیای حوضه‌های آبخیز کشور، از هر شیوه و روش علمی که استفاده شود، باید هدف اصلی آن افزایش تاب‌آوری حوضه‌ها در برابر چنین بحران‌هایی باشد. در غیر این صورت موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

۲. شناخت دقیق بخش‌های آسیب‌پذیر و مدیریت بحران

سیلاب‌های اخیر اگر چه تاوان سنگینی را از جنبه‌های مختلف از ما گرفت، اما می‌تواند به‌عنوان یک کارگاه و آزمایشگاه بسیار مفید برای شناسایی نقاط ضعف و بخش‌های آسیب‌پذیر در برابر بحران‌های این‌چنینی مورد استفاده قرار گیرد. قطعاً اولین درسی که از این مسئله باید گرفت، ضعف مدیریت بحران در چنین سیلاب‌هایی است.

اجتماعی و فرهنگی آن‌ها بر زندگی خود اعتقاد و اطمینان پیدا نکنند، همکاری نخواهند کرد.

تدوین قوانین و نظام‌مند کردن ساخت‌وسازها در حریم رودخانه‌ها

به شدیدترین سیلی که یک فرد ۷۰ ساله ممکن است دو یا سه بار دیده باشد، سیل ۲۵ ساله می‌گویند. به عبارت دیگر، دوره بازگشت سیلابی با این حجم، ۲۵ سال است. به این ترتیب، تمام مناطق اطراف رودخانه که در سیل با دوره بازگشت (برگشت) ۲۵ ساله زیر آب می‌روند، بستر رودخانه است. از ۱ تا ۲۰ متر بلافاصله بعد از بستر رودخانه (با توجه به شرایط)، حریم رودخانه به حساب می‌آید. ساخت‌وساز در حریم و بستر رودها مجرای عبور آب را تنگ‌تر می‌کند. تنگ‌تر شدن مجرای ظرفیت انتقال آب، به معنای کاهش ظرفیت انتقال آب و سرریز شدن رودخانه است.

متأسفانه در سیلاب‌های اخیر، شاهد ساخت‌وسازهایی بودیم که علی‌رغم ورود به حریم رودها، دارای مجوز ساخت از شهرداری در شهرها بودند. اینکه شهرداری‌ها چگونه در این نقاط اجازه و مجوز ساخت‌وساز می‌دهند جای بسی تأمل است. اما نکته دیگر نقشه‌های جامع شهری هستند. در این نقشه‌ها مناطق ممنوعه و حریم رودها باید مشخص شود. شهرداری‌ها مجوز خود را براساس نقشه‌های جامع شهری صادر می‌کنند. به این ترتیب شرکت‌ها و ارگان‌هایی که نقشه‌های جامع شهری را تدوین می‌کنند باید پاسخگو باشند. نظام‌مند کردن این شرکت‌ها و نظارت بیشتر بر این نقشه‌ها تا حدود زیادی می‌تواند از این مشکلات بکاهد.

در برخی از شهرها و روستاهای نقاط سیل‌زده، شاهد نصب ده‌ها و بلکه صدها پل بدون مجوز روی رودخانه‌های کوچک و آبراهه‌ها بودیم. وجود این پل‌ها می‌تواند سرعت تخلیه آب را کند کند و گیر افتادن تنه درختان، زباله‌ها و نخاله‌ها در آن‌ها می‌تواند سبب تجمع آب و ورود به نقاط شهری و روستایی شود.

گاهی در روستاهای شمال کشور شاهد ساخت پل‌هایی حتی برای منازل شخصی و ویلاها روی رودخانه‌ها و آبراهه‌ها هستیم که باید توسط شهرداری‌ها و بخش‌داری‌ها جمع‌آوری شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

وقوع بارش‌هایی کم‌نظیر در اواخر سال ۱۳۹۷ و اوایل سال ۱۳۹۸ در شمال و شمال شرق و غرب و جنوب غرب کشور سبب شکل‌گیری سیلاب‌هایی ویرانگر شد. صدها شهر و هزاران روستا و بیش از دوسوم از استان‌های کشور درگیر این سیلاب‌ها شدند. خسارت‌های ناشی از آن بسیار زیاد و نیازمند سال‌ها تلاش و سرمایه برای بازسازی هستند. ده‌ها تن از هم‌وطنان جان خود را از دست دادند و ده‌ها هزار نفر آواره شدند. علت اصلی بروز این سیلاب‌ها بارش‌های شدید در مدت‌زمان کوتاه بود. اما نباید ویژگی‌های بارش را علت منحصر به فرد این همه خسارت‌ها دانست، بلکه علل دیگری نیز در این قضیه دخیل بودند؛ از جمله:

۱. عدم آمادگی در حوضه‌های آبخیز کشور، به سبب اینکه فعالیت‌های سامان‌دهی رودخانه‌ها یکپارچه، هدفمند و با برنامه صورت نمی‌گیرد. در جهان سوم همه چیز سریع به عادت تبدیل و فراموش می‌شود. نمونه آن لایروبی رودخانه‌ها و پاک‌سازی و مدیریت بستر آن‌هاست.

۲. ساخت‌وساز و دخل و تصرف در آبراهه‌ها، بسترها و مسیل‌ها.
۳. نکته اساسی و مهم‌تر از موارد بالا، عدم مدیریت یکپارچه و مهندسی بحران در کشور است. نیروی انسانی و تجهیزات سازمان مدیریت بحران کشور به هیچ وجه متناسب با شرایط اقلیمی کشوری به پهنای ایران و بلاخیزی آن نیست. ایران همواره درگیر بلایای طبیعی، نظیر، سیلاب، زلزله، خشک‌سالی، توفان‌های گردوغبار، زمین‌لغزش و ... است. این حجم از بلا در کشوری به پهنای ایران با هشتاد میلیون جمعیت، نیازمند بازنگری در رویکرد مدیریت بحران کشور است. بودجه‌های سالانه اختصاص یافته به سازمان مدیریت بحران کشور، بدون شناخت و کارشناسی درست تعیین شده‌اند.

تشکیل کارگروهی از سوی رئیس‌جمهور برای بررسی علت‌ها، خسارت‌ها، افزایش تاب‌آوری و ... می‌تواند خبری امیدوارکننده باشد، اما انتخاب همه اعضای این کارگروه از دانشگاه‌های تهران می‌تواند باعث پنهان ماندن لایه‌هایی از این بحران شود. انتخاب برخی از اعضا، از هیئت‌علمی دانشگاه‌های مناطق سیل‌زده با تخصص مرتبط و کارشناسان محلی، می‌تواند سبب افزایش کارایی راهکارها و گزارش‌های سازنده این کارگروه تخصصی شود.

منابع

۱. امیدوار، کمال (۱۳۹۰). مخاطرات طبیعی، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
۲. روستایی، شهرام و جباری، ایرج (۱۳۹۱). ژئومورفولوژی مناطق شهری. تهران: سمت.
۳. رستمی‌نیا، جهان (۱۳۸۵). «شناسایی فرایندهای ژئومورفولوژیکی تهدیدکننده توسعه شهر خرم‌آباد». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
۴. رجایی، عبدالحمید (۱۳۸۹). کاربرد ژئومورفولوژی در آمایش سرزمین و مدیریت محیط. تهران: قومس.
۵. رباعی، فرزاد (۱۳۹۸). «بررسی وضعیت آبی کشور، برنامه روی خط خبری». شبکه خبر صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مورخ ۱۳۹۸/۱/۳۱، ساعت ۱۱:۵۰.
۶. زارع، بیژن (۱۳۹۸). «بررسی علل شکل‌گیری سیلاب‌های اوایل ۱۳۹۸ کشور». همایش بررسی سیلاب‌های اخیر کشور، دانشگاه خوارزمی، مورخ ۱۳۹۸/۱/۲۷.
۷. شاهکویی، اسماعیل (۱۳۸۰). «بررسی چگونگی وقوع سیل در شرق استان گلستان». مجله سپهر، شماره ۴۲، صص ۲۷-۳۳.
۸. عباس‌نژاد، احمد و نجف‌زاده، علیرضا (۱۳۸۸). زمین‌شناسی زیست‌محیطی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۹. فتاحی، ابراهیم (۱۳۹۸). «بررسی علل شکل‌گیری سیلاب‌های اوایل ۱۳۹۸ کشور». همایش بررسی سیلاب‌های اخیر کشور، دانشگاه خوارزمی، مورخ ۱۳۹۸/۱/۲۷.
۱۰. کریمی سلطانی، پیمان (۱۳۹۵). «حوضه‌های رودخانه‌ای و مدیریت آن‌ها در ایران». مجله مطالعات جغرافیا، عمران و مدیریت شهری، شماره ۲.
۱۱. کریمی سلطانی، پیمان (۱۳۹۲). «توسعه شهرها و نقش آن‌ها در شکل‌گیری سیلاب‌های مخرب شهری». اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط‌زیست پایدار، انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه، همدان.
۱۲. مقیمی، ابراهیم (۱۳۸۸). ژئومورفولوژی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. معتمد، احمد و مقیمی، ابراهیم (۱۳۷۸). کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی. تهران: سمت.
۱۴. اخبار ۳:۳۰، شبکه دوم صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مورخ ۱۳۹۸/۱/۲۷.
۱۵. سایت تحلیلی خبری ایرنا. <http://www.irna.ir> (۱۳۹۸/۱/۲۱).
۱۶. سایت ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد <https://fa.wikipedia.org>



اشاره

من فرد خوشبختی هستم که بعد از بازنشستگی ام در سال ۱۳۸۲ آمده‌ام و در مؤسسه کهریزک و به‌عنوان مدیرعامل، مسئولیت این مؤسسه بزرگ خیریه را به‌عهده گرفته‌ام. خوشحالم که در ۹ سال اخیر، کار و فعالیت زیادی برای رفاه مددجویان انجام داده‌ام. هم‌اکنون ۳۰۸۰ نفر سالمند و معلول در آسایشگاه کهریزک تحت پوشش قرار دارند. این گفته‌ها بخش‌هایی از گفت‌وگوی مجله رشد جغرافیا با جناب آقای دکتر حسن احمدی است که فارغ‌التحصیل دکترای جغرافیا و از نویسندگان این حوزه به‌شمار می‌آیند. در ادامه نظر شما را به این گفت‌وگو جلب می‌کنیم.

جناب استاد، از موافقت جناب عالی برای این گفت‌وگو خیلی متشکر و خرسندم. خواهش می‌کنم برای آشنایی بیشتر خوانندگان مجله، خودتان را معرفی بفرمایید.

- سلام به خوانندگان مجله و همه علاقه‌مندان به جغرافیا، حسن احمدی‌ام، متولد فروردین ۱۳۲۲ در شهر دامغان از استان سمنان.

● چندمین فرزند خانواده هستید و؟
- بزرگ‌ترین فرزند خانواده‌ام و پنج‌خواهر و دو برادر دارم.

● دوره ابتدایی را در کدام مدرسه و شهر خوانده‌اید؟
- ابتدایی را در مدرسه ملی منوچهری دامغان خوانده‌ام.

● آیا نام معلم کلاس اولتان را به خاطر دارید؟
- بله، آقای طلوعی بودند.

دکتر حسن احمدی

● مرضیه سعیدی

دبیر جغرافیا و عضو هیئت تحریریه مجله

● تاکنون کدام معلمان را بیشتر از

سایرین دوست داشته‌اید؟

- آقای طباطبایی، معلم جغرافیا را خیلی دوست دارم، زیرا هم خیلی با شخصیت بود و هم از دانش جغرافیایی خوبی برخوردار بود که غیر مستقیم مرا به سمت منابع طبیعی سوق داد.

● دوره دبیرستان را کجا گذرانده‌اید؟

- دبیرستان فردوسی در دامغان و در رشته علوم تجربی دیپلم گرفتم.
● لطفاً دربارهٔ چگونگی تحصیلات دانشگاهی در مقاطع مختلف و نام و شهر دانشگاه محل تحصیلتان و دلایل انتخاب رشته توضیح دهید.

- بعد از اینکه دیپلم گرفتم در کنکور دانشگاه تهران در دو رشتهٔ دامپزشکی و کشاورزی قبول شدم، ولی چون ما خانوادگی کار کشاورزی می‌کردیم و در روستاهای خودمان می‌رفتیم و می‌آمدیم، تصمیم گرفتم در رشتهٔ کشاورزی تحصیل کنم و کار پدرم را بعداً در شهر دامغان ادامه بدهم و به این دلیل رفتم کشاورزی کنکور دادم و قبول شدم.

در دانشکدهٔ کشاورزی دانشگاه تهران درس را شروع کردم و پس از دو سال مطالعهٔ دروس عمومی، رشته جنگل و مرتع را برگزیدم.

● به کدام روستاهای دامغان بیشتر سفر می‌کردید؟

- روستاهای مهمان‌دوست و عبدال‌آباد و ... که من خیلی به آن‌ها علاقه داشتم.

● مشوق شما در مقاطع مختلف تحصیلی چه کسی بود؟

- مشوقم بیشتر پدرم بود و دایمی‌ام که مرا راهنمایی می‌کردند.

● چه کسی در انتخاب مسیر زندگی شما نقش اساسی و مؤثر داشته است؟ پدر، مادر یا سایر افراد خانواده یا دوستان؟ یا شاید معلمان؟

- باز هم باید بگویم پدرم در رتبهٔ اول و سپس دایمی‌ام در مرتبهٔ بعدی بودند. بعد از اینکه در رشتهٔ جنگل و مرتع قبول شدم، در سال ۱۳۴۷ در دانشگاه تهران به‌عنوان مربی استخدام و چند سال بعد برای ادامهٔ تحصیل به کشور فرانسه اعزام شدم. در ایران دارای فوق‌لیسانس رشتهٔ جنگل از دانشکدهٔ کشاورزی دانشگاه تهران بودم. بعد در فرانسه در دانشگاه «بوردو» Bordo» ادامه تحصیل دادم و کارشناسی ارشد را در رشتهٔ فرسایش و رسوب گرفتم و برای دکتری ثبت‌نام کردم و دکترای آبخیزداری را از دانشگاه بوردو فرانسه در سال ۱۳۵۳ گرفتم و شاید در آن سال، اولین نفری بودم که در رشتهٔ آبخیزداری بعد از تحصیل به ایران برگشتم.

● دلایل شما برای انتخاب رشتهٔ آبخیزداری چه بود؟

- وقتی من در ایران در مقطع فوق‌لیسانس درس می‌خواندم، پروفیسوری فرانسوی به نام دوو Devo در دانشکدهٔ آبخیزداری به ما درس می‌داد و مرا تشویق کرد به خاطر طرح خاصی که از طرف سازمان ملل قرار بود در خاور میانه اجرا شود و یک دانشکدهٔ منابع طبیعی در یکی از کشورهای این منطقه دایر شود و بعد اینکه کارشناسان فائو از میان کشورهای ایران و عراق کشور ما را برای طرح انتخاب کردند،

پروفیسور دوو مرا

انتخاب و تشویق کرد که

در رشتهٔ آبخیزداری تحصیل و

سپس بعد از ایشان در دانشکده،

وظیفه تدریس را برعهده بگیرم. چون

می‌خواستم کادر علمی دانشکدهٔ منابع

طبیعی باشم تصمیم گرفتم از ابتدا در رشتهٔ

فرسایش و رسوب و سپس در رشتهٔ آبخیزداری

تحصیل کنم.

● شغل شما در سال‌های مختلف به جز تدریس چه بود؟

- در سال ۱۳۵۳ به‌عنوان استادیار حکم گرفتم و علاوه بر تدریس در دانشگاه منابع طبیعی به تحقیق و پژوهش در زمینهٔ آبخیزداری اشتغال داشتم و بیش از چهل طرح پژوهشی انجام دادم.

● چه سمت‌هایی برعهده داشتید؟

- در سال ۱۳۷۵ به‌عنوان عضو وابستهٔ فرهنگستان علوم انتخاب شدم و سپس در سال ۱۳۸۷ عضو پیوستهٔ فرهنگستان علوم و در گروه کشاورزی فعالیت داشتم که هنوز هم ادامه دارد.

● در مورد فعالیت‌های دانشگاهی‌تان بفرمایید؟

- علاوه بر تدریس به مدت ده سال مدیر گروه منابع طبیعی، مشاور معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، چهار دوره نمایندهٔ ممیزی در دانشگاه تهران و ... بودم.

● استاد، از آثار علمی‌تان مثل کتاب و مقاله هم بفرمایید؟

- بیش از دویست مقاله به زبان فرانسه، انگلیسی و فارسی تألیف کرده‌ام. شش کتاب تألیفی و دو کتاب ترجمه شده دارم و اخیراً نیز کتابی در مورد بیابان ترجمه کرده‌ام که در دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.

● لطفاً دربارهٔ فعالیت‌های پژوهشی‌تان هم توضیح دهید؟

- بیش از چهل طرح تحقیقاتی داشتم که به کمک دانشجویان انجام داده‌ام و بهترین کارم تحقیق در مورد بیابان بود که در آن شاخص‌ها و معیارهای بیابان را برای ایران مشخص کردم.

● کدام دانشجو در خاطر شما ماندگار شده است؟ چرا؟

- اغلب اساتید دانشگاه منابع طبیعی به‌ویژه در بخش احیا، دانشجویان من بوده‌اند که با من پایان‌نامه گذرانده‌اند، مانند آقایان دکتر سلاجقه، جعفری، ارزانی، آذرمیوند و ... که باعث افتخار من هستند.

● از آموزش یا آموختن چه مطلبی در جغرافیا و ژئو خیلی لذت برده‌اید؟

- دو کتاب در ایران کار کردم: ژئومورفولوژی کاربردی و فرسایش آبی. در جلد اول فرسایش آبی، آن را به تصویر کشیدم و در جلد دوم، بیابان و فرسایش بادی را توضیح دادم. این دو کتاب به‌عنوان پایه در دانشکده‌ها تدریس می‌شوند و از تألیف آن‌ها خیلی لذت بردم.

تئوری کافی نیست.

● **جناب استاد، نظر تان را دربارهٔ مجلهٔ رشد آموزش جغرافیا بفرمایید.**

- مجلهٔ رشد آموزش جغرافیا از مجله‌های خوب است و می‌تواند با درج مطالب علمی جدید و به روزرسانی اطلاعات برای دانشجویان و معلمان مفید باشد.

● **از بین انواع کتاب‌ها کدام یک را بیشتر دوست دارید؟ رمان، تاریخی، دیوان شعرا یا ...؟ و چرا؟**

- کتاب‌های تاریخی را بیشتر دوست دارم، چون رشته‌ام طبیعی، آبخیزداری و مباحث اکولوژیکی است و دوست دارم از گذشته با اطلاع باشم. تاریخ گذشته می‌تواند آینده را برای ما روشن کند.

● **چرا هیچ‌گاه برای مجلهٔ رشد آموزش جغرافیا مقاله‌ای ننوشتید؟**

- نمی‌دانم، شاید سعادت نداشتم.

● **آیا خاطرهٔ بد یا دانشجوی بدی داشته‌اید که خستگی تدریس را به تانتان گذاشته باشد؟**

- نه، من خوب تدریس می‌کردم و انتظارم یادگیری خوب بود و اگر دانشجویی در درس من موفق نبود، خیلی ناراحت می‌شدم و سعی می‌کردم به آن‌ها یاد دهم که برای این درس و موفقیت در آن باید زحمت بکشند.

● **جناب استاد، چند فرزند دارید؟**

- یک پسر و یک دختر

● **فرزندانتان در چه رشته‌هایی تحصیل کرده‌اند؟**

- فرزند پسر در رشتهٔ میکروبیولوژی و دخترم در رشتهٔ زبان انگلیسی.

● **آیا مایل بودید فرزندانتان رشتهٔ تحصیلی شما را دنبال کنند؟**

- خیلی دلم می‌خواست، اما آن‌ها قبول نکردند.

● **راستی استاد، از شهرتان هم برای ما بگویید. بارزترین ویژگی جغرافیایی این شهر چه چیزی است؟**

- دامغان از شهرهای تاریخی ایران است که قدمت آن برمی‌گردد به دورهٔ اشکانیان و بیش از چند هزار سال است که آثار تاریخی زیادی از آن زمان به جا مانده است. شعرا و دانشمندان بزرگی از این شهر برخاسته‌اند، مانند منوچهری دامغانی که از شعرای فرهیختهٔ این شهر بودند. دامغان آب و هوای گرم و خشک دارد و در منطقهٔ بیابانی ایجاد شده است. از نظر ناهمواری، از سه بخش دشت، کوهستان و پلایا تشکیل شده است. کوه‌ها مربوط به کوهستان البرز و از نظر زمین‌ساخت و لرزه‌خیزی باید مورد توجه باشند و پلایاها هم شامل کویرها در مجاورت دریاچهٔ نمک‌اند. محصولات کشاورزی متنوع در این ناحیه کشت می‌شود، مانند گندم و جو؛ شاخص‌ترین محصول آن پسته است. به دلیل خشک‌سالی‌های اخیر و برداشت بیش از حد از آب‌های زیرزمینی در سال‌های اخیر، کشاورزی

● **در حرفهٔ معلمی و دنیای جغرافیا و زمین‌شناسی، از یادگیری چه چیزی خیلی لذت برده‌اید؟**

- در جغرافیا و منابع طبیعی، هر چه در تئوری خوانده می‌شود، باید در عمل دیده شود. من سعی کردم در کار تدریس و آموزش، تئوری و عمل را با هم وفق دهم که از آن لذت برده‌ام.

● **جناب استاد، یک خاطره از زمان تدریس در دانشگاه بفرمایید؟**

- در سال‌های ابتدایی کارم، دانشجویها را به سفر علمی یک روزه در جادهٔ چالوس برده بودم. چهل نفر بودند. در طول مسیر مدام پیاده می‌شدم و پدیده‌ها را توضیح و نشان می‌دادم. وقتی بعد از چند بار پیاده و سوار شدن قرار شد باز کنار سد کرج توقف و برای پاره‌ای توضیحات پیاده شویم، یکی از دانشجویها گفت: «استاد، چرا امروز این قدر شل کن سفت کن داره.» من او را نمی‌شناختم و فقط صدایش را شنیده بودم که این جمله را گفت. به محض پیاده شدن به آن آقا گفتم بیا جلو و نقشه را نگاه دار، شما بودی که گفتمی چرا شل کن سفت کن داره؟ به قدری ترسید و هیجان زده شد که نقشه از دستش افتاد. من معتقدم که اساتید و معلمان می‌بایست دانشجویها را از روی صدا و قیافه بشناسند تا بیشتر بتوانند آنان را جذب کنند و یادگیری بهتری اتفاق بیفتد.

● **جناب استاد، چه سفارشی به معلمان به‌ویژه معلمان جغرافیا دارید؟**

- معلمی که بتواند تئوری را با عمل بیامیزد و نشان دهد، بهترین است.

● **چه پیامی برای دانشجویان جغرافیا و زمین‌شناسی دارید؟**

- دانشجویان جغرافیا و همچنین زمین‌شناسی و سایر رشته‌ها مانند محیط زیست و منابع طبیعی و همهٔ کسانی که با طبیعت سروکار دارند، باید طبیعت را خوب بشناسند. بنابراین آنچه در کلاس درس و در رشته‌های مختلف می‌بینیم و می‌شنویم، باید در عمل در طبیعت هم تجربه کنیم تا بتوانیم تئوری را با عمل

وفق دهیم، وگرنه

یادگیری فقط

به شکل

● **دو کتاب در**

ایران کار کردم:

ژئومورفولوژی کاربردی

و فرسایش آبی. در جلد

اول فرسایش آبی، آن را به

تصویر کشیدم و در جلد دوم، بیابان

و فرسایش بادی را توضیح دادم. این

دو کتاب به‌عنوان پایه در دانشکده‌ها

تدریس می‌شوند و از تألیف آن‌ها خیلی

لذت بردم

از رونق افتاده و زمین‌های کشاورزی کمتر قابل استفاده است. این شهر چون در منطقه بیابانی واقع است باید از صنعت دوری کند و کشاورزی را با کشت محصولات مناسب مناطق خشک در دستور کار خود قرار دهد.

● چه آرزویی برای شهر زادگاهتان دارید؟

- دلم می‌خواهد جوان‌های دامغان تحصیلات عالی داشته باشند و به شهر خود خدمت کنند. این شهر خیلی قدیمی است و اغلب اهالی به حدی رسیده‌اند که به تهران یا شهرهای دیگر مهاجرت می‌کنند. امیدوارم دولت‌ها در این شهر کار آفرینی کنند و جوان‌ها در شهر خودشان بمانند، تحصیل کنند و فرصت خدمت پیدا کنند و مفید باشند. برای ما وقتی تحصیل می‌کردیم چنین فرصتی و امکانی فراهم نبود که برگردیم و در شهر خود خدمت کنیم، اما امیدوارم برای جوانان این فرصت فراهم شود.

● اولین آرزوی‌تان برای ایران چه آرزویی است؟

- چون تحصیلات من منابع طبیعی است، آرزو دارم که بتوانیم به منابع طبیعی به‌عنوان یک فرهنگ نگاه کنیم و به محیط زیست توجه کنیم. تخریبی که امروز در محیط زیست و منابع طبیعی وجود دارد، در وضعیت بحرانی قرار گرفته است و سیل‌های مخرب که در سراسر کشور اتفاق افتاده، سبب نابودی خاک شده است. همچنین آرزو دارم مسئولان بیشتر توجه کنند و آگاهی بیشتری از منابع طبیعی داشته باشند و بتوانیم قوانینی را در سطح مجلس و مملکت وضع کنیم تا این تخریب کاهش پیدا کند.

● لطفاً از علایق شخصی‌تان هم بفرمایید؟

- من خیلی طبیعت‌گرا هستم و از کودکی در طبیعت بودم و رشته تحصیلی‌ام نیز باعث شده است علاقه زیادی به طبیعت داشته باشم. بیشتر اوقات فراغت و فرصت‌هایم را در طبیعت و کوهستان سپری می‌کنم. همچنین از کودکی علاقه داشتم سه کار را انجام دهم: نقاشی کنم، سازی بنوازم، یا داستان بنویسم، که متأسفانه در هیچ‌یک موفق نشدم.

● استاد عزیز، نظرتان در مورد شبکه‌های

مجازی چیست؟

- خب این شبکه‌ها دارای ویژگی‌های مثبت و منفی هستند: مثبت مثل اطلاع‌رسانی خیلی سریع و کار و اشتغال‌زایی. اما متأسفانه استفاده بی‌رویه هم در سطوح مختلف سنی انجام می‌شود، از بچه‌ها تا افراد سالمند از آن استفاده می‌کنند، مخصوصاً در خانواده به جای کتاب خواندن سراغ شبکه مجازی می‌روند که به نظر من جالب نیست.

● چه پیامی برای دست‌اندرکاران مجله رشد آموزش

جغرافیا دارید؟

- برای همگی آرزوی موفقیت دارم و امیدوارم از یافته‌های دانش روز، خودشان، اساتید و دانشجویان و ... استفاده کنند و رسالت خود را برای انتقال مطالب علمی و مفیدتر به نحو احسن انجام دهند.

● آرزو دارم مسئولان بیشتر توجه کنند و آگاهی بیشتری از منابع طبیعی

داشته باشند و بتوانیم قوانینی را در سطح مجلس و مملکت وضع کنیم تا این تخریب کاهش پیدا کند

بهترین جمله از نظر شما برای حفظ زمین و محیط زیستمان کدام جمله است؟

- باید فکر کنیم؛ زمین را دوست بداریم و در احیا، حفظ و استفاده بهینه از آن همت گماریم.

● کدام مکان در ایران به لحاظ گردشگری یا

زندگی برای شما جذاب‌تر است؟ و چرا؟

- به دلیل دروسی که تدریس می‌کنم، به‌ویژه طبیعی و ژئومورفولوژی کاربردی، مناطق بیابانی و کویری ایران از هر جای دیگر برای من لذت‌بخش‌تر است.

● لطفاً در مورد مسئولیت و فعالیت‌هایتان در مرکز خیریه سالمندان کهریزک هم بفرمایید؟

- من فرد خوشبختی هستم که بعد از بازنشستگی‌ام در سال ۱۳۸۲ آمده‌ام در مؤسسه کهریزک و به عنوان مدیرعامل، مسئولیت این مؤسسه بزرگ را به عهده گرفتم. خوشحالم که در ۹ سال اخیر، کار و فعالیت زیادی برای رفاه مددجویان انجام داده‌ام. هم‌اکنون حدود ۳۰۸۰ نفر سالمند و معلول در آسایشگاه تهران و کرج تحت پوشش قرار دارند که به صورت شبانه‌روزی یا مراقبت در منزل یا به صورت روزانه، به آنان کمک می‌کنیم. این مؤسسه، یک نهاد غیرانتفاعی است که مردم کمک می‌کند و اعتماد مردم سبب پیشرفت آن شده است، به طوری که توانسته‌ایم ساختمان آن را افزایش دهیم و در دو بخش از فعالیت‌ها بسیار خوب کار کرده‌ایم: اول بیماران مبتلا به ام‌اس (MS) که ۲۲۰ نفر را مراقبت می‌کنیم و دوم کودکان عقب‌مانده ذهنی، که در این زمینه در حال سرمایه‌گذاری بوده‌ایم، به‌ویژه کودکان مبتلا به اوتیسم، که در سال‌های اخیر بیشتر شناسایی شده و تعداد آن‌ها بیش از یک صد هزار نفر در کشور است و کلینیک آموزشی برای خانواده‌ها فراهم کرده‌ایم تا بتوانند با این‌گونه کودکان بهتر کار کنند.

مؤسسه کهریزک به‌صورت هیئت امنایی اداره می‌شود و افراد به صورت افتخاری در آن کار و فعالیت می‌کنند.

تشکر می‌کنم برای صبر و حوصله و مهربانی جناب عالی در پاسخ‌گویی. در پناه حق باشید. ●



جغرافیای تات‌ها

بررسی پراکنش جغرافیایی تات‌زبان‌ها در استان قزوین

● دکتر محمد طاهر خانی
دبیر دبیرستان‌های تاکستان

● چکیده

زبان به‌عنوان

هسته اصلی

فرهنگ، رابطه نزدیکی

با سایر پدیده‌های فرهنگی و

اجتماعی دارد. به بیان دیگر، ساختار

اقتصادی، طرز تفکر، آداب و سنن، دانش

قومی و فرهنگی در هر جامعه‌ای ناشی از

زبان آن جامعه است. در واقع، هر گونه نشانه‌ای

که شخص به وسیله آن بتواند حالت‌ها یا مفاهیم

موجود در ذهن خود را به ذهن دیگران انتقال

دهد. زبان خوانده می‌شود (ناتل خانلری، ۱۳۷۱).

زبان، دریچه‌ای است رو به جهان. انسان از طریق

زبان با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و در بستری به

کارگیری زبان به تبیین خود می‌پردازد. زبان،

سیستمی از نمادهای قراردادی است. برای

برقراری ارتباط با دیگران (فراور، ۱۳۷۹).

به عبارت دیگر، زبان شامل مجموعه‌ای از

نمادهای قراردادی است که باید فراگرفته شوند و

زمانی که براساس اصول و قواعد دستوری معین کنار هم

گذاشته شوند، انتقال پیام‌های پیچیده را فراهم می‌سازند

(بیستس، ۱۳۷۵). عمده‌ترین ابزار انتقال دانش فرهنگی و دیگر

جنبه‌های ذهنی فرهنگ، زبان است. به همین سبب ارتباط بین زبان

و فرهنگ از دو جنبه تأثیر فرهنگ بر زبان و تأثیر زبان بر فرهنگ، شایان

توجه و بررسی است، چراکه با تحلیل زبان یک قوم، تا حدود زیادی می‌توان

به محتوای فرهنگی آن قوم پی برد. آشکارترین رابطه میان زبان و فرهنگ

در فرهنگ واژگان دیده می‌شود. واژگان زبان، حوزه‌هایی را بیان می‌کند که

در یک فرهنگ وجود دارند و آن حوزه‌هایی که با واژگان فراوانی مشخص

شده‌اند، حوزه‌هایی هستند که برای آن فرهنگ اهمیت بسیار دارند. تأثیر

دیگر فرهنگ بر زبان، بستری کاربرد و محتوای کاربرد آن در سخن و گفتار

به‌عنوان بعد عینی زبان مطرح است. تات‌ها هم مانند برخی از اقوام دیگر

ایرانی برای خود، زبان فولکور، جهان‌بینی، احساس و عاطفه دارند؛ زبانی

دارند به دبیرنگی زبان ماد و فولکور بس قدیم و لبریز از احساس و آداب و

رسمی ریشه‌دار و شایان پژوهش.

کلیدواژه‌ها: تات، پراکنش جغرافیایی، تات‌زبان، قزوین، تاکستان، الموت.

ویژگی‌های زبانی تات‌ها

زبان تاتی یکی از گویش‌های بسیار قدیمی و پیشینه‌دار است. این امر با توجه به پیشینه تاریخی این گویش و نزدیکی ساختمان نحوی و آوایی آن با زبان‌های کهن ایرانی مانند پهلوی، فارسی باستان و مادی، قابل اثبات است (رحمانی، ۱۳۸۱). گویش تاتی تاکستان، خود شامل لهجه‌های متعددی چون اشتهاردی، رامندی، چال (شالی) و غیر آن‌ها از گروه شمالی زبان‌های غربی است. (یارشاطر، ۱۳۳۷). از این نظر زبان تاتی با زبان‌های فارسی باستان، مادی، فارسی میانه و پهلوی که متعلق به دسته غربی است، در پیوند است. پروفیسور هنینگ^۱ درباره زبان‌های باستانی آذربایجان می‌نویسد: «لهجه تاکستانی از جهتی با سمنانی و از جهتی با تالشی شبیه است». برخی گمان کرده‌اند که لهجه «زازا» از زبان کردی که شبیه تات و تالشی است، از لهجه‌های مردم کوه‌نشین دیلم بوده و بعداً به غرب رفته است. بنابراین می‌توان زبان‌های هرزنی، گرنیکانی، خلخالی، تالشی، زازا، تاکستانی و سمنانی را یک رشته از زبان‌ها و لهجه‌های پیوسته شمرد که از طرفی با لهجه‌های سواحل کاسپین و از سوی دیگر با لهجه‌های مرکزی ایران ارتباط داشته‌اند. نکته دیگر اینکه همه زبان‌های ایرانی دوره باستان، ترکیبی تصریفی^۲ بوده‌اند (صفوی، ۱۳۶۷) که به مرور حالت ترکیبی خود را از دست داده و به صورت تحلیلی^۳ درآمده‌اند. اما تاتی تاکستان هنوز به صورت یک زبان کاملاً تحلیلی در نیامده است. زیرا اسم، صفت، ضمیر، برخی از حالت‌های هفت یا هشت‌گانه را حفظ کرده و دارای جنس مذکر و مؤنث است.

واژه تات داستان درازی دارد و دیدگاه‌های گوناگون و گاه متضادی برای آن بیان شده است. دانشمندان ایرانی و بسیاری از شرق‌شناسان درباره ریشه و معانی آن بسیار سخن گفته‌اند، ولی آنچه مسلم است اینکه تاتی یک زبان است و اگرچه امروزه از گستردگی آن کاسته شده، اما روزگاری دراز در بسیاری از مناطق پهناور سیطره داشته و هنوز هم به حیات خود در پهنه این سرزمین ادامه می‌دهد. در اینجا بی‌مناسبت نیست که به ریشه و سابقه واژه تات پرداخته شود. تات کلمه‌ای ترکی است که به خارجی‌ان ساکن مناطق تحت نفوذ و تصرف ترکان اطلاق شده و نیز برای گروه‌های مختلف از اقوام غیر ترک به کار رفته است (معین، ۱۳۶۴). تات در سرزمین‌های ترک‌نشین برای کسانی به کار می‌رود که به یکی از زبان‌های ایرانی سخن می‌گویند، مانند مردم خلخال، الموت، تاکستان، اشتهارد و غیره (همان). در قفقاز کلمه تات به اقوام ایرانی مقیم آنجا که به لهجه تاتی سخن می‌گویند، اطلاق می‌شود. به برخی از طوایف ایرانی قسمت شمال غربی ایران شامل آذربایجان و حدود آن که آن‌ها هم تاتی است، تات اطلاق می‌شود. تات به قومی فارسی‌زبان و طایفه‌ای از ایرانیان ساکن ولایات شمالی که به لهجه محلی سخن می‌گویند، گفته می‌شود. در قفقاز، به آن قسمت از ایرانیانی که هنوز زبانشان فارسی باقی مانده، تات می‌گویند (دهخدا، ۱۳۳۵). تات در زبان ترکی جغتایی به معنای تبعه است. ترکان بیابان گرد جغتایی که به زندگی کوچ‌نشینی خود افتخار می‌کردند، به مردمان اسکان یافته تات می‌گفتند. تات نامی است که به بخش گسترده‌ای از جامعه ایران بزرگ اطلاق می‌شود. تات نه یک قوم و نه یک طایفه‌اند، بلکه جماعات مختلفی از ایرانی‌زبانان هستند که اطلس پراکندگی آن‌ها از داغستان، شیروان، آذربایجان، زنجان تا سمنان و خراسان را در برمی‌گیرد (عبدلی، ۱۳۸۹). مردم کرانه جنوبی رود ارس، مردمی را که از پل خداآفرین به آن‌سو، یعنی مردمی که در دشت مغان و آستارا سکونت دارند، با آنکه به زبان ترکی سخن می‌گویند، کرد و از پل به این سو، یعنی اهالی جلفا و ماکو را تات می‌نامند.



مادها قومی بودند آریایی، ساکن شمال و مغرب ایران، تاکستان از نظر جغرافیایی ناحیه‌ای بوده که در مرکز ماد سفلی، قرار داشته است (دیاکونوف، ۱۳۵۷). بنابراین می‌توان گفت مادها که هروودوت، مورخ یونانی آن‌ها را به شش طایفه پوز، پارتاسن، استروخات، بودین، آریزانت و مغ تقسیم کرده است، در این ناحیه سکونت داشته‌اند و به زبانی تکلم می‌کرده‌اند که امروزه به تاتی مشهور است. تات نامی است که به بخش گسترده‌ای از جامعه ایران بزرگ اطلاق می‌شود.

محققان و زبان‌شناسان، تاتی را زبان مادها می‌دانند و چون تاکستان یکی از اصلی‌ترین مراکز سکونت تات‌ها از نظر جغرافیایی ناحیه‌ای بوده که در مرکز ماد سفلی قرار داشته و جزء سرزمین وسیع ماد به شمار می‌رفته است، بنابراین می‌توان گفت که مادها در این ناحیه سکونت داشته‌اند و به زبانی تکلم می‌کرده‌اند که امروزه به زبان تاتی مشهور است. (رحمانی، ۱۳۹۰).

با توجه به پیشینه تاریخی این زبان و نزدیکی ساختمان نحوی و آوایی آن با زبان‌های کهن ایرانی، مانند پهلوی و فارسی باستان و مادی، می‌توان اثبات کرد که این گویش از گروه شمالی زبان‌های غربی است و از این نظر با زبان‌های فارسی باستان، مادی، فارسی میانه و پهلوی که متعلق به دسته غربی هستند، در پیوند است (رحمانی، ۱۳۹۰).

تات‌ها مینا و مایه خود را کاملاً حفظ کرده‌اند و این مطلب را با مقایسه واژه‌های ضبط‌شده از مادها و زبان تاتی تاکستان بیشتر می‌توان مورد تأمل قرارداد (رحمانی، ۱۳۹۰). دیاکونوف در تاریخ ماد خود، زمانی که به مبحث زبان‌شناسی مادها می‌پردازد اعتقاد دارد «هنوز هم تات‌ها و تالش‌ها و گیلک‌ها و مازندرانی‌ها به لهجه‌هایی سخن می‌گویند که خود بقایایی از زبان‌های هند و اروپایی، به شمار می‌رود و در آغاز، زبان ماد شرقی بوده است. امتیاز ویژه این لهجه‌ها کهنگی و مهجوری ترکیب اصوات است که در بسیاری از موارد با زبان فارسی تفاوت داشته و با مادی، پارتی و اوستایی شباهت دارد.

بدین سبب اگر تات‌ها و تالش‌ها

را مادها بی‌بدانیم که به زور

پارسی شده‌اند، کاملاً راه

خطا پیموده‌ایم.» جلال

آل احمد نیز بر مادی

بودن زبان تاتی

تأکید دارد

و

می‌توان گفت مادها که

هروودوت، مورخ یونانی آن‌ها

را به شش طایفه پوز، پارتاسن،

استروخات، بودین، آریزالت و مغ

تقسیم کرده است، در این ناحیه سکونت

داشته‌اند و به زبانی تکلم می‌کرده‌اند که

امروزه به تاتی مشهور است. تات نامی است که به

بخش گسترده‌ای از جامعه ایران بزرگ اطلاق می‌شود.

تات‌ها جماعات مختلفی از ایرانی زبان‌ها هستند که اطلس

پراکندگی آن‌ها از داغستان، شیروان، آذربایجان، قزوین و زنجان

تا سمنان و خراسان را در برمی‌گیرد. در این بین، استان قزوین یکی از

مهم‌ترین مراکز سکونت تات‌هاست

می‌نویسد «اگر چه همه تات‌ها ترکی می‌دانند، ولی کمتر لغت ترکی در زبان خودشان به کار می‌برند، اما ترک‌ها حداقل دو دهم لغات اصلی زبانشان همان لغات تاتی و فارسی است.» به عقیده دکتر یارشاطر «در نواحی شمال غربی ایران زبان‌های رایج اکثر ایرانیان ترکی است، ولی در گوشه و کنار این سرزمین هنوز گروه‌هایی هستند که به زبان کهن‌تر این سامان سخن می‌گویند. اغلب این زبان‌ها با وجود اهمیتی که دارند هنوز انتشار نیافته‌اند» این زبان‌ها در سرزمینی که میان رود ارس در شمال، سمنان و سنگسر در شرق و حدود ساوه و همدان در جنوب و غرب گسترده شده، پراکنده‌اند و با یکدیگر رابطه‌ای قوی دارند و اکثر آن‌ها را می‌توان در یک گروه قرار داد. از آنجا که سرزمین این زبان‌ها در ماد قدیم قرار دارد و قواعد صوتی و دستوری آن‌ها نیز منافی با آنچه از زبان مادها می‌دانیم نیست، به جا خواهد بود اگر این زبان‌ها را به عوض تاتی که نارساست و ظاهراً ترک زبان‌ها آن را مصطلح کرده‌اند، مادی بخوانیم، به ویژه آنکه در تاریخ ایران دلیلی در دست نیست که تات‌زبان‌های این نواحی از محل دیگری به این سرزمین کوچ کرده باشند و تردیدی نیست که لهجه‌های ایرانی این نواحی به جز فارسی و کردی بازمانده لهجه‌های مادهاست که تاکنون در نواحی دورافتاده و در پناه کوهستان‌ها یا در میان گروه‌هایی که نیرو و استقلال فکری بیشتری داشته‌اند. دوام یافته است.

تاتی زبانی نسبتاً محافظه‌کار است و بسیاری از خصوصیات کهن‌تر لهجه‌های مادی را حفظ کرده است. در ادامه و در تأیید مباحث فوق، جلال آل احمد نیز اشاره می‌کند که «تاتی مسلمان یکی از لهجه‌های قدیمی زبان فارسی است و اگر اقوال شرق‌شناسان و زبان‌شناسان را ملاک بدانیم، آثاری از زبان قدیمی اقوام ماد در آن باقی مانده است.» از دیگر ویژگی‌های این زبان که از قدمت و اصالت نژادی مردم تات زبان حکایت دارد این است که در لغات این زبان ویژگی جنسیت (مذکر و مؤنث) وجود دارد و افعال به تناسب جنسیت صرف می‌شوند. این خصوصیت نشانه‌های روشن و ارزشمندی است که مبین قدمت و ظرافت این زبان است. نکته دیگر اینکه اسامی مؤنث اعم از اسامی انسان‌ها، حیوانات، نباتات و میوه‌ها همگی قدرت زایش و باروری دارند و می‌توانند مشابه خود را بسازند، مانند کلمه «ویمه» برای میوه بادام با کلمه «اریمیه» برای میوه گل‌ابی. از ویژگی‌های دیگر این زبان قدرت واژه‌سازی آن است که برای ابزار و وسایل کشاورزی به کار برده می‌شود به‌عنوان مثال برای وسیله کشاورزی خرمن‌کوب که خود از شانزده قطعه ساخته شده تماماً از کلمات تاتی استفاده شده یا برای واحد وزن مقیاس‌های بسیار ریز تا سنگین وزن معادل تاتی در زبان تاتی وضع شده است (رحمانی، ۱۳۹۰).

تفاوت گویش تاتی به حدی است که در عین شباهت‌های ملموس، حتی ممکن است تاتی یک محل در جای دیگری از مناطق تات‌نشین اصلاً مفهوم نباشد، مثلاً تات‌های تاکستان تاتی قفقاز رانمی‌فهمند یا در منطقه تات‌نشین تاکستان با وجود فاصله بسیار نزدیک تاکستان با اسفرورین‌شال و خیارج، آن‌ها در برخی لغات و اصطلاحات و حتی لهجه با یکدیگر تفاوت دارند. با این حال، این موضوع مانع از آن نیست که نتوانیم تاتی را یک زبان واحد در نظر بگیریم.

تات‌های استان در شهرستان تاکستان و در بخش اسفرورین، شهر اسفرورین و روستای قرقسین، در شهرستان بویین‌زهر، شهرهای شال، دانسفهان و روستاهای خیارچ، خوزنین، خروزان، ابراهیم‌آباد، سگزآباد و در شهرستان قزوین، زیاران و بخش الموت به مرکزیت معلم کلایه در حدود ۸۹

روستا و بخش رودبار به مرکزیت رازمیان با بیش

از ۱۰۰ روستا پراکنده‌اند و بیشتر ساکنان این

مناطق به تاتی سخن می‌گویند و به آداب

و رسوم و نیز فرهنگ و زبان خود که

ریشه در تاریخ باستان و پیش از

تاریخ دارد، پای‌بندند

تأثیرات جغرافیایی زبان تات

کسانی که به نام تات

خوانده می‌شوند، در واقع

بازمانده اقوام ایرانی ساکن در مسیر

حرکت و استقرار قبائل ترک‌اند. این

ترکان عمدتاً از زمان غزنویان به بعد و به‌ویژه

در دوره سلجوقیان و مغولان وارد ایران شده‌اند و

بیشتر در شمال و شمال غرب ایران سکونت یافته‌اند.

اقوام ایرانی موجود در این محدوده در سایه قدرت یافتن

زبان ترکی به علت حمایت حکومت‌های ترک همچون سلاجقه

و ایلخانان و آق‌قویونلوها و قره‌قویونلوها و صفویان به تدریج زبان

خویش را به فراموشی سپردند و به زبان ترکی تکلم کردند، اما عده‌ای از

آن‌ها همچنان بر زبان ایرانی خویش اصرار ورزیدند و به شکل جزیره‌های

زبانی به حیات خود ادامه دادند. این عده همچنان با عنوان تات خوانده

می‌شوند. این جزیره‌های سکونتی متمرکز نیستند و در گستره ساحل

غربی دریای خزر تا همدان و حتی در مسیر شرقی تا سمنان و خراسان

قرار گرفته‌اند، ساکنان آن‌ها یک قومیت و نژاد خاص را تشکیل نمی‌دهند

و حتی زبان و گویش یکسان نیز ندارند، بلکه باقی‌مانده اقوام متفاوت

ایرانی هستند که همه آن‌ها با کمی مسامحه به نام تات خوانده می‌شوند.

در واقع، تاریخ ایران زمین قومی به نام تات را نمی‌شناسد، بلکه این نامی

است که سائیرین به ایرانیان داده‌اند (بابایی کهن). در مرزهای شمال

شرقی تا شمال غربی ایران به استثنای حواشی نفوذناپذیر دریای خزر،

اقوام متعددی با لهجه‌ها و گویش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی

خاص خود زندگی می‌کردند. در ناحیه شرق، فارسی دری که مورد

توجه ویژه ساسانیان بوده، زبان‌های بومی مانند سغدی و خوارزمی را

از واپسین سنگ‌های حیات خود بیرون رانده است. در نواحی شمال و

شمال غرب، شاخه‌های متعدد زبان موسوم به پهل و پهلوانیک، رنگ و

بومی دیرینه، خود را از دست داده و روند آمیزش با پارسی عامه و پارسی

دری را طی کرده است. گفتنی است که همه آن شاخه‌ها نام واحدی

نداشتند، بلکه هر یک موسوم به نام قوم یا منطقه‌ای بودند. زمانی که

تاتاران دسته‌دسته از راه می‌رسیدند و درفش حکومتی برمی‌افراشتند،

دیگر دولت مرکزی مقتدری مانند پارسیان و پارتیان وجود نداشت که به

جماعت پراکنده هویت ملی واحدی ببخشد تا لهجه‌ها و گویش‌هایشان

تحت نام مشترکی در برابر زبان مهاجمان قرار گیرد. از این رو کلمه تاتی

به مثابه نامی مشترک برای تمامی

لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی، بی‌هیچ

مشکلی جایگزین و مصطلح شد (عبدلی،

۱۳۸۷: ۱۳۴).

از جغرافیای مسکن و شمار تات‌های کنونی آمار

دقیقی در دست نیست، اما براساس نظر پژوهشکده

تات‌شناسی تاکستان، محل‌های سکونت تات‌های ایران

در تاکستان، بوئین‌زهر، شال، دانسفهان، اسفرورین، رامند، طالقان،

رودبار، الموت و به‌ویژه در روستای گازرخان، منطقه پشگل‌دره آبیگ در

قزوین و چند روستا در بخش شاهرود خلخال و رودبار گیلان، هرزند و

کرینگان و گلین‌قیه در مرند، زنوز و حسنو در قره‌داغ، بخش جرگلان

از توابع بجنورد و برخی از روستاهای خط مرزی ترکمنستان است، اما

بیشترین سهم از آن شهرستان تاکستان در استان قزوین است، که

تات‌ها بیش از ۶۰ هزار نفر از جمعیت ۱۶۰ هزار نفری آن را تشکیل

می‌دهند و پس از آن شهرستان بویین‌زهر با حدود ۲۰ هزار نفر قرار

دارد. (نوازی، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

رابطه سه‌گانه، بستگی قومی (جغرافیا، زبان و دین) در میان تات‌ها به

طرز بارزی معنادار است. تات‌ها عمدتاً در استان قزوین و در شهرستان

تاکستان سکونت دارند. ۸۶/۳ درصد آنان در منزل و با خانواده خود

به زبان تاتی، ۹ درصد با زبان فارسی، ۳ درصد با زبان آذری و ۱/۷

درصد با زبان گیلکی صحبت می‌کنند. ۶۷/۲ درصد از تات‌ها تمایل

به ازدواج با تات‌های دیگر دارند، ۷۷/۷ درصد تات‌ها خود را وابسته

به قومی به نام تات می‌دانند و ۶/۸ درصد از آنان خود را وابسته به

قوم ماد می‌دانند. دین و مذهب تات‌های این منطقه اسلام، زرتشتی،

مسیحی و یهودی و میزان تعهد به مذهب ۶۶/۳ درصد در حد زیاد

است. نتیجه کلی تحقیق نشان می‌دهد که به ترتیب سه عنصر آگاهی

قومی، خودشناسی قومی و نگرش‌های قومی شکل گرفته و هر قدر زمان

می‌گذرد، از شدت عنصر سوم و تا حدی نیز از شدت عنصر نخست

کاسته می‌شود، همچنان که با گذر زمان، عنصر چهارم یعنی رفتار قومی

به فراموشی سپرده می‌شود و تات‌ها الگوی متفاوتی را در رفتار خود

دنبال نمی‌کنند (نوازی، ۱۳۸۶: ۱۳۵ - ۱۳۱). بنابراین می‌توان گفت

که تاتی یک زبان واحد نیست، بلکه تاتی‌های مختلف یادگارهای زبان‌ها

و گویش‌های قدیمی ایرانی هستند که تا آمدن ترکان نوعی حیات

داشته‌اند و پس از ورود و سکونت ترکان، نتوانسته‌اند به‌صورت گسترده

و در تمامی حوزه سرزمین خود به حیاتشان ادامه دهند. تاتی‌ها در یک

عکس‌العمل انقباضی نسبت به حضور و گسترش زبان میهمان یعنی

ترکی در جزیره‌های محدود جغرافیایی و زبانی تا به امروز زنده مانده‌اند

و البته چون این گویش‌ها خود شاخه‌هایی از زبان ایران باستان بوده‌اند.

بنابراین امروزه تاتی‌های مختلف در عین اینکه تفاوت‌های فراوان دارند،

شباهت‌های زیادی نیز دارند تا جایی که دیگران همه آن‌ها را با یک نام

یعنی «تاتی» می‌خوانند.

پراکنش زبانی تات‌ها در استان

در استان قزوین، چندین شهر، بخش

و روستا هنوز هم به فرهنگ و زبان اصیل

ایرانی خود پایبند و به زبان تاتی تکلم می‌کنند.

گسترده‌گی ارتباطات تلفیق و نزدیکی فرهنگ‌ها

و زبان‌های دیگر از جمله فارسی نو و ترکی، باعث شده است که ساکنان مناطق تات‌نشین در گفت‌وگوهای روزانه خود، برخی از واژگان آن زبان‌ها را به کار ببرند، اما زبان بیشتر آنان تاتی است. تات‌های استان در شهرستان تاکستان و در بخش اسفرورین، شهر اسفرورین و روستای قرقسین، در شهرستان بوبین‌زهر، شهرهای شال، دانسفهان و روستاهای خیارچ، خوزنین، خروزان، ابراهیم‌آباد، سگزآباد و در شهرستان قزوین، زیاران و بخش الموت به مرکزیت معلم کلاویه در حدود ۸۹ روستا و بخش رودبار به مرکزیت رازمیان با بیش از ۱۰۰ روستا پراکنده‌اند و بیشتر ساکنان این مناطق به تاتی سخن می‌گویند و به آداب و رسوم و نیز فرهنگ و زبان خود که ریشه در تاریخ باستان و پیش از تاریخ دارد، پای‌بندند.

واژگان زبان تاتی، پیوندهای ساختاری عمیقی با زبان‌های کهن ایران، از جمله اوستایی، مادی، پهلوی، اشکانی و پهلوی ساسانی و حتی اشتراکاتی با زبان‌های سکایی، انشانی دارد. بنابراین با توجه به آثار باستانی و اشیای به‌دست آمده از حفاری‌ها و قدمت زبان تاتی و کهنگی واژه‌های آن، می‌توان گفت که تات‌ها قدیمی‌ترین ساکنان این سرزمین و از نژاد مادها، قوم بزرگ آریایی هستند. از نژادهای ایرانی، آریایی تبار ساکن در استان می‌توان کردها، لرها، مراغی‌ها و تات‌ها را نام برد که تات‌ها جزو اولین گروه‌های مهاجر آریایی در این منطقه هستند.

جاده قدیم قزوین - همدان و آزادراه (قزوین - زنجان) به آن وصل می‌شود. شهر تاکستان در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی قزوین و در محور ترانزیتی قزوین - همدان و قزوین - زنجان واقع شده است. فاصله شهر تاکستان تا تهران ۱۸۵ کیلومتر و فاصله هوایی آن تا تهران ۱۴۹ کیلومتر است. این شهرستان از شمال به کوهین و جاده ترانزیت، از شرق به قزوین، از جنوب به دانسفهان، بوبین‌زهرها و ساوه و از غرب به شهرستان ابهر در استان زنجان محدود است (علی‌محمدی، ۱۳۸۴). ساکنان اصلی این شهر به زبان تاتی سخن می‌گویند. آثار به‌دست آمده از تپه‌های باستانی شهر حاکی از قدمت این سرزمین است که به تاریخ پیش از اسلام برمی‌گردد. از آثار باستانی آن می‌توان مسجد شاه‌عباس مسجد سرخندق، امام‌زاده فارس‌جین، تپه باستانی خندا، تپه باستانی خله‌کوه، استراحتگاه رضاشاه که اکنون به ساختمان بانک ملی شعبه مرکزی تبدیل شده است، مقبره پیر، حمام شاه‌عباس، قزقلعه و غیره را نام برد. وجود باغ‌های فراوان انگور، این شهر را به همین نام شهرت بخشیده است. تاکستان را با پیشینه‌ای ۷۰۰۰ ساله جزء قدیمی‌ترین شهرهای ایران و جهان می‌دانند. این منطقه مسیر عبور جاده قدیمی بر رفت و آمد و جهانی ابریشم بوده که سران معروف جهان برای تصاحب آن جنگ‌های زیادی به راه انداخته‌اند. تاکستان که به سرزمین «تات‌ها» معروف بوده، در گذشته «سیادهن» یا «سیاده» نامیده می‌شد. نام سیادهن روی یکی از کتیبه‌های دوران هخامنشی موسوم به پیوتین‌گرایا حک شده است. این کتیبه که از قدیمی‌ترین اسناد نوشتاری این شهرستان است، به زبان یونانی نوشته شده و هم‌اکنون در موزه شهر وین نگهداری می‌شود. عوامل اقتصادی از جمله آب و هوای مناسب، حاصلخیزی خاک و دسترسی به آب مورد نیاز برای کشاورزی سبب گسترش و توسعه اقتصادی تاکستان شده است. باغ‌های انگور این شهرستان شهرت فراوان دارد و در کنار دشت‌های حاصلخیز علاوه بر جاذبه‌های خاص، کشت انواع محصولات کشاورزی هم در آن انجام می‌گیرد (علی‌محمدی، ۱۳۸۴).

شکل ۱ نقشه استان قزوین - محدوده سکونت تات‌نشین‌ها (تصویر زیرین)



بوبین‌زهرها

بوبین‌زهرها شهری در بخش مرکزی شهرستان بوبین‌زهرها با طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۴ دقیقه شرقی و ۳۵ درجه و ۴۶ دقیقه شمالی و در ارتفاع ۱۲۱۰ متری از سطح دریا قرار دارد. آب‌وهوای این منطقه، معتدل مایل به گرم و خشک است. برخی کلمه زهرها را تبدیل شده واژه «زرا» از «زر» به معنای مقدس دانسته و بوبین را ترکیبی از «بو» و «بین» به معنای چشمه و خدا می‌دانند که روی هم به معنای «چشمه

شهرستان تاکستان

شهرستان تاکستان بین مدارهای ۴۹ درجه و ۱۰ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۴۸ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و مدارهای ۳۵ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۱ دقیقه عرض شمالی از استوا واقع شده است. ارتفاع متوسط این شهر از سطح دریا ۱۲۶۵ متر و فاصله شهرستان تا مرکز استان (قزوین) حدود ۴۰ کیلومتر است. که از

خدای مقدس» است برخی دیگر آن را متعلق به الهه آناهیتا و فرشته پاکی و آب‌های روان، می‌دانند. منظور از زهرا، دختر «صاحب‌بری» است که بقعه‌اش را به دخترش بخشید و او هم در آنجا بنایی برقرار کرد. خرابه قلا یا قلعه خرابه و تپه عظیم «برموده» در شمال ابراهیم‌آباد حاکی از تمدنی کهن در این منطقه است. دشت قزوین «دشتابی» رانند و بویین‌زهرا که در جنوب استان قزوین واقع شده است تمدنی بسیار کهن دارند که در لابه‌لای صدها تپه باستانی این منطقه می‌توان تمدن بزرگ و دیرینه‌ای به طول بیش از ۹۰۰۰ سال را مشاهده کرد. بویین‌زهرا در فاصله ۵۰ کیلومتری شهر قزوین قرار گرفته است. در زلزله شهریور ۱۳۴۱ بسیاری از آثار باستانی منطقه از بین رفت. از آثار باقی‌مانده در این منطقه می‌توان به کاروان‌سرای دوره صفویه و برج‌های خرقان اشاره کرد. مردم منطقه به زبان‌های تاتی و آذری سخن می‌گویند.

الموت

منطقه الموت در شمال شهر قزوین، منطقه‌ای است کوهستانی که در میان کوه‌های الموت، طالقان و دره الموت (مسیر الموت‌رود) در بخش کوهستان البرز مرکزی و به موازات کرانه‌های جنوبی دریای خزر، بین ۱۸ تا ۳۶ و ۳۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ تا ۵۰ دقیقه طول شرقی قرار دارد (کاظمی ورکی، ۱۳۸۴). از شمال به غرب مازندران و رامسر (روستای دو هزار و سه‌هزار تنکابن)، از جنوب به کوه‌های طالقان و آبیک، از جنوب غرب به قزوین و از غرب به ابهر و طارم سفلی محدود است دره الموت در تقسیمات جغرافیایی به دو منطقه رودبار الموت و رودبار شهرستان تقسیم شده است. رودبار الموت شامل سه دهستان الموت پایین به مرکزیت روستای زوارک، الموت بالا به مرکزیت روستای مینودشت (شترخان) و معلم کلاویه با مرکزیت معلم کلاویه است و در مجموع ۹۴ روستا با وسعت ۸۸۵ کیلومتر مربع دارد. رودبار شهرستان سه دهستان رودبار شهرستان، رودبار محمد زمان خانی و دستجرد را شامل می‌شود و در مجموع ۹۸ روستا و ۱۲۰ کیلومتر مربع وسعت دارد (حمیدی و همکاران، ۱۳۸۴). به دلیل موانع طبیعی، وجود کوه‌ها و دور بودن از راه‌های اصلی ارتباطی، این منطقه کمتر تحت نفوذ و اختلاط نژادهای مختلف قرار گرفته و می‌توان گفت نژاد مردم الموت، ایرانی خالص باقی‌مانده است.

مردم الموت به زبان تاتی سخن می‌گویند که از نظر ریشه کلمات بدون در نظر گرفتن تلفظ و گویش با زبان طبری و گیلکی مشابهت دارد (کاظمی، ۱۳۸۳). با توجه به استیلای دیلمیان در الموت در دوره اسلامی ممکن است زبان فعلی الموت، زبان دیلم باشد. از مجموع ۸۹ روستای الموت تنها ۵ روستا به زبان ترکی و به این ترتیب ۸۴ روستا به زبان تاتی تکلم می‌کنند. در بخش رودبار شهرستان از مجموع ۱۰۹ روستا تنها سه روستا به زبان ترکی و تعداد ۱۰۶ روستا به زبان تاتی تکلم می‌کنند که کماکان به فرهنگ اصیل و کهن ایرانی خود پایبندند (کاظمی، ۱۳۸۴). در روستای زیاران مرکز، اهالی روستای زیاران به تاتی تکلم می‌کنند.

دانسفهان

این ناحیه در زبان محلی «دونسبون - دونسوون» خوانده می‌شود. اصل کلمه «دان اسپهان» بوده که بعد از

قرن اول هجری و با گسترش ارتباط اعراب و ایرانیان به صورت دانسفهان درآمده است. این شهر ناحیه‌ای در جنوب و خوزین و غرب قشلاق است که در سی کیلومتری آن و در جنوب کوهپایه‌های رانند واقع شده است. دانسفهان سابق در زلزله سال ۱۳۴۱ خورشیدی به‌طور کامل از بین رفت. شهر امروزی با قدمتی بیش از چهار دهه در فضای کوچک و با فاصله‌ای اندک از دامنه کوه رانند براساس اصول شهرسازی و معماری نوین بنا شده و در سه راهی تقاطع جاده تهران - همدان و زنجان موقعیتی ویژه دارد.

شال

شال که در میان اهالی به «چال» معروف است و ساکنان آن را «چالیج» یعنی اهل چال می‌گویند، در فاصله ۲۵ کیلومتری تاکستان واقع شده است. این ناحیه از سوی شرق به زین‌آباد و شمال به اسفرورین، شمال شرقی به خروزان، شمال غربی به لوشکان، از باختر به یارآباد و از جنوب و جنوب غربی به خوزین و خیارچ محدود است. شال از نظر اقتصادی به واحدهای صنعتی و کوره‌های آجرپزی متکی است و علی‌رغم زبان ترکی مغولی در روستاهای مجاور و فارسی، خوشبختانه مردم همچنان به زبان و فرهنگ اصیل خود پایبندند.

ابراهیم‌آباد

از روستاهای مهم بویین‌زهراست. مردم به لهجه محلی آن را «برموه» یا برموده می‌گویند. اصل کلمه برهرام است. روستا در بیست کیلومتری بویین‌زهرا قرار دارد و از لحاظ گویش با سگزآباد نزدیکی زیادی دارد. روستا در شمال شرقی کوه رانند و در ۵ کیلومتری سگزآباد واقع شده. زبان مردم روستا تاتی است که از زبان‌های کهن این مرز و بوم و بازمانده زبان قدیمی مادهاست.

سگزآباد

سگزآباد در لهجه محلی «سزگوه» خوانده می‌شود و اصل آن «سزگاه‌آوه» به معنای سرزمین خرم از آب بوده است. دهکده از نواحی باستانی با طبیعتی زیبا، چاه‌ها، قنوت، مزارع و باغات فراوان تشکیل شده که روستا را خرم و سرسبز کرده است. روستا در ده کیلومتری بویین‌زهرا و در ارتفاع ۱۲۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد. روستا روی بخش غربی مخروط‌افکنه میانی رودخانه حاجی‌عرب قرار گرفته است. مراحل شکل‌گیری و ادامه حیات روستا در کنار رودخانه شکل گرفته به نحوی که کلمه «سوزگاه آوه» هم مبین همین مفهوم است.

خوزین

روستا در فاصله ۸ کیلومتری شهر شال و در شرق خیارچ قرار گرفته است. خوزین در اصل «خوزین» به معنای شن و ماسه است، چرا که خوز به معنای شن و ماسه است و به دلیل شن‌زار بودن خاک منطقه به خوزین شهرت یافته است. خوزین قدیم در زلزله سال ۱۳۴۱ خورشیدی تخریب، و شهر جدید در شمال شرقی دهکده قدیمی در کنار تپه قدیمی موسوم به خوزین تپه، مطابق اصول شهرسازی و مهندسی بنا شده است.

خیارج

خیارج روستایی در جنوب غربی شال و غرب خوزنین و در محدوده بخش رامند در ضلع شمالی جاده ترانزیتی تهران - همدان قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۲۸۰ متر است. خیارج در زبان محلی «خیاره» خوانده می‌شود که از ریشه اوستایی خور به معنای خوب است. روستا تاریخی باستانی دارد که مردمانش به زبان تاتی تکلم می‌کنند.

بخش اسفرورین

بخش اسفرورین در قسمت شرقی شهرستان تاکستان واقع شده است. ارتفاع متوسط شهر از سطح دریا ۱۲۱۵ متر است. اسفرورین از شمال به روستای شارین و از غرب به روستای قرقسین، از جنوب غرب به روستای لوشکان و جنوب شرقی به شال و از شرق به خروزان محدود می‌شود. این شهر در ۱۶ کیلومتری تاکستان و ۵۰ کیلومتری قزوین واقع شده است. به لحاظ موقعیت منطقه‌ای مهاجران کمتری را پذیرفته، بنابراین عمده ساکنان منطقه بومی هستند و همگی به زبان تاتی و با لهجه اسفرورینی صحبت می‌کنند.

قرقسین

قرقسین با کرگسین روستایی در نزدیکی تاکستان و از توابع دهستان اک در ۵ کیلومتری بخش اسفرورین با اقتصادی بر پایه کشاورزی و دامداری است. مردم روستا علی‌رغم قرار گرفتن در بین روستاهای غیرتات با لهجه اسفرورینی با عشق و علاقه به زبان خود تکلم می‌کنند.

خروزان

این روستای تات‌زبان در دهستان اک از توابع بخش اسفرورین و در ۴ کیلومتری جنوب شرقی شهر اسفرورین و در ۲۰ کیلومتری تاکستان واقع شده است.

نتیجه‌گیری

استان قزوین، سرزمینی که همواره بسیاری از اقوام ایرانی را در پیوندهای تاریخی در بر گرفته، پایگاهی است که تمدنی چندین هزار ساله را در پهنه خود نهفته دارد. این استان به دلیل داشتن موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی در مسیر شاهراه غرب به شرق و جاده ابریشم در طی قرون متمادی، پیوسته خاستگاه فرهنگ، تمدن و زبان این مرز و بوم بوده است. در دوران تاریخی، سرزمین مزبور جزء ناحیه ماد بزرگ (سفلی) به‌شمار می‌رفته و بین ساکنان نواحی شمالی و شمال‌غربی آن با سرزمین دیلم و منطقه همدان و ری ارتباط و پیوستگی وجود داشته است. مردم ساکن این ناحیه به‌جز آن‌ها که در قسمت رودبار، الموت و کوهپایه می‌زیسته‌اند، دیگران به علت موقعیت خاص جغرافیایی سرزمین خود که در کنار شاهراه‌های عمده قرار داشته‌اند، در معرض حوادث، رویدادهای تاریخی و هجوم گروه‌های مختلف برای استفاده از امکانات این منطقه و بالاخره مسائل سیاسی و اجبار حکومتیان از

نواحی دیگر به این سرزمین آمده و مستقر شده‌اند. به همین جهت است که در حال حاضر ما با ترکیب خاصی از اقوام گوناگون در این ناحیه مواجهیم که در شرایط موجود، می‌توان آن‌ها را به اعتبار زبان، فرهنگ و وابستگی‌شان به ایل یا طایفه خاصی مشخص کرد. این سرزمین در طی سالیان دراز به دلیل آب‌وهوای مناسب و دشت‌های حاصلخیز و وجود دریای کاسپین در شمال و کوه‌های منحصر به فرد پیرامون آن، در گذشته همواره مقصد لشکر کشی، مهاجرت و سیاحت‌گاه خاورشناسان و جهانگردان متعدد بوده است. وجود زبان آریایی و پدیده‌های فرهنگی و تمدن باستانی همچون تپه‌های باستانی پیش از تاریخ و صدها آثار باستانی دیگر در جای‌جای این سرزمین به ویژه در دشت‌های میان دو کهن‌رود اهرورد و خرورد، براساس حفاری‌های علمی باستان‌شناسی در تپه‌های پیش از تاریخ از جمله سیاه‌تپه و تپه‌زاغه سگرآباد که اولی گویای آغاز سکونت و شهرنشینی در شش هزار سال پیش از میلاد و دومی در چهار هزار سال پیش از میلاد است. کاوش‌های باستان‌شناسی اخیر در تپه شیرز تاکستان با قدمت هفت‌هزار ساله در جنوب غربی شهر قزوین نیز، گویای وجود تمدن و سکونت دیرینه در این سرزمین است. تاریخ، زبان و فرهنگ تات که به درازای تاریخ، ماده‌های این سرزمین است. چون اصل خود، ناشناخته و مجهول باقی‌مانده است. واژه تات داستان درازی دارد و دیدگاه‌های گوناگون و گاه متضادی برای آن بیان شده است. دانشمندان ایرانی و بسیاری از شرق‌شناسان درباره ریشه و معانی آن بسیار سخن گفته‌اند. ولی آنچه مسلم است تاتی یک زبان است و اگرچه امروزه از گستردگی آن کاسته شده. اما روزگاری دراز در بسیاری از مناطق پهناور سیطره داشته، و هنوز هم حیات خود را در پهنه این سرزمین ادامه می‌دهد. فرهنگ هر ملتی در آداب و رسوم پیشینیان ریشه دوانیده و شناسایی و معرفی این رسوم و سنت‌ها نقش مهمی در احیای فرهنگ و پایبندی نسل کنونی به فرهنگ ریشه‌دار و اصیل خود ایفا می‌کند. این امر به مفهوم درجا زدن و ماندن در گذشته نیست، بلکه رسیدن به این باور است که ما در گذشته فرهنگ غنی و پیشرویی داشته‌ایم و صد البته به‌جاست که همچون گذشته‌های دور باید بسیار بکوشیم تا همواره پیشتاز میدان ترقی و تمدن باشیم و بدانیم که زبان و گویش، آثار باستانی، بناها، فرهنگ و تمدن، اصل و تبار ماست و چراغ آینده با نفت گذشته می‌سوزد؛ پس در ارج نهادن و ابقای آن سعی وافر داشته باشیم. گویش تاتی تاکستان همچون جزیره‌ای زبانی ساختار قدیمی بسیاری را در خود حفظ کرده است، در حالی که براساس برآورد کارشناسان سازمان ملل ۶۸۰۰ زبان و لهجه بومی جهان تا پایان قرن ۲۱ رو به زوال‌اند. شناخت ویژگی‌های زبان کهن تاتی، یکی از بدیهی‌ترین ضروریات چشم‌انداز زبان مزبور است. زبان تاتی تاکستان به لهجه‌ها اسفرورینی، قرقسینی، شالیف سگرآبادی و ابراهیم‌آبادی و زبان تاتی به لهجه الموتی، رودبار شهرستانی و مراغی در کنار زبان‌های کردی، لری، گیلکی، مازندرانی، لکی، رومانلویی، ترکی و فارسی با لهجه تهرانی و قزوینی، اطلس زبان‌های استان را تشکیل می‌دهند. سابقه سکونت در مناطق تات‌نشین مورد مطالعه براساس کاوش‌های باستان‌شناسی به هفت‌هزار سال پیش از میلاد برمی‌گردد، اما کاوش‌های زبان‌شناسی، قدمت این زبان را به عصر مادها و حدود سه‌هزار سال پیش مربوط می‌داند. به نظر می‌رسد ساکنان بومی منطقه با مهاجران آریایی امتزاج یافته و به حیات خود ادامه داده و در دوره مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان حماسه آفریده و بعداً تات خوانده شده‌اند.

زبان تاتی تاکستان به لهجه‌های اسفرورینی، قرقسینی، شالیف
 سگزآبادی و ابراهیم‌آبادی و زبان تاتی به لهجه‌الموتی، رودبار
 شهرستانی و مراغی در کنار زبان‌های کردی، لری، گیلکی،
 مازندرانی، لکی، رومانلویی، ترکی و فارسی با لهجه
 تهرانی و قزوینی، اطلس زبان‌های استان را
 تشکیل می‌دهند. سابقه سکونت در مناطق
 تات‌نشین مورد مطالعه براساس کاوش‌های
 باستان‌شناسی به هفت‌هزار سال پیش
 از میلاد برمی‌گردد، اما کاوش‌های
 زبان‌شناسی، قدمت این زبان
 را به عصر مادها و حدود
 سه‌هزار سال پیش
 مربوط می‌داند

پی‌نوشت‌ها

1. haning
2. Synthetic
3. Analytic

منابع

۱. آل‌احمد، جلال، (۱۳۳۷). *تات‌نشین‌های بلوک زهرا*. تهران: امیرکبیر.
۲. بابایی کهن، محمدرضا (۱۳۸۱). *هویت تات‌ها و زبان تاتی*.
۳. بی‌تس، دانیل و پلاک، فرد (۱۳۷۵). *انسان‌شناسی فرهنگی*. مترجم محسن ثلاثی. تهران: سمت.
۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۵). *لغت‌نامه دهخدا*. انتشارات مجلس شورای اسلامی.
۵. دیاکونوف، ام. (۱۳۷۱). تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
۶. صفوی، کوروش (۱۳۶۷). *پیشینه زبان فارسی*.
۷. رحمانی، ایرج (۱۳۸۱). در رساله بررسی فعل در گویش تاتی تاکستان و تات‌نشین‌های بوبین‌زهرا». رساله کارشناسی ارشد.
۸. حمائی، رضا (۱۳۹۰). تاکستان، شهری به قدمت تاریخ. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
۹. رحمانی، مجید (۱۳۸۷). «وضعیت کنونی زبان تاتی در تاکستان و برخی از مناطق اطراف». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی، تاکستان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان.
۱۰. عبدلی، علی (۱۳۸۰). *فرهنگ تطبیقی تالشی - تاتی - آذری*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. عبدلی، علی (۱۳۸۷). «نگاهی به هویت و زبان تاتی». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی، تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان.

۱۲. علی‌محمدی (۱۳۸۴) سیمای بخش اسفرورین از استان قزوین، حدیث امروز.
۱۳. فرارو، گری پی (۱۳۷۹). *انسان‌شناسی فرهنگی*. مترجم غلامعلی شاملو. تهران: سمت.
۱۴. کاظمی، ایرج (۱۳۸۳). *آشیانه عقاب ایرانگردان*.
۱۵. معین، محمد (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر، چاپ هفتم.
۱۶. نانل خانلری، پرویز (۱۳۷۱). *تاریخ زبان فارسی*، جلد ۱.
۱۷. نوازی، ب (۱۳۸۶). «بررسی هویت تات‌های ایران». فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۱.
۱۸. یارشاطر، احسان (۱۹۶۹) *دانشنامه ایران اسلام*، ج ۱. تهران: بنگاه ترجمه و نشر.

بی‌ثباتی‌های سیاسی و صنعت گردشگری در غرب آسیا

اشاره

صنعت گردشگری بزرگ‌ترین صنعت در زمان صلح است. تحولات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، امروزه گردشگری را به یک منبع مهم تولید ناخالص داخلی و یکی از سریع‌ترین بخش‌های اقتصادی در حال رشد جهان تبدیل کرده است. صرف نظر از قدرت اقتصادی گردشگری، این صنعت در معرض حوادثی است که ممکن است خطراتی را برای موفقیت آن ایجاد کند. بی‌ثباتی سیاسی یکی از بحران‌هایی است که درجه بالایی از خطر و نااطمینانی را ایجاد می‌کند و آثار منفی بر صنعت گردشگری خواهد داشت. شواهد موجود نمایانگر تأثیر منفی بی‌ثباتی سیاسی بر رونق این صنعت و از رده خارج شدن برخی از مقاصد از صحنه گردشگری است. اعتراض‌های خشونت‌آمیز، ناآرامی‌های اجتماعی، جنگ داخلی، عملیات تروریستی، نقض حقوق بشر یا حتی تهدید این فعالیت‌ها می‌تواند به تغییر تصمیم گردشگران بینجامد...

با مقایسه درآمدها و میزان ورود گردشگران در شرایط امنیت و ثبات سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی در عرصه جهانی و خاورمیانه، می‌توان ارتباط بسیار نزدیک توسعه گردشگری با تحولات سیاسی را دید. استراتژی مبارزه با تروریسم بین‌الملل در عرصه جهانی گروه‌های تکفیری در فضای سیاسی - امنیتی منطقه خاورمیانه و شرایط داخلی رژیم‌های استبدادی کشورهای منطقه را می‌توان از جمله عوامل بی‌ثباتی سیاسی دانست. در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به این سؤالیم که «آیا بی‌ثباتی سیاسی و فضای سیاسی - امنیتی حاکم بر کشورهای منطقه غرب آسیا بر وضعیت رشد صنعت گردشگری کشورهای منطقه تأثیر منفی بر جای خواهد گذاشت؟» این فرضیه مطرح می‌شود که بین بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی کشورهای خاورمیانه و تأثیر منفی آن بر گردشگری این کشورها رابطه‌ای معنادار و مستقیم وجود دارد؟ این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: بی‌ثباتی سیاسی، صنعت گردشگری، منطقه غرب آسیا، امنیت، تروریسم بین‌الملل



کاهش شدید سهم این کشورها از صنعت گردشگری و افزایش سهم کشورهای دیگر شده است [۳].

مقایسه پتانسیل‌ها و جاذبه‌های گردشگری منطقه خاورمیانه با میزان موفقیت این کشورها در جذب گردشگر، بی‌تردید حاکی از وجود مشکلات و موانع موجود در برابر گردشگری است. سهم ۶/۰۱ درصدی منطقه خاورمیانه از جذب گردشگران خارجی در برابر سهم ۵۲/۲۴ درصدی کشورهای اروپایی از این حیث و درآمد ارزی ۴۱/۲ میلیارد دلاری کشورهای خاورمیانه در برابر درآمد ارزی ۴۱۳ میلیارد دلاری کشورهای اروپایی در سال ۲۰۰۹، گویای این امر است [۴]. در طبقه‌بندی سازمان جهانی گردشگری ملل متحد، منطقه خاورمیانه شامل کشورهای اردن، امارات متحده عربی، بحرین، سوریه، عراق، عربستان، عمان، فلسطین، قطر، کویت، لبنان، لیبی، مصر و یمن است. در گروه‌بندی کشورهای خاورمیانه از نظر اندیشمندان و دایرةالمعارف‌های علوم سیاسی، علاوه بر مطرح بودن بسیاری از کشورهای مورد نظر، سرزمین‌های اشغالی، ایران، ترکیه و برخی دیگر از کشورهای شمال آفریقا چون الجزایر، تونس، سودان و مراکش نیز مطرح بوده‌اند [۵].

پیشینه تحقیق

سفر و گردشگری انبوه به‌عنوان پدیده‌های اقتصادی و جامعه‌شناسی نشانه‌ای از دنیای مدرن است. صنعت سفر و گردشگری به شکلی که امروز می‌شناسیم ۵۰ یا ۶۰ سال بیشتر ندارد [۶]. در کشور ما پژوهش‌های مربوط به وضعیت گردشگری خاورمیانه بسیار محدود است، اما می‌توان به دو مورد آن اشاره کرد:

مسعود موسوی شفایی، علی‌اکبر امین بیدختی و سید مجتبی اسماعیل شهبانی [۷] در پژوهش «تأثیر بی‌ثباتی سیاسی خاورمیانه بر صنعت گردشگری ایران در دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱» با استفاده از روش توصیفی - پیمایشی به بررسی شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی و همبستگی این شاخص‌ها با شاخص‌های رکود صنعت گردشگری کشور پرداخته‌اند که همبستگی معناداری بین آن‌ها دیده شده است.

رحیم حیدری چپانه و ناصر سلطانی در پژوهش «تحلیلی بر نقش ثبات سیاسی و امنیت در توسعه صنعت گردشگری، مطالعه موردی: منطقه خاورمیانه» یافته‌های پژوهش خود را با استفاده از روش‌های توصیفی - تحلیلی چنین ارائه می‌دهند که نوسان و عدم تعادل شدید در میزان گردشگران ورودی به کشورهای این منطقه، ارتباط بسیار نزدیکی با تحولات سیاسی در عرصه جهانی (چون استراتژی مبارزه با تروریسم بین‌الملل)، فضای سیاسی - امنیتی منطقه خاورمیانه (چون تشدید اقدامات گروه‌های تکفیری) و شرایط داخلی کشورهای این منطقه (چون رژیم‌های استبدادی) دارد.

در مورد پژوهش‌های انجام شده در خارج از ایران بیشتر به رابطه بی‌ثباتی سیاسی و عوامل اقتصادی توجه شده است و تأثیرپذیری گردشگری خاورمیانه از بی‌ثباتی‌های سیاسی منطقه مورد توجه نبوده است.

ال - حماره و استینر [۸] راهبردهای توسعه گردشگری در جهان

مهین طالبی اسکندری

کارشناس ارشد جغرافیا

حسین مردانی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا

مقدمه

امروزه گردشگری بعد از نفت در کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه به‌عنوان کالایی تجاری، درآمدهای جهانی سرشاری ایجاد کرده و حجم زیادی از کل تولید ناخالص ملی این کشورها را تشکیل می‌دهد به نحوی که در طول دو دهه گذشته سریع‌ترین بخش اقتصادی در حال رشد جهان بوده است [۱]. گسترش صنعت گردشگری، علاوه بر نقش و تأثیر آن در ابراز هویت ملی و ایجاد امنیت اجتماعی، موجب ارتقای وضعیت اقتصادی از جمله ایجاد فرصت‌های شغلی، درآمدزایی، کاهش فقر و گسترش عدالت اجتماعی و رفاه در جامعه می‌شود.

در سال‌های اخیر صنعت گردشگری همواره به‌عنوان یکی از بخش‌های پیشرو اقتصادی مطرح بوده و پس از بخش ارتباطات و اطلاعات از لحاظ اهمیت در جایگاه دوم قرار گرفته است. براساس گزارش شورای جهانی مسافرت و گردشگری (۲۰۱۰)، سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی، اشتغال و سرمایه‌گذاری به ترتیب ۹/۸، ۸/۶ و ۹/۸ درصد بوده است [۲].

وقوع جنگ، گسترش تروریسم، گسترش روزافزون ناامنی، کنترل‌های شدید مرزی، اعمال مقررات شدید در صدور ویزا، وجود تعارض عقیدتی بین کشورها و بی‌ثباتی سیاسی - امنیتی برخی از کشورها، از جمله چالش‌های مطرح در برابر گردشگری در گذشته بوده و در آینده نیز به‌عنوان یک متغیر پویا در این حیطه مطرح خواهند بود. با وجود چنین شرایطی، هنوز شاهد رشد هر چند آرام گردشگری در ابعاد جهانی آن هستیم، اما صنعت گردشگری برخی از کشورها دچار آسیب‌های فراوانی شده است و همین امر باعث

عرب بعد از یازدهم سپتامبر را مورد بازاندیشی قرار می‌دهند و به این نتیجه می‌رسند که حملات یازده سپتامبر با توجه به نقش جهانی و موقعیت ایالات متحده و نیز شخصیت جهانی گروه تروریستی القاعده، بر گردشگری تأثیر گذار بوده است.

منسفلد و پیزام (۲۰۰۶) در کتاب گردشگری، امنیت و ایمنی، تغییری را از مطالعه موردی که در آن به ثبت خصوصیات عواقب حملات تروریستی به گردشگران، گردشگری و جامعه قربانی می‌پردازند به رویکردی علمی پیرامون چگونگی کنترل و کاهش پیامدهای این حوادث نشان می‌دهد.

کلمنت و فلچر [۹] از دانشگاه استنفورد به تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر محصول آسیب‌پذیری جهانگردی در فیجی و کنیا پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده چنین است که رویدادهای سیاسی مانند کودتا و مسائل سیاسی داخلی آثاری به مراتب شدیدتر در سطح فعالیت‌های گردشگری نسبت به حملات تروریستی سطح پایین تا متوسط دارند. تیموثی و جیان پی [۱۰] در کتاب میراث فرهنگی و گردشگری در کشورهای در حال توسعه به مسائل، چالش‌ها و روندهای جهانی و منطقه‌ای مرتبط با میراث و گردشگری در کشورهای کمتر توسعه‌یافته می‌پردازند. این کتاب با استفاده از ایده‌ها و گفتمان‌های تئوریک گردشگری میراث به بررسی موضوعات مطرح‌شده می‌پردازد و از حفاظت، مدیریت، اقتصاد و توسعه‌نیافتگی، سیاست و قدرت، به کارگیری میراث، استعمارگری و غیره سخن می‌گوید.

تعریف گردشگری

در سال ۱۹۹۱ سازمان جهانی گردشگری وابسته به سازمان ملل متحد به تعریف معیار به شرح زیر دست یافت: «گردشگری به مجموعه فعالیت‌هایی که افراد به هنگام سفر به مکانی خارج از محیط زندگی معمول خود انجام می‌دهند، گفته می‌شود. طول مسافرت نباید کمتر از ۲۴ ساعت و نه بیشتر از ۱۲ ماه متوالی بوده و هدف از آن تفریح، تجارت و دیگر اهداف باشد. در این مسافرت، جهانگرد نمی‌تواند درآمد حاصل از اشتغال کسب کند» [۱۱].

گردشگری در جهان

در عصر کنونی کشورها و جوامع بشری به صورت فزاینده‌ای به این حقیقت پی برده‌اند که برای حفظ

وضع اقتصادی خود باید ابتکار عمل به خرج داده و در صدد یافتن راه‌های تازه‌ای برای گسترش روابط تجاری خود و خروج از وابستگی به تک‌محصول‌ها برآیند [۱۲].

میزان رشد قابل توجه گردشگری در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ از ۲۵ میلیون گردشگر به ۴۵۷ میلیون گردشگر، بیانگر رویکرد مناسب افراد به مسافرت، سرمایه‌گذاری دولت‌ها در این بخش و ثبات نسبی در شرایط سیاسی و اقتصادی جهان بوده است. اما از سال ۱۹۹۱ شاهد میزان رشد اندک در مسافرت‌های بین‌المللی بوده‌ایم. رشد آرام گردشگری جهانی مربوط به سال ۱۹۹۱ تا حدود زیادی ناشی از جنگ خلیج فارس و رشد آرام مربوط به سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ ناشی از بحران مالی آسیا بود [۱۳].

از مجموع ۸۸۰ میلیون گردشگر بین‌المللی در سال ۲۰۰۹ تعداد ۴۵۹/۷ میلیون نفر به قاره اروپا سفر و بالغ بر ۴۱۳ میلیارد دلار در کشورهای این قاره خرج کرده‌اند. فرانسه با جذب ۷۴/۲ میلیون نفر مقام اول را در جذب گردشگر داشته است. قاره آسیا و اقیانوسیه توانسته است در این سال ۱۸۱/۲ میلیون نفر گردشگر را با درآمدی معادل ۲۰۳/۷ میلیارد دلار پذیرا باشد. قاره آمریکا شامل آمریکای شمالی، مرکزی و جنوبی در سال ۲۰۰۹ بالغ بر ۱۴۰/۷ میلیون گردشگر با درآمدی معادل ۱۶۵/۲ میلیارد دلار از نظر درآمدی مقام سوم جهان را در اختیار داشته است. کشورهای منطقه خاورمیانه با ۵۲/۹ میلیون نفر و کسب درآمدی بالغ بر ۴۱/۲ میلیارد دلار در جایگاه چهارم و قاره آفریقا با ۴۵/۶ میلیون نفر و درآمدی معادل ۲۸/۹۳ میلیارد دلار در مقام پنجم جای گرفته است. قاره آفریقا تنها مقصد گردشگری دنیا بوده که از رشد مثبت ۳/۱ درصد نسبت به سال ۲۰۰۸ برخوردار بوده است [۱۴].

گفتنی است که کشور ایران بر اساس تقسیم‌بندی سازمان جهانی گردشگری در منطقه آسیا و اقیانوسیه قرار دارد.

سازمان جهانی گردشگری UNWTO در گزارش سال ۲۰۱۳ به نکات برجسته و جالبی اشاره و میزان رشد گردشگری در جهان و هر یک از قاره‌ها و مناطق را بیان کرده است. طبق این گزارش، بیشترین رشد در گردشگران ورودی را منطقه آسیا پاسیفیک با افزایش ۶ درصدی داشته و پس از آن اروپا و آفریقا هر کدام با ۵ درصد رشد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در آمریکای شمالی و جنوبی، گردشگری با رشد سه درصدی همراه بوده است و در خاورمیانه تقریباً شاهد رشد

جدول شماره ۱: توزیع گردشگری بین‌المللی در مهم‌ترین بازارهای مقصد بر حسب تقسیم‌بندی اداری سازمان جهانی گردشگری (نرخ رشد ۲۰۰۹ نسبت به ۲۰۰۸)

منطقه	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	نرخ رشد
قاره اروپا	۲۶۲/۶	۳۱۱/۳	۳۹۳/۵	۴۴۰/۳	۴۶۲/۲	۴۸۴/۴	۴۸۷/۲	۴۵۹/۷	-۵/۷
قاره آسیا و اقیانوسیه	۵۵/۸	۸۱/۸	۱۰۹/۳	۱۵۴/۶	۱۶۷	۱۸۴/۳	۱۸۴	۱۸۱/۲	-۱/۶
قاره آمریکا	۹۲/۸	۱۰۹	۱۲۸/۲	۱۳۳/۴	۱۳۵/۸	۱۴۲/۵	۱۴۷/۸	۱۴۰/۷	-۴/۸
قاره آفریقا	۱۵/۲	۲۰/۱	۲۷/۹	۳۷/۳	۴۱/۴	۴۴/۴	۴۴/۲	۴۵/۶	۳/۱
خاورمیانه	۹/۶	۱۳/۷	۲۴/۴	۳۷/۸	۴۰/۹	۴۷/۶	۵۵/۶	۵۲/۹	-۴/۹

منبع: Organization 2009&2010 UNWTO: World Tourism

چندانی نبوده‌ایم. درآمد حاصل از گردشگری را در کل دنیا طی سال ۲۰۱۳، چیزی بالغ بر ۱۱۵۹ میلیارد دلار اعلام کرده است که نسبت به سال قبل ۸۱ میلیارد دلار افزایش داشته است. طبق گزارش سال ۲۰۱۳ سازمان جهانی گردشگری، میانگین میزان رشد گردشگران ورودی بین‌المللی در سال گذشته حدود ۵ درصد در سراسر جهان بوده و این تعداد به ۱۰۸۷ میلیون نفر رسیده و رشد میزان گردشگری داخلی در سال گذشته ۵ تا ۶ میلیارد نفر بوده و پیش‌بینی شده است که در سال ۲۰۳۰ گردشگران بین‌المللی به ۸/۱ میلیارد نفر برسند [۱۵].

پیش‌بینی‌های سازمان جهانی جهانگردی در ژانویه ۲۰۱۴ رشدی معادل ۴ تا ۴/۵ درصد برای گردشگران بین‌المللی را نشان می‌دهد و در ضمن به این نکته اشاره شده است که این رشد در یک دوره بلندمدت مدت تا سال ۲۰۳۰ حدود ۳/۳ درصد در هر سال خواهد بود. همچنین این پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که رشد گردشگران برای آسیا پاسیفیک ۵ تا ۶ درصد و برای آفریقا ۴ تا ۶ درصد خواهد بود. براساس این گزارش، چین به‌عنوان بازار اصلی و شماره یک گردشگری در جهان شناخته شده است و گردشگران در سال مذکور، رقمی بالغ بر ۱۲۹ میلیارد دلار

گردشگری به مجموعه فعالیت‌هایی که افراد به هنگام سفر به مکانی خارج از محیط زندگی

معمول خود انجام می‌دهند، گفته می‌شود.

طول مسافرت نباید کمتر از ۲۴ ساعت

و نه بیشتر از ۱۲ ماه متوالی بوده

و هدف از آن تفریح، تجارت

و دیگر اهداف باشد. در

این مسافرت، جهانگرد

نمی‌تواند در آمد

حاصل از اشتغال

کسب کند

خرج

کرده‌اند

و منطقه

خاورمیانه با کاهش

۲ درصدی درآمد

گردشگری روبه‌رو بوده

است. آمار گردشگران بین‌المللی

نشان‌دهنده رشد مستمر و بدون وقفه

در این زمینه است که از ۲۵ میلیون نفر

گردشگر در سال ۱۹۵۰ به ۲۷۸ میلیون نفر در

سال ۱۹۸۰ و از ۲۸ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵ به

۱۰۸۷ میلیون نفر در ۲۰۱۳ رسیده است [۱۶].

درآمدهای جهانی گردشگری

کشورهایی که توانسته‌اند در صنعت گردشگری

کارنامه موفق‌تری از خود به جا بگذارند، علاوه بر معرفی

کشور خود به گردشگران، درآمد سرشاری از این صنعت

به دست آورده‌اند.

سال ۲۰۱۸ میلادی در جهان، یک هزار و ۲۴۱ میلیارد دلار

سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری انجام شد که این رقم معادل

۹/۰۲ درصد از کل سرمایه‌گذاری جهان است. این رقم تا سال

۲۰۲۰ به ۲/۷۵۷ میلیارد دلار خواهد رسید که ۹/۰۴ درصد از کل

سرمایه‌گذاری در جهان را تشکیل می‌دهد.

تولید ناخالص داخلی جهان از گردشگری در سال گذشته میلادی

۹/۲ درصد از کل تولید ناخالص داخلی بوده که نسبت به ۱۰ سال

گذشته رشد نیم‌درصدی داشته و این رقم معادل ۵۷۵۱ میلیارد دلار بوده است. طبق پیش‌بینی‌های سازمان جهانی شورای سفر در سال ۲۰۲۰ میلادی، تولید ناخالص داخلی جهان از گردشگری به مبلغی معادل ۱۱/۱۵۱ میلیارد دلار می‌رسد که نسبت به سال ۲۰۱۰ رشد ۴/۴ درصدی خواهد داشت و نسبت اقتصاد گردشگری به ۹/۶ درصد کل تولید ناخالص جهان افزایش می‌یابد.

براساس آخرین آمار این سازمان در حال حاضر از هر ۱۲/۳ شغل در سراسر دنیا یک شغل مربوط به صنعت جهانگردی است. در سال ۲۰۱۰، صنعت گردشگری ۱/۸ درصد از کل مشاغل جهان را با ۲۳۵ میلیارد دلار درآمد به خود اختصاص داده و اکنون ۷۵۸ هزار نفر به واسطه این صنعت مشغول به کارند. پیش‌بینی‌های این سازمان در ده سال آینده نشان می‌دهد که ۹/۲ درصد از کل مشاغل دنیا مرتبط با صنعت گردشگری خواهد بود و ۳۰۳ میلیون و ۱۹ هزار شغل مرتبط با گردشگری به وجود می‌آید [۱۷].

نقش امنیت در گردشگری جهان

یکی از برجسته‌ترین عناصر در اهداف دولت‌ها

در سیاست‌گذاری‌های مربوط به گردشگری، عنصر

امنیت است. برقراری امنیت ملی از طریق کنترل مرزها

و کنترل ورودی‌ها و خروجی‌های گردشگران، اطمینان از

امنیت و سلامتی شهروندان در خارج از کشور، حفظ و تدوام

روابط بین‌الملل براساس قانون اساسی، برقراری امنیت گردشگران در

زمان ورود، اقامت و خروج از کشور و در نهایت، تأمین سایر اهداف

سیاسی از جمله جلب اعتماد جهانی، کسب و جاهدت برای دولت و

تثبیت اصول فرهنگی - اجتماعی جامعه، از جمله دلایل دخالت دولت

در امر گردشگری است [۱۸].

کشورهایی که از امنیت و ثبات سیاسی لازم برای حمایت از جریانات

گردشگری برخوردارند، می‌توانند از پتانسیل‌های موجود در جاذبه‌های

گردشگری حداکثر منافع اقتصادی - اجتماعی را ببرند و در افزایش

مقبولیت و مشروعیت بین‌المللی در عرصه‌های سیاسی و معرفی

مؤلفه‌های فرهنگی کشورشان به سایر کشورهای دنیا نیز گام‌هایی

مؤثر بردارند. اما مناطق و کشورهایی که درگیر بی‌ثباتی سیاسی و

نامانی هستند، در راستای ایجاد بستری مناسب برای استفاده از

کارکردهای مثبت صنعت گردشگری با چالش‌های عمده مواجه‌اند.

گردشگری در خاورمیانه

به گزارش خبرگزاری میراث فرهنگی به نقل

از سازمان گردشگری جهانی و طبق بررسی‌های

انجام شده در چشم‌انداز درازمدت گردشگری، منطقه

خاورمیانه تا سال ۲۰۳۰ بیشترین میزان رشد گردشگری را

در جهان دارد. طبق همین بررسی‌ها براساس روند جاری در ۳۰

سال گذشته پیش‌بینی شده است که در سال ۲۰۳۰ تعداد گردشگران

در خاورمیانه به مرز ۱۴۹ میلیون نفر برسد. این رقم براساس میانگین

افزایش سالانه ۴/۶ درصدی در مقایسه با میانگین رشد سالانه در

سطح جهانی است که برابر با ۳/۳ درصد در سال بوده است.

رشد گردشگری خاورمیانه بسیار گسترده و همه‌جانبه است و ابعاد

گوناگونی از این صنعت را در طیفی وسیع، از گردشگری تفریحی و

سرگرمی گرفته تا طبیعت گردی و گردشگری همایش‌ها و کنفرانس‌ها را در بر می‌گیرد. مؤسسه تحقیقات بین‌المللی یورومانی‌تور، سال گذشته پیش‌بینی کرده بود که پس از سقوط ۱۰ درصدی صنعت گردشگری منطقه خاورمیانه در نتیجه جنبش‌های مردمی موسوم به بیداری اسلامی در کشورهای عربی در سال ۲۰۱۲، در سال ۲۰۱۳ نشانه‌هایی مثبت از رشد برای خاورمیانه پدیدار می‌شود، اما ظاهراً در این روند رشد خاورمیانه، به‌طور مشخص توجهی به ایران نشده بود. هر چند این گزارش تأکید داشت که افزایش تعداد گردشگران جهان عمدتاً از بازارهای آسیا و اقیانوسیه و متکی به کشورهای آمریکای لاتین و اروپای مرکزی است، اما مسافران آمریکایی و اروپایی به‌ویژه علاقه شدیدی به سفر به کشورهایی نشان می‌دهند که پیش‌تر ورود به آن‌ها ممنوع بوده است. اکنون در آغاز سال ۲۰۱۴ میلادی به نظر می‌رسد بخش‌هایی از این پیش‌بینی‌ها در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و تا حدودی درباره ایران محقق شده است. با این حال سهم ایران در حال حاضر حدود یک دهم درصد از توریست خارجی است و با توجه به افق ۲۰ ساله باید به میزان ۲۵ میلیارد دلار از این صنعت کسب درآمد کند [۱۹].

بی‌ثباتی سیاسی خاورمیانه

بی‌ثباتی سیاسی به شیوه‌های مختلف تجلی پیدا می‌کند. در ادبیات گردشگری از جنگ، کودتا، تروریسم، بلایای طبیعی و عواقب سیاسی آن‌ها، جرم و جنایت، کشمکش‌های جزئی و تغییر رژیم‌های حکومتی به‌عنوان متداول‌ترین علل بروز بی‌ثباتی سیاسی نام برده شده است.

حملات ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱)، اثرات مخربی بر گردشگری این منطقه داشت. علاوه بر آن، جنگ‌های داخلی اخیر در لبنان، جنگ عراق، حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال ۱۹۸۱، جنگ‌های گروه‌های تکفیری و ربودن گردشگران در یمن، مصر، عربستان سعودی و عراق، جنگ بین عربستان با همراهی امارات و کشورهای غربی علیه یمن، درگیری‌های فلسطینیان با رژیم اشغالگر قدس و حزب‌الله لبنان با رژیم اشغالگر قدس، مشکلات مربوط به تنگه هرمز و بسیاری از وقایع اخیر، این منطقه را به‌عنوان مهم‌ترین بستر منازعات بشری در رسانه‌های جهان مطرح می‌کند [۲۰].

حوادث مربوط به جرایم، جنگ، تروریسم و ناآرامی‌های سیاسی - اجتماعی می‌توانند آثار منفی بر گردشگران، صنعت گردشگری و جامعه میزبان داشته باشند.

برخلاف حملات تروریستی، تأثیرات منفی جنگ در مناطق گسترده‌تر و در طول مدت زمان بیشتری احساس می‌شود [۲۱].

تأثیر بی‌ثباتی سیاسی و بحران‌های امنیتی بر صنعت گردشگری خاورمیانه

متزلزل بودن ثبات و امنیت در منطقه خاورمیانه، نقش تعیین‌کننده‌ای در اعمال سیاست‌گذاری‌های دولت‌های این منطقه در ابعاد مختلف داشته است. تلاش چندین ساله کشورهای خاورمیانه برای همسو کردن سیاست‌های خود در

وقوع جنگ، گسترش تروریسم، گسترش روزافزون ناامنی، کنترل‌های شدید مرزی، اعمال مقررات شدید در صدور ویزا، وجود تعارض عقیدتی بین کشورها و بی‌ثباتی سیاسی - امنیتی برخی از کشورها، از جمله چالش‌های مطرح در برابر گردشگری در گذشته بوده و در

آینده نیز به عنوان یک متغیر پویا در این حیطه مطرح خواهند بود

قالب یک

سازمان

همکاری منطقه‌ای

نیز کم‌رنگ بوده است.

از این گذشته، فضای ناامن

حاکم بر این منطقه، موجب

تشدید روند مداخله دولت‌ها در امور

داخلی کشورهایشان شده است. به تناسب

همین امر، کشورهای این منطقه به جای

سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی جامعه همچون

آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی، مبادرت به افزایش

هزینه‌های نظامی خود می‌کنند، زیرا هر چه سطح تهدیدات

امنیتی بین‌المللی یک کشور بیشتر شود، هزینه‌های نظامی آن

کشور نیز بالا خواهد رفت [۲۲].

بی‌ثباتی سیاسی و فضای ناامن حاکم بر برخی از کشورهای منطقه،

هزینه‌های مربوط به ایجاد بستری‌های لازم برای توسعه گردشگری

بین‌المللی را افزایش می‌دهد. ریچی معتقد است که این کشورها باید

برنامه‌های توسعه صنعت گردشگری را مورد بازشناسی مجدد قرار

دهند و برای آن، برنامه‌های بلندمدتی را تدوین کنند که در خلال

آن توجه به ثبات سیاسی و امنیت داخلی از اهمیت بسیار برخوردار

باشد [۲۳].

منطقه خاورمیانه به عنوان پرتنش‌ترین منطقه جهان، دارای

جاذبه‌های متنوع گردشگری نیز هست، اما در طول تاریخ کمتر

زمانی بوده که حکومت‌های این حوزه جغرافیایی در آرامش

به سر برده باشند، به‌خصوص آنکه از سال ۲۰۱۰ و شروع

جنبش‌های مردمی در تونس، این بی‌ثباتی همچون دومینویی

منطقه را فراگرفت. نخستین تأثیر شورش‌ها افزایش قیمت نفت

بود؛ ماده‌ای که به سرعت بر افزایش قیمت بلیت هواپیما نیز تأثیر

گذاشت و از آنجا که قیمت بلیت یکی از مهم‌ترین مخارج سفر به

حساب می‌آید، تغییر آن بر تعداد گردشگران نیز مؤثر است. مصر

که در سال ۲۰۱۱ وارد بحران داخلی و با سرنگونی رهبرش مواجه

شد، نسبت به سال قبل ۴/۵ میلیون گردشگر خود را از دست داد.

طبق آمار در سال ۲۰۱۰ این کشور ۱۴ میلیون گردشگر را جذب

کرد که درآمد حاصل از آن ۱۳ درصد تولید ناخالص داخلی شد،

اما تقریباً یک سال بعد این رقم به ۱۱ درصد رسید. بمب‌گذاری

فرودگاه قاهره که بعد از فرودگاه بین‌المللی ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین فرودگاه قاره آفریقا است و سالانه ۱۶ میلیون مسافر را جابه‌جا می‌کند، در نتیجه حوادث اخیر دچار بحران شدید شد. این کشور در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال قبل از خود ۴/۱ میلیارد درآمد صنعت گردشگری را از دست داد، زیرا با کودتای ارتش، تنها رئیس‌جمهور منتخب مصر، محمد مرسی، کنار گذاشته شد و این کشور وارد چرخه‌ای از تظاهرات، درگیری، خشونت و کشتار گردید. طبق گزارش‌های منتشر شده پس از برکناری مرسی، مصر با کاهش ۵۷ درصدی در حوزه گردشگری روبه‌رو شد. این مسئله باعث کاهش ۱/۵ درصدی تولید ناخالص داخلی شد.

لبنان نیز به‌عنوان کشوری که در همسایگی فلسطین اشغالی و البته سوریه است و دچار جنگ داخلی شده، از این تحولات به دور نیست. این کشور به‌عنوان سوئیس خاورمیانه توانست در سال ۲۰۰۸ که ثبات سیاسی بر آن حاکم بود ۴ میلیارد دلار درآمد کسب کند که معادل ۹ درصد تولید ناخالص داخلی آن بود. در واقع ۲۲ درصد درآمد ملی لبنان وابسته به صنعت گردشگری بود، اما آغاز حمله داعش به سوریه در سال ۲۰۱۱ موجب شد که این کشور سالانه بیش از ۲۵ درصد گردشگر خود را از دست بدهد. این در حالی بود که تا پیش از این پیش‌بینی می‌شد تا سال ۲۰۲۳، ۵/۸ درصد بر میزان تولید ناخالص داخلی لبنان از طریق گردشگری افزوده شود.

همچنین این کشور در معرض حملات رژیم اشغالگر قدس است. اگرچه رهبران لبنان پس از هر جنگ و درگیری با تل‌آویو به سرعت دست به ترمیم زده‌اند، اما احساس ناامنی از سوی راکت‌های رژیم اشغالگر قدس، بر تعداد گردشگر مؤثر بوده است.

اقلیم خودمختار کردستان عراق نیز در سال‌های اخیر نشان داده است که می‌تواند به‌عنوان یکی از مراکز جذب گردشگر در خاورمیانه عمل کند. این منطقه در سال ۲۰۱۳ با افزایش ۳۳ درصدی گردشگر روبه‌رو شد. بر این اساس دو میلیون و سیصد نفر در سال گذشته میلادی از اقلیم کردستان دیدن کردند که البته ۶۶ درصد این افراد از مرکز و جنوب عراق بودند. در حالی که گردشگری در کردستان بر پایه جذابیت‌های غیرمذهبی است، اساس گردشگری کشور عراق

به‌طور کلی دینی و مذهبی است. از این رو بعد از نفت، دومین راه درآمد این کشور زائران هستند که بیشترین آن‌ها را ایرانیان تشکیل می‌دهند. وجود مراکز شیعی باعث شد که پس از سقوط صدام روزانه به‌طور متوسط ۶ هزار زوار ایرانی وارد عراق شوند، از این رو ۶۰ درصد اقتصاد شهر مقدس نجف اشرف وابسته به گردشگر است. مسئله قابل توجه در این باب، عدم تأثیر ناامنی در استان‌های شیعی عراق بر تعداد زائر ایرانی است، چنان‌که در آخرین آمار اعلام شده از سوی مراکز دولتی ایران، روزانه ۱۲۰۰ نفر از مرز شلمچه وارد عراق می‌شوند که در تابستان این تعداد به چهار هزار نفر می‌رسد. بر این اساس به‌طور متوسط عراق سالانه پذیرای ۲ میلیون گردشگر است. اما به‌طور کلی عراق و به‌ویژه اقلیم کردستان به دلیل تجاوزات و تحرکات داعش در گذشته با کاهش شدید گردشگر مواجه شده است که البته هنوز آمار دقیقی از آن موجود نیست.

با این توصیفات باید اشاره کرد که جنگ رژیم اشغالگر قدس علیه غزه، کودتا در مصر، درگیری میان سیاست‌مداران لیبی، بحران سوریه و تحولات عراق، می‌تواند بر کل صنعت گردشگری خاورمیانه اثر سوء بگذارد. احساس ناامنی یک گردشگر اروپایی، آمریکایی یا مسافرانی از شرق آسیا در کشورهای مجاور این کانون‌های بحران، طبیعی است، به‌خصوص که شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها روزانه اخبار اعمال خشونت‌بار داعش، جبهه النصره و البته طالبان و القاعده را در این حوزه جغرافیایی پوشش می‌دهند. بر این اساس انتظار می‌رود درآمد ۸۷ میلیارد دلاری ترکیه در سال ۲۰۱۳ که از طریق گردشگری به دست آمد در سال ۲۰۱۴ با کاهش روبه‌رو شود. همچنان که ایران نیز به دلیل داشتن مرزهای طولانی با عراق و افغانستان و نزدیک شدن زمان خروج نیروهای بین‌المللی از این کشور و قدرت‌گیری روزانه طالبان در آن با این مسئله روبه‌رو خواهد شد [۲۴].

سازمان جهانی شورای سفر (WTO) در گزارش کارشناسان این شورا و به کمک دانشکده اقتصاد دانشگاه آکسفورد، سالانه گزارشی در بازه‌های زمانی ده‌ساله تهیه می‌کند و در آن به وضعیت گردشگری و آثار اقتصادی آن در ۱۸۱ کشور دنیا می‌پردازد.

جدول ۲: مقایسه وضعیت گردشگری (رشد واقعی تولید ناخالص داخلی) در جهان، خاورمیانه و ایران

رشد واقعی تولید ناخالص داخلی حاصل از گردشگری	۲۰۱۰	۲۰۲۰
خاورمیانه	-۱/۱ درصد	۵/۲ درصد
جهان	۰/۵ درصد	۴/۴ درصد
ایران	۳/۹ درصد	۳/۸ درصد

بنابر آخرین گزارش‌های این سازمان که آمار و وضعیت گردشگری کشورها را از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ میلادی پیش‌بینی کرده است ایران در سال ۲۰۱۰ میلادی رشد ۳/۹ درصدی در صنعت گردشگری دارد. براساس همین گزارش وضعیت گردشگری ایران تا سال ۲۰۲۰ با رکود مواجه می‌شود و این عدد به ۳/۸ درصد می‌رسد، اما در سال ۲۰۱۰ میلادی، درآمد حاصل از گردشگر ورودی به ایران به حدود ۲/۴ میلیارد دلار می‌رسد که ۲/۵ درصد از صادرات کل ایران را تشکیل می‌دهد.



طبق پیش‌بینی سازمان جهانی شورای سفر در سال ۲۰۲۰ میلادی این مبلغ به ۵/۱ میلیارد دلار می‌رسد و ۲/۴ درصد از کل صادرات ایران را تشکیل می‌دهد [۲۵].

در طول دهه ۱۹۹۰ اغلب کشورهای خاورمیانه، تعرض به گردشگران دیگر کشورها را تجربه کرده‌اند، اما برخی از کشورهای خاورمیانه چون مصر، اردن و ترکیه در نوک حملات تروریستی علیه گردشگران بوده‌اند. در سال ۲۰۱۰ در جریان حملات تروریستی، کشورهای عراق و یمن به ترتیب با ۳۳۶۴ و ۱۷۸ نفر کشته در صدر کشورهای منطقه خاورمیانه قرار دارند [۲۶].

از سال ۱۹۹۰ به بعد، سه رویداد بسیار مهم تأثیر شدیدی بر ناپایداری امنیت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی صنعت گردشگری در خاورمیانه گذاشته است. رویداد اول، مربوط به جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و حمله نظامی آمریکا و متحدانش به عراق است. براساس برآورد سازمان جهانی گردشگری ملل متحد (۲۰۰۲ UNWTO)، میزان رشد گردشگری منطقه خاورمیانه در سال ۱۹۹۱ نسبت به سال ۱۹۹۰، ۷/۱ - درصد بوده، در حالی که در همین سال میزان رشد گردشگری در جهان ۷/۰ درصد بوده است. رویداد دوم مربوط به حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است. بیشترین شوک ناشی از این حمله در آمریکا احساس شد، چرا که در سال ۲۰۰۱ رشد منفی ۴/۷ - درصدی تعداد ورود گردشگران به آمریکا نسبت به سال قبل از آن اتفاق افتاده است. رویداد سوم نیز مربوط به پیامدهای منفی استراتژی آمریکا مبنی بر مبارزه پیش‌دستانه با تروریسم خودساخته خود و پیگیری آن در افغانستان و عراق است که تأثیر منفی بر رشد متعادل بازار گردشگری منطقه خاورمیانه داشته است.

سیاست‌گذاری دولت‌ها در خاورمیانه

امروزه گردشگری مهم‌ترین فعالیت اقتصادی جهان است. به همین دلیل، سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌ریزی گردشگری از چالش‌های مهم فکری جامعه انسانی است. منابع و جاذبه‌های گردشگری در تمام بخش‌های برنامه‌ریزی و مدیریتی صنعت گردشگری اهمیت بسیار دارد و ویژگی‌ها و مشخصه‌های منابع و جاذبه‌ها در یک کشور یا منطقه، اساس توسعه گردشگری را مهیا می‌سازد [۲۷].

برنامه‌ریزی گردشگری نیازمند اطلاعات کافی در باره جذابیت‌های گردشگری، ویژگی‌های گردشگران، عوامل اقتصادی، سیاسی، خدماتی، اجتماعی و فرهنگی، محیط زیستی و مدیریتی است [۲۸].

بی‌گمان هر گونه برنامه‌ریزی برای رونق گردشگری و جذب گردشگر مستلزم توجه به اصول گردشگری پایدار است تا خللی به جاذبه‌های گردشگری وارد نیاید و این جاذبه‌ها پس از مدت زمان کوتاه به اضمحلال و نابودی دچار نشود.

ترکیه که در سال ۲۰۰۵ توانست خود را به لیست ۱۰ کشور برتر جذب‌کننده گردشگران خارجی وارد کند، در آن سال ۲/۵۲ درصد از بازار گردشگری جهان را در اختیار داشت که در انتهای ۲۰۱۱ میلادی سهم خود از بازار گردشگری جهانی را به ۲/۹۹ درصد ارتقا داد. ترکیه تلاش می‌کند با اتخاذ سیاست‌های مؤثر از جمله ایجاد تسهیلات در صدور ویزا برای گردشگران، پائین آوردن عوارض خروجی، بسترسازی برای استاندارد کردن قوانین حوزه گردشگری، افزایش نرخ امنیت

در مناطق گردشگری، توسعه زیرساخت‌های گردشگری و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در ساخت هتل‌ها و تأسیسات این صنعت، به‌کارگیری راهکارهای عملی در جذب مشتری، همکاری مشترک با کشورهای اسلامی و اروپایی و نیز توسعه آموزش‌ها در حوزه گردشگری، افق روشنی را برای صنعت گردشگری در سال ۲۰۲۳ رقم زد [۲۹].

دولت امارات متحده عربی عنوان نخست جدول گردشگری پیشرفته را در خاورمیانه به‌دست آورد. امارات متحده عربی در جریان این تلاش‌ها موفق شده است از نظر رقابت در صنعت سفر و گردشگری در گزارش منتشر شده از سوی همایش اقتصاد جهانی که تحت عنوان «حرکت فراسوی رکود» برگزار شد، جایگاه خود را در طبقه‌بندی ۱۳۹ کشور جهان به‌رتبه ۳۰ برساند. با این اقدام، کشور امارات متحده عربی برای اولین بار با کسب ۴/۷۸ امتیاز دارای پیشرفته‌ترین صنعت سفر و گردشگری در کل منطقه خاورمیانه شناخته شد. تداوم توسعه زیرساخت‌های گردشگری به‌ویژه در بخش حمل و نقل هوایی در امارات که رتبه چهارم را در شاخص رقابتی جهان داراست، مهم‌ترین نقش را در کسب این مقام ایفا کرده است. همچنین تصور می‌شود که این کشور جایگاه جهانی خوبی در بازاریابی مقاصد گردشگری و کمپین‌های بازاریابی دارد که از این طریق حضور برجسته‌ای در نمایشگاه‌های بزرگ بین‌المللی گردشگری و سفر داشته است. این کشور همچنین مقام سوم را از نظر اولویت‌های دولت برای بخش سفر و گردشگری داشته است.

این گزارش سهم سفر و گردشگری را در تولید ناخالص ملی کشور امارات در سال ۲۰۱۰ در حدود ۱۶/۶ درصد برآورد کرده است که برابر با ۴۲/۵۶ میلیارد دلار می‌شود. از آنجا که گردشگری ابوظبی، دبی و شارجه مجموعاً در ۹۳ درصد از کل تولید ناخالص ملی امارات سهم دارند، این گزارش پیش‌بینی کرده است که میانگین رشد برای سهم این صنعت در تولید ناخالص ملی امارات سالانه بیش از ۸/۱ درصد طی دوره ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ خواهد بود. این میزان نشان‌دهنده میزان اشتغالی بالغ بر ۴۲۹ هزار نفر خواهد بود که در مقایسه با ۱۳/۸ درصد از کل نیروی کار در کشور میزان قابل توجهی است. نکته جالب در پیشرفت امارات متحده عربی و جایگاه برتر آن بر برخی مقاصد گردشگری باستانی در کشورهای دیگر منطقه است آن هم در شرایطی که امارات از نظر اندوخته‌های گردشگری طبیعی نیز امکانات متوسطی دارد.

این مسئله عمدتاً به دلیل توسعه طبقه‌بندی و استانداردها در حوزه اندوخته‌های فرهنگی است که سبب شده رتبه امارات از ۸۴ در سال ۲۰۰۹ به ۳۴ در سال جاری بازگردد که این امر تا حد زیادی به ویژگی‌های منحصر به فرد این کشور برای گردشگرها و مسافران از نظر شاخص آشنایی است که

این کشور را در رتبه ۲۵ مقاصد گردشگری جهان قرار داده است.



منطقه خاورمیانه به عنوان پر تنش ترین منطقه جهان، دارای جاذبه‌های متنوع گردشگری نیز هست، اما در طول تاریخ کمتر زمانی بوده که حکومت‌های این حوزه جغرافیایی در آرامش به سر برده باشند

افزایش تعداد هتل‌ها و تجهیز آن‌ها در ابوظبی به میزان ۱۰ درصد تنها در شش ماه نخست سال ۲۰۱۱ در مقایسه با مدت مشابه در سال گذشته و نیز افزایش ۲۶ درصدی تقاضا نسبت به سال گذشته نیز در این رتبه‌بندی مورد توجه بوده است. افزایش مسافران در دبی نیز بالغ بر ۱۴ درصد بوده که نرخ اشغال هتل‌ها را به ۸۱ درصد رسانده است [۳۰].

نتیجه‌گیری

صلح، امنیت و آسایش از عوامل ضروری برای گسترش گردشگری در هر نقطه به شمار می‌آیند. هر گونه تهدید علیه امنیت جانی گردشگران باعث کاهش و یا به‌طور کلی برچیده‌شدن فعالیت در یک منطقه آسیب‌دیده می‌شود که در نتیجه، تأثیر منفی بر گردشگران وارد شده به مناطق گردشگری مجاور بر جای می‌گذارد.

در این پژوهش بر آن بودیم تا تأثیر بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی در خاورمیانه را بر گردشگری منطقه مورد بررسی قرار دهیم. جنگ به‌عنوان یکی از شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی، نقش مهمی بر بازاریابی گردشگری دارد، بدین صورت که بالا گرفتن جنگ در کشورهای همسایه، جذب گردشگر خارجی و تبلیغات را که از ارکان اصلی بازاریابی است به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

شاخص دیگر بی‌ثباتی سیاسی، تروریسم است. تروریسم در خاورمیانه، سلفی‌ها و همچنین گروهک‌های القاعده و امثال آن‌ها باعث به‌وجود آمدن تصویر منفی از کل منطقه می‌شود. حملات تکفیری‌ها در کشورهای همسایه مانند



منابع

1. Sarah, R(2007), *Political Instability And Its Effects on Tourism*. Victoria University, Melbourne, Australia.
2. قمصری، نیر؛ ولی بیگی، مجتبی؛ تقی پور، علی اکبر و فشاری، مجید (۱۳۹۰). «تأثیر مالیات بر درآمد ارزی گردشگری کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا(رهیافت داده‌ای تابلویی پویا»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ش ۱۶، ص ۷۱.
3. حیدری چیانه، رحیم و سلطانی، ناصر(۱۳۹۳). «تحلیلی بر نقش ثبات سیاسی و امنیت در توسعه صنعت گردشگری؛ مطالعه موردی: منطقه خاورمیانه»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ش ۵۴، صص ۲۲۸-۲۰۹.
4. UNWTO(2010)TourismHighlight,2006 Edition ,Madrid:UNWTO:348
5. آقابخی، علی و افشاری راد، مینو(۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
6. منسفلد، یول وپیژام، آبراهام(۲۰۰۶). گردشگری، امنیت و ایمنی(از نظریه تا عمل). ترجمه علی صحرانشین، مالک جعفری فشارکی و حسام ولیدی(۱۳۸۹). اصفهان: شهید حسین فهمیده.
7. موسوی شفائی، مسعود؛ امین بیدختی، علی اکبر و اسماعیل شهبانی، سید مجتبی (۱۳۹۱). «تأثیر بی‌ثباتی سیاسی خاورمیانه بر صنعت گردشگری ایران در دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، فصلنامه روابط خارجی، ش ۲، صص ۲۴-۲۱۱.
8. همان، ص ۲۱۵.
9. همان، ص ۲۱۴.
10. تیموتی، دالان جی و نیوایان، جیان پی (۲۰۰۹). میراث فرهنگی و گردشگری در کشورهای در حال توسعه. ترجمه اکبر پور فرج و جعفر باپیری(۱۳۸۹). تهران: مهکامه.
11. موسوی شفائی، مسعود؛ امین بیدختی، علی اکبر و اسماعیل شهبانی، سید مجتبی (۱۳۹۱). «تأثیر بی‌ثباتی سیاسی خاورمیانه بر صنعت گردشگری ایران در دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، فصلنامه روابط خارجی، ش ۲، ص ۲۱۹.
12. گلی، علی (۱۳۸۸). «توریسم ایران در کجای خاورمیانه ایستاده است»، جهانگردی و توریسم. <http://pnumbt.persianblog.ir/post>, ۱۴۸, Accessed 15 may 2015
13. حیدری چیانه، رحیم و سلطانی، ناصر(۱۳۹۳). «تحلیلی بر نقش ثبات سیاسی و امنیت در توسعه صنعت گردشگری؛ مطالعه موردی: منطقه خاورمیانه»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ش ۵۴، صص ۲۱۰.
14. UNWTO Tourism Highlights, Edition 2010, page 3, <http://www.e-unwto.org>, Accessed 3 jun 2015
15. <http://persiavisit.ir>, Accessed 15 may 2015
16. UNWTO Annual Report 2015
17. <http://www.tebyan.net>, Accessed 21 may 2015
18. معصومی، محمود(۱۳۸۴). ماهیت گردشگری، تهران: پیک کویر.
19. روزنامه دنیای اقتصاد. «خاورمیانه پیش‌تاز در جذب گردشگر». شماره ۳۲۵۹: ۱۳۹۳/۵/۱۱/۰۵.
20. منسفلد، یول وپیژام، آبراهام(۲۰۰۶). گردشگری، امنیت و ایمنی(از نظریه تا عمل). ترجمه علی صحرانشین، مالک جعفری فشارکی و حسام ولیدی(۱۳۸۹). اصفهان: شهید حسین فهمیده، ص ۷.
21. حیدری چیانه، رحیم و سلطانی، ناصر(۱۳۹۳). «تحلیلی بر نقش ثبات سیاسی و امنیت در توسعه صنعت گردشگری مطالعه موردی: منطقه خاورمیانه»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ش ۵۴، صص ۲۱۷-۲۱۸.
22. همان، ص ۲۱۹.
23. <http://www.mojnews.ir> ۱۳۹۳ مرداد.
24. <http://www.tebyan.net> Accessed 21 may 2015
25. National counterterrorism center, 2010 on terrorism:p 22
26. ضیایی، محمود و داغستانی، سعید(۱۳۸۹). «تحلیل سلسله‌مراتبی جاذبه‌های تاریخی- فرهنگی شهرستان نیشابور»، جغرافیا و توسعه، ش ۱۷، صص ۱۳۸-۱۱۳.
27. لیاقتی، هومان؛ خوشبخت، کورش؛ محمودی، حسین؛ کوچک زاده، محسن و امیدوار، پگاه(۱۳۸۹). «واکاوی ویژگی‌های الگوی فراغت در گردشگری شهری». محیط‌شناسی، ش ۵۵، ص ۲۵.
28. <http://mardomsalari.com/Template1/News>, Accessed 2 jun 2015.
29. <http://www.khabaronline.ir/detail/171891/society/tourism>, Accessed 25 may 2015.
30. UNWTO Tourism Highlights, Edition 2010, page 6, <http://www.e-unwto.org>, Accessed 3 jun 2015.

البنه در حوزه گردشگری گاه رکود حاصل از ناآرامی‌های کشورهای منطقه منشأ خیر برای کشورهای امن تر مانند ایران شد و گردشگرانی که به‌عنوان مثال قصد سفر به خاورمیانه را داشتند با قطع امید از مصر، ترکیه، لبنان و... رهسپار ایران شدند

پاکستان،

افغانستان

و عراق، باعث

مخدوش شدن چهره

کشورهای منطقه شده

است و تأثیر مخرب بر صنعت

گردشگری کشورها دارد.

بی‌ثباتی رژیم سیاسی در کشورهای

این منطقه شاخص دیگر بی‌ثباتی سیاسی در

خاورمیانه است که بر گردشگری تأثیر نامطلوب

می‌گذارد. تظاهرات، اعتصابات و شورش‌هایی که از سال

۲۰۱۱ در کشورهای مختلف عربی شروع شده در وهله نخست

موجب آسیب جدی به صنعت گردشگری این کشورها و در مرحله

بعد به صنعت گردشگری کل منطقه می‌شود.

مصر، ترکیه و سوریه از کشورهایی هستند که در سال‌های گذشته

اقتصادهای گردشگری پویایی داشته‌اند و برای بالا بردن درآمدهای

خود درازمدت برنامه‌ریزی کرده بودند. اشتراک دیگر این کشورها در

این است که طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ درگیر جنگ و بحران‌های

داخلی شدند و در یک دوره زمانی شرایط ناپایداری بر آنان حاکم شد

که تأثیرات مخربی از خود بر جای گذاشت. این آثار گاهی حتی به

همان کشورها هم محدود نماند و اقتصادهای مرتبط با آنان در منطقه

را هم تحت تأثیر قرار داد. البته در حوزه گردشگری گاه رکود حاصل

از ناآرامی‌های کشورهای منطقه منشأ خیر برای کشورهای امن‌تر مانند

ایران شد و گردشگرانی که به‌عنوان مثال قصد سفر به خاورمیانه را

داشتند با قطع امید از مصر، ترکیه، لبنان و... رهسپار ایران شدند.

به دلیل تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه، رشد منفی ۵/۱ گردشگری

منطقه خاورمیانه در سال ۲۰۰۹ نسبت به سال قبل از آن، بسیار قابل

تأمل است [۳۱]. به موازات چنین رویکردی و عدم اطمینان بخش‌های

دولتی و خصوصی از سرمایه‌گذاری در این بخش اقتصادی - به استثنای

کشورهای ترکیه، مصر، عربستان و در سال‌های اخیر ایران - رهاوردی

جز سهم ناچیز کشورهای منطقه از بازارهای بین‌المللی نداشته است.

توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، امنیت داخلی، تدوین

برنامه‌های بلندمدت صنعت گردشگری با محوریت بازاریابی بین‌المللی

در راستای بهبود و توسعه آن، می‌تواند از مهم‌ترین اهداف کلان توسعه

گردشگری بین‌المللی کشورهای خاورمیانه تلقی شود. بنابراین ثبات

سیاسی و امنیت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر در توسعه گردشگری

بین‌المللی می‌تواند چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای برای این صنعت رو به

رشد در منطقه خاورمیانه داشته باشد.

اشاره

آنچه در پی می‌آید، نقدی بر مجله رشد آموزش جغرافیا است که از سوی سه تن از دبیران جغرافیا در تبریز (خانم‌ها: فریبا معمار راست، سپیده پورصمد و زینب جوانشیر) ارائه شده است.

توجه شما را به این نقد جلب می‌کنیم:

مطالب مجله رشد، بسیار مفید و کارآمد برای معلمان در همه رشته‌های درسی است. اگر چه برخی از مطالب این مجله شاید برای همکاری که کارآمد و متخصص هستند آشنا باشد، اما این مطالب، دانسته‌های قبلی را برای همکاران یادآوری می‌کند و از این نظر مجله رشد بسیار مفید و قابل ستایش است.

ناگفته نماند که مطالب مجله رشد

می‌تواند رویکردهای جدیدی

را برای معلمان رشته‌های

مختلف روشن سازد.

چند پیشنهاد

در راستای بهبود

و کارآمدی هر چه بیشتر

مجله رشد، پیشنهاد می‌شود

مطالب زیر مورد توجه مؤلفان

محترم مجله قرار گیرد:

۱. مطالب مجله هماهنگ با برنامه

عملیاتی سالانه تنظیم شود. برای مثال، مواردی

همچون طرح درس ملی، نحوه طراحی سؤالات

استاندارد جغرافیا یا نحوه طراحی محتوای الکترونیکی در

مجله آموزش داده شود.

۲. تجربیات دبیران موفق جغرافیا در سراسر کشور در مجله رشد

جغرافیا منتشر شود، به ارزشیابی بپردازد و شیوه‌های نوین (فعال)

تدریس را که متناسب با شرایط آموزش کشور ایران باشد، مطرح

کند؛ شیوه‌هایی که موفقیت دانش‌آموزان را به‌ویژه در امتحانات نهایی

در پی داشته باشد.

۳. مجله رشد از حقوق معلمان دفاع کند. برای مثال اینکه چگونه

باید به جایگاه معلم در جامعه احترام گذاشته شود یا یک معلم برای

موفقیت در تدریس چگونه آرامش خاطر داشته باشد.

۴. نباید نادیده گرفت که در سال‌های اخیر، موضوعات مقالات

چاپ شده در مجله در راستای مطالب کتاب‌هاست.

۵. بخشی از مجله که به معرفی مناطق گردشگری کشور

می‌پردازد، خیلی مفید است.

۶. تصاویر زیبای جغرافیایی در مجله گنجانده شود تا آن را از

حالت مطلب صرف و بی‌روح خارج کند.

۷. اگر در مجله به زمینه‌های شغلی و حرفه‌ای جغرافیا پرداخته

شود، معلمان و دانش‌آموختگان جغرافیا حتما منتظر چاپ و مطالعه

آن خواهند بود.

۸. مطالب مجله رشد، معلمان را با دنیای جدید و جهان خارج از

ایران آشنا می‌کند و اطلاعات گسترده‌ای به آنان می‌دهد.

۹. در بخش معرفی مجلات خارجی که ترجمه شده است،

ترجمه‌ها تا حدودی سنگین، غیرروان و گنگ (به لحاظ مفهومی) به

نظر می‌رسد.

نقدی بر مجله رشد آموزش جغرافیا

فریبا معمار راست

سپیده پورصمد

و زینب جوانشیر

دبیران جغرافیای تبریز

کتاب‌های جدیدالتألیف جغرافیا

در نگاه سه تن از دبیران
جغرافیای تبریز

اشاره
«نگاهی به کتب جدیدالتألیف
جغرافیا» عنوان میزگرد و
نشستی است که با حضور سه
تن از دبیران جغرافیا در تبریز
(خانم‌ها: سپیده پورصمد،
زینب جوانشیر، فریبا معمار
راست) برگزار شده است که
گزارش آن، در ادامه تقدیم
مخاطبان گرامی خواهد
شد.

خانم فریبا معمار راست، دبیر
جغرافیا، متولد سال ۱۳۴۶ در
ارومیه، کارشناس ارشد
سنجش از راه دور و
GIS و دارای ۲۴
سال سابقه کار.

خانم زینب جوانشیر،
دبیر و عضو گروه درسی
جغرافیا، متولد ۱۳۵۸
در میاندوآب، کارشناس
ارشد اقلیم‌شناسی و
دارای ۱۵ سال سابقه
کار.

خانم
سپیده
پورصمد، دبیر
و سرگروه درس
جغرافیای استان
آذربایجان شرقی، متولد
سال ۱۳۵۰ در بناب، کارشناس
ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری
و دارای ۲۳ سال سابقه کار.

گفت‌وگو از نصرالله دادار
عکاس: پیمان حامدی بهتاش

و مفاهیم کلیدی دیگر کاملاً مشهود است و اگر معلم بتواند فرایند تدریس موفق‌تری داشته باشد، نه تنها باعث انتقال مطالب خواهد شد، بلکه به رشد فکری و پرورش مهارت و شکوفایی نگرش‌های مختلف و کاوشگری دانش‌آموزان هم کمک شایان خواهد کرد.

در مورد کتاب جغرافیای پایه دهم باید بگوییم با توجه به اینکه هدف آشنایی دانش‌آموزان با جغرافیای طبیعی و انسانی کشورمان بوده، به نظر می‌رسد مؤلف پس از طراحی عنوان فصل‌ها، در دروس، مطلبی برای درج آن نیافته یا خارج از حوصله‌اش بوده است. کتاب جغرافیا در پایه هفتم درباره ایران است و ای کاش پایه دهم نیز ادامه همان مطالب بود و دانش‌آموزان را بیشتر با موقعیت ایران آشنا می‌کرد و مطالب جذاب‌تری برای دانش‌آموزان داشت.

در کتاب پایه یازدهم، فهرست فصل‌ها و درس‌ها و مفاهیم و موضوعات انتقال مطالب بسیار عالی است، به طوری که اگر بتوانیم در فرایند تدریس موفق عمل کنیم، دانش‌آموز را به چالش می‌کشد و علاقه‌مند می‌سازد و این اثرگذاری به قدری زیاد است که بارها دانش‌آموزان گفته‌اند ساعت جغرافیا کم است و کاش علاوه بر ما، مردم عادی هم می‌توانستند در این کلاس‌ها شرکت کنند.

مفاهیم و مطالب این کتاب، دانش‌آموزان را به راحتی به چالش‌های فکری در تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی در مقیاس محلی و ملی و منطقه‌ای می‌کشاند و از دانش‌آموزان انسان‌های صاحب‌نظر می‌سازد و این برای من بسیار جالب است.

در کتاب پایه دوازدهم، فهرست فصول کتاب و درس‌ها با عنوان کاربردی قرابت دارد. مطالب گنجانده شده در هر درسی با توجه به موضوعات آن، در واقع هدفش افزایش و آموزش مهارت‌های کاربردی در زندگی انسان است و جالب، چالش‌برانگیز و شایسته است، هر چند که این مطالب بسیار گسترده است، اما به اجبار با توجه به ساعات کم این درس بسیار خلاصه شده است. البته ارائه و انتقال این مطالب هم می‌تواند دایره تفکر دانش‌آموزان را در این سن و مقطع نسبت به چالش‌های محیطی، سیاسی و اجتماعی محیط پیرامون خود بازتر و توانمندتر کند.

ناگفته نماند این کتاب نیز مانند کتاب‌های جدیدالتألیف پایه‌های قبل نیاز به نقد و بررسی دارد و چون اولین سال تدریس این کتاب است، فعلاً واکنش و استقبال دانش‌آموزان و خود دبیران مشخص نشده است و باید چند سالی بگذرد تا ببینیم چه نتایجی دارد.

● **خانم زینب جوانشیر:** من بیشتر روی کتاب جدیدالتألیف جغرافیای پایه دوازدهم کار کرده‌ام که دیدگاه‌هایم درباره آن به شرح زیر

است:

- کتاب دوازدهم برخلاف ظاهر کم‌حجم خود،

دارای مطالب بسیار زیبا و سنگین است، اگر چه نباید توضیحات کامل و گویای آن را از نظر دور داشت.

- کتاب دوازدهم دارای تصاویر زنده

و زیبایی است که این امر را

می‌توان مزیت آن نسبت به

نظر

شما درباره

کتاب‌های جدید

درسی جغرافیا

چیست و چه محاسن و

معایبی دارند؟

○ **خانم سپیده پورصمد:** علم

جغرافیا تحرک و پویایی زیاد و حوزه‌ای

وسیع برای یادگیری دارد. موضوعات

جغرافیایی در گذشته و حال و آینده از تعامل انسان

با محیط‌های گوناگون و جنبه‌های مختلف بحث می‌کند

و از آنجا که محیط‌های زندگی انسان متفاوت و پویا و همواره

در حال دگرگونی است، روش علمی و منطقی آن است که این

دگرگونی‌ها در تألیف کتب درسی جغرافیا در پایه‌های مختلف لحاظ

شود.

هر کتابی با موضوع جغرافیا از یک سو باید بتواند محتوای تلفیقی از

تعاملات محیطی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و ... داشته

باشد و از سوی دیگر بتواند در سطوح بالاتر، موضوعات غالب‌تر و

کلیدی‌تر را ارائه دهد.

با یک نگاه اجمالی به کتاب‌های جدیدالتألیف جغرافیا، مخصوصاً در

پایه‌های هفتم، هشتم و نهم، با توجه به مقطع تحصیلی، تلفیقی بودن

موضوعات به خوبی نمایان است که البته متناسب با سن و موقعیت

دانش‌آموزان در این گروه سنی هم هست.

در سطوح بالاتر یعنی پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم، علاوه بر

تلفیق، بیشتر تخصص، مهارت و نگرش، قابل درک است به طوری

که در بعضی از مباحث و مطالب آموزشی پیوند جغرافیا با علوم دیگر

- ارائه راهکار برای هر مشکل و طرح آن در قالب مدیریت، موضوعی نو در تألیف کتاب‌های درسی است.

- بهتر بود برای مباحث مختلف مثال‌هایی ملموس از کشور ایران آورده می‌شد، مثل شکل صفحه ۸ از سلسله مراتب سکونتگاه‌ها؛ و در صورت عدم انطباق موضوعات مطرح شده با واقعیات کشور، اندکی توضیح داده می‌شد. آیا واقعاً برای شهر پایدار در ایران مثالی نبود که آورده شود یا در ایران زاغه‌نشینانی نداریم که همه مثال‌ها در این بخش از کشورهای خارجی است؟ چرا در بحث مسکن ارزان به مسائل و مشکلات مسکن مهر اشاره‌ای نشده است؟

- مطرح کردن دانش گسترده‌ای نظیر سیستم اطلاعات جغرافیایی در دو صفحه محدود شده و بحث آموزش دانش‌آموزان در این راستا مشکل‌زاست. بسیاری از مدارس دولتی ما فاقد کلاس‌های هوشمند و نرم‌افزارهای کافی هستند و لذا این مباحث بیشتر در مدارس خاص مانند تیزهوشان و نمونه‌دولتی قابل تفهیم است نه همه مدارس.

- برای زیرنویس تصاویر مثال‌هایی از ایران آورده شده مانند ایستگاه فشارشکن لاجیم در صفحه ۷۱ که توضیح نداده است در کجای ایران است، در صورتی که بهتر بود به سوادکوه مازندران اشاره می‌شد تا دانش‌آموزان کمتر سردرگم شوند.

به اعتقاد من، کتاب جدیدالتألیف جغرافیای پایه دوازدهم در مجموع و در حالت کلی، کتاب بسیار علمی، گویا، مفید و کاربردی است و در سطح عالی تألیف شده است. این کتاب از محفوظات کاملاً خارج شده است و مطالب آن تخصصی‌تر و به‌روزترند و یک کتاب آنلاین به شمار می‌آید و بر جغرافیای ایران و شناخت محیط به‌صورت تقریباً کامل تأکید کرده است.

● خانم پورصمد، لطفاً به مزایا و معایب کتاب‌های جدیدالتألیف

اشاره بفرمایید.

مزایای این کتاب‌ها عبارت‌اند از:

- این کتاب‌ها ضمن رعایت اصول حاکم بر انتخاب محتوا تأکید خاصی بر نیازها و توانایی‌های مخاطبان خود داشته‌اند.

- اطلاعات متنوع، تصاویر جذاب، نقشه‌های مفید و کاربردی، فعالیت‌های متناسب با ذوق و سلیقه مخاطبان، نزدیکی قابل قبول مطالب با زندگی روزمره و سودمندی آشکار مطالب از جمله ویژگی‌های کتاب‌های درسی جدید جغرافیاست.

- نداشتن محدودیت در حجم مطالب با توجه به گرایش‌های مختلف علم جغرافیا یکی دیگر از محاسن کتاب است.

- دسترسی به منابع جدید، به طوری که مخاطبان هیچ‌گاه با مطالب تکراری مواجه نخواهند شد.

- تنوع در آموزش به دلیل استفاده از فناوری‌های پیشرفته، مانند فیلم، انیمیشن، نقشه و تصاویر.

- اطمینان از آموزشی بودن مطالب و ارزان بودن به‌روز کردن مطالب که این نیز حسن بزرگی است.

کتاب سال

قبل دانست.

- نظرسنجی و

اعتبارسنجی و حضور فعال

سرگروه‌های درسی در تألیف

کتاب پایه دوازدهم ستودنی است.

- یکی از ایرادهایی که بر این کتاب

مطرح است، حجم گسترده‌ای از مطالب علمی

است که به نظر می‌رسد هر یک باید در درس

جداگانه‌ای مورد بحث قرار می‌گرفت.

- با توجه به زمان تدریس هفتگی این کتاب (دو ساعت در

هفته) اتمام همه مطالب کتاب درسی با در نظر گرفتن امر مهم

یادگیری دانش‌آموزان، اندکی مشکل به نظر می‌رسد.

- موضوعات بیان شده در کتاب ضمن اینکه جالب، خواندنی و

خواستنی می‌نماید، در سطح بالا و در حد مطالب دانشگاهی است.

- موضوع مهارت‌های جغرافیایی ضمن آنکه

اطلاعات علمی خوبی به معلم و دانش‌آموز

می‌دهد، در مدت دو ساعت در هفته مشکل

دیگری است.

- کتاب دارای جداول گویا و کاربردی است.

- نقشه‌ها اندکی فاقد شفافیت کافی برای درک

و فهم دانش‌آموز هستند، اصول نگارشی در آن‌ها

رعایت نشده و در حروف چینی آن‌ها از فونت‌های

بسیار ریز استفاده شده است.

- موضوع بسیار مهم این است که توضیحات

کتاب در مورد کشور ایران است، ولی متأسفانه

همه مثال‌ها مربوط به کشورهای غیر از ایران

است که انطباق و ارتباط بین مطالب و یادگیری

آن‌ها را با مشکل جدی مواجه می‌کند، چون

دانش‌آموز ارتباط عینی و ملموس را از دست

می‌دهد، به‌ویژه در فصل ۱ و ۲ بحث سکونتگاه‌ها.

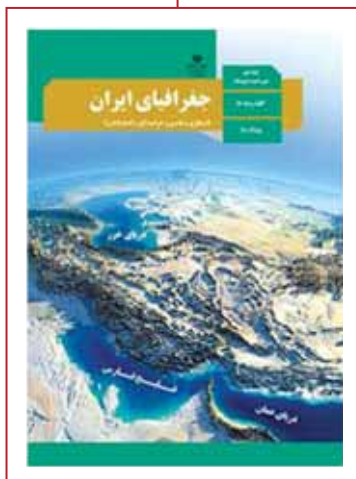
- مطالب ساعت روزگردان نیاز به توضیح ساده‌تری دارد. این امر برای دبیرانی که تدریس جغرافیا برایشان غیرمرتبط است مشکل‌ساز خواهد بود.

- ساختار کتاب، چارچوب تألیف، مطالب گنجانده شده، تصاویر و نمودارها در نوع خود قابل تقدیر است.

- پیوست‌ها و توضیحات آغازین و پایانی کتاب مناسب است و اطلاعات کافی در مورد تدریس را به معلمان و نحوه مطالعه را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد.

- اگر اندکی از گستردگی مطالب کاسته می‌شد، کتاب بی‌نظیری در بین سایر گروه‌های درسی به شمار می‌آمد.

- ساختار تنظیم کتاب از این نظر که به تاریخچه هر موضوع می‌پردازد و سپس به ایران می‌رسد، جالب است.





**خانم سپیده
پورصمد: چون
محیط‌های زندگی
انسان همواره در حال
دگرگونی است، این دگرگونی‌ها
باید در تألیف کتاب‌های درس
جغرافیا لحاظ شود**

حیطه‌های مختلف همیشه با من بحث می‌کنند و من هم این اجازه را به آنان می‌دهم. درست است که کنترل و نظارتش سخت است، اما اجازه می‌دهم و من مطمئن هستم که در اکثر کلاس‌ها این روش بهتر است، چون باعث می‌شود یک دریچه دیگری در ذهن و نگرش دانش‌آموز باز شود. این یکی از محسنات کتاب‌های جدید است. شاید در برخورد اول همه ما فکر کنیم که چرا این کتاب‌ها این گونه‌اند، چون ما خودمان هم تازه داریم وارد این مسائل می‌شویم، اما وقتی مشاهده می‌کنیم که این مطالب باعث می‌شوند روش سنتی که فقط معلم متکلم و حده است تغییر کند و دانش‌آموز هم در کلاس فکر کند و نظر بدهد و در این بحث‌ها حضور پیدا کند، متوجه می‌شویم که رویکرد کتاب‌ها خوب است.

قطعاً هر کتابی که تألیف می‌شود، شاید ایرادهایی داشته باشد ولی من معتقدم وقتی همه ما نظر بدهیم و آن‌ها را مشخص کنیم، ایرادها برطرف می‌شوند و کتاب‌ها عالی و خیلی خوب خواهند شد.

**معایب کتاب‌های جدید جغرافیا
عبارت‌اند از:**

- گستردگی موضوعات که بار حجمی زیادی دارند، اگرچه حسن است، ولی عیب هم است، زیرا نسل امروز مخاطبان، حوصله زیادی برای تعمیق و تأمل بر محتوای پر حجم ندارند و اگر راهکار تازه‌ای برای عرضه محتوای ضروری آموزش جغرافیا جست‌وجو نشود، باید منتظر کاهش پایه دانش جغرافیا باشیم.
- وابستگی محتوای کتاب به فناوری، عاملی محدودکننده از نظر زمانی و کمبود امکانات در مراکز آموزشی است.
- مشکلات ارزیابی از میزان تحقق اهداف آموزشی.
- کمبود نیروی انسانی متخصص.
- کم شدن ساعت تدریس جغرافیا.
- تأثیر کم ضریب درس جغرافیا در کنکور باعث عدم توجه جدی به آموزشی آن در نزد اولیای دانش‌آموزان شده است.

● خانم فریبا معمار راست: این سومین

دوره تغییر کتاب‌هاست که در دوران کاری من رخ داده است. در تألیف و انتخاب مطالب کتاب‌های قدیم چنین به نظر می‌رسید که هدف اصلی انتقال علم است و خیلی نمی‌خواهد دانش‌آموز را به چالش بکشد که آن هم دلیلی داشت. در قدیم، هم نحوه تألیف مطالب و هم حجم مطالب کتاب‌ها به گونه‌ای بود که دانش‌آموز فقط فرصت می‌کرد آن‌ها را حفظ کند و تحویل بدهد. حتی روش‌های تدریس هم روی چگونگی تألیف کتاب اثر داشت. اما در دهه‌های اخیر، رویکردها به کتاب درسی نه تنها در ایران بلکه در کل جهان تغییر پیدا کرده و این تغییر رویکرد نه تنها در تألیف کتب درسی، بلکه در شیوه‌های تدریس، تجهیز مدارس و آموزش معلمان نیز اثر گذاشته است. پس در مجموع نمی‌توانیم بگوییم کتاب‌های قدیم موفق عمل نکرده‌اند، آن‌ها هم در زمان خودشان و حیطه کاربردی‌شان موفق عمل کرده‌اند، اما با یک رویکرد دیگر. اما به نظر می‌رسد که رویکرد تازه تألیف کتاب‌های درسی بیشتر به چالش کشیدن در حیطه‌های مختلف زندگی است. الان همه ما، چه آن‌هایی که به مدرسه می‌رویم و چه آن‌هایی که به مدرسه نمی‌رویم، خود اساتید، معلمان و هر قشر دیگری ناخواسته در یک سری از چالش‌ها قرار می‌گیریم. بعضی از این چالش‌ها، چالش‌های محیطی هستند، مثل آلودگی هوا و بعضی از چالش‌ها، چالش‌های سیاسی، فرهنگی یا اجتماعی هستند که به هیچ‌وجه نمی‌توانیم آن‌ها را نادیده بگیریم. پس ناگزیر کتاب‌های تازه تألیف شده باید این رویکرد را داشته باشند.

درست است که شاید مطالب کتاب‌های جدید خیلی سنگین و کم حجم نوشته شده، اما هدف این است که هم معلم این‌ها را هنگام تدریس برای دانش‌آموز باز کند و هم پیچیده بودن مطلب، شاید دانش‌آموز را وادار به سؤال کند و سؤال کردن هم یعنی اینکه ذهن می‌خواهد درباره آن مطلب کار کند و به چالش بکشد. به عبارت دیگر، همین رویکرد و کتاب‌های جدید هم باعث می‌شوند که ما فعال شویم. من خودم شخصاً کلاس‌های فعالی دارم، چون دانش‌آموزهایم در

در خصوص فنون جغرافیا، یک سری مطالب که در سال‌های اخیر گذاشته‌اند، از نظر کاربردی خیلی حائز اهمیت است که برای دانش‌آموزان خیلی خوب است.

● رویکرد آموزش جغرافیا در ایران

چيست؟

○ خانم معمار راست: جغرافیا علمی است

که رابطه متقابل انسان و محیط را بررسی می‌کند و هدفی برای زندگی بهتر دارد. اگر ما با این تعریف بخواهیم به رویکرد آموزش جغرافیا در ایران نگاه کنیم، در واقع نشان دادن مشکلات محیطی است که به صورت متقابل نتیجه عملکرد ما با محیط و برگشت آن به خودمان است. علم جغرافیا بیشتر سعی می‌کند به دانش‌آموزان یاد بدهد که هر یک از آنان در آینده در جایگاه خاصی از جامعه قرار خواهند گرفت. پس در وهله اول رابطه متقابل ما با محیط را بررسی می‌کند. این رویکرد نه تنها پدیده‌های طبیعی یا اجزای محیطی طبیعی را در برمی‌گیرد، بلکه صد درصد مسائل انسانی را هم در برمی‌گیرد. پس پیامی که جغرافیا در آموزش خودش می‌دهد، فقط در مورد پدیده‌ها یا مسائل یا مشکلات طبیعی نخواهد بود و وقتی ما وارد حیطه انسانی می‌شویم، مسائلی در مورد اقتصاد، اجتماع و حتی مسائل سیاسی مشاهده می‌کنیم. من همیشه گفته‌ام که چون جغرافیا با همه علوم ارتباط دارد، خیلی راحت می‌تواند همه این مسائل را از دیدگاه‌های مختلف به همه انتقال بدهد، منتها مشکل این است که فعلاً جامعه تا چه حدی قدرت پذیرش این علم را دارد. این خودش یک مشکل جدی است که ما و خانواده‌ها با آن درگیریم. در مجموع، من رویکرد آموزش جغرافیا را خیلی خوب می‌بینم، زیرا این تغییر مسیر یا تغییر رویکرد کم‌کم دارد اتفاق می‌افتد و جلو می‌رود. هر کاری یا برنامه‌ای معمولاً آرام آرام جای خودش را پیدا می‌کند و اگر ما بخواهیم به سرعت جهت را عوض کنیم، صد درصد در مقابلش می‌ایستند، اما چون این کار آرام آرام اتفاق افتاده، موفق بوده است. من خودم تاکنون شاهد سومین یا چهارمین سری تغییر کتاب‌های درسی بوده‌ام و به خوبی مشاهده می‌کنیم که خیلی آرام اتفاق می‌افتد و به نظر من این خیلی خوب و درست است. یعنی اگر با این روش پیش برود، موفق خواهد بود.

● خانم پورصمد: پیرامون رویکرد

آموزش جغرافیا در ایران، من به یک نکته اشاره می‌کنم و آن اینکه جغرافیا دانشی است که همه جوانب زندگی را در نظر می‌گیرد و من احساس می‌کنم با این درس می‌توان نوعی فرهنگ‌سازی در جامعه را نهادینه کرد. جغرافیا با فرهنگ، سیاست، هویت، نژاد، علم و مذهب مرتبط است و در کتاب درسی ما یک سری مطالبی داریم که می‌توان برای دانش‌آموزان مطرح کرد و نتایج بسیار خوبی از آن‌ها گرفت. برای مثال، در ارتباط با مسائل محیط زیست که وضعیت نامناسبی در کشور دارد و به قول معروف در دقیقه ۹۰ هستیم، می‌توان خیلی راحت دانش‌آموزان را آموزش داد و آن‌ها را با مسائل محیط زیست کشور آشنا ساخت و با توجه به استعدادها و ظرفیت‌هایی که آن‌ها دارند، فرهنگ حفاظت از محیط زیست را در



خانم

معمار راست:

من رویکرد آموزش

جغرافیا در کشور را خیلی

خوب می‌بینم، زیرا این تغییر

مسیر و تغییر رویکرد کم‌کم دارد

اتفاق می‌افتد و جلو می‌رود

● ممکن است یک مقایسه‌ای بین

کتاب‌های قدیم و جدید داشته باشید؟

○ خانم پورصمد: در تألیف و انتخاب مطالب

و درج آن‌ها در کتاب‌های درسی، زمان و چالش‌های آن بی‌تأثیر نیست. کتاب‌های قدیم هم در زمان خود در انتقال مطالب موفق عمل کرده‌اند و معلمان با سابقه، پزشکان، حاذق و مهندسان و سایر کارشناسان و محققان و دانشمندان فعلی ما حاصل همان کتاب‌ها و علوم‌اند و نمی‌توانیم این را منکر شویم. در مورد کتاب جغرافیا نیز همین‌طور است. حتی با یک نگاه دیگر، گاهی به نظر می‌رسد کتاب‌های قدیم ارجحیت دارند. کتاب‌های قدیم برای مطالب توضیحات بیشتری داشتند، در صورتی که الان توضیحات برداشته شده و فقط خود مطلب ارائه شده است و به نظر می‌رسد که در گذشته مطلب بیشتر عرضه می‌شد و حجم یادگیری دانش‌آموزان بیشتر بود.

برای مثال، سال‌های قبل ما کتابی داشتیم که فقط یک کتاب سیاسی و اقتصادی بود و دانش‌آموزان در ارتباط با مطالب سیاسی و اقتصادی زیاد یاد می‌گرفتند؛ ولی الان فقط کلیشه‌ای به مطالب نگاه شده و من احساس می‌کنم عمق یادگیری در این زمینه کمتر است.

جامعه ارتقا بخشید. در واقع این فرهنگ را میان آن‌ها جا انداخت که چگونه با محیط زیست برخورد کنند. به نظر من، آموزش‌هایی که ما در این سال‌ها سر کلاس داشته‌ایم، موفقیت زیادی داشته است. حتی مدیر مدرسه و همکاران هم اظهار می‌کنند که وقتی با دانش‌آموزان به جاهای مختلف می‌روند، دانش‌آموزان همه مسائل محیط زیست را در نظر می‌گیرند و رعایت می‌کنند.

کتاب جدید جغرافیا حتی درباره مظاهر طبیعت در قرآن هم مطلب دارد و به آن اشاره کرده است. یعنی کتاب سعی می‌کند بچه‌ها را از نظر دینی هم جلو ببرد. حتی درباره روابط متقابل انسان با محیط در همه فضاها عم از بیابان، ساحل و جنگل، ما مطلب برای ارائه به دانش‌آموزان داریم.

در خصوص گردشگری، ما جزء کشورهای هستیم که در قدم‌های اول قرار داریم، اما در حال حاضر در کتاب‌های درسی ما درباره توریسم و گردشگری خیلی کار شده است و به نظر من در آینده، ما در این مورد موفقیت زیادی کسب خواهیم کرد.

یکی از رویکردهایی که آموزش جغرافیا امروز در کشور دارد، در ارتباط با توسعه پایدار و آمایش سرزمین است که ما در این زمینه هم خیلی راحت می‌توانیم به دانش‌آموزان مطلب ارائه دهیم. درباره استفاده از انرژی‌های نو و جایگزین کردن آن‌ها به جای انرژی‌های فسیلی نیز کتاب درسی مطلب دارد. یعنی کتاب همه جوانب زندگی را در بر گرفته است.

فقط مسئله اینجاست که همه از دولت گرفته تا خانواده و مدرسه، باید دیدگاهشان را نسبت به علم جغرافیا عوض کنند.

در کشورهایی مانند آمریکا و انگلیس، درس جغرافیا در رده‌های اول علوم قرار دارد، در حالی که در کشور ما جزء دروسی است که خیلی به آن اهمیت نمی‌دهند. بنابراین من فکر می‌کنم این درس نسبت به سایر دروس خیلی می‌تواند در رفتارهای عمومی تأثیر گذار باشد.

● خانم جوانشیر: ما طرح

درس ملی داریم و حدوداً دو سال است که همه دروس براساس برنامه درس ملی نوشته می‌شوند. بنابراین ساختار طرح درس‌های قبلی کاملاً متفاوت شده و رویکرد آن‌ها تغییر یافته است. در درس‌های جدید به چهار عنصر اصلی، یعنی «خود، خدا، خلق و خلقت» پرداخته شده است و با این شیوه، دانش‌آموز وظایف خودش را نسبت به خدا، خلق و طبیعت می‌شناسد و تدریس ما هم

در راستای همین رویکرد باید انجام شود تا دانش‌آموز به این ایمان برسد که خودش را بشناسد، قدر طبیعت را بداند و خدا را ناظر بر اعمال و رفتار خود بداند. در واقع رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان در عقل، ایمان و دانش محقق می‌شود و به نظر من و همان‌طور که همکاران فرمودند، رویکرد جدید آرام آرام جای خود را باز می‌کند و رویکرد درست و خوبی است.

● چه بخش‌هایی از کتاب‌های جدیدالتألیف جغرافیا نیاز به آموزش ضمن خدمت دارند؟

○ خانم پورصمد: چون مطالب کتاب تازه تألیف است و رویکرد آن هم دچار تحول شده، قطعاً مسائلی در کتاب وجود دارد که هضم آن‌ها برای دبیران نیاز به همفکری و استفاده از تجارب دیگران دارد.

من احساس می‌کنم برای کل کتاب لازم است که حتماً دوره آموزش ضمن خدمت گذاشته شود. متأسفانه پارسال هم برای کتاب جغرافیای پایه یازدهم که تازه تألیف بود، دوره آموزشی نداشتیم. من احساس می‌کنم اگر دوره آموزش ضمن خدمت باشد، ایرادهای همکاران بهتر برطرف می‌شود و به همین دلیل لازم است برای همه بخش‌های کتاب آموزش ضمن خدمت حضوری برگزار شود، چون حضور همکاران موجب تبادل فکری آن‌ها نیز خواهد شد و از تجارب همدیگر استفاده می‌کنند و خیلی راحت‌تر می‌توانند مطالب را به یکدیگر انتقال دهند.

● خانم معمارراست:

بدون شک مطالب یک کتاب تازه تألیف شده که رویکرد آن تغییر پیدا کرده و متحول شده است، بی‌نقص نیست و از طرف دیگر، هضم مطالب آن برای دبیران هم نیاز به همفکری و استفاده از تجارب دیگران دارد. از این‌رو به نظر می‌رسد که برای همه بخش‌های کتاب، آموزش ضمن خدمت لازم است.

● به نظر شما، علت اینکه برخی از

معلمان جغرافیا روی روش‌های تدریس سنتی در آموزش پافشاری می‌کنند، چیست و چگونه می‌توانیم این نوع افراد را ترغیب کنیم که روش‌های تدریستان را به‌روز کنند؟





خانم جوانشیر:
برگزاری دوره
آموزش ضمن خدمت
برای آموزش روش‌های نوین
تدریس برای معلمان حتی از
آموزش ضمن خدمت برای مطالب
کتاب درسی واجب‌تر و لازم‌تر است

○ خانم پورصمد: درباره شیوه تدریس

درس جغرافیا، من فکر می‌کنم روش سنتی که معلم متکلم وحده است و تمام تمرکز معلم بر دانستنی‌های کتاب است، یک روش خسته‌کننده برای دانش‌آموز است. یعنی اگر ما با روش‌های جدید و نوین تدریس عمل کنیم، خیلی بهتر خواهد بود. اما متأسفانه یک سری موانع و مشکلاتی وجود دارد که استفاده از روش‌های نوین تدریس را با مشکل روبه‌رو می‌کند که به برخی از این موانع و مشکلات اشاره می‌کنم.

۱. احساس من این است که مهم‌ترین مانع استفاده از روش‌های نوین تدریس، نگرش خانواده‌هاست که همیشه از ما معلمان می‌خواهند وقت زیادی برای این درس نگذاریم، چون دانش‌آموز رشته ریاضی یا تجربی می‌خواهد شیمی یا فیزیک یا ریاضی بخواند که در کنکور خیلی تأثیرگذار است و به همین دلیل خانواده‌ها مصرانه از ما می‌خواهند که جغرافیا را با روش جدید تدریس نکنیم و با همان روش قدیم چند سؤال به دانش‌آموز بدهیم و با اندکی توضیح از آن بگذریم. ما هر سال یک دوره‌می با اولیا داریم که بیشتر آن‌ها معتقدند با همان روش قدیمی این درس را به بچه‌ها بدهید.

۲. مانع دیگر برای عدم استقبال معلمان از روش‌های تدریس نوین، محدودیت امکانات و تجهیزات آموزشی است. در مدارس تیزهوشان یا نمونه‌مردمی که من خودم هستم، پروژکتور، اتاق مخصوص آموزش جغرافیا، وجود همه نقشه‌های جغرافیایی، فیلم، نقشه، اسلاید، پاورپوینت و ... وجود دارد که معلمان این نوع مدارس از آن‌ها در تدریس استفاده می‌کنند و دانش‌آموزان این نوع مدارس هم روش‌های نوین تدریس را پذیرفته‌اند و هم بهتر مطالب را یاد می‌گیرند، ولی اکثر مدارسی که ما برای بازدید به آن‌ها سر می‌زنیم، متأسفانه این امکانات وجود ندارد و حتی معلم اگر هم بخواهد متکلم وحده باشد و چند سؤال بدهد، باز هم بچه‌ها گوش نمی‌کنند و این مشکل همچنان وجود دارد.

۳. مشکل دیگر اینکه برخی از دانش‌آموزان معتقدند روش سنتی بهتر است، چون همه دانش‌آموزان در گروه‌بندی‌هایی که انجام می‌دهیم، احساس مسئولیت نمی‌کنند و تدریس فعال توسط دانش‌آموزان امکان‌پذیر نیست و بیشتر از معلمان حرف‌شنوی دارند تا دانش‌آموزان و به همین دلیل یادگیری‌شان کمتر می‌شود.

۴. مانع دیگر این است که خود معلمان هم با روش‌های جدید تدریس آشنا نیستند و آن‌ها را نمی‌دانند و به نظر من معلمان نیازمند آموزش ضمن خدمت هستند و ای کاش مجلات رشد، در هر شماره‌ای، یکی از روش‌های جدید تدریس را آموزش دهند تا وقتی که ما می‌گوییم روش همیاری یا روش گروهی یا بارش مغزی، معلمان بدانند این روش‌ها چیست و چطور باید اجرا کنند.

۵. مشکل دیگر این است که ساعات درس جغرافیا را کم کرده‌اند و زمان برای اجرای روش‌های نوین تدریس خیلی کم است.

۶. مانع و مشکل دیگر، در اجرای روش‌های نوین تدریس برنامه ثابت و رعایت انضباط یکنواخت آموزشی در کشور است. برای همه درس‌ها یک برنامه ثابت از بالا ارائه می‌شود و ما همه دنباله‌رو آن هستیم و مجبوریم با یک نظم و انضباط خاص یا بودجه‌بندی و بارم‌بندی خاص پیش برویم. در صورتی که شاید ما در برخی مدارس بتوانیم روش‌های

مانع دیگر این است که گاه خود معلمان هم با روش‌های جدید تدریس آشنا نیستند و آن‌ها را نمی‌دانند و به نظر من معلمان نیازمند آموزش ضمن خدمت هستند و ای کاش مجلات رشد، در هر شماره‌ای، یکی از روش‌های جدید تدریس را آموزش دهند تا وقتی که ما می‌گوییم روش همیاری یا روش گروهی یا بارش مغزی، معلمان بدانند این روش‌ها چیست و چطور باید اجرا کنند

گروهی
و روش‌های
جدید یادگیری
را دارد، اما گاهی
موانعی وجود دارد که کار
را سخت
می‌کند.

الآن مهم‌ترین
مانع، نگرش خانواده‌ها
نسبت به این درس است
و البته این سخن دانش‌آموزان
است که خانواده‌ها نسبت به این درس
کم‌لطفاند.

مانع یا مشکل دیگر برای به‌کارگیری روش‌های
نوین تدریس، کمبود امکانات و تجهیزات آموزشی
پیشرفته است و اکثر مدارس مافقد چنین امکاناتی
هستند.

به نظر من برای استفاده از روش‌های جدید
تدریس، دو اصل حتماً باید در کلاس‌ها جا بیفتد و
این اصول هم باید از دوره ابتدایی به‌صورت علمی
اتفاق بیفتد تا وقتی دانش‌آموز به دوره متوسطه می‌رسد، این اصول برای
او عجیب و غریب و وقت‌گیر جلوه نکنند، یعنی این اصول را یاد گرفته
و در او نهادینه شده باشد که برای یادگیری جغرافیا لازم است. این
دو اصل «روش‌های تدریس فعال» و «همیاری» است. البته هر روشی
یک سری نقص‌هایی دارد که ما معلمان خودمان می‌توانیم این نقص‌ها
را برطرف کنیم و تغییراتی در آن ایجاد کنیم. برای مثال، وقتی معلم
در روش همیاری یا تدریس گروهی می‌گوید که هفته بعد فلان گروه
تدریس خواهد کرد، گروه‌های دیگر به هیچ‌عنوان سراغ مطالب درسی
نمی‌روند. من خودم هیچ‌وقت مشخص نمی‌کنم که هفته بعد کدام
گروه باید تدریس کند و می‌گویم همه گروه‌ها باید آماده باشند و گاهی
در وسط تدریس یک گروه، کار را متوقف می‌کنم و از گروه دیگری
می‌خواهم تدریس را ادامه دهد. در نتیجه همه گروه‌ها و بچه‌های کلاس
همیشه مجبورند در خانه کار کنند و خود را برای کلاس آماده سازند و
به این صورت، روش آموزش گروهی و فعال را در کلاس اجرا می‌کنم.

بهتری هم داشته باشیم
و دانش‌آموزان را بیشتر فعال
کنیم، ولی با توجه به زمان ما
ناچاریم روش تلفیقی یعنی هم سنتی
و هم نوین را با هم داشته باشیم. به عبارت
دیگر، ما سعی می‌کنیم از فیلم، پاورپوینت و ...
استفاده می‌کنیم، ولی گاهی هم مجبوریم متکلم
وحده باشیم تا کار پیش رود.
۷. یک مشکل دیگر هم این است که عده‌ای از معلمان
به روش‌های نوین اعتقاد ندارند و می‌گویند همان روش قدیمی
بهترین روش است.

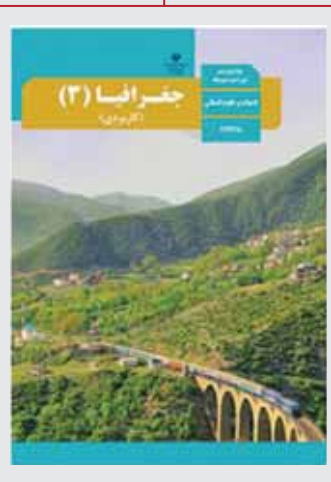
● **خانم جوانشیر:** یکی از دلایلی که موجب
می‌شود عده‌ای از معلمان همچنان با روش‌های
سنتی تدریس کنند و روی روش سنتی پافشاری
کنند، این است که معلمان با روش‌های نوین و فعال
تدریس آشنا نیستند و برگزاری دوره آموزش ضمن خدمت
برای آموزش روش‌های نوین تدریس برای معلمان حتی از آموزش
ضمن خدمت برای مطالب کتاب، واجب‌تر و مهم‌تر
است.

نکته دیگر آشنا نبودن اولیا با روش‌های فعال
تدریس است که آن را وقت‌گیر می‌دانند و معلمان
را از این نظر دچار مشکل می‌کنند.
مسئله دیگر نبود انگیزه در مدارس و بین معلمان
است. معلمان اساساً به دلیل شرایط اقتصادی و
مشکلاتی که در جامعه وجود دارد، انگیزه بسیار
پایینی دارند.

تراکم بالای کلاس یکی دیگر از موانع برگزاری
روش‌های تدریس نوین است. کلاسی که ۴۵
دانش‌آموز دارد عملاً دست و پای معلم را در اجرای
روش‌های فعال می‌بندد.

نبود بودجه کافی یکی دیگر از موانع است. در
مدرسه‌ای که من تدریس می‌کنم، اساساً دسترسی
به یک کلاس هوشمند و پروژکتور امکان‌پذیر نیست. این‌ها بخشی
از مشکلات و موانعی است که موجب می‌شود معلمان به روش‌های
سنتی تدریس کنند و از روش‌های نوین استقبال نکنند. حتی خود
دانش‌آموزان هم نمی‌خواهند که معلمان به روش جدید تدریس کنند.

● **خانم معمار است:** استفاده از شیوه‌های
تدریس سنتی که معلم فقط متکلم‌وحده و تأکید
او فقط بر محفوظات و دانستنی‌های کتاب باشد،
روشی خسته‌کننده و کم‌بازده به حساب می‌آید. از این رو
تنوع بخشیدن به روش‌های آموزشی و تبدیل کتاب به‌عنوان
یک وسیله اطلاعاتی نه صرفاً هدف، می‌تواند فضای لازم را برای
پرورش مهارت و نگرش‌های مختلف و حتی استعدادیابی و شکوفایی
آن به وجود آورد. خوشبختانه درس جغرافیا و مطالب آن پتانسیل و
ایجاد محیط‌های آموزشی متنوع، بازدیدها، استفاده از فیلم‌ها، تدریس



موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور
باغ گیاه شناسی ملی ایران

National Botanical Garden of Iran

● دکتر زیبا جمزاد

استاد پژوهش در مؤسسه

تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور

دکتر فاطمه درگاهیان

و دکتر سیدرضا صفوی

استادیاران پژوهش

● موقعیت و مشخصات باغ گیاه‌شناسی

باغ گیاه‌شناسی ملی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری کشور در زمینی به وسعت ۱۴۵ هکتار در دامنه جنوبی رشته‌کوه البرز مرکزی در اراضی چیتگر در شمال غرب تهران در محدوده شهرداری منطقه ۲۲ واقع شده است (تصویر ۱). عملیات طراحی و احداث این باغ از سال ۱۳۴۸ توسط کارشناسان ایرانی و با همکاری تعدادی از کارشناسان خارجی آغاز شد. هدف از ایجاد این باغ انجام تحقیقات گیاه‌شناسی و باغبانی، آموزش دانشجویان و دانش‌آموزان، ارتقای آگاهی‌های عمومی در زمینه منابع طبیعی و محیط‌زیست و ایجاد جاذبه طبیعت‌گردی برای جلب گردشگران داخلی و خارجی است. به‌علاوه، حفاظت از گونه‌های گیاهی بومی در خارج از رویشگاه اصلی از مهم‌ترین اهداف ایجاد این باغ است. در طرح کلان باغ، ایجاد رویشگاه‌های متنوع از طبیعت ایران و جهان پیش‌بینی شده که براساس آن ۲۲ رویشگاه ایجاد شده است. از میان آن‌ها می‌توان به رویشگاه جنگل‌های هیرکانی، جنگل‌های بلوط زاگرس، ناحیه کوبیری و بیابانی ایران، اروپا، چین و ژاپن، هیمالیا و چمنزارهای آمریکا و قفقاز اشاره کرد. به‌علاوه، باغ‌های موضوعی نظیر باغ سیستماتیک، باغ گیاهان دارویی، مجموعه‌های چهارباغ ایرانی، میدان مرکزی، باغ رز، جنگل و گردشگاه، قطعات آموزشی و نمایشی، باغ صخره‌ای و گیاهان زینتی و ... از دیگر قسمت‌های این باغ گیاه‌شناسی هستند

باغ گیاه‌شناسی ملی ایران



تصویر ۳. منظره‌ای از رویشگاه زاگرس در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران

● رویشگاه زاگرس

عملیات اجرایی و تکمیلی رویشگاه زاگرس از سال ۱۳۶۷ آغاز شد. رویشگاه زاگرس با مساحت حدود ۳ هکتار به شکل تپه ماهور ایجاد شده و مرتفع‌ترین نقطه آن بیش از ۱۰ متر ارتفاع دارد. عناصر اصلی درختی این قسمت همانند جنگل‌های طبیعی زاگرس از سه گونه اصلی از جنس بلوط به نام‌های بلوط ایرانی، مازودار و ویول هستند. در این رویشگاه تجدید حیات جنسی و زادآوری طبیعی گونه‌های بلوط بسیار است. علاوه بر گونه‌های بلوط، گونه‌های پسته وحشی، انواع شیرخشت، بادام، گلایی وحشی و ارس و زالزالک در رویشگاه کشت شده‌اند. (تصویر ۳).

● رویشگاه ایران و تورانی

در این قسمت با توجه به جوامع گیاهی موجود در کویرها، شوره‌زارها و مناطق بیابانی ایران، قسمت‌های مختلفی ایجاد و با پیاده‌روها از یکدیگر تفکیک شده‌اند. یک دریاچه آب شور در آن ایجاد شده و در اطراف آن گونه‌های شورپسند مناطق بیابانی ایران کاشته شده‌اند. تاکنون حدود ۴۰ گونه گیاهی از مهم‌ترین گیاهان معرف جوامع گیاهی کویری و شورروی در این رویشگاه کاشته و استقرار یافته‌اند (تصویر ۴).

تصویر ۴. منظره‌ای از رویشگاه ایران و تورانی در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران



● معرفی بخش‌های مختلف باغ گیاه‌شناسی



تصویر ۲. منظره‌ای از رویشگاه هیرکانی در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران

● رویشگاه جنگل‌های هیرکانی

عملیات اجرایی رویشگاه هیرکانی از سال ۱۳۵۱ آغاز و تلاش شده تا گیاهان علفی و چوبی مناطق جلگه‌ای و میان‌بند ارتفاعات جنگل‌های هیرکانی جمع‌آوری و در آن کاشته شوند. در حال حاضر در این رویشگاه ۶۴ گونه درختی و درختچه‌ای و ۱۰۵ گونه علفی مستقر شده‌اند و در طول زمان به تدریج بر تعداد گونه‌ها افزوده می‌شود. این رویشگاه ۱۱ قطعه دارد که به کمک باغراه‌هایی که طرفین آن‌ها از گونه شمشاد پرچین‌سازی شده است. از یکدیگر مجزا شده‌اند. مساحت کلی رویشگاه هیرکانی حدود ۸ هکتار است و دریاچه موجود در آن با عمق حدود ۲ تا ۲/۵ متر ۸۰۰۰ مترمربع وسعت دارد (تصویر ۲). این دریاچه نقش مهمی در ایجاد رطوبت مورد نیاز گیاهان کاشته شده دارد.

گونه‌های درختی جنگل‌های شمال ایران با الگوی گیاهان مناطق پست در کنار دریاچه و سپس پوشش‌های مربوط به مناطق با ارتفاع بیشتر در کمربندهای متفاوتی به سمت شمال این جنگل کشت شده‌اند. مهم‌ترین درختان و درختچه‌های جنگل‌های هیرکانی شامل بلوط بلند مازو، افرا شیردار، لیلیکی، زبان گنجشک، شمشاد خزری، سرخدار، سفیددار، نم‌دار، همیشه‌ک، کوله خاص و انواع گیاهان کف جنگل و سرخس‌ها در این رویشگاه کاشته شده‌اند. با ورود به این قسمت، تصور می‌کنید که به جنگل‌های شمال ایران پا گذاشته‌اید.

● رویشگاه البرز

⊙ البرز مرکزی بخشی از رشته کوه به هم پیوسته البرز است که بیشترین ارتفاع را دارد. رشته کوه‌های البرز مرکزی به دو دامنه شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. از نظر تقسیم‌بندی رویشگاهی، قسمت جنوبی البرز مرکزی در استان تهران واقع شده و جزء ناحیه ایرانی-تورانی است. پوشش گیاهی البرز جنوبی بسیار غنی و متنوع است. به دلیل بالا بودن تعداد گونه‌های انحصاری، این رویشگاه یکی از ذخیره‌گاه‌های ژنتیکی ایران است و ارزش بالایی برای حفاظت دارد.

⊙ رویشگاه البرز باغ گیاه‌شناسی ملی ایران با به نمایش گذاردن بخش‌هایی از سیمای طبیعی البرز با ایجاد قسمت‌هایی به صورت تپه ماهور و دره و برقراری جریان و گردش آب به صورت چشمه و رود، آبشار و آبگیر و مانداب، همراه با حجم زیادی از صخره‌های طبیعی که تمامی عناصر مصرفی آن از طبیعت منطقه البرز جمع‌آوری شده‌اند، ایجاد شده است. روی تپه ایجاد شده با صخره‌گذاری و ایجاد سیستم چرخش آب که از دریاچه خزر به بالای تپه هدایت می‌شود، یک آبشار ایجاد شده که با ریزش آب از لابه‌لای صخره‌ها به درون یک برکه و سپس در مسیر یک رودخانه جریان می‌یابد و سرانجام به داخل دریاچه خزر در رویشگاه هیرکانی می‌ریزد (تصویر ۵).

⊙ در تپه‌های رو به شرق این رویشگاه، توده‌ای از درختان ارس که شاخص جنگل‌های دامنه‌های خشک هستند مستقر شده‌اند.



تصویر ۵. منظره‌ای از رویشگاه البرز در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران



تصویر ۶. نمایی از رویشگاه چین و ژاپن در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران

جنس‌های شاخص موجود در این قسمت عبارت‌اند از: توس، بادام، بنه، زالزالک، گلابی وحشی، ارس و بید. به‌علاوه در شکاف صخره‌ها و در فاصله بین آن‌ها انواع گیاهان علفی و پیازی بومی کوه‌های البرز کاشته شده‌اند.

● رویشگاه چین و ژاپن

باغ‌های ژاپنی و باغ‌های خاور دور دارای سبک خاصی از باغ‌سازی هستند که در دنیا شناخته شده‌اند و از سه عنصر سنگ، آب و گیاه در آن‌ها استفاده شده است. همچنین فرم‌دهی درختان با روش‌های هرس خاص از ویژگی‌های این باغ‌هاست. گونه‌های گیاهی این باغ‌ها که بومی شرق آسیا هستند، در طراحی مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین، این رویشگاه در باغ گیاه‌شناسی علاوه بر نشان دادن سبک معماری باغ‌های خاور دور، مجموعه‌ای از فلور و پوشش گیاهی این مناطق را نیز نشان می‌دهد. این رویشگاه در زمینی به مساحت ۲،۳ هکتار به اجرا در آمده است. دریاچه دو قسمتی که آب از داخل یکی به درون دیگری جریان می‌یابد و پل روی آن که به یک جزیره ارتباط پیدا می‌کند، زیبایی خاصی به این قسمت از باغ داده است (تصویر ۶).



تصویر ۷. منظره‌ای از ورودی رویشگاه اروپا

● رویشگاه اروپا

رویشگاه اروپا حدود ۲/۴ هکتار مساحت دارد. در قسمت ورودی یک سردر طراحی شده که نمادی از معماری باستانی یونانی است. در امتداد سردر ورودی



تصویر ۸. منظره‌ای از رویشگاه هیمالیا در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران



یک دالان شمالی جنوبی در ترکیب با نرده و ستون‌های آجری و باغچه‌های کاشته‌شده با رزهای رونده و کلماتیس، این رویشگاه را به دو بخش تقسیم می‌کند (تصویر ۷). در بخش شرق دالان، گیاهان علفی بومی اروپا روی تپه‌های ایجادشده کاشته شده‌اند که با زمین مسطح چمن کاری شده اطرافشان جلوه ویژه‌ای پیدا کرده است. در بخش چمن کاری شده باغچه‌های مستطیلی شکلی طراحی شده‌اند که در آن‌ها همه‌ساله گل‌های لاله با ترکیب رنگ‌های مختلف کاشته می‌شوند و جلوه خاصی به این قسمت می‌دهند. در قسمت غربی دالان گیاهان درختی و درختچه‌های بومی اروپا کشت شده‌اند که انواع کاج‌ها و مخروطیان، درختان غالب این بخش هستند. در قسمت میانی یک پیاده‌رو ایجاد شده که مجسمه‌های سنگی از مشاهیر علوم زیستی اروپا در آن جانمایی شده‌اند، از جمله مجسمه داروین، لینه، مندل، بواسیه و رشینگر.

● رویشگاه هیمالیا

این رویشگاه به مساحت حدود سه هکتار در ضلع شرقی باغ گیاه‌شناسی ملی ایران قرار دارد. با ایجاد تپه‌های مصنوعی که بلندترین آن‌ها ۱۹ متر ارتفاع دارند، سیمایی از کوه‌های هیمالیا ایجاد شده است. طراحی کاشت این رویشگاه براساس تیپ‌بندی‌های گیاهی است که امکان استقرار آن‌ها در شرایط آب و هوایی باغ امکان‌پذیر بوده است. تاکنون درختان سدروس، بلوط همیشه‌سبز و کاج کاشفی و سایر گونه‌های شاخص کوه‌های هیمالیا در این رویشگاه مستقر شده‌اند (تصویر ۸).

● رویشگاه قفقاز

قفقاز منطقه‌ای بین دریای سیاه و دریای خزر است و شامل کشورهای ارمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان، بخش شمالی قفقاز از کشور روسیه، شمال ترکیه و بخش کوچکی از شمال غرب ایران است. فلور و پوشش گیاهی قفقاز بسیار متنوع است و ضمن دارا بودن گیاهان جنگل‌های خزری دارای گونه‌های انحصاری خاص خود است. از چمن‌زارهای آلبی تا سوزنی‌برگان مناطق کوهستانی را در این منطقه می‌توان دید. رویشگاه قفقاز در باغ گیاه‌شناسی با مساحت حدود ۳ هکتار برای کاشت گونه‌های مختلف درختی و درختچه‌ای منطقه قفقاز در نظر گرفته شده است. پیاده‌روهای سنگ‌فرش شده به عرض ۲ متر، این قسمت را به ۵ منطقه تقسیم می‌کنند که در هر منطقه ترکیب گیاهی خاصی کاشته شده است (تصویر ۹). عملیات کاشت در این رویشگاه از سال ۱۳۸۵ آغاز شده است.

● پهن‌برگان همیشه‌سبز

پهن‌برگان همیشه‌سبز یکی از مجموعه‌های گیاهی باغ با مساحت ۱/۶ هکتار، شامل گونه‌های متنوعی از درختان و درختچه‌های همیشه‌سبز بومی و غیربومی است. عملیات کاشت این قسمت از سال ۱۳۸۴ آغاز شده است. با توجه به اهمیت گیاهان



تصویر ۹. منظره‌ای از رویشگاه قفقاز در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران



تصویر ۱۰. منظره‌ای از مجموعه پهن‌برگان همیشه‌سبز در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران

دائم سبزی در فضای سبز، در این بخش تلاش شده است تا گونه‌های پهن‌برگ همیشه‌سبز مناسب شرایط آب و هوایی تهران استقرار یابند و درباره‌ی سازگاری و عملکرد آن‌ها تحقیق و بررسی به‌عمل آید (تصویر ۱۰).

● چمنزارهای آمریکا

چمنزارهای آمریکا در زمینی به وسعت ۱/۴ هکتار ایجاد شده و با تأکید بر گیاهان علفی و در ترکیبی از گونه‌ها با زمان گل‌دهی متفاوت در طول ماه‌های فصل بهار و تابستان کاشته شده‌اند. به‌علاوه، تعداد معدودی گونه‌های درختی و درختچه‌ای بومی آمریکای شمالی که با شرایط آب و هوایی تهران سازگارند، در این قسمت کشت شده‌اند (تصویر ۱۱).

● باغ سیستماتیک

باغ سیستماتیک با وسعت ۸/۴ هکتار به‌منظور آموزش علم گیاه‌شناسی به دانشجویان و دانش‌آموزان و به نمایش گذاشتن گیاهان با توجه به سیر تکاملی آن‌ها ایجاد شده است. در این قسمت از باغ گیاهان تیره‌های مختلف با نظمی خاص که متکی بر سیستم‌های طبقه‌بندی گیاهی است، کاشته و نگهداری می‌شوند. چیدمان و کاشت گیاهان براساس سیر تکاملی و روابط خویشاوندی بین آن‌ها استوار است. قدیمی‌ترین درختان زمین که مخروطیان هستند، در ابتدای این باغ کاشته شده و سپس براساس روند تکاملی درختان پهن‌برگ دوپایه و یک‌پایه متعلق به تیره‌های مختلف و سرانجام، آخرین تیره‌های مربوط به گیاهان علفی و تیره آفتابگردان کاشته شده‌اند (تصویر ۱۲).

● قطعات آموزشی و نمایشی

این قطعه به مساحت ۱/۵ هکتار با هدف نشان دادن کاربردهای مختلف گیاهان ایجاد شده است. گونه‌های هرس‌پذیر برای ایجاد پرچین با رنگ‌ها و فرم‌های مختلف کاشته شده‌اند. انواع گیاهان معطر، گل‌های فصلی، گیاهان پوششی، درختان میوه، درختان با فرم‌های خاص و جذاب برای طراحی فضای سبز در این قسمت به نمایش گذاشته شده‌اند. گیاهان آبی در داخل برکه‌ای در ورودی این قطعه کاشته شده‌اند (تصویر ۱۳).
باغچه‌های نمونه به‌عنوان الگویی برای کاشت باغچه‌های منازل ایجاد شده‌اند که بازدیدکنندگان می‌توانند با استفاده از این باغچه‌های الگویی، طراحی فضای سبز منازل خود را انجام دهند.

● جنگل و گردشگاه

جنگل و گردشگاه در ضلع شمالی باغ به مساحت حدود ۲۴ هکتار به‌منظور استقرار بازدیدکنندگان در محلی مناسب با درختان سایه‌دار و بلند احداث شده است که ضمن دستیابی به هدف فوق، میکروکلیمای مناسبی برای بخش‌های دیگر باغ نیز ایجاد شده است (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۱. نمایی از چمنزارهای آمریکا در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران



تصویر ۱۲. منظره‌ای از باغ سیستماتیک در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران



تصویر ۱۳. نمایی از برکه در قطعه آموزشی نمایشی



تصویر ۱۴. منظره‌ای از جنگل و گردشگاه در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران

● باغ گیاهان دارویی و صنعتی

این باغ به مساحت ۵ هکتار برای انجام تحقیقات روی گیاهان دارویی بومی و غیربومی و آشنا کردن بازدیدکنندگان با این گیاهان ایجاد و از دو قسمت گیاهان دارویی و صنعتی تشکیل شده است. در یک بخش آن گیاهان دارویی که برای درمان بیماری‌های خاص به کار می‌روند کاشته شده است. در بخش دیگر، گونه‌های مختلف دارویی به تفکیک در درون کرت‌های جداگانه کشت شده‌اند. گیاهان دارویی آبی در داخل برکه ایجاد شده‌اند. در طراحی این بخش از گونه‌های درختی دارویی که به‌طور پراکنده کشت شده‌اند نیز استفاده شده است (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵. نمایی از کرت‌های کاشته شده با گونه‌های گیاهان دارویی

● باغ میوه

باغ میوه‌های بومی ایران با هدف حفاظت از ارقام میوه‌های بومی و محلی و حفظ ژرمپلاسم آن‌ها ایجاد شده است. با توجه به اینکه با ورود ارقام تجاری میوه کشت ارقام بومی کمتر مورد توجه قرار دارد و امکان حذف آن‌ها از مناطق مورد کشت قدیمی وجود دارد، کاشت و پرورش آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای در حفاظت از آن‌ها برخوردار است. در این باغ ارقام میوه‌های هسته‌دار و دانه‌دار با نظم خاصی کشت شده‌اند. انواع ارقام سیب، گلابی، به، انجیر، انگور، عناب، انار و ... از مناطق مختلف کشور گردآوری و کشت شده‌اند. در ضلع شمالی باغ میوه یک دریاچه ایجاد شده که آب آن از طریق یک رودخانه به طول یک کیلومتر جریان یافته و به دریاچه خزر می‌ریزد. وجود دریاچه و رودخانه ضمن ایجاد منظره‌ای زیبا طراوت خاصی به فضا می‌دهد (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶. نمایی از باغ میوه‌های بومی

● باغ صخره‌ای و گیاهان زینتی

این مجموعه از سه بخش باغ صخره‌ای، آبشار و نمایش گیاهان زینتی تشکیل شده است که ۶/۶ هکتار مساحت دارد. ایجاد مجموعه‌ای از گیاهان زینتی غیربومی برای انجام تحقیقات باغبانی و آشنا کردن بازدیدکنندگان با گیاهان زینتی خارجی و انجام آزمایش‌های سازگاری روی گیاهان و انتخاب و معرفی گیاهان زینتی مناسب برای ایجاد فضای سبز از اهداف ایجاد این مجموعه بوده است. باغ صخره‌ای در زمینی به شکل تپه‌ماهوری واقع شده و سعی بر آن بوده است که چشم‌اندازی طبیعی را منعکس کند. در این قسمت یک آبشار به ارتفاع ۸ متر و یک دریاچه به وسعت ۲۵۰۰ مترمربع به نحو زیبایی طراحی و ساخته شده است (تصویر ۱۷). آب دریاچه به کمک سیستم گردش آب به بخش بالایی تپه منتقل می‌شود و به‌صورت آبشار به داخل دریاچه می‌ریزد. در ضلع غربی دریاچه یک دره ایجاد و با قطعاتی از سنگ‌های طبیعی در ابعاد مختلف به نحوی بسیار زیبا صخره‌گذاری شده است و باغچه‌هایی برای کاشت گیاهان در آن احداث شده‌اند (تصویر ۱۸). گونه‌های مختلف درختی و درختچه‌های دائم سبز و پهن برگ که ارزش زینتی دارند و می‌توانند در ایجاد فضای سبز مورد استفاده قرار گیرند، در این قسمت کشت شده و سازگاری، استقرار و روش‌های تکثیر آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفته و گونه‌های مناسب به فضای سبز شهری معرفی



تصویر ۱۷. منظره‌ای از دریاچه، آبشار و باغ صخره‌ای در باغ گیاهشناسی ملی ایران



تصویر ۱۸. منظره‌ای از دره در باغ صخره‌ای و آبشار

و منتقل شده‌اند.

● میدان مرکزی، باغ رز و چهارباغ ایرانی

این مجموعه با مساحت حدود ۵/۷ هکتار در مرکز باغ واقع شده است. در سمت شمال آب‌نماهای پلکانی ساخته شده است و در دو طرف آب‌نما به صورت قرینه ۲ باغچه در هر پله و در مجموع ۱۸ باغچه وجود دارد. در طراحی بلوار شمالی با کاشت گیاهانی همچون سرو شیراز تلاش شده تا همراه با ترازبندی سطح زمین، سیمای باغ ایرانی را در ذهن تداعی کند (تصویر ۱۹). در مرکز میدان، باغ رز وجود دارد (تصویر ۲۰) که در وسط آن نیز آب‌نمای بزرگی ساخته شده و در ۴ طرف آن نهرهای آب قرار دارند. باغچه‌های مجموعه میدان مرکزی

به باغ رز اختصاص یافته و شامل ۸ باغچه مثلثی شکل و ۴ باغچه قوسی شکل هستند که در یک دایره محاط شده‌اند.

رزهای موجود در هر یک از این باغچه‌ها با ترکیب رنگی مختلفی کاشته شده‌اند. یکی از باغچه‌ها به انواع رزهای وحشی بومی ایران اختصاص یافته است. در اطراف باغچه‌های رز در دایره‌های بزرگ‌تر، انواع درختان و درختچه‌ها در زمین چمن کاشته شده‌اند.

در اضلاع غربی و شرقی میدان دو بولوار وجود دارد که در مرکز آن‌ها گلدان‌های سنگی در وسط روی سطحی پوشیده از سنگ‌ریزه‌های رنگی قرار داده شده‌اند (تصویر ۲۱). در دو طرف بخش مرکزی انواع درختان گل‌دار و سایه‌انداز و درختچه‌های گلدار در ردیف‌های منظم کاشته شده‌اند.

● باغ گیاهان پیازی

گیاهان پیازی به دلیل گل‌های زیبایشان در باغبانی بسیار مورد توجه‌اند. کشور ایران مرکز تنوع بسیاری از گونه‌های پیازی است. هدف از احداث باغ پیازهای ایرانی، جمع‌آوری، نگهداری و پرورش گیاهان پیازی بومی ایران و دستیابی به گونه‌های با ارزش زینتی است. این مجموعه به‌عنوان

ژرم‌پلاسم گونه‌های پیازی بومی برای حفاظت از آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این باغ ۲۱۰ مترمربع مساحت دارد. گیاهان پیازدار، ریزوم‌دار و غده‌دار از مناطق مختلف ایران جمع‌آوری و براساس تنوع رویشگاه، میزان بارندگی و جهت تابش نور در چهار طبقه با اختلاف ارتفاع حدود نیم‌متر کاشته شده‌اند و اغلب آن‌ها با این شرایط سازگاری یافته‌اند. در این باغ ۲۱ جنس از خانواده‌های پیازدار، غده‌دار و ریزوم‌دار شامل انواع لاله‌ها، زنبق‌ها، سیرها و سریش‌ها کاشته شده‌اند (تصویر ۲۲).

● گلخانه جنوب ایران

جنوب ایران از نظر آب‌وهوایی نیمه‌گرمسیر و دارای رویش‌های خاصی است که گیاهان در این مناطق در درجه حرارت و رطوبت بالاتری نسبت به سایر مناطق کشور می‌رویند. به‌منظور ایجاد رویشگاه جنوب ایران، گلخانه‌ای در ضلع جنوبی میدان مرکزی باغ ایجاد شده که از سه قسمت مجزا تشکیل شده است. بخشی از این گلخانه برای ایجاد جنگل‌های مانگرو طراحی شده است. قسمت میانی گلخانه که ارتفاع بیشتری نسبت به دو بخش جانبی دارد و از شرایط نورگیری بیشتری برخوردار است گونه‌های درختی جنوب ایران را در خود جای داده است. بخش انتهایی گلخانه نیز شامل ۳ باغچه است که گونه‌های درختچه‌ای مناطق جنوبی کشور در آن کاشته شده‌اند (تصویر ۲۳). مجموع گونه‌های کاشته‌شده در گلخانه، نمونه‌ای از رویشگاه‌ها و گونه‌های گیاهی جنوب کشور را به‌منظور آشنایی گروه‌های مختلف بازدیدکننده به نمایش گذاشته است.

● گلخانه کاکتوس و گیاهان گوشتی

کاکتوس‌ها و گیاهان گوشتی در طیف وسیعی از شکل و اندازه وجود دارند. این گیاهان اکثراً در رویشگاه‌های خشک می‌رویند و روش‌های متفاوتی برای حفظ و ذخیره آب نشان می‌دهند. بسیاری



تصویر ۱۹. منظره‌ای از میدان مرکزی و چهارباغ ایرانی



تصویر ۲۰. منظره‌ای از باغ رز در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران



تصویر ۲۱. منظره‌ای از بولوار با گلدان‌های سنگی در باغ گیاه‌شناسی ملی ایران



تصویر ۲۲. منظر از باغ پیازهای ایرانی



تصویر ۲۳. گلخانه جنوب ایران



تصویر ۲۴. گلخانه کاکتوس و گیاهان گوشتی

از کاکتوس‌ها و گیاهان گوشتی برگ واقعی خود را از دست داده و به جای آن خار دارند یا برگ‌های کوچکی دارند و به این وسیله مانع از دست دادن آب گیاه می‌شوند. کاکتوس‌ها استفاده‌های مختلفی دارند. بسیاری از آن‌ها جزء گیاهان زینتی هستند و طرفداران زیادی دارند و تعدادی نیز به‌عنوان گیاه علوفه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند و گروهی دیگر دارای میوه‌های خوراکی هستند.

در گلخانه کاکتوس و گیاهان گوشتی در باغ گیاه‌شناسی گونه‌های مختلفی از خانواده‌های کاکتوس‌ها و سایر گیاهان گوشتی وجود دارند (تصویر ۲۴). این گلخانه نقش آموزشی مهمی برای نشان دادن فرم‌های رویشی گیاهان و عملکرد آن‌ها در شرایط اکولوژیکی مختلف دارد.

● ظرفیت‌های یادگیری در باغ گیاه‌شناسی

ملی ایران

- آشنایی با رویشگاه‌هایی از مناطق مختلف جهان، شامل چین و ژاپن، هیمالیا، مدیترانه، اروپا، قفقاز، امریکا؛
- آشنایی با هزاران گونه گیاهی در شکل‌ها و فرم‌های رویشی درخت، درختچه، گیاهان علفی، گیاهان ماندابی، گیاهان آبی، گل‌های زینتی، گیاهان دارویی و صنعتی، گونه‌های مناطق گرمسیری، کاکتوس‌ها؛

- آشنایی با رویشگاه‌های مشابه‌سازی شده مهم ایران، شامل رویشگاه البرز، خزری، زاگرس، ایران و تورانی؛

- آشنایی با منظرسازی‌های منحصربه‌فرد با ترکیب عناصری چون رودخانه، برکه، جزیره، چشمه، نهر، آبشار و صخره؛

- آشنایی با گیاهان براساس طبقه‌بندی گیاهی و سیستماتیک گیاهی؛

- اجرای کارگاه آموزشی برای درس علوم و زیست‌شناسی گیاهی برای دانش‌آموزان برابر سرفصل کتاب‌های درسی، آشنایی با اجزای تشکیل‌دهنده گیاهان، بستر کاشت و روش‌های تکثیر گیاهان؛

- آشنایی نزدیک با عناصر مهم و نقش‌آفرین در شکل‌گیری زیست‌بوم‌های (اکوسیستم‌های) طبیعی کشور؛

- آشنایی با ابزار و تجهیزات پرورش گل و گیاه و باغبانی؛

- گذراندن لحظات مفرح و شاد، در کنار تنوعی خیره‌کننده از گیاهان در آرامش کامل بدون هیاهوی آزاردهنده خودروها و سایر

صداها ناهنجار شهر. ●

باد سموم

در ادبیات جغرافیایی

اشرف السادات باقری

دکترای جغرافیا و

عضو هیئت علمی بنیاد

دایرةالمعارف اسلامی

چکیده

باد، جریان افقی هوا

از مناطق پرفشار به مناطق

کم فشار است که در فصولی از سال و

در جهات مختلف می‌وزد. بادهای براساس محل

وزش یا خیزش ممکن است سرد یا گرم باشند. از

میان انواع بادهای گرم، باد سموم، بادی داغ، خشک و

خفکان آور است که هنگام بهار و تابستان عمدتاً در صحرای

آفریقا و خاورمیانه می‌وزد. به نظر می‌رسد گرد و غباری که

بخش‌های جنوب و جنوب غربی ایران را در برمی‌گیرد، حاصل همین

بادهای گرمی است که از بیابان‌های عراق و عربستان منشأ می‌گیرد. این

بادهای گرمی فرسایشی را فعال و این مناطق را به یکی از قطب‌های ایجاد

گرد و غبار تبدیل می‌کنند. توفان‌های گرد و غبار در مسیر خود، آلاینده‌هایی

مانند مواد شیمیایی را جذب می‌کنند و با انتقال به نقاط دور دست باعث وارد

شدن خسارات شدید به محیط‌زیست طبیعی، گیاهان و تولیدات کشاورزی و

تأثیرات منفی روی سلامت انسان می‌شوند که گاهی به مرگ او می‌انجامند.

هدف مقاله، شناخت باد گرم سموم و تأثیرات آن در گذشته و حال است. مقاله

از نوع بنیادی به منظور دانش‌افزایی و روش مقاله، توصیفی - تحلیلی است.

این مقاله همچنین با استفاده از منابع کتابخانه‌ای - آرشیوی انجام شده است.

نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد بادهایی با منشأ بیابانی عامل ایجاد گرد و

غبارند. پدیده گرد و غبار از جمله مخاطرات زیست‌محیطی است. مقابله با

این پدیده و مدیریت آن، مانند سایر مخاطرات شامل مدیریت ریسک

و مدیریت بحران است. گرچه راه‌حل‌های مختلفی نظیر مالچ‌پاشی و

کاشت گیاه برای مهار گرد و غبار وجود دارد، با این حال ضروری

است مطالعه‌ای عمیق برای اتخاذ تدابیر مؤثر محلی در

جهت مقابله با این گونه بادهای انجام شود.

کلیدواژه‌ها: باد سام، باد سموم، گرم‌باد،

توفان، گرد و غبار

مقدمه

توفان‌های گرد و غبار و بادهای شدید به‌عنوان یکی از پدیده‌های جوی و خطرات طبیعی، نتیجه فرسایش بادی و حرکت شن‌های روان هستند که پیوسته در مناطق بیابانی خشک و نیمه‌خشک در سراسر جهان به وجود می‌آیند. بزرگ‌ترین و پایدارترین منابع تولید گرد و غبار در نیمکره شمالی قرار دارند که همچون کمربندی از سواحل شمال غربی آفریقا آغاز می‌شوند و ضمن در بر گرفتن خاورمیانه، آسیای مرکزی و جنوبی به چین می‌رسند. با توجه به قرار گرفتن ایران در این منطقه و برخورداری از اقلیم خشک، کشورمان مستعد وقوع توفان‌های گرد و غبار است. این پدیده در ایران بیشتر در نواحی جنوب، جنوب غرب، شرق و چاله‌های مرکزی به وقوع می‌پیوندد. کانون‌های تولید گرد و غبار معمولاً بادهای گرم هستند.

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که گرد و غبار در ماه‌های فصل بهار و تابستان و تحت تأثیر بادهای گرم ایجاد می‌شود (رائو و همکاران، ۲۰۰۳؛ گودی و همکاران، ۲۰۰۶؛ فورمن، ۲۰۰۳؛ آتی، ۲۰۱۰؛ خواجه و دیگران، ۱۳۹۳؛ شاهسونی و همکاران، ۱۳۹۰؛ انصاری رنای، ۱۳۹۰؛ ندافی و دیگران، ۱۳۹۰؛ زنگنه، ۱۳۹۳؛ حسینی، ۱۳۹۱). این مقاله در پی شناخت ویژگی، پراکندگی جغرافیایی و تأثیرات یکی از بادهای گرم، یعنی باد سموم براساس منابع متقدم و متأخر است. هدف در نهایت، دانش‌افزایی، هم برای شناخت بادهای گرم به‌عنوان یک پدیده طبیعی جغرافیایی و هم آشنایی با منابع متقدم جغرافیایی است که امروزه مورد بی‌مهری جغرافی‌خوانان قرار گرفته‌اند.

مفهوم باد و باد سموم

باد، حرکت و گردش افقی هوا از نواحی پرفشار به نواحی کم‌فشار است. به گفته ابن‌قتیبه، مهم‌ترین بادهای باد صبا، دبور، جنوب و شمال هستند (ابن‌قتیبه، ۱۳۷۵: ۱۵۸-۱۵۹). اگر منشأ خیزش باد نواحی گرم باشد، گرما یا خود دارد و برعکس، اگر منشأ آن نواحی سرد باشد باد حاوی سرماست. مسعودی از باد صبا تحت عنوان باد گرم و خشک یاد کرده است (مسعودی، ۱۳۶۵: ۱۷). بادهای محلی در نواحی مختلف ایران جریان دارند که

برخی از آن‌ها از جمله باد سموم به دلیل تأثیرات باقی‌مانده از آن‌ها معروفیت دارند (بدیعی، ۱۳۶۲: ۷۴).

سموم^۱ واژه عربی از ریشه «سَمَم» به معنای سم و زهر و جمع آن «سمائم» است. باد سموم اشاره دارد به ویژگی باد در ایجاد گرم‌زدگی، به طوری که حرارت بیشتری را به بدن انسان می‌رساند و این حرارت از راه تبخیر شدن عرق، منتقل می‌شود. به این باد، سام، سمون^۲، سیمون^۳، سیموم^۴ و سامیل^۵ نیز گفته شده است. سامیل مرکب از دو کلمه عربی و ترکی است؛ سام (سم) به معنای زهر و یل در ترکی به معنای باد است (ابن منظور، ۱۹۹۲: ۳۷۳؛ ژوبر، ۱۳۳۲: ۱۰۵؛ فشارکی، ۱۳۶۹: ۳۰۸؛ شاردن^۶، ۱۸۱۱، ج ۳: ۲۸۶؛ کلارک^۷، ۱۹۸۵: ۳۲۵؛ جوانمرد و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۷۱؛ فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۵۱؛ دائرةالمعارف بریتانیکا: ذیل موضوع^۸؛ وینسینکی، ۱۹۹۵: ذیل موضوع).

سموم یا سام در واقع یک باد محلی موسمی بسیار گرم و خشک است که درجه حرارت آن اغلب تا ۵۵° سانتی‌گراد (حدود ۱۳۰° فارنهایت) می‌رسد و رطوبت هوای آن گاهی به کمتر از ۱۰ درصد کاهش پیدا می‌کند. این باد ناشی از گرمایش شدید زمین در زیر آسمانی صاف و بدون ابر و معمولاً همراه با گرد و غبار است که در فصل بهار و تابستان از مناطق شمال صحرا بزرگ آفریقا و عربستان همراه با عبور مرکز کم‌فشار از این مناطق می‌وزد و هنگام عبور از خلیج فارس رطوبت را جذب و ذخیره می‌کند (کلارک، ۱۹۸۵: ۵۶۸؛ جعفرپور، ۱۳۷۳: ۸۶؛ فشارکی، ۱۳۶۹: ۳۰۷-۳۰۸؛ مونکهاوس^۹، ۱۹۷۲: ۳۱۹؛ علیزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۱۷؛ جوانمرد، ۱۳۸۳: ۱۷۱؛ دائرةالمعارف بریتانیکا: ذیل موضوع).

موقعیت و پراکندگی جغرافیایی

در منابع متقدم، جغرافی دانان اسلامی تا حدودی به موقعیت جغرافیایی این باد اشاره کرده‌اند، به طوری که از باد سموم دجله (ابن رسته، ۱۹۶۷: ۹۵؛ بگری، ج ۱، ۱۹۹۲: ۲۳۶)، اهواز، (ابن فقیه، ۱۸۸۵: ۲۳۳؛ مقدسی، ۱۹۶۷: ۴۱۰)، صحرا (ادریسی، ج ۱، ۱۴۰۹: ۱۳۴)، هویزه (قزوینی، ۱۹۹۸: ۳۵۸) و قصر شیرین یاد کرده‌اند (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۴۳). این باد از طرف مغرب می‌آید و از ریگزارهای گرم جزیره‌العرب کسب سمیت یا به عبارتی گرما می‌کند و به سمت شرق (عراق و خوزستان) جریان دارد. باد سموم از دشت «هیشان» یا «مسیان» به طرف شمال شرق پیش می‌رود و در نزدیکی اندیمش آرام می‌شود. گاه ممکن است تا حدود بروجرد هم برسد و حتی ممکن است به حدود آذربایجان و زنجان و سایر نواحی نیز سرایت کند (امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۶۹؛ عدل، ۱۳۳۹: ۱۵۹؛ بدیعی، ج ۱، ۱۳۶۲: ۷۵؛ افشارسیستانی، ۱۳۶۶: ۳۶).

از دیگر بادهای گرم می‌توان به بادهای کویری، سمون، فون و سیرکو اشاره کرد. بادهای کویری، بادهای گرم محلی هستند که از کویرها برمی‌خیزند و به سوی جهات مختلف جریان دارند؛ بادهایی که در زمستان از جنوب به سوی شمال می‌وزند و به همین جریان مربوط‌اند. این بادهای معمولاً با گرد و غبار همراه‌اند. در کرمان و زاهدان موجب بروز توفان‌های ریگ و گرد و خاک می‌شوند.

در گناباد از جنوب غربی می‌وزند و آن‌ها را کلفوز می‌نامند که در تابستان بسیار گرم‌اند و موجب خسارات فراوان می‌شوند. باغداران آن را

«دیگچه فروش گله‌داران میشخور» می‌نامند. همین کلمات خطری را که متوجه کشاورزان می‌شود، نشان می‌دهند. این باد در کاشان به باد شهریار معروف است که از کویر لوت می‌وزد و همراه با توفان‌های گرد و خاک است. در اراک معروف به باد اصفهان، در نهاوند و بجنورد باد قبله، در ساوه باد میغان، در قم و زنجان باد سرخ، در مراغه باد نکش، در اردبیل باد دورجا یا باد سیاه، در تهران باد خشو و در سمنان، دامغان و شاهرود باد کویر نامیده می‌شود. این باد گرم از اواسط بهار تا اواخر خرداد و شهریور، چند روز جریان دارد (عدل، ۱۳۳۹: ۱۶۰-۱۵۹؛ فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۵۱).

خمسین باد محلی گرم و خشک جنوبی در مصر است که پنجاه روز در امتداد دریای مدیترانه یا سراسر آفریقای شمالی به طرف شرق می‌وزد و غالباً با خود مقدار قابل ملاحظه‌ای گرد و غبار حمل می‌کند (فشارکی، ۱۳۶۹: ۳۰۸-۱۸۷). سمون باد گرم و خشک از نوع گرم‌باد (فون) است و از سمت کوه‌های کردستان و شمال غربی ایران به سمت عراق می‌وزد که برخی آن را با باد سموم اشتباه می‌گیرند (عدل، ۱۳۳۹: ۱۵۹؛ کلارک، ۱۹۸۵: ۵۴۴؛ فشارکی، ۱۳۶۹: ۲۹۴-۲۹۳؛ مونکهاوس، ۱۹۷۲: ۳۰۵؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۳: ۱۷۹). فون^{۱۰} باد گرم و خشکی است که نام خود را از آلپ گرفته است. این باد در اثر ریزش هوای گرم در شیب پشت به باد کوه‌ها ایجاد می‌شود و هوای گرم پس از آنکه به صورت بی‌در و به قلّه کوه‌ها صعود می‌کند، از آن‌ها می‌گذرد و به طرف ته دره یا دشت در پشت کوه سقوط می‌کند. بنابراین، اگر کوه ارتفاع زیاد داشته باشد هوای نزولی گرم‌تر و خشک‌تر از هوایی خواهد بود که در آن مناطق وجود دارد. در زمستان و اوایل بهار، این بادهای گرم و خشک باعث ذوب برف‌ها می‌شوند و خاک را برای کشت بهاره آماده می‌کنند. در اروپا به آن فون می‌گویند، در حالی که در ایالات متحده و کانادا از آن با نام سرخپوستی چینوک^{۱۱} یاد می‌کنند. در شمال ایران، بادهای گرم و خشک به گرمیچ معروف‌اند. گرمیچ یا گرمیش در پاییز و زمستان از سمت جنوب یعنی از کوه‌های البرز به جلگه سواحل بحر خزر سرازیر می‌شود. در آذربایجان باد گرمیچ مربوط به جریانات دریای مدیترانه است که در اواخر زمستان می‌وزد (عدل، ۱۳۳۹: ۱۵۹-۱۵۷؛ بدیعی، ج ۱، ۱۳۶۲: ۷۴؛ اورسول، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

سیرکو^{۱۲} باد گرم و خشک جنوب یا جنوب شرقی در مناطق مدیترانه، شمال آفریقا، سیسیل و جنوب ایتالیا است که از سمت صحرا می‌وزد و گاهی مملو از گرد و غبار است. این باد غالباً از مدیترانه می‌گذرد، در آنجا رطوبت می‌گیرد و به صورت باد گرم و مرطوب بسیار ناسالم به جنوب ایتالیا می‌رسد. سیرکو ممکن است در تمام فصول رخ دهد، اما در تابستان بسیار نادر است، به‌ویژه در بهار وقتی که سیکلون‌ها به نهایت قدرت می‌رسند و بیابان کاملاً داغ است. این باد معمولاً برای یک یا دو روز ادامه می‌یابد. سیرکو حیات نباتی را پژمرده می‌کند و اغلب موجب خسارات زیاد به محصولات می‌شود. سیرکو در جنوب شرقی اسپانیا به نام لوش^{۱۳}، در تونس تحت عنوان چیلی^{۱۴} و در لیبی به باد گیبی^{۱۵} مشهور است (جعفرپور، ۱۳۷۳: ۸۶؛ فشارکی، ۱۳۶۹: ۳۰۸؛ کلارک، ۱۹۸۵: ۶۸؛ جوانمرد و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۷۵؛ علیزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۱۸؛ پییر جورج^{۱۶}، ۱۹۸۴: ۴۱۷).

باد گرم و خشکی که از قلب صحرا به سواحل استوایی آفریقا می‌وزد در عربستان هارماتان نامیده می‌شود که برای اغلب ایام سال در طول صحرا جریان دارد. این باد ممکن است هوای مطبوعی برای نواحی

استوایی به ارمغان آورد. گاهی چنان خاک و ماسه را به سواحل غربی آفریقا می‌برد که تا صدها کیلومتر داخل اقیانوس را تبدیل به دریای تاریک می‌کند. در این حالت سطحی از گرد و غبار را روی کشتی‌های در حال سفر فرو می‌نشانند. از دیگر گرم‌بادها، باد عَججه در عراق و خوزستان، خَره بوران در ترکستان را می‌توان نام برد (جعفرپور، ۱۳۷۳: ۸۶-۸۷؛ علیزاده، ۱۳۸۵: ۲۱۷). انواع بادهای گرم و خشک در محل‌های مختلف نام‌های مختلف دارند که از نظر زمان و جهت وزش با هم متفاوت‌اند، ولی تمام آن‌ها همراه با گرد و غبارند.

تأثیرات باد سموم

باد سموم بادی تند و مرگبار، معمولاً با ماسه و گرد و غبار همراه است و به همین دلیل خفه می‌کند. این باد قابلیت دید را در فاصله چندمتری کاهش می‌دهد و یا تقریباً از بین می‌برد. آن چنان داغ است که گویی از یک بخاری کاملاً داغ خارج می‌شود. این باد شن‌ها را جمع و به صورت موج و تپه روی هم انباشته می‌کند و شکل تپه‌های شنی را در امتداد مسیر تغییر می‌دهد. غبار و ماسه آن چنان شرایط خفقان‌آوری پیش می‌آورد که شترها سر خود را در داخل رمل (شنزار)‌های بیابان می‌کنند و مسافران صحرا سرگردان می‌شوند. این باد گرم‌زدگی ایجاد می‌کند به طوری که حرارت بیشتری را به بدن انسان می‌رساند که از راه تبخیر شدن عرق، منتقل می‌شود. این بادها اغلب خساراتی بر جای می‌گذارند (دوتی^{۱۷}، ج ۱، ۱۹۸۳: ۱۰۰، ۴۸۸؛ عدل، ۱۳۳۹: ۱۵۹-۱۶۰؛ جعفرپور، ۱۳۷۳: ۸۷؛ فشارکی، ۱۳۶۹: ۳۰۷-۳۰۸؛ کارری، ۱۳۴۸: ۵۹؛ فورو کواوا، ۱۳۸۴: ۵۱؛ دائرةالمعارف بریتانیکا؛ ذیل سموم؛ بادهای کویری، سایت کویرها و بیابان‌های ایران).

توفان‌های حاصل از این بادها وضع خطرناکی را پیش می‌آورند، به این معنا که همه موجودات زنده اعم از حیوان و نبات را که در مسیر قرار گیرند، می‌سوزانند. این باد هرگونه گیاه و طراوتی را می‌خشکاند. قدرت کشندگی این باد چنان است که شترها و حیوانات پراقت را از پای درمی‌آورد، مار را هلاک می‌کند، نفس انسان را قطع می‌کند و انسان را از بین می‌برد (ابوالرجا قمی، ۱۳۶۳: ۲۱۰؛ پاتینجر، ۱۳۴۸: ۱۵۱؛ جرداق، ۱۳۷۹: ۸۷). مسعودی می‌نویسد: هرگاه باد جنوب بوزد، دریاها و رودها را گرم می‌کند، رنگ و حالت همه چیز را تغییر می‌دهد، بدن‌ها را سست می‌کند و تنبلی می‌آورد، گوش‌ها را سنگین و چشم را تیره می‌سازد، صفرا را تحلیل می‌برد و رطوبت را در ریشه حساس عصبی نفوذ می‌دهد (مسعودی، ج ۲، ۱۹۷۰: ۲۳۲). ابن سینا باد جنوب را باد گرم، ضدسلامت و بیماری‌زا می‌داند و مهم‌ترین اثر آن را به این صورت نام می‌برد: نیروها بر اثر باد جنوب سست می‌گردند، منافذ پوست گشاده و خلط‌ها برانگیخته می‌شوند و بیرون می‌آیند، حواس سنگین می‌گردند. باد جنوب بیماری را وخامت می‌بخشد، تن را لاغر می‌کند، سردرد ایجاد می‌کند و خواب‌آور است و تب‌های عفونی به همراه دارد (شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۱۱-۱۱۰).

باد جنوب تن را سست می‌کند، به اعصاب آسیب می‌زند، سردرد و آماس قرنیه و دفعات صرع و تب‌های عفونی را برمی‌انگیزد. این باد مخصوصاً وقتی در بهار و تابستان می‌وزد بیشتر بیماری‌ها را به همراه دارد (رازی، ج ۱۵، ۱۳۸۸: ۱۸۴-۱۸۳). گرمای بیش از حد موجب آماس غده‌های عرق، عرق‌سوز، ضعف

اعصاب ناشی از حرارت محیط، خستگی زیاد، ضعف، تعدیل نیروی بدن، عکس‌العمل روانی، گرم‌زدگی و گرامپ می‌شود (هوشور، ۱۳۶۵: ۹۰-۸۹). باد گرم و سوزان سموم در بدن نفوذ می‌کند (شکبک ارسلان، ۱۴۲۸: ۵۵)، شخص را مسموم می‌کند به طوری که هرگاه آب خنک یا یخ برای شخص باد سام زده در دسترس نباشد، وی را خفه می‌کند و می‌کشد. تأثیر آن بر بدن انسان، کشنده‌ترین چیزی است که می‌توان تصور کرد. عضلات شخصی که قربانی این باد شود ابتدا سخت و منقبض می‌شود، پوست بدن چروک می‌خورد و حالت نزع به انسان دست می‌دهد، مثل اینکه گوشت بدن روی آتش قرار گرفته باشد و آن را بسوزاند و در آخرین مرحله شکاف‌ها و ترک‌های عمیق همراه با خون‌ریزی به وجود آید. در بعضی موارد، قربانی زود می‌میرد و گاهی چندین ساعت یا احتمالاً چند روز در حالی که از شدت عذاب رنج می‌برد به تدریج جان می‌سپرد. مرگی که بر اثر رویارو شدن با این باد عارض می‌شود بسیار وحشتناک است، زیرا در ظاهر مرده تغییری پدید نمی‌آید، حتی رنگش دگرگون نمی‌گردد و چنین به نظر می‌رسد که متوفا خواب است، اما اگر کسی یکی از اعضایش را بکشد، کنده می‌شود. در سال ۱۶۴۷/۱۰۵۷ پیک پیاده‌ای به نام محمدعلی در فصلی که باد سموم می‌وزید، در حالی که حامل یک بسته نامه بود از بصره به هرمز برمی‌گشت. بین راه پیک دیگری را که می‌شناخت کنار راه به حالت افتاده دید و تصور کرد به خواب رفته است. بازویش را گرفت تا برخیزد. آن دست جدا شد و در دستش ماند. عجیب‌تر اینکه به هر قسمت تن آن پیک افتاده دست می‌زد چنان می‌نمود که دستش را در توده‌ای از خاک فرو می‌برد. باد سام وقتی آدم یا حیوان را غافل‌گیر می‌کند در یک آن، تمام ذرات رطوبت بدن را به خود جذب می‌کند و تنها یک مومیایی چروکیده و سیاه بر جای می‌گذارد. اگر کسی در اثر این باد بمیرد، چون بخواهند غسلش بدهند بندبند اعضایش از هم جدا می‌شود (ابن بطوطه، ج ۱، ۱۳۹۵: ۳۰۱؛ امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۶۹؛ حکمت یغمایی، ۱۳۷۰: ۲۸؛ شاردن، ج ۳، ۱۸۱۱: ۲۸۷؛ پاتینجر، ۱۳۴۸: ۱۵۱؛ بادهای کویری سایت کویرها و بیابان‌های ایران).

باد سموم سرخ‌رنگ و آتشین است (پاتینجر، همان)، وقتی می‌وزد تصور می‌شود که از یک آتش بزرگ از طریق وزش‌های عظیم پدید آمده است. به گفته بکری (۱۹۹۲، ج ۲: ۴۷۹) در حیره (عراق) مردم پرده‌های منازل خود را از بیم آتش گرفتن بر اثر وزیدن بادهای گرم برمی‌دارند. وقوع این باد قابل پیش‌بینی نیست. حیواناتی مثل شتر، قاطر و خر متوجه نزدیک شدن سموم می‌شوند و کاروان‌هایی که در صحرا زندگی می‌کنند هنگام آمدن باد سموم نشانه‌های آمدن آن را می‌فهمند. آسمان ابتدا از سمت افق قرمز رنگ، سپس تیره و در آخر تاریک می‌شود. خورشید کمرنگ می‌شود و به صورت یک کره قرمز در می‌آید. ریگ‌های نرم، فضا را پر می‌کنند و باد آن‌ها را از هر سو همانند دریای خروشان در فضا به توج و جنبش درمی‌آورد. در چنین موقعی است که شخص نفسش تنگ، چشم‌هایش قرمز و لب‌هایش خشک می‌شود و پا به فرار می‌گذارد. شترهای آن‌ها نیز گاهی فرار می‌کنند و گاهی روی زمین دراز می‌کشند و گردن‌های خود را روی ریگ‌ها می‌گذارند و پوزه خود را به زمین می‌نهند و اگر در چنین توفان خطرناکی کاروان بتواند خود را به پناه کوه یا سنگی برساند و در آنجا بماند تا توفان فرو نشیند، جان سالم به در خواهد برد، ولی اگر در میان بیابان بی‌سر و ته گم شود و دسترسی به پناهگاه پیدا نکند یا توفان شدید باشد، حالت بهت و دوران سر به او

دست می‌دهد به طوری که نیروی فرار کردن هم از او گرفته می‌شود و کاروانیان در زیر تل‌های ریگ متحرک دفن می‌شوند (لوبون، ۱۳۴۷: ۲۳؛ پاتینجر، همان؛ فورو کوا، ۱۳۸۴: ۵۱؛ اورسول، ۱۳۸۲: ۳۰۳).

شهر مکه همواره در معرض باد سموم بوده است (دوتی، ج ۱، ۱۹۸۳: ۱۰۰). در دوره حکومت واثق عباسی (۲۰۰-۲۳۲ ق) در ۲۱۹ ق حجاج بسیاری در راه مکه در اثر باد سموم هلاک شدند (ابن‌اثیر، ج ۷، ۱۹۶۶: ۳۴). در سال ۲۳۴ ق به هنگام خلافت متوکل (۲۴۷-۲۳۲/۸۶۱-۸۴۷) باد سخت و سمومی که پیش از آن نظیرش دیده نشده بود، وزید و مردم را بیمناک ساخت. این باد پنجاه و چند روز ادامه داشت، کوفه، بغداد، واسط و بصره را فرا گرفت و از آنجا به عبادان سرازیر شد و از واسط به اهواز رفت. رهگذران و قافله‌ها را کشت و کسی از آفت باد جان سالم به‌در نبرد. آن‌گاه به اهواز بازگشت و به سوی همدان حرکت کرد و بیست روز در آنجا وزید و کشتزارها را سوزاند. سپس از همدان عبور کرد و به موصل رسید و بیابان سنجار را فرا گرفت و مردم و اسب‌هایی را که از آنجا می‌گذشتند و درختان را نابود ساخت و در موصل همچنان می‌وزید و مانع رفت و آمد مردم و در نتیجه تعطیلی بازارها شد و حمل خواروبار و کالا در میان ده‌ها و شهر متوقف گردید (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۰: ۱۲۲-۱۲۱؛ ابن‌تغری بردی، ج ۲، ۱۳۹۲: ۲۷۵).

ابن بطوطه در مسیر جرون به خنج‌بال فارس از صحرایی یاد می‌کند که در آن طی دو ماه تموز و حزیران (اول تابستان) باد سمومی می‌وزد. وی گورهای زیاد موجود در این صحرا را نشانه تلفات باد سموم ذکر کرده است (ج ۱: ۳۰۱). در دوره قراقویونلوها زمان امیر قرایوسف ترکمان (۸۹۰-۸۰۲ ق) در ۸۱۲ ق باد سموم در بیابانی حوالی آذربایجان و صحرائی که گنبدان نزدیک تبریز چنان وزید که به هر کس می‌رسید آب می‌شد (حافظ ابرو، ج ۳، ۱۳۸۰: ۳۵۷؛ نسوی، ۱۳۸۴: ۱۲۶؛ مستوفی بافقی، ج ۳، ۱۳۴۰: ۵۴۷). یعقوب سلطان افشار، والی کرمان نیز در سده دهم (۹۷۷) به حوالی کرمان رسید، جایی که گفته شده به علت باد سموم پای هیچ سلطانی به آن باز نشده بود (حسینی قمی، ج ۱، ۱۳۸۳: ۵۶۴). در بخشی از خطه وسیع خراسان که به کویر عراق و سیستان منتهی می‌شود، گرما چنان شدید است که سکنه بعضی از این نواحی در ایام تابستان تا چند هفته از روی اضطرار بیرون نمی‌روند که مبادا از باد سموم هلاک شوند. در دوره صفویه در ۱۰۴۹ هجری باد سموم در طیس به اندازه‌ای گرم بود که مردم لباس از تن بیرون کردند و به سردسیر رفتند. در سال دوازدهم نیز بر اثر باد سموم در طیس پنجاه نفر کشته شدند (جویی، ج ۱، ۱۹۱۱: ۹۶؛ افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۸۳: ۸۲؛ واله اصفهانی قزوینی، ۳۰۲؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۳۰۲). همچنین در ۱۶۷۵/۱۰۸۶ زائران حجاج ایرانی در مکه گرفتار باد سموم شدند و بسیاری از آن‌ها در اثر باد سموم جان باختند (شاردن، ج ۳، ۱۸۱۱: ۲۸۸).

اعراب مکه و مدینه چهره خود تا زیر چشم‌هایشان را با چفیه در مقابل باد سموم می‌پوشاندند. برای در امان ماندن از آسیب باد سموم باید به محض احساس وزیدن باد، سر و صورت خود را پوشاند، به شکم روی زمین خوابید و صورت خویش را روی خاک قرار داد و دهان و بینی را در شن پنهان کرد تا باد زهرآگین بگذرد. نوع پارچه‌ای که خود را باید با آن پوشانید هر قدر هم ضخیم باشد از آثار مخرب و کشنده باد سموم بر بدن جلوگیری نمی‌کند (ابن‌وصیف شاه: ۱۵۲؛ ژوبر، ۱۳۳۲: ۱۰۵؛ پانویس؛ عدل، ۱۳۳۹: ۱۰۸؛ دوتی، ج ۱، ۱۹۸۳: ۳۵۷؛ کارری، ۱۳۴۸: ۵۹).

باد گرم در شمال و گیلان گاهی آن‌چنان شدید است که حرارت

آن دمای محیط را چند درجه بالا می‌برد. نزول توده هوای گرم روی درختان و نباتات باعث تبخیر و تعرق شدید و خشک شدن سریع برگ‌های درختان، مراتع و چمنزارها می‌شود. این حالت احتمال وقوع آتش‌سوزی و گسترش آن در سطح جنگل را شدت می‌بخشد. این باد پوشش علوفه پشت‌بام‌ها را چنان خشک می‌کند که ممکن است آن‌ها خود به خود آتش بگیرند (عدل، ۱۳۳۹: ۱۵۹-۱۵۷؛ بدیعی، ج ۱، ۱۳۶۲: ۷۴؛ اورسول، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

گرد و غباری که امروزه بخش‌هایی از کشور را در برمی‌گیرد، در واقع تداوم همان بادهای گرمی است که از گذشته‌های دور وجود داشته است. به طوری که در منابع آمده است حدود سال ۱۳۴۰ و پس از چند سال خشک‌سالی‌های پی‌درپی در خاورمیانه، باد سموم و تنش باد آن‌چنان بر جنوب خوزستان گرد و غبار فرو ریختند که تمام روستاهای جنوب خوزستان و ساحل خلیج فارس در زیر خروارها خاک و ماسه مدفون شدند.

روستاییان خانه و زمین‌ها و زندگی‌شان را رها کردند و به شهرها مهاجرت کردند و همه روستاهای آن منطقه برای همیشه خالی از سکنه شدند (حسینی، ۱۳۹۱: ۴-۳؛ صبحانی نسب). براساس مطالعات انجام شده، معمولا گرد و غبار در فصول بهار و تابستان که باد گرم می‌وزد نمایان می‌شود، بنابراین این بادهای گرم یکی از عوامل اصلی گسترش گرد و غبار هستند.

نتیجه

وجوه افتراق بادهای گرم و خشک در زمان و جهت وزش آن‌هاست و گرچه غالب آن‌ها مربوط به بهار و تابستان هستند، ولی ویژگی مشترک تمام بادهای گرم و خشک غبار آلود بودن آن‌هاست. در واقع بادهای گرم که در فصل تابستان و بهار می‌وزند عامل اصلی ایجاد گرد و غبار در بخش‌های زیادی از کشورند. این بادهای مشکلاتی را از گذشته‌های دور برای بشر ایجاد کرده‌اند که تا امروز هم ادامه دارد. یکی از بادهای گرم سموم است. سموم باد مسموم و نفوذکننده در بدن است که موجب مرگ هر نوع حیات اعم از زندگی انسان، گیاه و جانور می‌شود. گرچه راه‌حل‌های مختلفی نظیر مالچ‌پاشی برای مهار گرد و غبار پیشنهاد شده است، ولی به نظر می‌رسد مطالعه عمیق‌تر برای اتخاذ تدابیر مؤثر در جهت مقابله با این گونه بادهای ضروری است.

پی‌نوشت‌ها

1. Samoom/samūm
2. Samun/samoon
3. simoum
4. simoom
5. Samiel/samel/sammel
6. Chardin
7. Clark
8. Encyclopaedia Britannica
9. Monkhouse
10. Foehn
11. shinook
12. Sirocco
13. Leveche
14. Chili
15. Gibi
16. Pierre George
17. Doughty

منابع در دفتر مجله موجود و محفوظ است.

مقدمه

جغرافیا از علوم مهمی است که از دوره‌های باستان به آن توجه شده و توانسته است در طی دوره‌های توصیف، اکتشاف و کاربرد خود، خدمات ارزشمندی به بشریت کند و زمینه‌ساز شناخت و برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های بشری در جهان شود. از این رو در اکثر کشورهای جهان و به خصوص در کشورهای پیشرفته، توجه جدی به بحث آموزش جغرافیا وجود دارد و تلاش می‌شود که این مهم به بهترین نحو ممکن انجام شود تا فارغ‌التحصیلان آن بتوانند با تخصص‌های خود، ضمن ایجاد آگاهی و دانش برای شناخت بهتر توان‌های سرزمینشان از بهترین روش‌های ممکن در جهت پایداری محیط طبیعی هم بهره ببرند. بر این اساس آموزش دانش جغرافیا هم در ایران از دیر باز در دانشگاه‌های مهم ایران آغاز شده و تا زمان حاضر ادامه دارد، اگرچه پیش‌تر دانش جغرافیا در ایران کارکردهای حال حاضر را نداشت، اما امروزه با تکیه بر ظرفیت‌های علمی، این دانش توانسته است از مهم‌ترین دانش‌های کاربردی در ایران قلمداد شود و نقش اثرگذار خود را در زندگی روزمره نشان دهد. در این خصوص، دانشگاه فرهنگیان هم از چند دهه پیش به این مهم پرداخته و توانسته است هزاران فارغ‌التحصیل دانش جغرافیا را روانه بازار کار و به‌ویژه وزارت آموزش و پرورش کند. مطابق سیاست‌های آموزشی دانشگاه فرهنگیان، در حال حاضر آموزش رشته‌ها به صورت قطبی در استان‌های کشور و در قالب پردیس‌های خواهران و برادران انجام می‌شود که بر این اساس و به ترتیب اهمیت و درجه‌بندی، سه استان البرز، خراسان جنوبی و خوزستان عهده‌دار این مهم در حوزه آموزش تخصصی جغرافیا شده‌اند. مقاله حاضر به تشریح آموزش جغرافیا در دانشگاه فرهنگیان استان البرز و قطب اصلی آموزش جغرافیا می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: جغرافیا، آموزش، دانشگاه فرهنگیان، استان البرز، پردیس

دکتر ولی‌اله نظری
دانشگاه فرهنگیان

آموزش جغرافیا در دانشگاه فرهنگیان استان البرز

بر آموزش‌های نظری جغرافیا، بیشتر اهتمام گروه مطالعات اجتماعی بر آموزش در فضای میدانی و بازدید از فضاهای متنوع جغرافیایی در کل کشور برای رشد دانش جغرافیاست.

مسئولان استانی دانشگاه فرهنگیان البرز

ریاست استانی دانشگاه فرهنگیان استان البرز بر عهده آقای دکتر نصراله صالحی، استادیار گروه مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان استان البرز است. آقای دکتر نصراله صالحی دانش‌آموخته دانشگاه تهران و از محققان برجسته کشوری در حوزه آموزش تاریخ است که بیش از ۱۵ جلد کتاب تخصصی و ده‌ها عنوان مقاله علمی و پژوهشی را در کارنامه خود دارند. دکتر نصراله صالحی از سال ۱۳۹۲ سرپرست پردیس حکیم فردوسی و از سال ۱۳۹۳ تاکنون سرپرست امور پردیس‌های استانی دانشگاه فرهنگیان البرز است.



تصویر ۱. ریاست استانی دانشگاه فرهنگیان البرز و سرپرست پردیس حکیم فردوسی، دکتر نصراله صالحی

درباره دانشگاه فرهنگیان استان البرز

مدیریت استانی دانشگاه فرهنگیان استان البرز در مجموع دو پردیس برادران در فردیس کرج و پردیس خواهران در باغستان را به صورت مجزا مدیریت می‌کند. بر این اساس دانشگاه فرهنگیان استان البرز در حال حاضر مشغول تربیت دوره کارشناسی آموزش جغرافیا در دو

پردیس است که مطابق سیاست‌های تعریف‌شده توسعه‌ای تحصیلات تکمیلی دانشگاه فرهنگیان از سال ۱۳۹۹ آموزش جغرافیا در دوره کارشناسی ارشد برای اولین بار در پردیس حکیم فردوسی به جذب دانشجویان علاقه‌مند خواهد پرداخت. همچنین دانشگاه فرهنگیان استان البرز در قالب دو پردیس حکیم فردوسی (برادران)

و پردیس امیرکبیر (خواهران) در دو گروه مطالعات اجتماعی و تربیت حرفه‌ای و در قالب

سه رشته اختصاصی مطالعات اجتماعی (آموزش جغرافیا، آموزش تاریخ و آموزش علوم اجتماعی) و یک رشته عمومی (آموزش علوم ابتدایی) مشغول فعالیت است که مطابق وظایف محوله آموزشی دانشگاه فرهنگیان کشور، وظیفه آموزش مطالعات اجتماعی را در دو پردیس به تفکیک رشته‌ها برعهده دارد. از این‌رو در پردیس برادران و خواهران گروه استانی مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان فعال است و به آموزش بیش از ۳۰۰ نفر از دانشجویان آموزش جغرافیا اهتمام دارد. دانشگاه فرهنگیان استان البرز از دانشگاه‌های فعال در حوزه آموزش میدانی و مبتنی بر تجربه‌گرایی دانشجو معلمان در بازدیدهای میدانی است که توانسته رتبه برتر کشوری را به خود اختصاص دهد. بر این اساس، ضمن تأکید



تصویر ۲. مدیریت گروه مطالعات اجتماعی استان البرز، دکتر والی نظری

سابقه آموزش در دانشگاه فرهنگیان استان البرز

سابقه آموزش در دانشگاه فرهنگیان استان البرز به قبل از استان شدن آن و تقسیمات سیاسی جدید برمی‌گردد و سوابق بیش از ۵ دهه را در کارنامه خود دارد. از این رو زمانی که کرج جزء شهرستان‌های استان تهران به‌شمار می‌آمد، مرکز حکیم فردوسی و امیرکبیر در این شهر دایر بودند و به تربیت نیروهای تخصصی اهتمام داشتند، اما بعد از استان شدن دانشگاه فرهنگیان استان البرز، مدیریت نوین را تجربه کرده و به صورت استانی به تربیت دانشجو معلمان همت گمارده است.

برنامه آموزشی گروه مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان استان البرز برای

آموزش جغرافیا

دانشگاه فرهنگیان استان البرز از زمان دریافت ابلاغ مأموریت آموزش تخصصی جغرافیا، اقدامات لازم در جهت فراهم کردن امکانات مورد نیاز آموزش جغرافیا در حد استانداردهای ملی دانشگاهی را آغاز کرد و در حال حاضر، قوی‌ترین و به‌روزترین تجهیزات و امکانات را مهیا کرده است تا مطابق سیاست تربیت نیروی متخصص مورد نیاز آموزش و پرورش، معلمان شایسته و ارزشمند را تحویل سیستم آموزشی کشور دهد. بر این اساس در طی ۶ سال جذب تخصصی و پی‌درپی دانشجوی آموزش جغرافیا به این مهم دست یافته و توانسته است ضمن فارغ‌التحصیل کردن عده کثیری از دانشجویان معلمان، سهم مهمی در آموزش و اشاعه دانش جغرافیا در ایران داشته باشد. بر این اساس از سال ۱۳۹۱ دانشجویان در رشته جغرافیا به صورت تخصصی جذب شده و تاکنون هم این روند ادامه پیدا کرده است که جدول ۱ بیانگر تعداد دانشجوی ورودی و فارغ‌التحصیل رشته جغرافیا در استان و در قالب دو پردیس است.

گفتنی است که از این تعداد ۶۷ نفر از دانشجویان رشته آموزش جغرافیا در پردیس برادران تانکون فارغ‌التحصیل شده‌اند که مهم‌ترین موضوع قابل اشاره، تنوع در جذب دانشجویان از سراسر کشور با تنوع قومیتی است. از این رو در دانشگاه فرهنگیان استان البرز از تمامی

استان‌های کشور دانشجویان در رشته آموزش جغرافیا تربیت شده یا در حال تربیت و آموزش است. این موضوع

یکی از توان‌های اصلی در آموزش جغرافیا برای تربیت نیرو برای سراسر استان‌های ایران است. از طرف دیگر، در دانشگاه فرهنگیان استان البرز به دلیل همجواری با تهران و مرکزیت سیاسی امکانات بالنسبه خوبی برای آموزش جغرافیا دایر شده است که موقعیت جغرافیایی استان البرز و شهر کرج هم در این خصوص نقش آفرینی کرده است. بر این اساس، توان‌هایی مثل دسترسی برابر به چهار جهت جغرافیایی

ایران و همچنین دسترسی به کوهستان، کویر، جنگل و دریا و غیره مزید علت برای آموزش جغرافیای بهتر در این استان شده است که کمتر استانی از نظر موقعیت جغرافیایی چنین امکانی را

داراست و این موقعیت، خود، پوششی است علمی بر اشرافیت علمی بر پهنه جغرافیای ایران زمین در خصوص آموزش بهتر جغرافیا.

گروه مطالعات اجتماعی و برنامه‌های آینده
گروه مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان وظیفه تربیت

نیرو در سه رشته آموزش جغرافیا، تاریخ و علوم اجتماعی را به‌طور رسمی از ۱۳۹۶ آغاز کرده و در طی این دوره کوتاه خدمات ارزشمند علمی را در حوزه آموزش دانش جغرافیا در دو پردیس استان ارائه داده است. این گروه در حال حاضر دارای ۶ عضو هیئت‌علمی ثابت و بیش از ۱۶ استاد مدعو است که مطابق آخرین استانداردهای وزارت علوم مشغول به تربیت دانشجویان معلمان جغرافیاست که مطابق جدول زیر، اعضای هیئت‌علمی این دانشگاه معرفی می‌شوند. در آینده نزدیک با توجه به نیازهای تخصصی این گروه چند عضو هیئت‌علمی دیگر در گروه جذب خواهند شد.

توان‌های آموزش جغرافیا در استان

البرز

سیاست گروه مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان استان، پرورش و تربیت نیروهای متخصص و با دانش آموزش جغرافیاست و بر این اساس گروه در چند سال گذشته تمام تلاش خود را برای این امر مهم به کار بسته است. بر این اساس، در حال حاضر مهم‌ترین اقدامات و امکانات به شرح زیر است:

- بهره‌گیری از اساتید تخصصی هیئت‌علمی وزارت علوم؛
- بهره‌گیری از اساتید تخصصی مدعو با مدرک دکتری؛
- بهره‌مندی از بیش از ۱۷ استاد با سابقه و با انگیزه؛

• برخورداری از دو کارگاه آموزش جغرافیای پیشرفته و مجهز؛
• داشتن بیش از ۱۵۰۰۰ جلد کتاب تخصصی؛

• برخورداری از برنامه‌های کامل آموزشی مصوب وزارت علوم (خاص دانشگاه فرهنگیان)؛
• برخورداری از برنامه جامع بازدیدهای علمی دانشجویی آموزش جغرافیا برای هر ترم تحصیلی؛
• برگزاری جلسات منظم تخصصی گروه در هر ماه؛
• برگزاری نشست‌های تخصصی با حضور اساتید برتر دانش جغرافیای ایران؛

• برگزاری انواع نمایشگاه‌های تخصصی جغرافیا؛
• برگزاری انواع مسابقات علمی دانشجویی؛
• تدوین و چاپ کتب تخصصی دانشگاهی آموزش جغرافیا توسط اعضای هیئت‌علمی؛

• برگزاری دوره‌های تخصصی آموزش دانشجویی و اعضای هیئت‌علمی؛
• برگزاری دو بازدید علمی به جزایر سه‌گانه جنوبی کشور و استان‌های مرکزی و ساحلی جنوب.

جدول ۱: آمار دانشجویان در طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷

پرودیس	رشته	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	جمع
حکیم فردوسی برادران	آموزش جغرافیا	۳۰	۳۷	-	-	۳۷	۵۴	۲۴	۱۸۲
امیرکبیر خواهران	آموزش جغرافیا	-	-	-	۱۴	۴۲	۲۱	۲۸	۱۰۵

جدول ۲: اعضای هیئت‌علمی گروه براساس رشته‌های دایر در استان

آموزش جغرافیا	آموزش تاریخ	آموزش علوم اجتماعی
دکتر والی‌اله نظری	دکتر نصراله صالحی	دکتر محمود محمدی
دکتر علی صادقی	دکتر کوروش فتحی	
دکتر علیرضا صادقی نیا		

جدول ۳. لیست بازدیدهای علمی برگزار شده در دو پردیس

سال	پردیس امیرکبیر		سال	پردیس حکیم فردوسی	
	برون استانی	درون استانی		برون استانی	درون استانی
۱۳۹۴	سازمان هواشناسی	سازمان فضایی ایران	۱۳۹۳-۱۳۹۴	سازمان جغرافیایی	باغ گیاهشناسی
۱۳۹۵	سازمان جغرافیایی	باغ گیاهشناسی	۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶	سازمان هواشناسی	سازمان فضایی ایران
۱۳۹۵	سازمان زمین شناسی	سازمان فضایی	۱۳۹۵	سازمان زمین شناسی	سازمان فضایی ایران
۱۳۹۶ ۱۳۹۷	آسمان‌نمای تهران		۱۳۹۵	منطقه الموت قزوین	
۱۳۹۷	جزایر هرمز، هنگام، قشم		۱۳۹۵	قشم، بندرعباس، شیراز	
۱۳۹۷	قشم، بندرعباس، فارس		۱۳۹۵	اصفهان، کرمان	
۱۳۹۶	قزوین و گیلان		۱۳۹۶-۱۳۹۷	آسمان‌نمای تهران	
۱۳۹۷	الموت و قزوین		۱۳۹۷	منطقه گردشگری صفاشد	

بازدیدهای علمی دانشگاه فرهنگیان استان البرز

پیرو سیاست‌های تدوین شده برای آموزش مطابق استانداردهای تعریف شده، مدیریت گروه مطالعات اجتماعی از سال ۱۳۹۴ تدوین برنامه جامع بازدیدهای علمی را انجام داده و مطابق برنامه، بازدیدهای متنوع علمی را در داخل و بیرون استان برای رشته آموزش جغرافیا به انجام رسانیده است که جدول ۳ بیانگر این مهم است. این مهم زمانی اهمیت یافته است که با توجه به ماهیت رشته، میزان کمی و کیفی این بازدیدها روبه‌روز در حال افزایش بوده و این تنها مسئله‌ای است که در پردیس‌های دیگر کمتر به آن توجه شده، اما در دانشگاه فرهنگیان استان البرز مورد دقت نظر قرار گرفته و موجبات تحقق بعضی از رفتارهای عدالت‌گه آموزشی را فراهم کرده است.

برگزاری همایش ملی دانش آموزش محتوای جغرافیا

دانشگاه فرهنگیان استان البرز مطابق سیاست‌های ابلاغی سازمان مرکزی در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۹۶ برای اولین بار در کشور موفق به برگزاری این همایش شد که در آن ۱۳ محور برای ارسال مقالات علمی و پژوهشی در نظر گرفته شد که در نهایت، شرکت‌کنندگان داخلی و خارجی به ارائه مقاله‌های تخصصی آموزش جغرافیا پرداختند. در این همایش ۲۲ مقاله برتر مورد شناسایی و تقدیر قرار گرفتند که مجموعه مقالات آن برای استفاده علاقه‌مندان در سراسر کشور توسط مرکز انتشارات دانشگاه فرهنگیان به چاپ رسیده است.

برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی و نمایشگاه‌های تخصصی

از دیگر فعالیت‌های علمی و پژوهشی دانشگاه فرهنگیان استان البرز، برگزاری سلسله نشست‌های تخصصی با محوریت‌های خشک‌سالی، توان‌های محیطی ایران و همچنین نمایشگاه توان‌های استانی بوده است که اساتید برجسته کشوری همچون پروفسور کردوانی و پروفسور رهنمایی از سخنرانان اصلی این نشست‌ها بودند. این نشست‌ها با هدف تقویت دانش جغرافیایی دانشجویان و تبادل علمی در هر ترم در دانشگاه فرهنگیان استان برگزار می‌شود.

کارگاه‌های تخصصی آموزش جغرافیا در دو پردیس

هر دو پردیس دانشگاه فرهنگیان از سال ۱۳۹۵



تصویر ۳. پوستر اولین همایش ملی دانش آموزش محتوای جغرافیا

برای آموزش مدرن و علمی توسط گروه مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان استان البرز و با حمایت‌های بی‌دریغ ریاست استانی دانشگاه تجهیز شده‌اند. دو پردیس در حال حاضر دارای دو کارگاه مجهز جغرافیا با ابزارهای زیر برای آموزش مدرن جغرافیا هستند و تمام دروس عملی دانش‌معلمان در این کارگاه‌ها توسط اساتید گروه آموزش داده می‌شوند. بر این اساس، مهم‌ترین ابزارهای تجهیز شده در کارگاه‌های دو پردیس استان عبارت‌اند از:

تندولیت، ژالن، عکس هوایی، تصاویر ماهواره‌ای، میزهای نقشه‌کشی، صندلی‌های نقشه‌کشی، قطب‌نما، دستگاه GPS، متر فلزی، فاصله‌یاب لیزری، کره جغرافیایی بزرگ، نقشه‌های توپوگرافی، نقشه‌های طبیعی، نقشه‌های سیاسی، نقشه‌های موضوعی و ترکیبی، میخ‌های مخصوص نقشه‌برداری، دستگاه پروژکتور، کامپیوتر و نرم‌افزارهای تخصصی، اطلس‌های آموزشی.

اطلاعات تماس گروه مطالعات اجتماعی
دانشگاه فرهنگیان استان البرز در خصوص
آموزش جغرافیا

سایت اینترنتی: <https://alborz.cfu.ac.ir/oe/fa>

آدرس: کرج، پردیس، جاده ملارد، بعد از کانال آب، قبل از

پل شهدای ارتش

کدپستی: ۳۱۷۵۹۵۵۳۴۳

تلفن: ۰۲۶۳۶۵۰۱۴۱۳ - ۰۲۶۳۶۵۵۴۱۳۱

فکس داخلی: ۳۱۵

سفری به سواحل مکران

شهلا نیرومند

دبیر جغرافیای بروجرد

به دلیل وجود مطالبی اندک، گذرا و ناکافی در خصوص سواحل مکران و کوه‌های مریخی، جنگل‌های حرا و ... در کتاب جغرافیای دهم، می‌خواستم این پدیده‌ها را از نزدیک مشاهده کنم تا علاوه بر ارضای حس کنجکاوی خود، فراتر از آنچه در کتاب آمده است برای دانش‌آموزانم حرف‌ها و مطالب تازه داشته باشم. سفری در تاریخ ۲۱ تا ۲۵ آذرماه ۹۶ به این خطه، یعنی سواحل مکران داشتیم که حاصل آن گزارش حاضر به همراه تصاویر، صوت‌ها و کلیپ‌های متعدد است که تقدیم حضورتان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جغرافیا، گردشگری، سواحل مکران، دریای عمان

عکس: هانف همای



محدوده جغرافیایی

سواحل مکران

مکران، مکران و مکران در کل به سرزمینی ساحلی در جنوب شرقی ایران و جنوب غربی پاکستان اطلاق می‌شود که از جاسک تا جنوب غربی ایالت بلوچستان پاکستان گسترده شده است. سواحل مکران در ایران از محدوده جاسک (هرمزگان) تا خلیج گواتر (سیستان و بلوچستان) بوده و به موازات دریای عمان واقع شده است.

اما سواحل مکران مربوط به استان سیستان و بلوچستان، از زراباد در کنارک شروع و تا خلیج گواتر نقطه صفر مرزی ایران و پاکستان با داشتن حدود ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی ادامه دارد. این محدوده دارای بیش از ۲۰۰ جاذبه بکر، نظیر جاذبه‌های طبیعی، تاریخی، جانوری و روستاها و بنادر صیادی، مانند زراباد، پزم، کنارک، چابهار، تیس، رمین، بریس و پسابندر و نیز خلیج گواتر است. سواحل مکران در واقع دروازه طلایی به سمت آب‌های بین‌المللی اقیانوس هند است.

بندر چابهار

فاصله زمینی تهران تا چابهار از طریق جاده ایران‌شهر به کرمان ۱۹۶۱ کیلومتر است که ما با حدود ۱۴۰ دقیقه پرواز از تهران به فرودگاه کنارک در کرانه غربی خلیج چابهار وارد این بندر شدیم. مسیر جاده کنارک به چابهار خشک و برهوت است و خبری از کشت و زرع نیست و به جز شتر، گاو و گوسفند در این بیابان ندیدم. گیاه غالب آن درختچه چتری کهور با ارتفاع تقریبی ۶ تا ۱۰ متر است که با آب‌وهوای گرمسیری و خشک منطقه تناسب دارد. چابهار، این سرزمین ناشناخته با سواحل نیلگون و آرام، دیده به سوی اقیانوس می‌گشاید. هر سو که بنگریم با پدیده‌های متفاوت از زیبایی‌های شگفت‌انگیز طبیعی و تاریخی مواجه خواهیم شد و البته با مردمانی مهربان و دوست‌داشتنی و مهمان‌نواز.

بندر چابهار در سواحل مکران و در فاصله ۶۴۵ کیلومتری جنوب زاهدان (مرکز استان سیستان و بلوچستان) قرار دارد. این بندر با ۷ متر ارتفاع از سطح دریا، از شرق بعد از طی ده‌ها کیلومتر با کشور پاکستان، از غرب با خلیج چابهار و بندر کنارک و از جنوب با دریای عمان هم‌مرز است.

در نگاه اول، قسمت قدیمی و مرکزی شهر به نسبت کوچک و با معماری سنتی در مقایسه با دیگر شهرهای ساحلی جنوب ایران مثل بندرعباس و بوشهر خیلی پیشرفته نیست، اما بخش جدید و به خصوص منطقه آزاد آن که بیشتر از ۶ تا ۷ دقیقه با تاکسی تا مرکز شهر

فاصله ندارد، با خیابان‌های وسیع که گویی تا سالیان سال برای توسعه فیزیکی جا دارد. متفاوت به نظر می‌رسد.

صنایع دستی بندر چابهار اغلب شامل سکه‌دوزی، سوزن‌دوزی، معرق صدف، زری‌دوزی، آیینه‌کاری و طلاسازی است.

انواع لوازم برقی و آرایشی، شکلات، ادویه‌های غذایی و پارچه‌های نخی و ابریشمی هندی و پاکستانی به‌وفور در مغازه‌ها دیده می‌شود.

وجه تسمیه چابهار

چابهار معانی، متعددی دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. چابهار: در زمان‌های قدیم افرادی که مسافر بودند، با خودشان بار داشتند و زمان وارد شدن به بندر به زبان بلوچی از آن‌ها می‌پرسیدند: چابهار؟ یعنی «چه باری داری؟» یا به عبارت بهتر، «بارت چیست؟»
۲. چابهار در کنار آب دریای شور عمان قرار داشته و بدین جهت چاه‌های آب زیادی حفر می‌کردند و چابهار به معنای «چاه فراوان» بوده است.

۳. به دلیل واقع شدن در کنار اقیانوس هند و متأثر از بادهای موسمی (مونسون) آب‌وهوای منطقه، تابستان و زمستان را تعدیل می‌کند. به طوری که تابستان‌ها از اوایل تیر تا شهریورماه که بادهای موسمی تابستانه از اقیانوس هند می‌وزد، در مردادماه هوا ابری و نسبت به دیگر شهرهای جنوبی خنک‌تر است (دما بین ۳۰ تا ۳۴ درجه سانتی‌گراد) و هوای شهر چابهار در تابستان حتی خنک‌تر از تهران است. اما از ۱۵ آذر تا حدود اواخر بهمن‌ماه که موسمی زمستانه است، سرما حاکم نمی‌شود و دما اغلب به حدود ۱۴ تا ۱۶ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. در نتیجه فصول چهارگانه به فصل بهار شبیه و منطقه به «چهار بهار» معروف و به تدریج به چابهار تغییر شکل داده است و امروزه بیشتر این وجه تسمیه مورد پذیرش است. این شهر همان‌طور که از اسمش پیداست در تمام فصول سال زیباست و می‌تواند پذیرای گردشگران بسیاری از تمام نقاط ایران باشد.

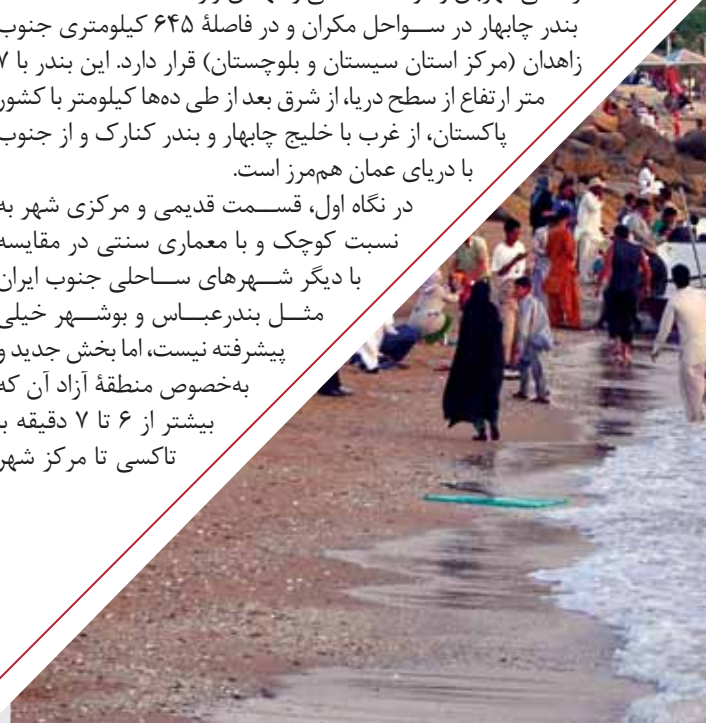
خلیج چابهار

خلیج چابهار بزرگ‌ترین و زیباترین خلیج طبیعی است که در حاشیه کرانه دریای عمان واقع است. این خلیج به شکل حلقه‌ای یا «یوانگلیسی» برگشته (۱) است. طول خلیج ۱۷ کیلومتر، عرض آن ۲۰ کیلومتر و عمق آن نیز ۲۰ متر است.

در نقطه آغاز شرقی این خلیج، بندر چابهار و در نقطه غربی آن دماغه پزم و بندر کنارک قرار گرفته است و جاده‌ای آسفالتی که محیط این خلیج را دور می‌زند و این دو شهر را به هم متصل می‌کند. خلیج چابهار حاصل ترکیب دریا، زمین و آفتاب درخشان است که به نظر، زیباترین جلوه‌گاه طلوع و غروب خورشید در دریاست.

منطقه آزاد تجاری - صنعتی چابهار

منطقه آزاد چابهار از اوایل دهه ۷۰ در کنار بندر



چابهار و در پیرامون دریای عمان و اقیانوس هند شکل گرفت.

مساحت منطقه آزاد حدود ۱۴ هزار هکتار و در ۵ کیلومتری شرق خلیج چابهار (بزرگ‌ترین خلیج ایران با بریدگی طبیعی و استثنایی) واقع شده است. این منطقه جزئی از شهرستان چابهار، واقع در استان سیستان و بلوچستان است که از طریق شهرستان ایرانشهر و پس از عبور از استان خراسان جنوبی به افغانستان و پس از گذشتن از خراسان شمالی به کشورهای آسیای میانه و از شرق از طریق شهرستان چابهار به کشور پاکستان و آبراهه‌های بین‌المللی، آفریقا و شرق آسیا و اروپا و دریای مدیترانه راه دارد.

وجود آب و هوا و رطوبت نسبی مناسب و امکان فعالیت در تمامی فصول سال، دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد، دوری از منطقه شلوغ و پرتردد خلیج فارس و عدم آسیب‌پذیری در مواقع بروز بحران، موقعیت استراتژیکی را برای ایجاد یک گذرگاه ارتباطی بین کشورهای آسیای میانه و سایر کشورهای جهان فراهم آورده است. یکی دیگر از ویژگی‌های منطقه آزاد چابهار، برخورداری از معافیت بر درآمد و دارایی و بسیاری مزایای گمرکی و بازرگانی و سرمایه‌ای است.

تالاب لیپار (دریاچه صورتی)

در مسیر جاده ساحلی چابهار - گواتر و ۱۰ کیلومتری شرق چابهار و قبل از رسیدن به کوه‌های مریخی در تنگه‌های صخره‌ای و بین دو کوه نزدیک به هم، دره‌ای سرسبز و زیبا و دریایی با وسعتی حدود ۱۰ هکتار که آب‌های سرگردان اطراف را در خود جمع می‌کند به نام تالاب لیپار با همان دریاچه صورتی، خودنمایی می‌کند. دشتی در کنار این تالاب قرار دارد که اهالی منطقه به آن «دشتار» یا عروس چابهار می‌گویند.

در زبان بلوچی دشتار به معنی دختران جوانی است که نامزد هستند و هنوز ازدواج نکرده‌اند. وجه تسمیه این منطقه هم به این نام، درختان سرسبز و جوانی است که در آن وجود دارد. راهنما لیپار را اینگونه معنا کرد:

«لیپ» در زبان بلوچی به معنای خار و خاشاک و «ار» به معنای آب رودخانه است. یعنی در این روستا آب رودخانه همراه با خار و خاشاک به آب دریا می‌ریزد.

تالاب لیپار به دریاچه صورتی هم شهرت دارد و جزء شورترین آبگیرهای جهان است. رنگ صورتی آن محصول فعالیت نوعی فیتوپلانکتون‌های گیاهی است. به طوری که وقتی شوری آب زیاد می‌شود این فیتوپلانکتون‌ها رشد می‌کنند. آب دریاچه صورتی پررنگ و برعکس، زمان بارندگی، شوری آب کم و رنگ صورتی آن کم‌تر می‌شود. در این منطقه آب دریای عمان به صورت ایستا و تبدیل به آبگیری برای زندگی گیاهان و جانوران شده است. انواع بوته‌ها و درختچه‌ها مانند گز و جش و گونه‌های جانورانی مانند فلامینگو، حواصیل‌های سفید و خاکستری، تپه‌و، عقاب دشتی و ... را در این تالاب می‌توان دید. با همه زیبایی‌ها گردشگران نمی‌توانند به حاشیه دریاچه نزدیک شوند. چون زیر شوره‌زارهای به‌ظاهر سفید و نمکی، لجن و باتلاق‌گونه است و افراد وقتی در آن لجن و گل فرو روند، به سختی از آن خارج می‌شوند و حتی افراد با وزن بالا را به پایین می‌کشاند. ضمناً موردی که جلب توجه می‌کرد، وجود زنان و دختران بومی

منطقه با لباس بلوچی زیبا و رنگارنگ بود که نمک‌های حاشیه دریاچه را با دست و دل‌بازی به گردشگران می‌فروختند. اینجا هم بچه‌های کار که نه با گل و آدامس فروشی و ... بلکه با فروش نمک‌های حاشیه دریاچه صورتی (به جای رفتن به مدرسه) به خانواده‌های خود کمک می‌کردند.

درخت انجیر معابد

به فاصله کمی بعد از دریاچه صورتی در محدوده روستای رمین، یکی دیگر از جاذبه‌های گردشگری چابهار، یعنی درختی به نام انجیر معابد، واقع شده است.

بعد از حدود ۲ تا ۳ دقیقه پیاده‌روی در مسیر خاکی، در برابر دیدگان رهگذران درختی با عظمت و نسبتاً عجیب نمایان می‌شود؛ عجیب به این دلیل که زندگی این درخت غیرمعمولی و شاخه‌های آن به جای بالا رفتن رو به پایین سرازیر می‌شود و در لای‌شن‌ها ریشه می‌دواند و از همان‌جا ساقه دیگری دوباره رشد می‌کند و تنه درخت تکه‌تکه و بسیار خاص و دیدنی می‌شود. به عبارتی، ریشه‌ها با آب و خاک دست و پنجه نرم کرده و معجزه آفریده‌اند.

یکی دو نفر از بومیان منطقه توضیح دادند که اصل درخت انجیر معابد از هند شرقی است، برگ‌های پهنی دارد و هم‌زمان با فصل رسیدن خرما، میوه‌های شیرین به رنگ قرمز و نارنجی و به اندازه یک فندق و مانند انجیر می‌دهد و به مدت ۴۰ تا ۵۰ روز هم می‌توان از میوه‌های شیرین آن استفاده کرد. همچنین در تمام قسمت‌های این درخت، شیره سفیدرنگی جریان دارد که در گذشته کاربرد چسب داشته است.

نام‌گذاری این درخت به «انجیر معابد» به دلیل میوه انجیری شکل آن بوده است و نام‌های دیگر آن عبارت‌اند از:

۱. درخت کهن‌سال به دلیل عمر طولانی.
۲. «مکرزن» که در واقع تلفظ صحیح آن «مکزن» است و به دلیل ویژگی مکیدن آب توسط شاخه‌هایی که به درون زمین فرو می‌روند و در نهایت خود به یک تنه جدید تبدیل می‌شوند به این نام معروف شده است.
۳. «کَگ» به زبان بلوچی و بومیان منطقه. همچنین این درخت در هرمزگان (قشم، کیش و بندرعباس) «لور» نامیده می‌شود.

کوه‌های مریخی (مینیا توری)

مجموعه کوه‌هایی است با ظاهر و ساختاری مخصوص و سلسله‌ای که در فاصله ۴۰ تا ۵۰ کیلومتری بعد از شهر چابهار به سمت شرق در مسیر جاده گواتر و در سمت چپ جاده به طول ده‌ها کیلومتر واقع شده‌اند. در سمت راست جاده گواتر شاهد امواج زیبا و نیلگون آب دریای عمان هستیم که یکی از زیباترین خاطره‌های سفر به سواحل مکران برای گردشگران در همین مکان رقم می‌خورد. قدیمی‌ها نام این کوه‌ها را که از منطقه لیپار تا ریس کشیده شده‌اند به زبان محلی «کالانی» و «آرین (آریا)» می‌گفته‌اند.

رسوبات آهکی بقایای بدن آبزیان (سخت‌پوستان و ماهی‌ها) به همراه ماسه و خاک رس، مواد اصلی تشکیل‌دهنده این کوه‌هاست و بیانگر آن است که این کوه‌ها هزاران سال قبل در زیر آب دریای عمان

چابهار، این سرزمین ناشناخته با سواحل نیلگون و آرام، دیده به سوی اقیانوس می‌گشاید. هر سو که بنگریم با پدیده‌ای متفاوت از زیبایی‌های شگفت‌انگیز طبیعی و تاریخی مواجه خواهیم شد و البته با مردمانی مهربان و دوست‌داشتنی و مهمان‌نواز

هستند که از وضع مالی نسبتاً خوبی برخوردارند. دو نوع شناور در اسکله بریس مشاهده می‌شود: (۱) شناورهای بزرگ که برای صیادی تا آب‌های دور و تا حدود خط استوا می‌روند. نزدیک به ۳ ماه روی آب و حدود ۱ ماه در ساحل استراحت می‌کنند و بیشتر ماهیان تن را صید می‌کنند که مستقیماً به کارخانه‌های کنسروسازی فرستاده می‌شوند. علاوه بر آن به صید کوسه‌ماهیان، سفره‌ماهی و شاه‌میگو (لابستر) که از ارزش غذایی بالایی برخوردارند، می‌پردازند و دیدن این‌ها از نزدیک برایم بسیار هیجان‌انگیز بود.

۲. شناورهای کوچک و صیادانی که صید شبانه خود را از غروب تا نزدیک صبح انجام می‌دهند و ماحصل صیدشان انواع ماهیان تازه شیر، سرخو، سنگسر، حلوی سیاه و سفید، قباد، هور، شوریده و ... است که برای مصرف روزانه مردم منطقه است.

از مهم‌ترین پتانسیل‌ها و توانمندی‌های بریس، مناظر بکر و اسکله بسیار زیبا و منحصر به فرد آن است که می‌تواند نقش مهمی در جذب و گسترش فرهنگ گردشگری و اکوتوریسم ایفا کند.

خلیج گواتر مهجور و آن سوی ناکجا بعد از گذشتن از بریس و پسابندر به تکه و خلیج کوچکی در صفر مرزی ایران با پاکستان در منتهی‌الیه جنوب شرقی ایران می‌رسیم. گواتر (Gowater) واژه‌ای بلوچی است که از ترکیب دو کلمه «گوات» به معنای باد و «تر» به معنای چرخش ساخته شده است،

یعنی منطقه‌ای که بادهای چرخشی خطرناکی دارد و حتی قایق‌ها را واژگون و غرق می‌کند.

خلیج گواتر به مانند نگینی در دریای عمان و در حدود ۱۱۰ کیلومتری چابهار (حدود ۲ ساعت) از دماغه

جیوانی در پاکستان شروع و در پسابندر ایران به پایان می‌رسد. اگر از این خلیج به سمت غرب حرکت کنیم به بندر چابهار و اگر به سمت شرق حرکت کنیم به بندر کراچی پاکستان خواهیم رسید. اینجا بخشی از منطقه حفاظت‌شده باهوکلات است؛ منطقه سبز در کنار دریای عمان و اقیانوس هند که به خاطر جنگل‌های حرا (مانگرو)

که بخش کوچکی از اقیانوس هند است به سر برده‌اند. کوه‌های مریخی و قله‌های مدور حاصل از فرسایش از نظر زمین‌شناسی نوعی بدبوم با بدلدند (Badland) به حساب می‌آیند که نوع گل آن از رس سفید و به تناوب از لایه‌های سست و سخت تشکیل یافته‌اند و عبارت‌اند از زمین‌ها و بلندی‌هایی که در برابر بارش‌های سنگین و فرسایش به تدریج به دره‌ها و شیارهای بریده‌شده تبدیل شده‌اند.

شیارها و تراش‌های موجود روی کوه‌های رسوبی حکایت از فرسایش در طول هزاران سال دارند. ارتفاع بعضی از این کوه‌ها حدود ۴ تا ۵ متر از ارتفاع برخی حتی از ۱۰۰ متر هم بیشتر است. جنس رسوبی و فرسایش خاص کوه‌ها موجب ایجاد شیارهای زیبایی روی این کوه‌ها شده است که گویی آن‌ها را نقاشی کرده‌اند و بدین جهت، لقب کوه‌های مینیاتوری به آن‌ها داده‌اند. به دلیل اشکال عجیب و فاقد پوشش گیاهی و نوعی غیرعادی بودن از نظر گردشگران، این کوه‌ها به «کوه‌های مریخی» مشهور شده‌اند. این کوه‌ها که از منحصربه‌فردترین کوه‌های ایران است، متأسفانه به دلیل عدم معرفی کافی کمتر مورد بازدید قرار گرفته‌اند و گویا این طور که راهنما می‌گفت، تاکنون به‌عنوان یک ژئوپارک در سطح ملی در نیامده‌اند تا از این طریق حداقل نام آن‌ها در فهرست اکوتوریسم زیبا و بی‌نظیر ایران قرار گیرد.

کوه‌های زیبا و شگفت‌انگیز مریخی دارای قابلیت‌های فراوانی برای راه‌اندازی تأسیسات گردشگری هستند و دیدن آن‌ها به همه گردشگران به ویژه دبیران جغرافیا و زمین‌شناسی توصیه می‌شود.

اسکله صیادی بندر بریس

در مسیر ۸۰ کیلومتری چابهار به سمت شرق در پشت کوه‌های مریخی و بعد از عبور جاده‌ای از بندر صیادی زمین، اسکله‌ای زیبا و رؤیایی در امتداد حاشیه ساحلی دریای عمان (سواحل بی‌نظیر و طلایی مکران) و رو به اقیانوس هند و در پای صخره‌های کوهستانی واقع شده است. اینجا اسکله صیادی بندر بریس است که ارتفاع آن از سطح دریا ۱۰ متر و حداقل عمق آن در خور ۴ متر است.

بدون شک، اسکله صیادی بندر بریس یکی از زیباترین اسکله‌های صیادی ایران است و حتی شاید بتوان گفت زیباترین آن‌ها. چشم‌انداز بندر و اسکله بریس از نزدیک و حتی دور بسیار زیبا و رؤیایی است. قایق‌های رنگی به طرز زیبا

و چشم‌نوازی در کنار اسکله بین آبی آسمان و آبی دریای عمان پهلوی گرفته و به این مکان چهره بندری داده‌اند.

ضمناً کوه‌های مریخی به راحتی از اینجا قابل مشاهده‌اند و بر زیبایی این بندر می‌افزایند.

بیشتر بومیان بریس بلوچی و ماهی‌گیران و لنج‌داران و ملوانانی



از ارزش‌های اکولوژیکی بالایی برخوردار است. نیمی از سواحل این خلیج در ایران و نیمی دیگر در پاکستان قرار دارد و به همین جهت به خلیج دو تکه ایران و پاکستان هم معروف است.

جنگل‌های حرا در خلیج گواتر

بعد از پیمودن مسافتی حدود ۳۰ کیلومتر از بندر بریس تا گواتر در جاده و مسیری خشک و بدون پوشش گیاهی و کوه، آرام‌آرام جنگل‌های حرا به مانند نگینی در خلیج گواتر خودنمایی می‌کنند. با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی و سیاسی منطقه، با مأمورهای نیروی انتظامی برای رفتن به ساحل و سوار شدن قایق، هماهنگی‌های لازم انجام می‌شود و وارد خلیج گواتر با دروازه‌های رو به اقیانوس هند می‌شویم. بعد از استان‌های هرمزگان و بوشهر، سیستان و بلوچستان سومین استان کشور است که

جنگل‌های حرا یا مانگرو یا در اصطلاح محلی «تیمر» در آن رشد می‌کنند. در واقع درختان حرا درختچه‌هایی هستند که در مرداب‌های نواحی گرم کرانه‌های عربستان، مصر و جنوب ایران می‌رویند و در گروه گیاهان شگفت‌انگیز



شوره‌زی دریایی قرار دارند. از مشخصات بارز این درختچه‌ها آن است که روی درخت مادر رشد اولیه را پشت سر می‌گذارند و سپس نهال جوان از درخت مادر جدا می‌شود و به مرداب می‌افتد. حرا درختچه‌ای استوایی است با ارتفاع بین ۳ تا ۶ متر که در آب‌های شور زندگی می‌کند و این سازش با آب شور و شرایط نامناسب، از حرا یک گیاه استثنایی و منحصربه‌فرد ساخته است. اولین بار این درختچه‌های ویژه و شگفت‌انگیز را ابوعلی سینا مورد مطالعه قرار داد، اما در کتابش نامی به آن‌ها نداد. بعدها بیولوژیست معروف، لینه به احترام ابوعلی سینا نام آوی سینا مارینا (*Avicenna marina*) را به این درختچه‌ها داد.

جنگل حرا اکوسیستم جالب دارد؛ اول اینکه برخلاف دیگر گیاهان که در آب شیرین رشد می‌کنند، می‌توانند در آب شور زندگی و به حیات خودشان ادامه دهند، زیرا در ریشه این گیاهان نوعی غده‌های نمکی است که آب شور را به خودشان جذب و آب شیرین را به آوندها و دیگر قسمت‌های گیاه می‌فرستند. یکی دیگر از ویژگی‌های این درختچه‌ها آن است که هم از طریق برگ‌ها تنفس و عمل فتوسنتز را انجام می‌دهند و هم از طریق ریشه‌های هوازی که تا کنار ساحل خودشان را کشانده‌اند و فقط هنگام جزر دیده می‌شود، تنفس می‌کنند.

در اصل، جنگل حرا جزء مناطق جزرومدی است. میوه آن به شکل کپسول تخم‌مرغی است که درون آن یک دانه وجود دارد و گلدهی در دو فصل بهار و پاییز صورت می‌گیرد. متأسفانه به‌علت مرطوب بودن و چسبندگی گل‌های ساحلی، اجازه پیاده شدن از قایق به گردشگران داده نشد، اما از روی قایق حرکت خرچنگ‌ها و گلخورک‌ها به وضوح در لابه‌لای ریشه‌های هوازی درختچه‌ها در ساحل دیده می‌شد. درختچه‌های حرا برای بقای خودشان نوعی زندگی و همزیستی

مسالمت‌آمیز با دیگر موجودات مانند خرچنگ و گلخورک دارند. این موجودات قادرند با خوردن رسوبات کنار درختچه‌های حرا، ماده‌ای از خودشان دفع کنند که نوعی ماده معدنی یا کود به حساب می‌آید که برای رشد درختچه حرا مورد استفاده قرار می‌گیرد. کار دیگر این خرچنگ‌ها آن است که سوراخ‌ها و خلل و فرج‌هایی در خاک ایجاد و به اصطلاح، خاک را سست و پوک می‌کنند تا ریشه‌های هوازی حرا به راحتی شاخه‌دوانی برای رشد خود داشته باشند که به این کار در اصل نوعی شخم زیستی یا بیولوژیکی اطلاق می‌شود.

گلخورک که نوعی ماهی دوزیست است. همین کار را انجام می‌دهد و با ایجاد سوراخ‌هایی آب و هوا را به خاک می‌رساند تا درختچه حرا بتواند به رشد و حیات خود ادامه دهد. ضمناً درختچه حرا محل زیست مناسبی برای پرورش لارو ماهی و میگو و از نظر زیستی و اقتصادی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، به طوری که ماهی و میگوی این منطقه فراوان است.

در دو استان دیگر هرمزگان و بوشهر، شاخ و برگ درختچه‌های حرا مورد استفاده دام قرار می‌گیرد، اما در خلیج گواتر به دلیل اینکه منطقه باهوکلالت در بالای گواتر برای تغذیه دام غنی است، دامداران کاری به شاخ و برگ این درختچه‌ها ندارند. در مقابل درختچه‌ها آشیانه پرنده‌گان بسیاری می‌شوند که زیبایی آن‌ها را دوچندان جلوه‌گر می‌سازد.

بندر تیس

بندر «تیس» در ۵ کیلومتری شمال غربی چابهار واقع شده و یکی از بنادر مهم ایران در زمان هخامنشیان بوده است. این بندر تاریخی تقریباً در دهانه خلیج چابهار واقع شده است. در یک سوی این دهانه، بندر چابهار و در سوی دیگر بندر کنارک قرار دارد و به همین جهت در مسیر ارتباطی چابهار - کنارک واقع شده است.

بعد از ورود به بندر تیس، ابتدا از غارهای سه‌گانه آن دیدن کردیم؛ مجموعه‌ای از سه غار باستانی که در دامنه کوه شهبازبند و در ارتفاع ۲۵ متری از سطح زمین قرار گرفته‌اند.

معنای غارها روی تابلویی نوشته شده بود: «بان» در زبان بلوچی به معنای مرد صالح و خداپرست و «مسیتی» به معنای پرستشگاه است. اما در روایت دیگر «بان» به معنای ساختمان گنبدی شکل و «مسیت» به معنای مسجد یا عبادتگاه آمده است، زیرا در یکی از غارهای طبیعی مقبره فرد خداپرست و صالحی به شکل گنبد قرار گرفته که محل عبادت او بوده است. این مجموعه از یک غار طبیعی و دو غار دست‌ساز تشکیل شده است.

بعد از خروج از غارها، یکی از ساختمان‌هایی که در بدو ورود از مسافت دور خودنمایی می‌کرد، مسجد جامع تیس یا طوبی بود که بنای اولیه آن به دوران صدر اسلام برمی‌گردد و به روایتی، دومین مسجد بعد از اسلام در ایران و مربوط به اهل تسنن است. این مسجد تک‌مناره و سفید است که در نگاه اول رنگ‌ها و شکل گنبد و مناره آن با معماری دیگر مساجد ایران متفاوت به نظر می‌رسد. مسجد جامع تیس با الهام از معماری و طراحی مساجد هند و پاکستان ساخته شده است.

باغ الگویی گرمسیری آبکان - چابهار

این باغ در شمال غربی چابهار و کمی بعد از

روستای تیس قرار دارد و جزء منطقه آزاد چابهار به حساب می‌آید. ابتدای ورود به این باغ، تابلویی که نام درختان روی آن نوشته شده بود، به چشم می‌خورد. درختار گرمسیری مانند: گواوا (زیتون محلی)، نارگیل، جمبولان، چیکو، انبه، خرزۀ درختی (پاپایا) و ... بعد از ورود به باغ، با مجموعه‌ای از درختان گرمسیری و زیبای استوایی روبرو شدم. سپس راهنما توضیح داد که از سال ۷۸ بیشتر درختان غیربومی این مجموعه از هند آورده شده‌اند و در اصل، باغی مصنوعی است نزدیک به ۲ هکتار که امروزه به‌عنوان مرکز سیاحتی و گردشگری برای بازدید گردشگران استفاده می‌شود. اعتدال هوا در زمستان شرایط مناسبی را برای کاشت این گونه محصولات گرمسیری فراهم آورده است و علاوه بر این، امکان برداشت دو بار محصول در سال نیز مهیاست. در اینجا برای آشنایی بیشتر به معرفی چند درخت و میوه از این باغ بسنده می‌شود:

درخت بیدام

درختی گرمسیری و بومی جنوب آسیا (هند و بنگلادش) است. این میوه ابتدا کال و سبز و سپس به رنگ قرمز و مایل به قهوه‌ای درمی‌آید. شبیه بادام درختی خودمان است. اما با رنگی متفاوت و مغزی بزرگ و طعمی گس‌مانند که در چابهار به بادام محلی معروف است. گفتمنی است که این درخت در استان هرمزگان لوز و گازم (زنگی) نامیده می‌شود.

چیکو (چکو به زبان بلوچی)

درخت همیشه‌سبز گرمسیری که پوست میوه آن قهوه‌ای‌رنگ و نسبتاً شبیه به کیوی است. میوه رسیده آن نوعی شیرینی خاص دارد و اما نارس آن مانند خرمالو، طعمی گس دارد. ضمناً صمغ این درخت سفیدرنگ و بیشتر برای درست کردن آدامس به کار می‌رود.

گواوا (زیتون محلی)

درختچه‌ای همیشه سبز و معروف به زیتون محلی و سیب در سیستان و بلوچستان است. میوه‌های شبیه گلابی با این تفاوت که دانه‌های ریز آن در تمام گوشت آن پخش شده است. میوه‌های شیرین و بسیار خوش طعم و عطر با رنگ‌های سبز، قرمز و زرد. اگرچه این میوه در شمال ایران هم می‌روید اما در بین خانوارهای ایرانی، مصرف کمتری نسبت به دیگر میوه‌ها دارد.

جمبولان

این درخت همیشه سبز گرمسیری و بومی هند و سریلانکا است. میوه آن شبیه زغال‌اخته است و هسته‌ای نرم دارد. میوه‌های سرشار از آنتی‌اکسیدان که علاوه بر تازه‌خوری در تهیه انواع شربت، ترشی و ژله مورد استفاده قرار می‌گیرد. هنگام خروج در سمت دیگر باغ عده‌ای از آقایان بلوچ سرگرم بازی سنتی به نام «هشتی» بودند، که برای اولین بار به گوشم می‌خورد و می‌دیدم.

اسکله صیادی بندر بریس یکی از زیباترین اسکله‌های صیادی ایران است و حتی شاید بتوان گفت زیباترین آن‌ها. چشم‌انداز بندر و اسکله بریس از نزدیک و حتی

دور بسیار زیبا

و رؤیایی است

پزم تیاب کنارک

بندر صیادی پزم تیاب در فاصله تقریباً ۱۰ کیلومتری غرب کنارک و حدود ۶۰ کیلومتری بندر چابهار و در سمت غرب خلیج چابهار واقع شده است. نام پزم برگرفته از پوزه (دماغه) کوه است که حدود ۱۴ کیلومتر به‌صورت طبیعی از کنارک تا وسط دریای عمان کشیده و چشم‌انداز زیبایی را ایجاد کرده است. این دماغه شبیه به وال یا نهنگ است.

بندر صیادی پزم تیاب بندری زیبا و در امتداد حاشیه ساحلی دریای عمان (سواحل مکران) و شبیه شبه‌جزیره است. در بندر پزم تیاب، صیادی شغل اصلی مردم این منطقه است و این را از روی ساختار فضایی بندر و انواع لنج‌ها و قایق‌ها به راحتی می‌توان فهمید. یک قسمت از ساحل این بندر بکر و رؤیایی به شکل پلاژ و ماسه‌ای است که هیچ‌گونه تأسیسات گردشگری در آن دیده نمی‌شود، اما از توانمندی‌ها و پتانسیل‌های بالقوه گردشگری بسیار بالا و خوبی برخوردار است. آسمان و دریایی آبی، ساحلی زیبا و آرام، پاکیزه و بدون زباله؛ انگار سال‌ها کسی گذرش به اینجا نیفتاده باشد! در واقع بندر زیبای پزم تیاب از توانمندی‌های بالقوه گردشگری تفریحی و اقتصادی خوبی برخوردار است که با ساحلی آرام و دلنشین توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سواحل مکران این خاک زرخیز، به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، تنوع آب و هوا و پدیده‌های طبیعی و تاریخی گوناگون، می‌تواند به یک منطقه نمونه گردشگری مهم در سطح منطقه و ملی تبدیل شود و با درک توان سرزمینی و بهره‌برداری به موقع از آن، درآمد سرشاری نصیب ساکنان استان و کشور کند. اما به راستی چرا این گنجینه بکر با وجود این همه توانمندی محیطی و منطقه‌ای همچنان در صدر مناطق محروم، منزوی و مغفول کشور باقی مانده است؟! جواب هر چه باشد، ولی قطعاً امید و انتظار می‌رود با مدیریت بهینه و برنامه‌ریزی درست علمی - منطقه‌ای، تقویت تبلیغات توأم با توسعه انواع زیرساخت‌ها، ایجاد همگرایی قومی، استفاده از نیروهای بومی و همسو بودن و تعامل فکری منطقه آزاد با سازمان میراث فرهنگی و گردشگری منطقه، بسیاری از مشکلات این سرزمین بکر و زرخیز مرتفع و به یکی از پرجاذبه‌ترین قطب‌های گردشگری به‌خصوص پایگاه گردشگری زمستانه ایران تبدیل شود.

انجمن معلمان جغرافیای استان گیلان در راستای وظایف خود و در جهت افزایش آگاهی‌های دبیران جغرافیا و کمک به ارتقای آموزش جغرافیا در مدارس، اقدام به برگزاری کارگاه آموزشی نقد و بررسی کتاب تازه تألیف جغرافیای ۳ کرده است. این دوره در طی چهار روز و در تاریخ‌های دوشنبه ۱۲ شهریور با موضوع «ارزشیابی و بررسی فصل اول» (مدرس، آقای بصیری)، چهارشنبه ۱۴ شهریور با موضوع «فصل دوم» (مدرس، خانم نجفی)، شنبه ۱۷ شهریور با موضوع «فصل سوم» (مدرس، آقای روحبخش) و دوشنبه ۱۹ شهریور با موضوع «فنون و مهارت‌های جغرافیایی» (مدرس، آقای غفارزاده) برگزار شد. در طی این دوره به شرکت‌کنندگان مواد آموزشی، جداول، نمودارهای راهنما، مقاله‌های مرتبط با موضوعات کتاب و با محوریت استان گیلان و نرم‌افزارهای ذکر شده در کتاب اهدا شد. تعداد شرکت‌کنندگان ۴۵ نفر از همکاران و از شهرستان‌ها و مناطق مختلف بودند که پس از ثبت‌نام در دوره شرکت کردند و با هماهنگی‌های انجام شده برای آن‌ها گواهی ضمن خدمت صادر شد.

گزارش بازدید علمی اعضای هیئت مدیره اتحادیه و انجمن جغرافیایی معلمان تهران از بندر انزلی در تاریخ ۲ تا ۴ آبان ۱۳۹۷
زهرا نجفی

انجمن جغرافیایی معلمان گیلان

پس از هماهنگی‌های انجام شده با ستاد نیروی دریایی، امیر سلیمی پناه، معاون محترم نیروی دریایی و ناخدا کریمی، امکان بازدید از منطقه چهارم نیروی دریایی امام رضا (ع) برای همکاران و معلمان انجمن تهران و ایران در تاریخ ۲ تا ۴ آبان‌ماه در بندرانزلی فراهم آمد.



گزارش برگزاری کارگاه آموزشی کتاب جغرافیای ۳ از سوی انجمن معلمان جغرافیای استان گیلان

تهیه و تنظیم: حوری قاهری
 سرگروه جغرافیای شهر تهران

آبی و حفظ شرایط، ملزم به تجهیزات نظامی هستیم. در مورد مرزها، دریای خزر تابع شرایط محیطی است نه کنوانسیون‌های بین‌المللی. ما بر طبق کنوانسیون دریای مازندران عمل می‌کنیم و مراقب عدم ایجاد تنش هستیم.



بازدید از کاخ موزه نیروی دریایی (کاخ میان‌پشته)

محوطه مجموعه کاخ موزه نظامی دریایی به وسعت ده هکتار در سال ۱۳۰۸ توسط تاجری به نام خوشتاریا (روسی گرجستانی الاصل) ساخته شد. وی وارد کننده ادوات برق به کشور بود. این تاجر دو طبقه ساختمان چوبی را در باغ رؤیایی که با چراغ برق‌های بسیار باشکوه جلوه زیبایی داشت به رضاخان تقدیم می‌کند. اما بعد از دو سال در یک آتش‌سوزی سوخت و جای آن، ساختمان امروزی به دست معمار همدانی با مصالح ایرانی و کاشی و سنگ‌هایی که از ایتالیا وارد شده بود با هزینه ۷۵۰۰ تومان ساخته شد که امروزه تبدیل به موزه شده است.

در بخش تصویری موزه، نقاشی‌های کمال‌الملک، ناصرالدین‌شاه و سهراب سپهری نگهداری می‌شوند. عکس‌های مختلف، تابلوها و اشیای اهدایی به پهلوی اول، لباس و وسایل مخصوص اتاق کار در این موزه وجود دارد. همچنین «شاهنامه» به زبان ایتالیایی در موزه موجود است.

بخشی از اشیای این موزه در زمان بنی‌صدر با مجوز ریاست جمهوری از اینجا خارج شد و از سرنوشت آن‌ها خبری نیست. از اولین کشتی جنگی خریداری شده توسط ناصرالدین شاه به نام «پرسپولیس» سندلی فرماندهی آن در این موزه وجود دارد و بخش‌های دیگر آن در بوشهر است. اشیای مختلف مربوط به کشتی‌رانی، ادوات و سلاح‌های سرد و گرم از دوره صفویه تا عصر حاضر، تجهیزات دریایی و ملوانی قدیمی، ماکت یگان‌های شناور نیروی دریایی و هدایای سران کشورها از جمله رادیوگرام مبله، هدیه هیتلر، نگهداری می‌شود.

اولین برنامه گروه، برگزاری جلسه‌ای با نیروی دریایی بود.

مقر نیروی دریایی در بندر انزلی

جلسه با تلاوت آیاتی از قرآن کریم و بخش سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. جناب ناخدا یکم سلیمانی، معاون محترم آموزشی ناوگان نیروی دریایی شمال منطقه ۴ ضمن عرض خوشامدگویی مطالب ارزشمندی به شرح زیر ایراد کرد:

ایران یک کشور دریایی است و به نیروی دریایی باید با دید راهبردی نگاه کرد. یک‌چهارم مرزهای کشور آبی هستند. ناوگان منطقه شمال کشور ضمن حفاظت از خطوط مواصلاتی امنیت را هم ایجاد می‌کند. دریای خزر تحت قوانین داخلی ۵ کشور قرار می‌گیرد. وسعت این دریا ۳۷۶۰۰۰ کیلومتر است که به سه بخش شمالی، میانی و جنوبی تقسیم می‌شود. میانگین عمق ۲۷۵ متر و در بخش جنوبی ۷۵۰ متر است. همه کشورهای همجوار خزر خواهان تأمین منافع خود (در سطح، بستر و عمق دریا) هستند. مرزی از استارا تا خلیج حسینقلی در حوزه اختیارات ایران است. فقط با قدرت دریایی می‌توان با اقتدار امتیازات منابع دریا را به دست آورد. دریای خزر را دریای صلح می‌نامیم.

در ادامه، جناب ناخدا یکم طاهری فرمانده نیروی دریایی شمال، مباحثی به شرح زیر بیان داشت:

در اوایل سال ۱۳۸۲ نیروی دریایی ملزم به ایجاد ناوگان عملیاتی در منطقه ۳ و مجتمع کشتی‌سازی شهید تمجدی وابسته به نیروی دریایی شد و توانستیم با اتکا به رویکرد دانش، صنعت و تجربه داخلی محور ساخت یگان‌های رزمی را در شمال برپا کنیم. قدرت دریا وابسته به مؤلفه‌های مختلف است، از جمله حضور ناوگان تجاری، صنایع وابسته به دریا و دانشگاه وابسته به صنایع دریایی.

ما برای سالیان طولانی، جایگاه و حضور گسترده در دریای خزر نداشتیم و حضورمان فقط محدود به تأمین معاش ماهی گیران بود. در مورد حاکمیت ایران درصددی خاصی در گذشته و حال نداشتیم. همجواری باعث می‌شود که بگوییم مرز دریایی چقدر است. حاکمیت تحت مجاورت کشورهای دیگر بیشتر است. در آخرین اجلاس، کشورها در ۲۴ بند به توافق رسیدند، از جمله تقسیم آب‌های ملی، آب‌های ماهی‌گیری و آب‌های مشترک‌المنافع، مواردی مانند:

۱. احترام به حاکمیت مرزی همه کشورهای همجوار دریا؛
 ۲. استفاده از دریای خزر به‌عنوان منطقه صلح؛
 ۳. رعایت تدابیر اعتمادساز در زمینه نظامی (بر طبق کنوانسیون قبلی کشورها نباید در رزمایش از کشور ثالث استفاده کنند).
- حضور یگان نظامی به خاطر برقراری امنیت دریانوردی و اقتدار است. اگر کوتاهی کنیم ضعف در امنیت ملی کشور است. ما در پی ضرورت به کارگیری این تجهیزات نظامی گسترده نیستیم، بلکه رویکرد بازدارنده است. ما در مجموعه نظامی با حفظ توازن و رزم، در مقابل بیگانه بازدارندگی داریم. طبق کنوانسیون فقط در حد ایجاد امنیت در مرزهای

گونه‌های مهاجم مانند آژولوا سنبل آبی. این عوامل باعث عدم تعادل در هرم اکولوژیک شده‌اند.

تالاب سلک (به آبگیر یا استخر در گویش محلی سیل گفته می‌شود) بخشی از تالاب انزلی است که در سال‌های اخیر توسط «آژانس همکاری‌های بین‌المللی ژاپن (JICA)» احیا شده است. در این تالاب سه نوع پرندۀ بومی، زمستان‌گذران و پرستوی دریایی وجود دارد. می‌توان این تالاب را به‌عنوان نخستین سایت پرندۀگری ایران هم معرفی کرد، چرا که علاوه بر بر جک پرندۀگری‌اش که مشرف به تالاب است، یک مسیر مناسب برای پیاده‌روی در حاشیۀ تالاب هم دارد.



جلسۀ مشترک اعضای اتحادیۀ سرگروه‌های آموزشی و انجمن جغرافیای تهران

در این جلسه که بعد از صرف شام در هتل سبلان با حضور اعضای اتحادیه، سرگروه‌ها و مسئولان انجمن‌های برخی از استان‌ها و شهرستان‌ها برگزار شد، ابتدا جناب آقای دکتر میرزایی (رئیس انجمن تهران و انجمن ایران) به معرفی انجمن‌های استانی و اتحادیه و چگونگی تشکیل و اهداف آن به شرح زیر پرداخت: زمان تأسیس اتحادیه اردیبهشت ماه سال جاری بود و در تابستان، اولین مجمع عمومی با حضور همکارانی از انجمن چند استان و نماینده وزارت در تهران برگزار و با آرای حاضران، آقای میرزایی به میزبانی انجمن تهران انتخاب شد. در خصوص ثبت شرکتی اتحادیه، رایزنی‌های لازم انجام شده است که به خواست خدا تا پایان سال ثبت خواهد شد.

هدف از تشکیل این جلسه هم‌فکری در زمینه حضور همکاران از جمله سرگروه‌های آموزشی در انجمن است که در راستای یک هدف پیش می‌رویم، با این تفاوت که گروه‌های اجرایی قوانین و کارهای اداری و دولتی را انجام می‌دهند. ما خواستار ارتباط بیشتر با گروه‌های آموزشی و عضویت همکاران سرگروه در انجمن‌ها هستیم، چرا که این ارتباطات از مجرای مدرسه و گروه‌ها شکل می‌گیرد.

برای اعضا کارت عضویت صادر می‌شود تا بتوانیم تخفیفات خاصی در برنامه‌های انجمن برای ایشان داشته باشیم.

مشکلات مختلفی مربوط به آموزش جغرافیا از جمله کمبود نیروی متخصص جذب‌شده در آموزش و پرورش وجود دارد که باید اقداماتی را در جهت حفظ و ارتقای کیان علم جغرافیا انجام دهیم. انجمن‌ها باید



بازدید از ناو موشک‌انداز حمزه در اسکله نظامی شهید تمجیدی

ضمن عرض خوشامدگویی و پذیرایی کارکنان ناو از همکاران، ناخدا نیک ضمیر ضمن تأکید بر این مسئله که قصد جنگ نداریم، اما اگر کشوری قصد تجاوز داشته باشد دفاع می‌کنیم، توضیحاتی را در مورد ناو و نحوه کارایی ناوشکن ارائه داد و چنین گفت: در سال ۱۳۱۷ در کشور هلند ساخته و به پهلوئی اول اهدا شده بود. در سال ۱۳۳۵ توسط متخصصان ژنو و در سال ۱۳۶۵ توسط ایران بازسازی و تعمیر شده است. در حال حاضر ۴ ناوشکن موشک‌انداز و ۱۰ ناو کوچک نظامی داریم.



بازدید از پناهگاه حیات وحش تالاب سلک

بعد از ظهر روز پنجشنبه، همکاران برای بازدید از تالاب سلک آماده شدند. این تالاب با وسعت ۲۰ هزار هکتار بر اساس کنوانسیون رامسر جزء مناطق حفاظت‌شده بود که در سال‌های اخیر بیش از ۵ هزار هکتار از مساحت آن خشک شده و عمق آن از ۶ متر به کمتر از ۱ متر رسیده است و اکنون در ردیف تالاب‌های در حال انقراض کنوانسیون مونتنگرو قرار دارد.

عوامل اصلی تخریب تالاب عبارت‌اند از: فرسایش و رسوب‌گذاری، ورود فاضلاب‌ها و پسماندها، شکار و صید بی‌رویه، تصرفات، ورود

بازدید از موزه میراث روستایی گیلان

آخرین محل بازدید، روز جمعه ۴ آبان ماههنگی مسئول محترم انجمن معلمان جغرافیای گیلان، موزه‌ای به نام «میراث روستایی گیلان» در مسیر آزادراه رشت- قزوین بود.

موزه‌های روستایی تصاویری از زندگی سنتی‌اند و مانع گسست نسل‌ها می‌شوند و فضایی را فراهم می‌کنند تا مردمان هر سرزمین با گذشته زندگی پدران خود آشنا شوند.

اندیشه ایجاد موزه مذکور برای نخستین بار در سال ۱۳۶۹ پس از زمین‌لرزه گیلان- زنجان از سوی دکتر محمود طالقانی با هدف حفظ و صیانت از نوع معماری، سبک زندگی، حمایت مادی و معنوی از صنایع دستی و میراث ارزشمند روستایی در گیلان، در پارک جنگلی سراوان ایجاد شد.

در ساخت این موزه، علاوه بر شناسایی، به واچینی و دوباره‌چینی گونه‌های معماری روستایی به میراث معنوی گیلان نیز توجه خاص شده است. تعدادی از بناهای روستاهای مختلف به این مکان منتقل شده‌اند و در حفظ اصالت کالبد و روح حاکم بر آن نهایت تلاش انجام شده است.

مساحت سایت بالغ بر ۲۶۳ هکتار و مجموعه موزه آن حدود ۴۵ هکتار است.

تاکنون ۶ روستا مربوط به ۶ حوزه فرهنگی و معماری گیلان که شامل ۲۳ مجموعه مسکونی (۷۸ بنای مسکونی) و ۶ قهوه‌خانه سنتی، ۱ مدرسه، ۱ کارگاه آهنگری، ۱ مدرسه و ۱ کوره ذغال‌گیری بازسازی و بازچینی شده‌اند. در این موزه بی‌نظیر، صنایع دستی، غذاهای سنتی و نوع پوشش گیلانی را که آمیزه‌ای از ذوق و طبیعت است، می‌توان مشاهده و روح زندگی را احساس کرد.



در پایان، آقای میرزایی ضمن تشکر از همکاری صمیمانه ستاد نیروی دریایی به خصوص امیر سلیمی پناه، ناخدا کریمی و ناخدا نیک‌ضمیر و همکاران ایشان در منطقه چهارم نیرو، ناخدا طاهری، ناخدا سلیمانی، ناخدا رئیس‌سی، ناخدا زیرک‌زاده و ناخدا رحمانی، از انجمن گیلان برای بازدید از پناهگاه حیات وحش سلکه و موزه میراث روستایی و از سرکار خانم نجفی، رئیس انجمن گیلان، قدردانی و تشکر کرد.

به دنبال کارهای صنفی باشند، لذا درصددیم اساسنامه صنفی جغرافیا را تدوین کنیم و وجه خاصی برای آن قائل شویم و در راستای تعالی جغرافیا تلاش کنیم.

در این مدت اعضای هیئت مدیره اتحادیه نشست‌هایی در تهران، ساری، قزوین داشته‌اند (و در آبان‌ماه در بجنورد خواهد بود). تاکنون هیچ کمک مالی به انجمن نشده است. باید حق عضویت پرداخته شود. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های انجمن معلمان جغرافیای تهران، برگزاری اولین همایش ملی در سال گذشته با عنوان «آموزش جغرافیا با رویکرد دریا پایه» و در دی‌ماه امسال دومین همایش ملی با عنوان «آموزش جغرافیا در مدارس کشور با رویکرد محیط زیست در کتاب‌های درسی» است که موفق شده‌ایم مجوز و لگوی ارزشمند کرسی یونسکو را کسب کنیم.

همکاران محترم حاضر در جلسه، ضمن تشکر و قدردانی از جناب سیادت‌ی و میرزایی از برگزاری بازدید علمی و جلسه هم‌اندیشی، مباحثی را به شرح زیر مطرح کردند:

• انتقال موضوع همایش دی ماه و عناوین آن به دانش‌آموزان (تا زمینه تحقیق و حضور آن‌ها فراهم شود)؛

• عضوگیری از طریق حضور در جلسات گروه‌های آموزشی؛

• برگزاری همایش‌ها و نشست‌های مشترک علمی- آموزشی بین گروه آموزشی و انجمن در استان‌ها؛

• جلب توجه و زمینه‌سازی جهت حضور مدیران در نشست‌ها و همایش‌های جغرافیا؛

• تغییر نگرش همکاران رشته‌های دیگر و مدیران نسبت به جغرافیا؛

• عضویت همکاران در کانال و گروه فضای مجازی برای دسترسی بهتر و سریع‌تر به اطلاعیه‌ها و برنامه‌های انجمن و اتحادیه؛

• تلاش در جهت شناخت انجمن‌ها توسط همکاران و شرح فعالیت‌های آن‌ها؛

• بررسی راهکارهای افزایش و ارتقای سطح علمی- آموزشی دبیران جغرافیا؛

• بازخورد مشکلات آموزش جغرافیا از جمله کاهش ساعت تدریس جغرافیا، کمبود دبیر تخصصی و عدم واگذاری اولویت تدریس درس انسان و محیط زیست به دبیران جغرافیا که در سال گذشته باعث بروز مشکلات فراوان شد؛

• تشریح مساعی بین دبیران متوسطه یک و دو و دانشگاه.



● مجله جغرافیا

Journal of Geography
Vol. 118, 2019, Issue. 2



فهرست مقالات شماره ۲ از دوره ۱۱۸ سال ۲۰۱۹ مجله جغرافیا^۲ به ترتیب زیر است:
 ادراکات دانشجویان از مشارکتشان با استفاده از نقشه‌های GIS / اسوهی ای. اکیبور و

الن جی. فوستر

دانشجو معلمان جغرافیا تحت تعلیم تفکر سیستمی و یادگیری اشتراکی در آموزش محیطزیست / شالک راس و آنت

هی

آموزش تقسیم دیجیتال / بارنی وارف

شایستگی‌های جغرافیا: تغییرات ایالتی و منطقه‌ای در فرصت‌های رسمی برای یادگیری جغرافیا در ایالات متحده، ۱۵-۲۰۰۵ / مارک سی جونز و مارکوس لونا

● مجله جغرافیا در آموزش عالی

Journal of Geography in Higher Education
Vol. 43, 2019, Issue. 1



فهرست مقالات شماره ۱ از دوره ۴۳ سال ۲۰۱۹ مجله جغرافیا در آموزش عالی^۵ به

ترتیب زیر است:

تکامل برنامه‌ها و سرفصل‌های درسی - چالش‌های جغرافیای طبیعی / جان لوین و کنت جی. گریگوری
 بهبود فرایندهای یادگیری جغرافیای طبیعی از طریق استفاده از عکس‌های چشم‌انداز در کلاس / پابلو فریلی - جورادو

شبیه‌سازی منابع انرژی و آب برای دانشجویان کارشناسی جغرافیا در ایالات متحده / میچل پییز و دیگران

داستان‌پردازان کجا هستند؟ تلاشی برای مسحور ساختن (دوباره) جغرافیا از طریق نوشتن به‌عنوان روش / کاترین برلینگر

تجارب میدانی دانشجو: طراحی برای مدرسان مختلف و آب‌وهوای متغیر / آلیسون ژولی و دیگران

تبدیل یک کلاس سخنرانی بزرگ به یک کلاس یادگیری ترکیبی فعال: چرا، چگونه و آنچه ما آموخته‌ایم / آنه گادلوسکا و دیگران

چه مربیگری برای من مهم است؟ / دیوید کاپلان

منابع جغرافیایی

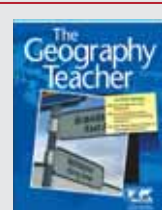
● دکتر سیدمهدی موسی کاظمی

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور

● تازه‌های مجلات

● معلم جغرافیا

The Geography Teacher
Vol. 16, 2019, Issue. 1



فهرست مقالات شماره ۱ از دوره ۱۶ سال

۲۰۱۹ مجله معلم جغرافیا^۱ به ترتیب زیر است:

ژنو کمپ شورای ملی آموزش جغرافیای ایسلند.

کاوش در چشم‌اندازهای در حال تغییر و محیط‌های متنوع

در ایسلند / روبرت دلیو. موریل و ژاکلین ال. ویت

استفاده از حس مکان در کلاس درس / دین بوتزو

انرژی: انواع، ارزیابی، حفاظت / جسیکا زلوکی پالا

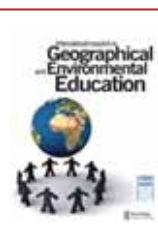
تحلیل رفتن جهان / لورا پرایس

آموزش جغرافیا
Geographical Education
Vol. 31, 2018



فهرست مقالات دوره ۳۱ سال ۲۰۱۸ مجله آموزش جغرافیا^۱ به ترتیب زیر است:
سخن سردبیران: سنجش در جغرافیا/ رودلین و تری بروک
گزارش سالانه ۲۰۱۸ رئیس انجمن معلمان جغرافیای استرالیا/ تریس داگلاس
چارچوب و روش شناسی سنجش برای مطالعه بین المللی روندها در سنجش جغرافیا/ میچل سالم و دیگران
اقدام پژوهی مشارکتی: ابزاری برای ارتقای سنجش مؤثر و ایجاد دانش محتوایی آموزشی معلمان جغرافیای متوسطه/ رود لین و سوزان کالديس
آموزش جغرافیایی که مهم است - بحث انتقادی از اعتبار پیامدی در سنجش جغرافیای مدارس/ چو هونگ چانگ و تریشیا سی او
تأثیر آزمون های ملی در تمرین های سنجشی معلمان جغرافیا در هلند/ اریک بیچ استربوش

تحقیقات بین المللی در آموزش جغرافیا و محیط زیست
International Research in Geographical and Environmental Education
Vol. 28, 2019, Issue 1



مقالات شماره ۱ از دوره ۲۸ سال ۲۰۱۹ مجله تحقیقات بین المللی در آموزش جغرافیا و محیط زیست^۲ به ترتیب زیر است:
برنامه درسی، فن تعلیم و ارزیابی در آموزش جغرافیا - برای چه کسی و برای چه هدفی؟/ چيو- هونگ چانگ و جیلان کیدمن
تفکر ارتباطی جغرافیایی دانشجویان هنگام حل اسرار/ جان کارک و دیجک و دیگران
سنجش در آموزش جغرافیا/ لوید لین و تری بورکه
تفکر سیستمی در جغرافیا: آیا دانش آموزان دبیرستان می توانند آن را انجام دهند؟/ مار جولین کاکس و دیگران
مشارکت شهروندی به عنوان یک عامل کلیدی برای موفقیت سیاست های آموزشی عمومی در کاهش تغییرات اقلیمی در سنگاپور/ اندی وای
دانش جغرافیایی قدرتمند، دانش انتقادی است که بر پایه واقع گرایی انتقادی باشد/ جان هاگل

جی - ری دینگ؛ مجله پژوهش و فنون تعلیم در جغرافیا



J-Reading
Journal of Research and Didactics
in Geography
Vol. 7, 2018, Issue. 2

فهرست مقالات شماره ۲ از دوره ۷ سال ۲۰۱۸ مجله جی - ری دینگ؛ مجله پژوهش و فنون تعلیم در جغرافیا^۳ به ترتیب زیر است:
قدرت GIS/ جک دنجرموند و کریسیانو پارسا
بازآفرینی شهری؛ استفاده از تحلیل فضایی چندمعیاره برای توسعه مجدد سربازخانه های نظامی در مرکز تاریخی پیزا/ لویزا سانتینی و دیگران
نقش داده های جغرافیایی و داده های مکانی باز در چارچوب دولت باز در عملیات مدیریت بلایا: موقعیت اضطراری زلزله مرکز ایتالیا در سال ۲۰۱۶/ پیر لویجی کارا
روش GIS برای ارزیابی رابطه بین دوره ساخت و ساز و نتایج انطباق با استانداردهای ایمنی ساختمان. مورد زلزله ۲۰۰۹ لاگوایلا، مرکز ایتالیا/ کریستیانو پارسا و دیگو گالینلی
استفاده از فناوری GIS برای طراحی نواحی روستایی با انرژی بیوماس/ ایلاریا زامبون
استفاده از GIS در باستان شناسی شهری اینا (سیسیل)؛ ارائه یک مدل پیش بینی احتمالی باستان شناسی/ روسلا نیکولتی
دوره میانی سینی (ایتالیا، جنوب باسیلیکانا)؛ تحلیل قابلیت دید سایت های مستحکم قرون وسطایی (قرون ۱۱ تا ۱۴ میلادی)/ والنتنو ویتال
لایه جدید میکروزون های ایستات: راه جدید برای خواندن آمار پوشش زمین/ استفانو موگنولی و دیگران

● ساماندهی و مدیریت سیاسی فضا در ایران



اداره بهینه امور سرزمین و ملت، اعمال سیاست‌ها، دیدگاه‌ها و ارزش‌های نظام سیاسی، کارکرد امنیتی، حقوقی و فضایی، کارکرد انتخاباتی، کارکرد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و کارکردهای بین‌المللی و فراملی به نحوه آمایش و ساماندهی سیاسی فضای کشور از مقیاس ملی تا محلی وابسته است. کتاب **ساماندهی و مدیریت سیاسی فضا در ایران** در دو بخش به چگونگی سازمان سیاسی فضا و اشکال و فرایندهای آن و به مدیریت سیاسی اشکال و فرایندهای موجود اختصاص یافته است. نویسندگان با تدوین این کتاب، بخشی از خلاء موجود در این حوزه را پوشش می‌دهند؛ کتاب **ساماندهی و مدیریت سیاسی فضا در ایران** تألیف دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، دکتر زهرا احمدی‌پور و دکتر ابراهیم رومینا (اعضای هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس) در سال ۱۳۹۷ توسط انتشارات سمت در ۲۲۸ صفحه منتشر شده است. عناوین دو بخش و فصل‌های کتاب به ترتیب زیر هستند:

- بخش اول: ساماندهی سیاسی فضا
- فصل اول: مفاهیم پایه در ساماندهی سیاسی فضا
- فصل دوم: پیشینه سازمان‌دهی و مدیریت سیاسی فضا در ایران
- فصل سوم: عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری در ایران
- فصل چهارم: عوامل مؤثر بر سازمان‌دهی سیاسی فضا در ایران
- فصل پنجم: مراحل سازمان‌دهی سیاسی فضا در ایران
- فصل ششم: نیروهای تأثیرگذار بر فرایند سازمان‌دهی سیاسی فضا
- فصل هفتم: سازمان‌دهی سیاسی فضای شهری در ایران
- فصل هشتم: ساماندهی سیاسی فضای انتخاباتی
- بخش دوم: مدیریت سیاسی فضا
- فصل نهم: سطوح مدیریت سیاسی فضا
- فصل دهم: وظایف سطوح مدیریت سیاسی فضا
- فصل یازدهم: پیشنهاد الگوی بهینه سازمان حکومت و دولت برای

ایران

● کاربرد تحلیل شبکه GIS در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری



با اطمینان می‌توان گفت که GIS مقوله‌ای است جدیدتر و کامل‌تر از هر آنچه تا به حال در علوم جغرافیایی عرضه شده است. از سوی دیگر، حرکت، عامل اصلی پویایی زندگی شهری و تداوم‌بخش کلیه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در سطح شهرهاست. با توجه به پیچیده‌تر شدن محیط‌های شهری و گسترش روزافزون استفاده از سیستم‌های حمل‌ونقل، ازدیاد تقاضای سفرها، حجم بالای تردهای صورت‌پذیرفته و... نیاز به استفاده از تحلیل شبکه GIS به‌منظور تلفیق اطلاعات لازم در حوزه حمل‌ونقل را دوچندان می‌کند. کتاب حاضر را می‌توان نمونه‌ای منحصر به فرد از تئوری‌ها و تمرین‌های کاربردی تحلیل شبکه GIS در زمینه یافتن بهترین و نزدیک‌ترین مراکز خدمات‌رسانی، برآورد و محاسبه میزان دسترسی، تعیین نواحی خدمات‌رسانی بر اساس فاصله زمانی، آنالیز ماتریس فاصله مبدأ - مقصد و... دانست. کتاب **کاربرد تحلیل شبکه GIS در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری** تألیف دکتر مسعود مینایی (عضو هیئت‌علمی دانشگاه فردوسی مشهد)، مهدی بازرگان و هارون هدایت در سال ۱۳۹۷ توسط انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد در ۲۷۲ صفحه منتشر شده است. عناوین فصل‌های کتاب به ترتیب زیر است:

- مقدمه
- فصل اول: درآمدی بر نقش سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی در حمل‌ونقل
- فصل دوم: طراحی و پیکربندی شبکه حمل‌ونقل شهری در GIS
- فصل سوم: الگوریتم‌های مسیریابی و آنالیز بهترین مسیر
- فصل چهارم: تحلیل فضایی پوشش‌دهی خدمات
- فصل پنجم: مدل‌سازی تحلیل مسیر
- فصل ششم: مکان‌گزینی مراکز خدماتی با استفاده از مدل مکان - تخصیص



تدریس جغرافیا در مدارس متوسطه

ویرایش مکی اسمیت

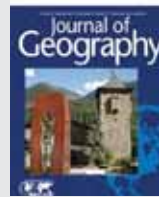
چاپ نخست: ۲۰۰۲

چاپ دوم: ۲۰۰۵

ترجمه: دکتر عادل سلیمانی، مدرس دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه و دانش‌آموخته دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی تهران
انتشارات روتلیج فالمر

و سایر معلمان علاقه‌مند به علوم جغرافیایی فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد علی‌رغم محتوای متنوع و غنی این کتاب، فقدان مطالب مربوط به درس‌پژوهی در علم جغرافیا و الگوهای فعال تدریس در این حوزه و عدم ارائه شایستگی‌های تخصصی لازم برای تدریس جغرافیا، از جمله نقدهای وارد بر کتاب حاضر تلقی شوند. در نهایت، مطالعه این کتاب ارزشمند به محققان و پژوهشگران دانشگاه فرهنگیان توصیه می‌شود.

اطلس بزرگ ایران و جهان Great Atlas of Iran & the World



نخستین اطلس بزرگ ایران و جهان با عنوان *Great Atlas of Iran & the World* اثری دیگر از استاد محمدرضا سبحان و مهندس امیرعباس سبحان با اختصاص ۱۶ صفحه ویژه ایران در آلمان به چاپ رسیده است. این اطلس هم‌زمان با بزرگداشت زنده‌یاد استاد عباس سبحان بنیان‌گذار مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سبحان و پدر دانش کارتوگرافی ایران (۹ اردیبهشت ۱۳۹۷)، توسط مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سبحان رونمایی شد. این اطلس انگلیسی‌زبان، هم‌زمان با چاپ سایر زبان‌های فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، هلندی و غیره (جمعاً ۲۱ زبان) وارد عرصه کتاب و کتاب‌خوانی شد. در تمامی نقشه‌های منطقه خاورمیانه و جهان، نام صحیح «خلیج فارس» به زبان‌های مختلف درج شده است.

تخصیص ۱۶ صفحه نقشه‌های مختلف جغرافیایی عمومی، راه‌ها، اقتصادی (صنایع و معادن، کشاورزی و دام‌پروری)، آب و هوا، پراکندگی و تراکم جمعیت و... از ایران و همچنین یکایک کشورهای جهان، مجموعه کاملی را به‌عنوان یک کتاب مرجع برای مطالعه جغرافیای ایران و جهان در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. این اطلس که به‌عنوان یک کتاب مرجع از منابع معتبر جغرافیایی جهان به‌شمار می‌رود، با نقشه‌های مفصل تمامی کشورهای جهان همراه با نام «خلیج فارس» در تمامی نقشه‌های جهان و منطقه خاورمیانه جمعاً ۳۳۵ صفحه در قطع رحلی بزرگ با کیفیت ممتاز همراه با نمایه یکایک اسامی جغرافیایی به چاپ رسیده و جامع‌ترین منبع برای دانشگاهیان، فرهنگیان، دانشجویان و محققان، مراکز علمی، پژوهشی و اقتصادی و همه مدیران دولتی و خصوصی شرکت‌ها، مؤسسات، تجار و بازرگانان است.

پی‌نوشت‌ها

1. <https://www.tandfonline.com/toc/rget20/16/1?nav=toCList>
2. <https://www.tandfonline.com/toc/rjog20/118/2?nav=toCList>
3. <https://www.j-teading.org/index.php/geography/issue/view/15>
4. <http://rigeo.org/volume-8-number-3winter-2018/>
5. <https://www.tandfonline.com/toc/cjgh20/43/1?nav=toCList>
6. <https://www.tandfonline.com/toc/rgee20/28/1?nav=toCList>
7. <http://www.agta.asn.au/Resources/GeographicalEducation/geoged-x31-2018.php>

این کتاب مجموع مقالاتی است که مکی اسمیت (مدرس دانشگاه این انگلستان و مدیر دوره‌های آموزش جغرافیای سیال و منعطف این دانشگاه) از محققان و پژوهشگران توانمند و مختلف گردآوری و ویرایش کرده و در قالب کتابی ارزشمند، تقدیم مخاطبان حوزه تعلیم و تربیت کرده است. کتاب تدریس جغرافیا در مدارس متوسطه، چهار بخش و ۲۳ عنوان را در بر می‌گیرد. بخش اول این کتاب به بحث جغرافیا در برنامه درسی مدرسه می‌پردازد و مطالبی در خصوص تغییرات علم جغرافیا و چالش‌های آن، جغرافیای مدرسه در انگلستان، سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات تغییر برنامه درسی و در نهایت، تأسیس مدارس جغرافیایی را در بر می‌گیرد.

بخش دوم این کتاب به بحث جغرافیا در کلاس و خارج از کلاس می‌پردازد. در ذیل این بخش، مفاهیمی نظیر رویکرد مبتنی بر تحقیق در تدریس و یادگیری جغرافیا، برنامه‌ریزی درسی و بسط دوره‌ها به‌عنوان ابزار ارزیابی حرفه‌ای، تداوم و پیشرفت، سبک‌های تدریس و استراتژی‌های آن، تعاریف در تدریس و یادگیری جغرافیا، کاربرد سنجش و ارزیابی برای حمایت یادگیری، دستیابی به موفقیت در جغرافیا، چشم‌اندازها و مشکلات، مباحثی در فناوری اطلاعات و ارتباطات و جغرافیا، فعالیت‌های میدانی در برنامه درسی جغرافیا، قلمرو در جغرافیا و در نهایت، زبان و یادگیری در جغرافیا تشریح شده است. عناوینی نظیر پروژه چشم‌اندازهای جغرافیا، تغییرات محیطی و توسعه پایدار، آموزش شهروندان و جغرافیا، به‌سوی جغرافیای انتقادی در مدرسه، مباحث جغرافیا در عصر جهانی‌سازی نیز در بخش سوم این کتاب، تحت عنوان جغرافیا برای قرن ۲۱ مطرح شده است.

بخش چهارم یا در واقع بخش آخر این کتاب، پژوهش، جغرافیا و توسعه حرفه‌ای را تشریح کرده و به نقش پژوهش در حمایت از تدریس و یادگیری پرداخته است. همچنین در این بخش، از درک چگونگی یادگیری معلمان جغرافیا در شغل خود به‌عنوان شاخصی مهم در توسعه حرفه‌ای آنان یاد شده است و در نهایت، اقدام‌پژوهی را به مثابه ابزاری حرفه‌ای برای بهبود آموزش جغرافیا مورد بررسی قرار داده است.

در واقع، کتاب تدریس جغرافیا در مدارس متوسطه به معرفی و کوش حوزه‌های گسترده از مباحث امروزی و ایده‌های کلیدی برای فراهم کردن بستری مفید برای تدریس و آموزش موضوعات هیجان‌برانگیز اشاره دارد. این کتاب به تبیین و بررسی تصویر بزرگ‌تری از آموزش جغرافیایی مربوط می‌شود. کتاب مذکور مجموعه مقالاتی است که توسط مربیان با تجربه حوزه مسائل مربوط به تدریس و برنامه درسی ملی نگاشته شده است و منابع ارزشمندی را برای مطالعه و تأمل دانشجومعلمان، اساتید



عمان

سعیدبختیاری

انتشارات جغرافیایی و کار توگرافی گیتاشناسی نوین

نام رسمی: عمان

نام محلی: سلطنة عمان

اسامی دیگر: مسقط و عمان (نام سابق)

نام بین‌المللی: عمان OMAN

کشور عمان با مساحت ۳۰۹۵۰۰ کیلومترمربع (هفتادمین کشور جهان) در جنوب‌غربی آسیا جای دارد. از شمال به تنگه هرمز و امارات متحده عربی، از شمال خاوری به دریای عمان، از خاور و جنوب به دریای عرب (اقیانوس هند) و از غرب به یمن، عربستان و امارات متحده عربی محدود است. با ۱۸۶۰ کیلومتر خط ساحلی از موقعیت استراتژیکی مهمی برخوردار است. برون‌بوم کوچکی از شمال شبه‌جزیره مسندم نیز متعلق به عمان است که امارات متحده عربی بین این برون‌بوم و سرزمین اصلی فاصله انداخته است.

آب‌وهوا: اقلیم کوهستان‌های شمال و جنوب‌غربی، گرم و مرطوب و در نواحی مرکزی و بیابان ربع‌الخالی گرم و خشک و کم‌باران است و به همین مناسبت رودخانه‌های آن عمدتاً فصلی هستند و نسیم اقیانوس به اعتدال هوای آن کمک می‌کند. ناحیه ظفار تنها منطقه موجود در شبه‌جزیره عربستان است که تابستان‌ها بادهای موسمی در آن می‌وزد. عمان سرزمینی است نیمه کوهستانی که بیابان ربع‌الخالی بخش وسیعی از آن را فراگرفته و کوه‌های جبل اخضر در شمال آن واقع‌اند و کوه‌های حضرموت در جنوب غربی، آن را از کشور یمن جدا می‌کند و بلندترین نقطه آن به نام کوه شام ۳۰۳۵ متر ارتفاع دارد.

جمعیت: براساس آمار سال ۲۰۱۸، جمعیت عمان ۴،۵۹۰،۴۰۴ نفر (صد و بیست و چهارمین کشور جهان) است که ۷۷/۲ درصد ساکن شهرها و ۲۲/۸ درصد ساکن روستاها هستند (۲۰۱۴). تراکم جمعیت در این کشور ۱۵ نفر در هر کیلومترمربع است.

توزیع سنی: طبق آمار سال ۲۰۱۴، ۳۰/۲ درصد افراد زیر ۱۵ سال، ۳۰/۲ درصد بین ۱۵ تا ۲۹ سال، ۲۵/۲ درصد بین ۳۰ تا ۴۴ سال، ۹/۳ درصد بین ۴۵ تا ۵۹ سال، ۴ درصد بین ۶۰ تا ۷۴ سال، ۰/۹ درصد بین ۷۵ تا ۸۴ سال و ۰/۲ درصد نیز بیش از ۸۵ سال سن دارند. امید به زندگی در هنگام تولد برای مردان ۷۳/۳ سال و برای زنان ۷۷/۲ سال (۲۰۱۴) بوده است.

تولد و مرگ‌ومیر: طبق آمار سال ۲۰۱۴، میزان تولد ۲۴/۴ نفر در هر هزار نفر، میزان مرگ‌ومیر ۳/۴ نفر در هر هزار نفر و میزان مرگ‌ومیر کودکان نیز ۱۴/۵ نفر در هر هزار تولد بوده است.

ترکیب نژادی: در سال ۲۰۰۱، حدود ۴۸/۱ درصد جمعیت کشور از نژاد عرب عمانی، ۳۱/۷ درصد هند و پاکستانی و ۲/۲ درصد از بقیه نژادها بوده‌اند.

مذهب و زبان: براساس اطلاعات سال ۲۰۰۵، ۸۹ درصد مردم عمان مسلمان (اسلام دین رسمی)، ۵ درصد هندو، ۵ درصد مسیحی و ۱ درصد از سایر ادیان بوده‌اند. زبان رایج عمان، عربی (زبان رسمی)، فارسی و اردو است که با خط عربی نوشته می‌شود.

پایتخت: شهر مسقط با ۱۰۵،۰۰۰ نفر جمعیت با (حومه ۷۸۹،۰۰۰ نفر) (۲۰۱۴) پایتخت کشور عمان است و دیگر شهرهای مهم آن عبارت‌اند از: بوشر (۳۷۰،۰۰۰)، سیب (۳۲۸،۰۰۰) و مطرح (۲۲۴،۲۱۳) نفر.

نوع حکومت: سلطنتی مطلقه با دو مجلس مشورتی انتصابی است. رئیس حکومت و رئیس دولت، پادشاه؛ سلطان قابوس بن سعید از سال ۱۹۷۰ است. قوه مقننه از یک مجلس شورا که تنها نقش مشورتی دارد با ۸۲ عضو به مدت ۳ سال و مجلس دولتی با ۴۱ عضو انتصابی پادشاه تشکیل شده است. هیچ حزب سیاسی در این کشور فعالیت ندارد. روز استقلال عمان، قدمت تاریخی دارد و روز ملی آن، هجدهم نوامبر، روز تولد پادشاه است.

عمان در سال ۱۹۷۱ به عضویت سازمان ملل متحد در آمد و علاوه بر آن در این سازمان‌ها نیز عضویت دارد: کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (UNCTAD)، صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF)، سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) (IBRD)، سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ICAO)، انجمن بین‌المللی توسعه (IDA)، بنگاه مالی بین‌المللی (IFC)، سازمان بین‌المللی کار (ILO)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، سازمان بین‌المللی کشتی‌رانی (IMO)، اتحادیه بین‌المللی مخابرات راه دور (ITU)، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO)، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO) اتحادیه جهانی پست (UPU)، سازمان جهانی بهداشت (WHO)، سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO)، سازمان جهانی هواشناسی (WMO)،

سازمان تجارت جهانی (WTO)، شورای همکاری خلیج فارس، بانک توسعه اسلامی (IDB)، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی (ICO).

کشاورزی و صنایع: محصولات عمده این کشور (۲۰۱۲) عبارتند از: گوجه‌فرنگی، خرما، موز، ذرت خوشه‌ای، فلفل، بادمجان، انبه، جوز هندی، لیموشیرین، لیموترش، بامیه و تنباکو. مهم‌ترین محصولات صنعتی آن نیز (۲۰۱۰): فراورده‌های نفتی، فراورده‌های شیمیایی، سیمان، آجر، سرامیک، فلزات اساسی، مصنوعات فلزی، فراورده‌های غذایی و نوشیدنی بوده است.

در سال ۲۰۱۱، عمان ۲٪ درصد اراضی کشاورزی، ۵/۵ درصد مرتع و چمنزار و ۱٪ درصد جنگل داشته است. دام‌های زنده آن در سال ۲۰۱۳، شامل بز، گوسفند، گاو و شتر بوده و میزان صید ماهی آن نیز معادل ۱۹۱،۷۳۱ تن برآورده شده است.

همچنین در این کشور حدود ۲۴۳۶۵ میلیون کیلووات ساعت برق تولید و ۲۱۳۵۴ میلیون کیلووات ساعت برق مصرف شده است (۲۰۱۱).

نیروی کار: طبق آمار سال ۲۰۰۹، تعداد نیروی کار ۱،۰۸۵،۶۰۰ نفر بوده است. شاغلان بالای ۱۵ سال در بین زنان ۲۰/۵ درصد، مردان ۶۴/۱ درصد و ۱۵ درصد نیز افراد بیکار بوده‌اند (۲۰۰۴).

واحد پول: ریال عمان (RO) معادل ۱۰۰۰ بیضا و هر ریال عمان معادل ۱۰۹،۲۳۴ ریال ایران است.

درآمد ناخالص ملی: در سال ۲۰۱۲، درآمد ناخالص ملی عمان به ۸۳۶۸۶ میلیون دلار آمریکا رسید و میزان سرانه آن حدود ۲۵۲۵۰ دلار آمریکا بود.

واردات: کشور عمان در سال ۲۰۱۳، حدود ۱/۱ میلیارد ریال عمان کالا عمدتاً شامل فراورده‌های معدنی (۲۷/۵ درصد)، تجهیزات حمل‌ونقل (۱۸ درصد)، ماشین‌آلات و لوازم‌پدکی (۱۵/۶ درصد)، مصنوعات فلزی (۱۰/۴ درصد) و فراورده‌های شیمیایی (۷/۶ درصد) وارد کرده است. این کالاها از کشورهای امارات متحده عربی (۲۹/۶ درصد)، ژاپن (۹/۷ درصد)، هند (۹/۱ درصد)، عربستان سعودی (۵/۹ درصد)، آمریکا (۴/۴ درصد)، چین (۳/۶ درصد)، فرانسه (۳/۱ درصد) و سایر کشورها ۳۴/۶ درصد وارد شده‌اند.

صادرات: در سال ۲۰۱۳، این کشور حدود ۲۱۶۷۹ میلیون ریال عمان کالا شامل نفت خام (۵۶/۹ درصد)، گاز مایع طبیعی (۷/۷ درصد)، فراورده‌های معدنی (۵/۹ درصد) و فراورده‌های شیمیایی (۳/۷ درصد) به کشورهای امارات متحده عربی (۲۶/۲ درصد)، عربستان سعودی (۱۲/۴ درصد)، چین (۷/۹ درصد)، هند (۶/۶ درصد)، پاکستان (۳/۸ درصد)، کویت (۲/۳ درصد)، قطر (۱/۸ درصد)، ایران (۱/۷ درصد) و سایر کشورها ۳۷/۳ درصد، صادر کرده است.

ارتش: در سال ۲۰۱۴، ارتش این کشور حدود ۴۲۶۰۰ نفر نیرو در اختیار داشته که از این تعداد ۵۸/۷ درصد در نیروی زمینی و ۹/۹ درصد



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و ده شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کورک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوآموز برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد پسران برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد فناوری آموزشی

♦ رشد مدرسه زندگی ♦ رشد معلم ♦ رشد آموزش خانواده

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- ♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- ♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی
- ♦ رشد برهان متوسطه دوم

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، دانش‌جو معلمان، دانشگاه‌های وابسته و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir



سال رونق تولید

رشد برای رشد

نحوه اشتراک مجلات رشد:

الف. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.
 ب. واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سمراه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۱- ۸۸۴۹۰۲۳۳۳-۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳۳-۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳۳
 شماره شبانه: ۳۹۶۶۲۰۰۰-۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳۳-۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳۳-۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳۳-۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳۳-۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳۳

◆ عنوان مجلات در خواستی:

◆ نام و نام خانوادگی:

◆ تاریخ تولد:

◆ میزان تحصیلات:

◆ تلفن:

◆ نشانی کامل پستی:

استان: شهر ستان:

خیابان:

پلاک:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

◆ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵-۳۳۳۱

◆ تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

◆ Email: Eshterak@roshdmag.ir

◆ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۵۵۰/۰۰۰ ریال

◆ هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

در نیروی دریایی، ۱۱/۷ درصد در نیروی هوایی و ۱۵ درصد در گارد سلطنتی مشغول خدمت بوده‌اند. هزینه سرانه ارتش حدود ۲۹۸۸ دلار آمریکا بوده است.

حمل و نقل: در این کشور خطوط راه آهن وجود ندارد و طول راه های اتومبیل رو در سال ۲۰۱۲ حدود ۶۰۲۳۰ کیلومتر بوده است.

در سال ۲۰۰۸ تعداد ۴۵۳۳۶۲ دستگاه اتومبیل سواری و ۱۳۹۷۲۸ دستگاه اتوبوس و کامیون مشغول به کار بوده‌اند. در کشور عمان، ۲ فرودگاه بین المللی با پروازهای زمان بندی شده وجود دارد.

ارتباطات: در سال ۲۰۱۳، تعداد ۱۵۵۷۰۰۰ گیرنده تلویزیونی (۶۳۳ دستگاه برای هر هزار نفر)، ۳۵۱۰۰۰ خط تلفن (۹۷ خط برای هر هزار نفر)، ۵۶۱۷۰۰۰ خط تلفن همراه (۱۵۴۷ خط برای هر هزار نفر) و ۳۰۸۹۳۶۹ اشتراک اینترنت (۹۷ اشتراک برای هر هزار نفر) مورد استفاده قرار گرفته است (۲۰۱۶).

بهداشت: در سال ۲۰۱۲، تعداد پزشکان این کشور ۵۶۱۵ نفر (هر ۵۱۳ نفر یک پزشک) و ۶۱۷۹ تخت بیمارستانی (هر ۴۶۶ نفر یک تخت) وجود داشته است.

آموزش: نرخ باسوادی عمان در سال ۲۰۱۰ (افراد بالای ۱۵ سال) ۸۶/۹ درصد بوده که این میزان در میان مردان ۹۰/۲ درصد و زنان ۸۱/۸ درصد بوده است.

جدول ذیل خلاصه ای از نسبت های آموزشی دوره های تحصیلی (۲۰۱۰-۲۰۱۱) را در این کشور نشان می دهد.

دوره تحصیلی	تعداد معلمان	تعداد دانش آموزان	نسبت دانش آموز به معلم
ابتدایی	۲۵۵۷۸	۲۹۵۵۸۱	۱۱/۸
متوسطه	۲۱۷۶۸	۳۰۱۰۷۳	۱۴/۸
عالی	۴۸۳۴	۸۹۲۳۰	۱۸/۵



سواحل مکران

عکس: هانف همایی

مقام معظم رهبری:

شروع جاذبه مغناطیس حسینی، در روز اربعین است.
جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می کند و به کربلا
می کشد. این، همان مغناطیسی است که امروز هم
با گذشت قرن های متمادی، در دل من و شماست.

